

وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا  
سورہ آل عمران

# ہمسفر حج



تعلیم الاسلام رادیو  
FM 94.60  
گندھار افغانستان



شش قسمت

۱ حج و عمرہ سریع

۲ حجة الوداع

۳ آموزش اساسی حج

۴ شناسائی جنایات

۵ ادعیہ و اذکار

۶ سفر مدینہ



اتصالات  
etisalat

مؤلف:

مولوی محمد عمر خطابی

ناشر

تعلیم الاسلام رادیو

94.60FM

گندھار افغانستان

اعلانات: ۰۷۸۶۷۸۶۴۴۴ اشتراک در برنامه‌ها ۰۷۰۷۰۰۵۷۵۷ معلومات عمومی ۰۷۰۳۰۵۰۷۰۰

۰۷۹۵۰۵۰۶۰۰

وبسایت: [www.taleemulislam-radio.com](http://www.taleemulislam-radio.com)

سرچینہ: <http://www.taleemulislam-radio.com>



تعليم الاسلام راديو

FM 94.60

## همسفر حج

حج و عمره سریع ، حجة الوداع ، آموزش اصول اساسی حج و عمره ، شناسایی جنایات ، ادعیه و اذکار ، سفر مدینه .

مؤلف:

مولوي محمد عمر خطابي

ناشر:

راديو تعليم اسلام كندهار

تماس:

۰۷۰۳۰۵۰۷۰۰

لورس ایمیل:

Taleem-ul-islam@hotmail.com

---

## شناسنامه کتاب

---

نام کتاب: همسفر حج

مؤلف: مولوی محمد عمر خطابی

ناشر: رادیو تعلیم اسلام کندهار

تاریخ طبع: چاپ اول میزان سال ۱۳۹۰ مطابق شوال ۱۴۳۲

تیراژ: ۲۵۰۰ جلد

## همسفر حج

از اداره رادیو تعلیم اسلام تقدیم میشود

سفر حج و عمره را با همراهی کتاب همسفر حج انجام دهید

## فهرست

مخ	سرلیک	شماره
۱	پیش‌گفتار	۱
۵	قسمت اول: حج و عمره سریع.	۲
۵۱	قسمت دوم: حجة الوداع.	۳
۷۸	قسمت سوم: آموزش اصول اساسی حج و عمره.	۴
۱۴۴	قسمت چهارم: شناسایی جنایات.	۵
۱۸۰	قسمت پنجم: ادعیه و اذکار.	۶
۲۰۹	قسمت ششم: سفر مدینه.	۷

صفحه	عناوین	شماره	صفحه	عناوین	شماره
۲۴	حج افراد	۱۴	۵	حج و عمره سریع	۱
۲۴	احرام حج	۱۵	۵	اخلاص	۲
۲۶	آغاز سفر	۱۶	۱۰	فضیلت حج و عمره	۳
۲۶	مکه مکرمه	۱۷	۱۲	سزای حج نه کردن	۴
۲۶	طواف قدوم	۱۸	۱۴	فرضیت حج	۵
۲۸	روز هشتم	۱۹	۱۶	عمره	۶
۲۸	رفتن بسوی عرفات	۲۰	۱۶	احرام عمره	۷
۲۹	عرفات	۲۱	۱۸	طواف عمره	۸
۳۱	حرکت بسوی مزدلفه	۲۲	۱۹	شانه راست برهنه کردن	۹
۳۱	وقوف مزدلفه	۲۳	۲۰	دویدن پهلوانی	۱۰
۳۲	حرکت بسوی منی	۲۴	۲۰	نماز طواف	۱۱

همسفر حج

۳۲	جمرة عقبه	۲۵	۲۱	سعی	۱۲
۳۳	موی سر تراشیدن	۲۶	۲۳	حج	۱۳
صفحه	عناوین	شماره	صفحه	عناوین	شماره
۷۸	قسمت سوم آموزش اصول اساسی حج	۴۸	۳۴	طواف زیارت	۲۷
۷۸	فرضیت حج	۴۹	۳۵	سعی	۲۸
۸۰	شروط وجوب حج	۵۰	۳۷	روز دوم عید	۲۹
۸۲	شرایط ادای حج	۵۱	۳۸	روز سوم عید	۳۰
۸۳	تندرستی بدن	۵۲	۴۰	روز چهارم عید	۳۱
۸۹	محسوب شدن در فرض	۵۳	۴۰	طواف الصدر	۳۲
۸۹	شرایط صحت حج	۵۴	۴۲	حج تمتع	۳۳
۸۹	انواع حج	۵۵	۴۳	بحث مفصل تمتع	۳۴
۹۲	میقات	۵۶	۴۸	حج قران	۳۵
۹۶	حرم	۵۷	۵۱	قسمت دوم همسفر حج حجه الوداع	۳۶
۹۸	حل	۵۸	۵۱	اعلان سفر حج	۳۷
۹۸	احکام حل و حرم	۵۹	۵۲	آغاز سفر حج	۳۸
۱۰۱	میقات باشنده گان حرم	۶۰	۵۳	احرام بستن	۳۹
۱۰۲	میقات اهل حل	۶۱	۵۴	ورود مکه	۴۰
۱۰۳	حرمت حرم	۶۲	۵۵	آغاز طواف	۴۱
۱۰۴	احرام	۳	۵۶	آغاز سعی	۴۱
۱۱۱	رفع پابندی احرام	۶۴	۶۲	حرکت به سوی منی	۴۲
۱۱۳	طواف	۶۵	۶۹	آمدن مزدلفه	۴۳
۱۱۸	طواف پیاده میشود	۶۶	۷۱	بازگشت به منی	۴۴
۱۲۱	سعی	۶۷	۷۲	قربانی کردن	۴۵
۱۲۷	عرفات	۶۸	۷۲	پرسش های مردم	۴۶

همسفر حج

۱۳۶	مزدلفه	۶۹	۷۴	طواف زیارت	۴۷
۱۳۷	منی	۷۰			
صفحه	عناوین	شماره	صفحه	عناوین	شماره
۱۶۱	طواف قدوم	۹۵	۱۳۸	رمی جمرات	۷۱
۱۶۲	پاکی بدن و جامه	۹۶	۱۴۱	ذبح	۷۲
۱۶۲	نماز طواف	۹۷	۱۴۴	قسمت چهارم شناسایی جنایات	۷۳
۱۶۴	سعی	۹۸	۱۴۴	معذور	۷۴
۱۶۶	عرفات	۹۹	۱۴۵	مقدار صدقه	۷۵
۱۶۴	مزدلفه	۱۰۰	۱۴۶	شناسایی دم	۷۶
۱۶۵	ذبح	۱۰۱	۱۴۷	جنایات	۷۷
۱۶۶	ترتیب راتغییر دادن	۱۰۲	۱۴۸	پوشیدن جامه ممنوعه	۷۸
۱۶۷	جمرات	۱۰۳	۱۴۸	روی و سرراپنهان کردن	۷۹
۱۶۷	معذور	۱۰۴	۱۴۹	موزه پوشیدن	۸۰
۱۶۸	احصار	۱۰۵	۱۵۰	استعمال خوشبویی	۸۱
۱۷۰	حکم احصار	۱۰۶	۱۵۱	استعمال سرمه	۸۲
۱۷۱	قضاء	۱۰۷	۱۵۲	صابون و خطمی	۸۳
۱۷۱	فوت شدن حج	۱۰۸	۱۵۳	تراشیدن سر	۸۴
۱۷۲	ایصال ثواب	۱۰۹	۱۵۴	سر دیگران را تراشیدن	۸۵
۱۷۲	عوض دیگران عبادت کردن	۱۱۰	۱۵۵	گرفتن ناخن	۸۶
۱۷۴	وصیت	۱۱۱	۱۵۶	جماع کردن	۸۷
۱۷۶	حج بدل	۱۱۲	۱۵۷	دواعی جماع	۸۸
۱۷۷	شروط حج بدل	۱۱۳	۱۵۷	شکار زمینی	۸۹
۱۸۰	قسمت پنجم همسفر حج ادعیه و اذکار	۱۱۴	۱۵۸	شپش و ملخ	۹۰

۱۸۲	انواع قبولیت دعا	۱۱۵	۱۵۹	فساد کار	۹۱
۱۸۴	انواع قبول شدن دعا	۱۱۶	۱۵۹	جنایات در حین طواف	۹۲
۱۸۵	اسباب رد دعا	۱۱۷	۱۶۱	طواف الصدر	۹۴
صفحه	عناوین	شماره	صفحه	عناوین	شماره
۲۰۰	دعا به دیگران برای خود دعا است	۱۴۱	۱۸۹	دعای خوشی های دنیا و آخرت	۱۱۷
۲۰۰	اذکار ذکر افضل	۱۴۲	۱۹۰	دعای پذیرش عمل صالح	۱۱۹
۲۰۰	ذکر به دست آوردن خزانه های جنت	۱۴۳	۱۹۱	دعای بخشش و رحمت	۱۲۰
۲۰۱	ذکر دفع شر شیطان	۱۴۴	۱۹۱	دعای والدین	۱۲۱
۲۰۱	ورد صبح و شام	۱۴۵	۱۹۱	دعای اصلاح زن و اولاد	۱۲۲
۲۰۲	ذکر عام روزمره	۱۴۶	۱۹۲	دعا مغفرت برای گذشته گان	۱۲۳
۲۰۲	ذکر بیش بها نسبت به تمام دنیا	۱۴۷	۱۹۲	دعای زیادت علم	۱۲۴
۲۰۲	دریک روز هزار نیکی	۱۴۸	۱۹۲	دعای آزادی از حبس	۱۲۵
۲۰۲	درود	۱۴۹	۱۹۳	دعای حل مشکلات	۱۲۶
۲۰۳	درود افضل	۱۵۰	۱۹۳	دعای کوتاه برای خویشتن و والدین و همه ..	۱۲۷
۲۰۴	درود مختصر	۱۵۱	۱۹۳	دعای توبه کشیدن	۱۲۸
۲۰۵	ثواب درود	۱۵۲	۱۹۵	دعای برای مقاومت با دشمنان	۱۲۹
۲۰۵	بعضی از آداب دعا و اسباب پذیرش آن قرار ذیل است	۱۵۳	۱۹۵	دعای صبر در مصیبت و جنگ	۱۳۰
۲۰۷	بعضی از اوقات و جای های قبولیت دعا	۱۵۴	۱۹۵	دعای ابوبکر 	۱۳۱
۲۰۹	قسمت ششم : سفر مدینه	۱۵۵	۱۹۶	دعای پریشان و غمگین	۱۳۲
۲۱۶	مسجد نبوی	۱۵۶	۱۹۶	استعاذه و پناه جویی	۱۳۳
۲۱۸	روضه الجنة	۱۵۷	۱۹۷	دعای بازگشت از سفر	۱۳۴
۲۱۹	فضیلت مسجد نبوی	۱۵۸	۱۹۷	دعای شکست دشمن	۱۳۵
۲۲۰	قبرستان جنة البقیع	۱۵۹	۱۹۸	دعای کوتاه	۱۳۶

۲۲۱	طریقه زیارت	۱۶۰	۱۹۸	دعای اصلاح دین و دنیا	۱۳۷
۲۲۳	مسجد قبلتین	۱۶۱	۱۹۸	دنیا و آخرت در چهار کلمه	۱۳۸
۲۲۴	میدان احد	۱۶۲	۱۹۹	دعای نجات جوینی از شر	۱۳۹
۲۲۶	قیصه وفات	۱۶۳	۱۹۹	دعای دفع ضرر	۱۴۰

صفحه	عناوین	شماره	صفحه	عناوین	شماره
۲۴۴	به آواز نرم گفتگو کردن	۱۶۹	۲۳۲	یوم وفات	۱۶۴
۲۵۲	نماز جماعت	۱۷۰	۲۳۴	خطبه ابوبکر	۱۶۵
۲۵۳	ثواب نماز جماعت	۱۷۱	۲۳۷	وفات ابی بکر	۱۶۶
۲۵۵	توبه	۱۷۲	۲۳۷	وفات عمر فاروق	۱۶۷
			۲۳۹	آداب زیارت	۸۶۱

شماره های خدمات عامه

شرکت برق (شرکت الکهرباء) ۵۲۰۴۴۰۰

شرکت تصفیه آب (مصلحة المياه)

۵۹۵۳۵۳۵

میدان (المطار) ۶۸۴۲۰۰۰

ساعت گوینده (الساعة الناطقة) ۹۶۱

شماره های ایمر ایجنسی

اطفائیہ (الاطفاء) ۹۹۸

پولیس نجدہ :

(شرطة النجدة) ۹۹۹

امبولانس (الاسعاف) ۹۹۷

حوادث ترافیکی :

(حوادث المرور) ۹۹۳





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیش گفتار

الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على نبيه رحمة للعالمين و على آله و صحبه و من تبعهم باحسان الى يوم الدين و بعد :

الحمد لله نویسنده گان اسلامی کتب زیادی در باره مناسک حج تحریر کرده اند ، الله جزاء خیر نصیب شان بگرداند ، البته یک کتاب ، که هم از یک نگاه کوتاه و تصاویری از اماکن مقدسه را داشته باشد ، و هم از نگاه دیگر مدلل و مفصل باشد ، تقریباً مشتمل و حاوی بر اکثر مسائل و احکام حج و عمره باشد ، تا هم قابل استفاده عوام باشد و هم همسفر خوب حج علماء کرام باشد ، تا کنون به نظر بنده نه رسیده است ، بنا بر این ضرورت لازم دانستم ، که یک کتاب مناسک که مواصفات فوق الذکر داشته باشد بنویسم ، بتوفیق خداوند متعال تالیف این نوع اثر به زبان پشتو به اسم ( د حج بنه ملگری ) به اتمام رسید .

اینک برای هموطنان عزیز که با زبان پشتو زیاد اشنائی ندارند ترجمه ( د حج بنه ملگری ) کتاب را به زبان دری با اسم ( همسفر حج ) آغاز نمودم ، این نقطه قابل ذکر است که همسفر حج صد در صد ترجمه د حج بنه ملگری نیست بلکه همگونه و هم ردیف آن می باشد ، هر دو کتاب بلسان و عبارات جداگانه بیان گر یک مغز و محتوا می باشند ، همسفر حج طبق اصل خویش برای افاده خوب و گسترده بر شش قسمت ذیل تقسیم شده است :

- قسمت اول : حج و عمره سریع .
- قسمت دوم : حجة الوداع .
- قسمت سوم : آموزش اصول اساسی حج و عمره .
- قسمت چهارم : شناسایی جنایات .
- قسمت پنجم : ادعیه و اذکار .
- قسمت ششم : سفر مدینه .

در قسمت اول اخلاص ، فضیلت و فرضیت حج ، طریقه ادا نمودن عمره و انواع سه گانه حج یعنی حج افراد ، حج تمتع و حج قرآن ، به همان منوال و ترتیب که ادا می شود ذکر شده است ، تا خواننده گان به بسیار ساده گی و سرعت طریقه ادا کردن حج و عمره را بیاموزند .

در قسمت دوم قصه حج که رسول الله ﷺ بنفس نفیس خویش در او آخر سال دهم هجرت ادا نموده اند ، در پرتو حدیث که امام مسلم از جابر روایت کرده اند بیان شده است ، البته برای وضاحت و معلومات مزید بین قوسین ، جملات و عبارات از کتب دیگر و همچنان اضافات از روایات صحابه کرام دیگر نیز تذکر یافته است ، تا به خواندن این قسمت دلایل کافی مناسک حج به حجاج کرام معلوم شود و در پرتو آن فریضه حج را ادا کنند .

در قسمت سوم ، فرضیت حج ، مناسک حج و اماکن مقدسه مثل میقات ، احرام ، طواف ، سعی ، منی ، عرفات و مزدلفه از هر یکی بطور مفصل از دیدگاه فقهاء و نظریات اجتهادی ایشان بیان و

تذکر بعمل آمده است ، این قسمت بیان گر و تشریح کننده حجة الوداع نیز پنداشته میتوانیم ، برای اینکه آراء و نظریات اجتهادی مجتهدین در واقع از تفکر و تدبر عمیق در آیات قرآنی و احادیث نبوی که در موضوع حجة الوداع وارد گردیده است سرچشمه می گیرند و بروز می کنند .

در قسمت چهارم ، همان مشکلات و جنایات ذکر شده اند که بیشتر اوقات حجاج کرام با آن مواجه می شوند ، درین قسمت اکثر از آن جنایات تذکر بعمل آمده است که حاجی باید از آن خود داری ورزد و اگر احیانا کسی در لغزش و نادانی مرتکب یک جنایتی شود ، پس موجب کدام نوع مجازات قرار میگیرد ؟ چطور میتواند به صدقه و دم آنرا جبران نماید ؟ این تمام همان مسائل است که در قسمت شناسائی جنایات تذکر یافته است .

در قسمت پنجم اهمیت دعا ، همچنان آداب و هدایات مربوط دعا و سپس ادعیه مختصر مسنونه و قرآنی ، اذکار و فضائل درود بمع ترجمه بیان گردیده است ، تا هم در جریان ادا حج و عمره و هم در دیگر اوقات از آن استفاده شود .

در قسمت ششم از سر آغاز هجرت نبوی تا وفات و همچنان آداب و مقاصد زیارت بطور کوتاه و مختصر بیان گردیده است ، تصاویر و معلومات بعضی اماکن مقدسه را در شهر پر نور مدینه هم ارائه شده است ، در آخر توبه و ارکان توبه مختصرا به امید توبه ذکر شده است .

قبل از آغاز کتاب از تمام برادران و خواهران گرامی از روی اخوت ایمانی و خیرخواهی التماس و تقاضا داریم تا مناسک حج را

قبل از آغاز سفر حج بیاموزند ، اشخاصی زیادی دیده میشوند که در آموزش مناسک حج کسالت و تاخیر مینمایند ، ایشان فکر می کنند که معلمین حج در هر نقطه و هر جا ما را راهنمایی مینمایند ، وقتیکه سفر آغاز کنند ، نه معلم را دیده می توانند و نه خود می فهمند که چه کنند ؟ و نه هم همان فراغت خانه برایش میسر می شود ، همین طور اشخاص بسیار اوقات مرتکب اعمال می شوند که حج ایشان را فاسد می کند .

لهذا آموزش حج قبل از آغاز سفر حج یک امر لازمی است ، برای آموزش حج کتاب دست داشته تان (همسفر حج) به دقت در خانه مطالعه نمائید ، درجاییکه از فهم آن عاجز باشید ملا امام مسجد یا یک عالم دیگری را پرسید تا انرا به شما تشریح کند ، همسفر حج را بایستی در تمام سفر با خود نگاه دارید .

قابل یاد آوری است که مسایل مندرج این کتاب بیشتر از مناسک ملا علی قاری که از جمله کتابهای معتمد و مشهور مذهب حنفی شمرده می شود اخذ شده است ، اینک به کتاب همسفر حج آغاز می کنیم .  
لا حول و لا قوة الا بالله و به استعین و هو حسبی و نعم الوکیل .

## قسمت اول

### حج و عمره سریع

الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على رسوله الكريم و على آله و صحبه اجمعين و بعد : قسمت اول همسفر حج را از موضوع اهميت اخلاص آغاز می کنیم ، باین امید که الله در هر عملی صالح توفیق اخلاص نصیب فرمایند و تمام اعمال نیک مایان را از آفت ریاکاری و شهرت یابی نجات بخشند .

### اخلاص

برای پذیرش هر کاری خوب و عمل صالح در دربار الهی سه چیز ضروری است ، اگر یکی ازین سه چیز در یک کاری نیک و عمل صالح نه باشد همان عمل را الله جَبَّارًا قَبُولَ قبول ندارد و نه بر آن ثواب می دهد ، این سه چیز عبارت از ایمان ، اخلاص و عمل به طریقه اسلام می باشد .

کفار را بر اعمال خوب و صالح ایشان که در دنیا کرده اند در آخرت هیچ ثوابی داده نمی شود ، برای اینکه ایشان ایمان نه دارند . یک عبادتی که بنده از خود ایجاد و اختراع کند آن هم مردود است ، هیچ ثوابی بر آن داده نمی شود ، برای اینکه طریقه عبادت به بندگان واگذار نه شده است ، بلکه برای رهنمایی طریقه عبادت ، الله انبیاء و رسولان را ارسال کرده اند و هم کتب رانازل فرموده است ، پس هر عبادتی که مطابق هدایات قرآنی و سنن نبوی نه باشد ، بلکه یک کسی طریقه آن را از خود ساخته باشد بر آن ثواب داده نمی شود .

همچنان هر عملی صالح که بنده در آن مخلص نه باشد ، محض برای مقاصد دنیوی ، شهرت طلبی و خود نمایی انجام دهد ، بر آن هم ثواب داده نمی شود ، به سبب اینکه اخلاص برای پذیرش هر عملی صالح شرط می باشد .

الله جل جلاله در کلام مجید می فرماید :

وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا (۱۱۹ الاسراء)

ترجمه : و کسیکه از عملی صالح خویش اراده آخرت داشته باشد ، برای آخرت همان طوریکه می بایست عمل بکند و وی مومن باشد سپس اینان کسانی هستند که اعمال شان پذیرفته میشود . (پایان ترجمه)

برادران و خواهران گرامی ! حج رکن پنجم اسلام است و این عبادت هم همان وقت در دربار الهی پذیرفته میشود که به اخلاص و هم مطابق طریقه رسول الله ﷺ ادا شود .

کار های دنیوی اگر کسی به اغراض و مقاصد دنیوی می کند وبال جان نه می گردد ، ولی اگر کسی عمل صالح و یک عبادت الهی را برای مقاصد دنیوی انجام دهد ، نه تنها اینکه از ثواب محروم می شود بلکه در آخرت به عذاب و ذلت نیز رو برو می شود .  
الله جل جلاله می فرماید :

مَنْ كَانَ يَرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَذْهُورًا . (۱۸ الاسراء)

ترجمه : کسیکه به عمل صالح دنیا می طلبد ، آنرا در دنیا با اندازه که ما بخواهیم و برای کسیکه ما بخواهیم چیز مورد نظرش زود می دهیم ، و سپس بازگشتش جهنم گشتانده ایم ، به آن به حالت تقبیح شده و رانده شده داخل میشود . ( پایان ترجمه )

در دین مبین اسلام عالم ، شهید و مرد سخاوتمند مقام بلند دارند و لکن اگر عالم علم دین را برای عزت و شهرت یابی و دیگر مقاصد دنیوی فراگیرد و به دیگران تعلیم دهد ، همچنان شهید اگر جهاد برای مقاصد دنیوی انجام داده باشد ، سخی اموال خویش را برای شهرت یافتن در طرق خیر صدقه و خرچ کرده باشد ، نه تنها اینکه در آخرت از اجر و ثواب محروم می گردند بلکه به عذاب و ذلت هم روبرو می شوند .

برای اثبات این مدعا مضمون حدیث رسول پاک را که امام مسلم رحمه الله علیه از ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده است در ذیل با چند جمله آن تحریر می نمایم :

مضمون حدیث : اول کسیکه روز محشر به عذاب جهنم محکوم می گردد ، یکی شهید است ، این کس نزد خداوند متعال آورده می شود ، **اللّٰهُ جَبَلًا** انعامات و احسانات خویش را به وی یاد آوری می کند ، وی را یاد آید و به آن اعتراف می کند ، سپس **اللّٰهُ جَبَلًا** از وی می پرسد : شما در مقابل این احسانات چه عملی خوبی کرده اید ؟ وی پاسخ می دهد : در راه شما با کفار جنگیدم تا آنکه کشته شدم ، **اللّٰهُ جَبَلًا** برایش می گوید : شما دروغ گفتید ، شما بخاطر این جنگ کردید که به شما شجاع و دلیر گفته شود و به دلیری شهرت یافتی ، **ثُمَّ أَمَرَ بِهِ فَسُحِبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ حَتَّىٰ أُلْقِيَ فِي النَّارِ** ، سپس در مورد



وی حکم شود ، بر روی کشیده به سوی جهنم برده شود تا آنکه در آتش جهنم انداخته شود .

دیگر کسی است که علم دین را اموخته و به دیگران اموختانده باشد و قرآن رانیز خوانده باشد ، این عالم آورده می شود ، **اللّٰهُ جَبَلًا** انعامات و احسانات خویش را به وی یاد آوری می کند ، و به وی یاد آید و به آن اعتراف می کند ، سپس **اللّٰهُ جَبَلًا** از وی می پرسد : شما در مقابل این احسانات چه عملی خوبی انجام دادی ؟ وی پاسخ می دهد : من بخاطر خوشنودی شما دانش دینی اموختم و به دیگران اموختاندم ، قرآن رابخاطر رضا و خوشنودی شما خواندیم ، **اللّٰهُ جَبَلًا** برایش می گوید که شما دروغ گفتید ، شما به غرض اینکه به شما عالم و قاری گفته شود علم حاصل کردی و به دیگران تعلیمش دادی و قرآن را خواندی و به نام عالم و قاری در دنیا یاد شدی ، **ثُمَّ أُمِرَ بِهِ فَسُجِبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ حَتَّىٰ أُلْقِيَ فِي النَّارِ** ، سپس در مورد وی حکم شود ، بر روی کشیده به سوی جهنم برده شود تا در آتش جهنم انداخته شود .

و دیگر کسی است که سرمایه زیادی به او عطاء شده باشد ، **اللّٰهُ جَبَلًا** از هر نوع اموال به او داده باشد ، این کس آورده می شود و **اللّٰهُ جَبَلًا** تعالی نعمت های خویش را به او یاد آوری می کند و وی را یاد می آید و به آن اعتراف می کند ، سپس **اللّٰهُ جَبَلًا** از وی می پرسد : شما در بدل این نعمت های فراوان چی شکر گزاری کرده اید ؟ وی پاسخ می دهد ، که در هر راه خیر که شما در آن انفاق و صدقه کردن مال را خوش دارید ، ما در آن راه مال خویش را خرچ کرده ایم ، و هیچ راه خیر را ترک نه کرده ایم ، مگر بخاطر خوشنودی و

رضایت شما در آن خرچ کرده ایم ، الله جباراً در جوابش می گوید :  
 شما دروغ گفتید ، شما اموال خویش را درین راهای خیر بخاطر  
 شهرت یافتن خرچ کرده اید تا به جواد وسخی شهرت یابی ، به  
 سخاوتمندی در دنیا نامیده شدی ، ثُمَّ أَمَرَ بِهِ فَسُجِبَ عَلَى وَجْهِهِ حَتَّى  
 أُلْقِيَ فِي النَّارِ ، سپس در مورد وی حکم شود ، بر روی کشیده به  
 سوی جهنم برده می شود ، تا آنکه در آتش جهنم انداخته شود .

(پایان مضمون حدیث)

برادران و خواهران عزیز ! کسانی که مخلص نه باشند و اعمال  
 صالحه را برای ریا ، شهرت و دیگر اغراض و مقاصد دنیوی می  
 کنند ، به همین گونه انجام بدی مواجه می شوند که در آیت و  
 مضمون حدیث گذشته تذکر یافته است ، لهذا قبل از آغاز هر عملی  
 صالح بایستی کسی از خود بپرسد ، که بخاطر چه این کار را انجام  
 می دهم ؟ اگر کدام خرابی و خلل در نیتش باشد آن را اصلاح کند ،  
 سپس عملی صالح را آغاز کند .

شما در سطور قبلی از سر انجام شهید مطلع گشتید که در عمل نیک  
 جهاد مخلص نبوده ، اکنون سر انجام کسی را بیان می کنم ، که نه  
 جهاد کرده باشد ، نه به تیر دشمن بدنش خون آلود و زخمی شده  
 باشد بلکه بر بستر نرم جان به حق سپرده باشد ، باز هم در روز  
 محشر به عزت و مقام بلند شهداء نازیده می شود ، آیا می دانید این  
 کدام کس است ؟ به چه وجه تاج شهداء بر سرش نهاده می شود ؟  
 پاسخ این پرسش در حدیث بعدی تذکر یافته است :

رسول الله ﷺ فرموده است :

مَنْ سَأَلَ اللَّهَ الشَّهَادَةَ بِصِدْقٍ بَلَّغَهُ اللَّهُ مَنَازِلَ الشُّهَدَاءِ وَإِنْ مَاتَ عَلَى فِرَاشِهِ (رواه مسلم عن سهل بن خنيفة)

ترجمه: کسیکه از الله جبار به راستی و اخلاص طلب شهادت نماید، الله این کس را به مقام های بلند شهداء می رساند اگر چه بر بستر بمیرد. (پایان)

این نقطه قابل تفکر و عبرت است، که شهیدی که به تیر دشمن کشته شده باشد به سبب سوء نیت و عدم اخلاص به سوی جهنم به ذلت بر روی کشیده می شود و مرده بستر نرم به سبب اخلاص و صدق در سؤال شهادت به منزل بلند شهداء فائز می شود.

### فضیلت حج و عمره

در مورد فضیلت حج و عمره بسیار احادیث از رسول الله روایت شده است، اینجا ما به سه احادیث اکتفاء می کنیم. رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده است: مَنْ حَجَّ لِلَّهِ فَلَمْ يَرْفُثْ وَلَمْ يَفْسُقْ رَجَعَ كَيَوْمٍ وُلِدَتْهُ أُمُّهُ (رواه البخاری عن ابی هريرة)

ترجمه: هر کسیکه برای خوشنودی الله عز و جل حج ادا کند و از گفتار های بیهوده جماع و هم از هر نوع فسق اجتناب و خود داری کند، اینطور از گناه پاک به خانه بر می گردد چنانچه روزیکه از مادر تولد شده بود. (پایان ترجمه)

در حدیث فوق فضیلت حج ذکر شده است که به اخلاص، صرف برای خوشنودی الله عز و جل ادا شود و در جریان حج از هر نوع فحش گویی و فسق اجتناب و خود داری شود، اینطور حج سبب معافی و

بخشش همه گناه ها می گردد و حاجی همان طور از گناه پاک به خانه بر می گردد چنانچه در روز زایدن خویش از گناه پاک بود .

رسول الله ﷺ فرموده است : **تَابَعُوا بَيْنَ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ فَإِنُومًا يَنْفِيَانِ**

**الْفَقْرَ وَالذُّنُوبَ كَمَا يَنْفِي الْكَبِيرُ حَبَثَ الْحَدِيدِ وَالذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَأَيْسَ**

**لِلْحَجَّةِ الْمَبْرُورَةِ ثَوَابٌ إِلَّا الْجَنَّةَ** (رواه الترمذی عن عبد الله بن مسعود)

ترجمه : شما حج و عمره را یکی پی دیگر ادا کنید ، برای اینکه حج و عمره فقر و گناها را چنان از بین می برد مثلثیکه کوره آهنگر آلودگی و اشیاء خلط شده را از آهن ، طلا و نقره جدا می سازد ، و حج مبرور بغیر از جنت ثواب دیگری ندارد . ( پایان ترجمه )

درین حدیث دو نوع فضیلت حج و عمره ذکر شده است ، یکی فضیلت دنیوی است و دیگر فضیلت آخروی است ، فضیلت دنیوی اینست که حج و عمره فقر و مسکنت را از بین می برد ، و فضیلت آخرویش اینست که حج و عمره سبب بخشش و مغفرت گناها می گردد و حج مبرور سبب دخول جنت می گردد ، بسیاری از مردم از بیم و ترس فقر و مسکنت از ادا کردن حج و عمره ابا و خود داری می ورزد یا در ادای آن تاخیر می کند ، در حدیث فوق الذکر اطمینان داده شده که از بیم فقر و مسکنت ، حج و عمره را ترک نه کنید اگر چه در سفر حج و عمره پول مصرف شود .

یک زن انصار که کنیتش أم سِنَان بود در قافله حجة الوداع به حج نه رفته ، پیامبر از وی استفسار نمود : چرا با ما به حج نه رفتید ؟ ایشان گفتند : شوهرم دو شتر داشت ، بالای یک شتر وی و پسرش

به حج رفتند و به شتری دیگری غلام ما از چاه برای زراعت آب می کشد ، برایم کدام وسیله سفر نه مانده .

رسول الله ﷺ به او ارشاد فرمود : **فَعُمْرَةٌ فِي رَمَضَانَ تَقْضِي حَجَّةً أَوْ حَجَّةً مَعِيَ** (مسلم عن ابن عباس)

ترجمه : عمره ماه رمضان در ثواب با حج برابر می باشد ، راوی میگوید یا چنین فرمود : عمره ماه رمضان در ثواب با حج که باهمراهی ما ادا گردد برابر می باشد . (مسلم)

این بود فضیلت حج و عمره که مختصراً به خدمت تان عرض گردید ، همین وجه است که پیامبر خداوند متعال ارشاد نموده اند که شما حج و عمره را یکی پی دیگری ادا کنید یعنی در یک سفر حج ادا کنید و در دیگری عمره ادا کنید ، تا فضیلت فراوان حج و عمره را بدست بیاورید .

### سزای حج نه کردن

حج از ارکان پنجگانه اسلام است ، البته یهود و نصاری حج نمی کنند لهذا کسیکه توانایی ادا کردن حج را داشته باشد ، باز هم حج ادا نه کند بمیرد ، رسول پاک ﷺ مردن این کس را با مردن کسانی که بر یهودیت و نصرانیت می میرد یکسان شمرده است .

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است : **مَنْ مَلَكَ زَادًا وَرَاجِلَةً نُبِّلَعُهُ إِلَى بَيْتِ اللَّهِ وَلَمْ يَحُجَّ فَلَا عَلَيْهِ أَنْ يَمُوتَ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا وَذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا**

(رواه الترمذی عن علي)

ترجمه : کسیکه مالک توشه و شتر گشت که وی را به بیت الله می رساند و باز هم حج ادا نه کرد ، برایش یکسان است ، بر یهودیت می میرد یا بر نصرانیت میمرد، به سبب اینکه الله ﷻ فرموده است : برای الله ﷻ بر مردم یعنی انانیکه توانایی راه به بیت الله داشته باشند حج فرض است (ترمذی)

یعنی در آخر این آیت ذکر شده است : وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ (۱۹۷ ال عمران) و کسیکه کفر کند (زیانش به او میرسد) برای اینکه یقینا الله از تمام عالمیان غنی است ، به هیچ کسی احتیاج ندارد درین آیت کریمه حج نه کردن را به کفر تعبیر کرده است .

برادران عزیزم ! حج در تمام زندگی یکبار فرض است ، اگر کسی امسال توانایی حج بیابد و حج ادا نه کند و پس از سالها حج را ادا کند به سبب تاخیر گنهکار شمرده نمی شود ، البته هیچ کسی را از عمر باقی مانده اش خبر ندارد ، هر سال در شب نصف برات یا شب قدر تمام حوادث و امور سال آینده از لوح محفوظ نویخته می شود و به ملایکه موظف ارائه و سپرده می شود .

درین جمله ، فهرست کسانیکه در سال آینده می میرند هم به ملایکه موظف سپرده می شود ، پس که می داند که نام وی در فهرست مردگان داده شده و یا خیر ؟ لهذا می بایست ادای فریضه حج را از این سال به سال دیگری واگذار نه شود ، ازین ترس و بیم که این سال سال آخری عمرش نباشد ، چنانچه قبلا در حدیث خواندید ، که کسیکه با داشتن توانایی حج بغير حج بمیرد مرگش با مرگ یهودیت و نصرانیت یکسان است .

و در قران پاک هم کسانی که توانایی حج داشته باشند و حج ادا نه کنند این عمل شان را زجرا کفر نامیده شده چنانچه الله می فرماید :

وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ (۹۷ ال عمران)

و کسی که کفر کند یعنی حج ادا نه کند زیانش به او می رسد ، برای اینکه الله جبار از تمام عالمیان غنی است ، به عبادت هیچ کسی احتیاج نه دارد .

### فرضیت حج

حج در سال نوم هجرت فرض شده است ، البته بعضی می گویند که در سال دهم فرض شده است ، رسول الله صلی الله علیه و آله در سال نوم هجرت ابوبکر را امیر حج مقرر کرد و پیام را بدست شان داد ، تا همانجا اعلان کند ، که ازین سال به بعد نه کسی بدن برهنه بر بیت الله طواف کرده می تواند و نه به مشرکان اجازه حج داده می شود .

رسول الله صلی الله علیه و آله در سال دهم هجرت با همراهی عده زیادی از صحابه کرام فریضه حج را ادا کرد ، و این حج بنام حجة الوداع نامیده می شود ، پنج روز از ماه ذوالقعدة مانده بود ، که رسول الله صلی الله علیه و آله از مدینه به سوی مکه مکرمه سفر حج را آغاز کرد و به تاریخ چهارم ماه ذوالحجة به مکه مکرمه رسید .

به نزول ایت ذیل حج فرض شده است :

وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ (۹۷ ال عمران)

ترجمه : برای الله بر مردم یعنی بر آنانی که استطاعت راه به بیت الله

داشته باشد حج فرض است و اگر کسی کفر کند ( حج ادا نه کند زینانش به الله نمی رسد ) برای اینکه یقینا الله از همه عالمیان غنی است ( به عبادت کسی احتیاج نه دارد ) .

درین ایه مبارکه حکم ادا کردن حج ذکر شده است ، یک صحابی از رسول پاک پرسید : ایا هر سال ادا کردن حج بر مایان فرض است ؟ رسول الله جواب داد : نه خیر ، و اگر بگویم ، که هر سال فرض است ، پس هر سال بر شما فرض می شود لکن ادا کرده نمی توانید

رسول الله ﷺ بر امت خویش بسیار مشفق و مهربان بود ، مطرح کردن این گونه پرسش ها ، که سبب دشواری برای امت می شد خوش نه داشت ، ازین وجه سایل این سوال را زجر کرده و به وی ابراز کرد ، که اگر به پرسش شما پاسخ مثبت داده شود با دشواری مواجه می شوید .

در ایه گذشته بر کسانی که به بیت الله استطاعت سبیل داشته باشند حج فرض گشته است ، چنانچه فرموده است : **مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا** .

یک صحابی پرسید ، که مراد خداوند متعال از سبیل چه است که به استطاعت و توان یافتن آن حج فرض می شود ؟ رسول الله ﷺ پاسخ داد ، که سبیل عبارت از زاد و راحله می باشد ، یعنی کسیکه توشه و شتر مورد ضرورت سفر حج داشته باشد حج بالای ایشان فرض است .

در عصر حاضر مردم به وسایط ترانسپورتی مانند موتر و طیاره به مناطق دور و قریب سفرها را انجام می دهند ، در جریان سفر عموماً ناچار هستند که در هتل ها بود باش نمایند



لهذا کسیکه توان کرایه هتل و خرید مواد خوراکی در اثناء سفر و نیز کرایه وسیله ترانسپورتی بیابد ، حج بالایی شان لازم و فرض می شود .

### عمره

عمره سنت است و در تمام سال بجز پنج روز ، در شب و روز جایز است ، پنج روزیکه در آن عمره ادا نمی شود ، عبارت از روز عرفات و روز اول ، دوم ، سوم و چهارم عید قربان است ، درین روزها در شب و روز عمره نمی شود ، ادا کردن عمره درین روزها کراهیت دارد و ممنوع است .

در عمره فقط چهار چیز مد نظر گرفته میشود ، اول احرام بسته می شود ، دوم طواف کعبه صورت میگردد ، سوم سعی یعنی در بین صفا و مروا رفت و آمد می شود ، چهارم مرد موی سر خویش را میتراشد یا کوتاه می کند و زنان فقط به اندازه بند سر انگشت ، موی سر خویش را قیچی می کنند .

### احرام عمره

کسیکه می خواهد عمره را ادا کند ، قبل از همه در خانه و وطن یا میقات خویش احرام عمره را می بندد ، بغير احرام عمره شروع کرده نمی تواند .

احرام عبارت از نیت و تلبیه است ، البته قبل از احرام بدن را پاکیزه سازد ، غسل یا وضوء کند ، مرد لباس عادی خویش را از تن بکشد و لباس احرام که عبارت از دو چادر ساده است بپوشد ، زنان در لباس عادی خویش احرام می بندد ، دو رکعت نماز نفل ادا

کند ، بشرطیکه نماز نفل درین وقت جواز داشته باشد ، اگر در وقت نماز صبح یا پس از نماز عصر احرام می بندد نفل نکند ، بعد از نماز دست به دعا شود ، تا خداوند متعال این سفر را به وی اسان کند .

سپس در دل اراده و عزیمت عمره کند ، ابراز نیت به زبان هم کرده می تواند که بگوید : یا الله ! من اراده و عزم عمره کردم تو از من قبول فرمائید و برایم اسان نمائید ، از نیت به بعد مرد به آواز بلند و زن اهسته تلبیه میگوید : لَبَّيْكَ ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ ، لَا شَرِيكَ لَكَ .

کسیکه عمره می کند به زبان عربی آن را بنام معتمر یاد میکند ، مُعْتَمِرٌ به نیت و تلبیه گفتن محرم می گردد ، چنانچه پابندی های نماز بعد از نیت نماز و تکبیر تحریمه بر نماز کننده عاید می شود ، همین طور پابندی های احرام بر مُعْتَمِرٌ بعد از نیت عمره و گفتن تلبیه عاید می شود .

در حالت احرام مُعْتَمِرٌ از گرفتن ناخن و تراشیدن یا کوتاه کردن موی و خشبویی زدن ممنوع است ، همچنان شوهر و همسرش در بین خویش از روابط جنسی ، بشهوت لمس کردن و یا بوسه گرفتن ممنوع هستند ، مرد پیراهن و پای جامه پوشیده نمی تواند ، همچنان از بر سر نهادن کلاه و به پا کردن کفش هم ممنوع است ، مرد در حالت احرام سر و روی خویش را پنهان کرده نمی تواند .

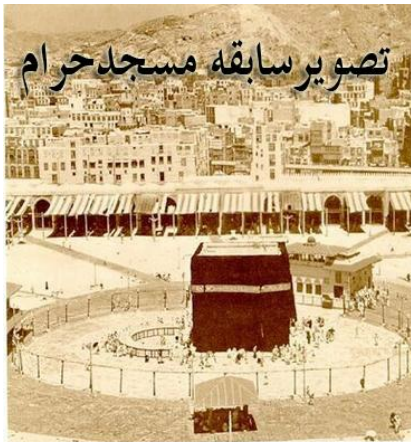
زنان در حالت احرام جامه عادی خویش می پوشند ، البته احرام زن در چهره است ، زن در حالت احرام از پنهان کردن چهره ممنوع است ، زنان جوان و پرده نشین بخاطر پرده کردن از بیگانگان می

توانند ، که بر چهره خویش یک تکه را طوری اویزان کنند ، که بر رویش پیوسته نه باشد ، بلکه از چهره اش کمی دور باشد .

زنان می توانند که در حالت حیض و نفاس احرام ببندند البته مناسک عمره را ادا کرده نمی توانند و نه به داخل مسجد حرام رفته می توانند ، ایشان باید در هتل و جای سکونت شان انتظار کشند ، وقتیکه از حیض و نفاس پاک شوند و غسل بکنند ، باز مناسک عمره یعنی طواف و سعی بین صفا و مروا را بجا آورند .

### طواف عمره

مُعْتَمِر که به مکه مکرمه برسد ، بعد از جا به جا شدن ، قبل از همه به مسجد حرام برود ، اول پای راست بداخل مسجد کند و **اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ** بگوید ،



چنانچه در دیگر مساجد هم این اداب مراعات می شود ، نظر اولش که بر کعبه بیفتد ، الله اکبر ، لا اله الا الله بگوید ، و طواف را از حجر اسود شروع کند ، مُعْتَمِر از زمانیکه احرام را ببندد تا شروع طواف هر قدریکه بتواند تلبیه بگوید ، و بمجرد که طواف را شروع کرد دیگر تلبیه گفته نمی شود .

طواف عمره و دیگر هر طواف به استلام حجر اسود شروع می شود ، اگر بغیر از کدام مزاحمت و اذیت مردم بتواند که حجر اسود را ببوسد ، حجر اسود را به اراده شروع کردن طواف ببوسد ، اگر

از ازدحام مردم این کار را نتواند انجام دهد ، دست و پا به عصا حجر اسود را مسح کند ، اگر این هم دشوار بود و سبب اذیت مردم می شد ، پس از جائیکه بتواند روبرو حجر اسود به ایستد ، و هر دو دست را به بسم الله ، الله اکبر تا شانه یا بالاتر از آن بالا کند و سپس به سوی حجر اسود پائین کند ، و روی کف دست را ببوسد ، گردش و دور طواف را شروع نماید .

قابل یاد اوری است ، که طواف بغیر نیت درست نمی شود البته مراد از نیت این است ، که در دل اراده طواف بکند ، برای نیت همین هم کفایت می کند که برای طواف کردن استلام حجر اسود می کند ، لهذا نیت طواف به زبان گفته نمی شود .

یکبار گرد کعبه دور خوردن را به عربی شوط می گوید ، هفت شوط یک طواف می شود ، و هر شوط به استلام حجر اسود شروع میشود ، در پایان شوط اخیر وقتیکه طواف به پایان می رسد هم استلام حجر اسود می شود ، طرف شمال کعبه که نیم گول دیوال است آنرا حطیم می گوید و تقریباً سه و نیم گز آن از کعبه می باشد ، حطیم هم بداخل طواف آورده میشود .

### شانه راست برهنه کردن

مرد وقتیکه طواف عمره را شروع می کند ، قبل از شروع طواف اضطباع می کند یعنی شانه راست خویش را برهنه می کند ، یک سر چادر بر شانه چپ می اندازد و سر دیگر چادر ، زیر بغل شانه راست می کشد و از



طرف سینه بالای شانه چپ می اندازد ، طریقه اضطباع در تصویر نشان داده شده است .

### دویدن پهلوانی

مرد در سه شوط اول طواف عمره رَمَل می کند یعنی قدم ها را کوتاه کوتاه و برجسته به قوت بالا می کند ، شانه ها را حرکت می دهد ، چنانچه یک پهلوان در محاذ جنگ مظاهره قوت و طاقت خود را می کند ، در چهار شوط اخیر رمل و دویدن پهلوانی نمی شود ، بلکه به رفتار عادی گرد کعبه دور می خورد ، زنان رمل نمی کنند ، بلکه با رفتار عادی تمام طواف خویش را ادا می کنند ، در اثناء طواف ذکر و هر نوع دعا به هر زبان که باشد جایز است ، البته بین رکن یمانی و حجر اسود : اللَّهُمَّ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ از رسول الله منقول است ، به حجر اسود که روبرو استاده شود ، دست چپ که کنج کعبه می آید همان را رکن یمانی می گوید .

### نماز طواف

مُعْتَمِر که از طواف فارغ شود ، دو رکعت نماز طواف بالایش واجب میگردد ، این دو رکعت اگر می توانست به قرب مقام ابراهیم ادا کند بهتر است ، اگر در مقام ابراهیم ازدحام بود یا دور طواف کننده گان تا همان جا می رسید پس جای دیگری ادا کند ، در رکعت اول قل یا ایها الکافرون و در رکعت دوم قل هو الله احد خواندن از رسول پاک منقول است ، این دو رکعت نماز پس از هر طواف واجب می شود ، اگر کسی پس از نماز عصر از طواف فارغ شود نماز طواف را قبل از مغرب ادا نکند ، چرا در اوقاتی که نماز نفل

در آن ادا نمی شود نماز طواف هم در آن اوقات ادا نمی شود ، و بعد از طواف خود را به آب زمزم خوب سیراب کند .

### سعی

در بین صفا و مروا رفت و آمد را در اصطلاح مناسک سعی می گوید ، یکبار سعی در عمره و هم در حج واجب است ، چنانچه یکبار گرد کعبه دور خوردن را شوط میگویند و هفت شوط یک طواف شمرده می شود ، همین طور سعی هم هفت شوط می باشد ، از صفا به مروا رفتن یک شوط است ، از مروا پس به صفا آمدن شوط دیگر محسوب می شود ، به همین ترتیب که هفت شوط پوره شود سعی عمره ادا می شود ، سعی از صفا آغاز و بر مروا ختم می شود .

مُعْتَمِر پس از ادای نماز طواف ، سعی عمره را بجا می آورد ، سعی هم به استلام حجر اسود آغاز میگردد ، حجر اسود را از نزدیک یا دور استلام می کند ، سپس به صفا می رود ، به صفا تا حدی بلند می شود که نظرش بر کعبه بیفتد ، روبرو کعبه استاده می شود ، سه بار تکبیر یعنی الله أكبر ، الله أكبر ، الله أكبر ، می گوید سپس کلمه توحید را میخواند یعنی :

لا إله إلا الله وحده ، لا شريك له ، له الملك وله الحمد ، يحيى ويميت ، وهو على كل شيء قدير ، لا إله إلا الله وحده ، أنجز وعده ونصر عبده وهزم الأحزاب وحده ، سپس برای خواسته های قلب شان دست ها را بلند میکند ، پس دست ها را ایله می کند تکبیر و توحید می گوید : الله أكبر ، الله أكبر ، الله أكبر ، لا إله إلا الله وحده ، لا شريك

له ، له الملك وله الحمد ، يحيى ويميت ، وهو على كل شيء قدير ، لا إله إلا الله وحده ، أنجز وعده ونصر عبده وهزم الأحزاب وحده .  
بعدا باز دست ها را بلند کرده دعا بکند ، پس از دعا باز تکبیر و توحید خوانده می شود : الله أكبر ، الله أكبر ، الله أكبر ، می گوید سپس کلمه توحید را می گوید یعنی :

لا إله إلا الله وحده ، لا شريك له ، له الملك وله الحمد ، يحيى ويميت ، وهو على كل شيء قدير ، لا إله إلا الله وحده ، أنجز وعده ونصر عبده وهزم الأحزاب وحده .

و بعدا دست بدعا می شود . همین طور سه بار تکبیر و دعا خواندن از رسول الله صلي الله عليه و سلم منقول شده است .

سپس به رفتار عادی سوی مروا پائین میآید ، در بین صفا و مروا البته قرب صفا وادی بود ، ساحه آن وادی اکنون به میل های سبز رنگ نشانی شده است ، در هر شوط بین این دو میل های سبز مرد می دود ، البته زن در بین میل ها هم رفتار عادی می کند ، وقتیکه به مروا رسید ، رو به کعبه استاده می شود ، همان دعا و تکبیریکه در صفا انجام داده بود ، در مروا هم انجام میدهد ، سپس به طرف صفا می آید ، در بین میلین مرد می شتابد ، البته زن بین میلین هم رفتار عادی می کند ، وقتیکه به صفا رسید دو شوطش پوره می شود .

به همین ترتیب هفت شوط می کند ، در بین صفا و مروا هم هر نوع ذکر ، درود و دعا خوانده می تواند ، از ابن مسعود و ابن عمر

رضی الله عنوما در بین صفا و مروا این دعا منقول است : رب اغفر وارحم إنك أنت الأعز الأكرم .

پس از سعی ، مُعْتَمِر از احرام عمره به تراشیدن موی سر یا کوتاه کردن آن خود را حلال می کند ، زن موی سر را نمی تراشد ، بلکه به اندازه بند سر انگشت ، موی تمام سر خویش را کوتاه می کند و یا کم از کم قسمت چهارمیش را کوتاه می کند .

قابل یاد آوری است ، اگر زن فقط از سر یک گیسو موی را قیچی کند حلال نمی شود ، برای اینکه موی سر گیسو با چهارم قسمت سر برابر نمی باشد ، به سر تراشیدن یا کوتاه کردن تمام پابندی های احرام از بین می رود و عمره به پایان می رسد ، تقبل الله منی و منکم صالح الاعمال .

## حج

حج موسم خاصی دارد که انرا اشهر الحج می گوید ، اشهر الحج عبارت از شوال ، ذوالقعدة و ده روز ذوالحجة می باشد ، در حج سه چیز فرض است ، احرام ، وقوف عرفه و طواف زیارت ، اگر یکی ازین سه چیز بجا آورده نه شود حج نمی شود ، درین سه فرایض احرام شرط است و دو دیگری یعنی وقوف عرفات و طواف زیارت ارکان حج است .

حج به سه قسم ادا می شود ، افراد ، تمتع و قران ، کسیکه حج افراد می کند به آن مُفْرَد گفته می شود ، کسیکه حج تمتع می کند آن را مُتْمَع گویند و کسیکه حج قران را ادا می کند آن را قارن می گویند



قبل از همه طریقه حج افراد را بیان می کنم ، سپس حج تمتع و بعد از همه طریقه حج قرآن را بیان می کنم .

در تعریف تمتع و قرآن مختصرا گفته می توانیم ، که در موسم حج به احرام جداگانه اول عمره و سپس حج افراد کردن را تمتع گویند ، و به یک احرام اول عمره و سپس حج کردن را قرآن می گویند ، و اینک به ترتیب حج افراد شروع می کنم .

## حج افراد

### احرام حج

قبل از احرام می بایست مرد و زن بدن خود را پاکیزه و نظافت کامل حاصل کند ، ناخن بگیرد ، زیر ناف و زیر بغل را صفا کند ، غسل یا وضوء بکند ، غسل احرام برای نظافت است ، لهذا زن که در حالت حیض یا نفاس احرام می بندد آن هم غسل کند ، مرد لباس احرام بپوشد ، و بدن خویش را معطر و خوشبو سازد ، زن جامه عادی پاکیزه را بپوشد البته زن از عطر و خوشبویی اجتناب و خود داری کند ، برای زن در هیچ حالت جایز نیست که خود را بیرون از خانه در بین بیگانگان معطر سازد .

دو رکعت نماز نفل را بخواند ، البته در اوقات مکروهه نفل نمی شود ، بعد از نماز دست بدعا شود که خداوند متعال این سفر را برایش آسان کند و هم توفیق دهد تا به طریق احسن فریضه حج را ادا بتواند ، سپس در دل اراده و عزم ادا کردن حج افراد بکند ، و به زبان هم اراده حج را اظهار کرده می تواند مثلا به زبان هم بگوید : یا الله ! ما اراده و عزم حج کرده ایم تو این حج را از من قبول

گردان و برایم اسان کن ، سپس از نیت مرد به آواز بلند و زن آهسته تلبیه میگوید :

لَبَّيْكَ ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنَّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ ، لَا شَرِيكَ لَكَ .

همین دو چیز را یعنی اراده کردن حج و سپس تلبیه گفتن را احرام می گوید ، احرام هم برای عمره و هم برای حج شرط است ، چنانچه نماز بغیر وضوء نمی شود ، همین طور حج و عمره بغیر احرام نمی شود ، دو چادری سفید را که احرام گفته می شود ، او بخاطر اینست که محرم در حالت احرام همین طور لباس پوشیده می تواند ، ولی به پوشیدن این جامه کسی محرم نمی گردد ، برای اینکه احرام عبارت از نیت و تلبیه می باشد .

به هر کس این مسئله روشن است که بیرون از نماز ، رفتن ، گفتن ، خوردن و اشامیدن جایز است ، ولی اگر کسی نیت نماز کند و سپس تکبیر تحریمه بگوید ، از این تمام کارها ممنوع می شود ، تا وقتی که سلام می گرداند یکی ازین کارها را هم کرده نمی تواند ، احرام حج و عمره هم مثل نماز پابندی های دارد ، این پابندی ها وقتی بر محرم عاید می شود که نیت حج یا عمره بکند و سپس آن تلبیه بگوید : لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنَّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ ، لَا شَرِيكَ لَكَ .

محرم باید بعد از احرام از تمام ممنوعات احرام اجتناب و خود داری کند ، و قتیکه بعد از ادا کردن مناسک حج موی سر را بتراشد ، یا کوتاه کند این همه پابندی های از وی دور می شود ، این هم باید بخاطر داشته باشید ، که اگر بی وقت یعنی قبل از ادای مناسک

کسی موی سر خویش را بتراشد یا کوتاه کند باین حلق و قصر پابندی های احرام از وی دور نمی شود بلکه بی وقت حلق یا قصر کردن خود یک جنایت است .

### آغاز سفر

بعد از احرام ، سفر حج آغاز می شود ، هر قدریکه حاجی بتواند تلبیه را بکثرت بخواند ، بالخصوص در اوقاتی که حالات تغییر می یابد مثلا از نشستن برخیزد ، به موتر سوار شود یا از موتر پایین شود ، رو به نشیب یا بلندی حرکت کند ، در هر چنین حالت کم از کم یکبار تلبیه مرد با آواز بلند و زن آهسته بخواند ، تلبیه خواندن برای محرم از جمله بهترین اذکار است .

### مکه مکرمه

حاجی صاحب که به مکه مکرمه برسد ، بعد از جا بجا کردن سامان خویش به مسجد حرام می رود ، آدابی که در دیگر مساجد مراعات میشود ، همان آداب در مسجد حرام هم باید مراعات گردد ، مثلا اول پای راست را درون مسجد داخل کند و : **اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ** بگوید ، اول نظرش که بر کعبه مشرفه بیفتد الله اکبر ، لا اله الا الله بگوید ، و بعدا طواف را از حجر اسود آغاز نماید ، این طواف را طواف قدوم یا طواف اللقاء میگویند ، طواف قدوم برای حاجی مفرد سنت است .

### طواف قدوم

حاجی مفرد که به مکه مکرمه برسد ، اول کاریکه از مناسک حج را ادا می کند طواف قدوم است ، در حج طواف های گوناگون است

یعنی فرض ، واجب ، سنت و مستحب ، ولی طریقه تمام طواف ها باهم یکی است ، صرف به نیت و یا زمانیکه در آن ادا می شود یکی از دیگری شناخته می شود ، لهذا طواف قدوم هم به طریقه طواف عمره ادا می شود .

البته اگر سعی یعنی صفا و مروا را بعد از طواف زیارت ادا می کرد ، در طواف قدوم اضطباع و رمل نمی شود ، اضطباع و رمل قبلا در باب عمره تشریح شده ، طواف قدوم هم به استلام حجر اسود شروع می شود ، اگر حجر اسود را از نزدیک مسح کرده نتوانست ، از دور رویرو حجر اسود می ایستند و به گفتن بسم الله و الله اکبر ، هر دو دست را تا شانه یا بالاتر از آن بالا می کند ، طواف را آغاز می کند ، هفت بار گرد کعبه به رفتار عادی دور می خورد ، در هر شوط استلام حجر اسود می کند ، در اخیر شوط هفتم نیز استلام می شود و طواف قدوم به پایان می رسد .

بعد از طواف دو رکعت نماز واجب طواف ادا می شود ، اگر در قرب مقام ابراهیم از دحام نه بود ، همان جا رو به کعبه نماز طواف ادا می شود ، و نه جای دیگری هم کرده می تواند ، در اوقاتی که نماز نفل در آن ممنوع و کراهیت داشته باشد ، در همان اوقات نماز طواف هم ادا نمی شود ، بعد از طواف آب زمزم را بنوشد و بالای سر هم بریزد ، حاجی مفرد بعد از طواف قدوم در مکه مکرمه می ماند ، حاجی مفرد عمره کرده نمی تواند ، البته هر وقت که بتواند و دلش خواست ، طواف های نفلی کرده می تواند ، و بعد از هر طواف دو رکعت نماز ادا می شود ، برای مسافر از هر کار دیگر طواف افضل است ، لهذا طواف ها را بکثرت به جا آورد .

## روز هشتم

### حرکت به سوی منی

روز هشتم ماه ذوالحجة را یوم الترویة می گویند ، حاجی مفرد بعد از طواف قدوم تا روز هشتم ذوالحجة در حالت احرام در مکه مکرمه می ماند ، یوم الترویة یعنی روز هشتم ذوالحجة تمام حجاج بعد از نماز صبح به سوی منی حرکت می کنند .

نماز پیشین ، عصر ، مغرب و نماز خفتن روزی هشتم را در منی می



گزارد ، شب را هم در منی سپری میکنند ، فردا روز نوم ذوالحجة که یوم عرفات است نماز صبح را در منی ادا می کنند ، بعد از طلوع افتاب تمام حجاج از منی بسوی عرفات می روند .

### رفتن بسوی عرفات

روز نوم ذوالحجة بعد از طلوع افتاب تمام حجاج از منی بسوی عرفات از طریق مزدلفه روان می شوند ، و قبل از زوال خود را به میدان وسیع عرفات می رسانند ، عرفات در سمت شرقی مکه مکرمه موقعیت دارد .



در نقشه گذشته مواقع منی ، مزدلفه و عرفات نشان داده شده است .  
 کسانیکه پیاده رفته می توانند و جایگاه خویش را در عرفات یافته  
 می توانند ، برای آنان پیاده رفتن به عرفات از موثر راحت تر است  
 ، کسانیکه پیاده می روند آنان نشان ها و لوحه های طریق مشاة  
 یعنی راه پیاده گان را تعقیب کنند .

### عرفات

وقوف عرفات مهم ترین رکن حج است ، به روز نوم ذوالحجة تمام  
 حجاج قبل از زوال به میدان عرفات داخل می شوند و در کیمپ  
 های خویش انتظار می کشند ، پس از زوال وقت وقوف عرفات  
 شروع می شود .

البته بعد از زوال قبل از همه نماز پیشین و هم نماز عصر در وقت  
 پیشین به یک آذان و دو اقامت با جماعت ادا می شود ، در بین نماز  
 پیشین و نماز عصر سنت و نفل نمی شود ، پس از ادای نماز پیشین

و نماز عصر و قوف عرفات شروع می شود ، تمام عرفات جای



و قوف است ، البته رسول  
الله نزدیک جبل الرحمة  
جایکه سنگ های کلان  
است و قوف کرده است .

به خاطر داشته باشید که  
جبل الرحمة را بالا نشوید  
بلکه پائین از آن و قوف  
نمائید .

تمام حجاج تا غروب افتاب در عرفات و قوف می کنند ، یعنی در  
عرفات رو به قبله استاده یا نشسته ، دست به دعا زاری و گریه می  
کنند ، توبه و استغفار می کنند ، درود و اذکار می خوانند ، تلبیه و  
تکبیر می خوانند .

از رسول الله روایت شده است که بهتر از همه ادعیه که ما و انبیاء  
که قبل از ما گذشته اند در میدان عرفات خوانده اند این است :

لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك، وله الحمد ، يحيى ويميت  
، وهو حي لا يموت بيده الخير، وهو على كل شئ قدير .

این وقت و جای قبول دعا است ، رب العالمین به بنده گان خویش که  
در میدان عرفات از جاهای دور و دراز آمده اند به ملایکه افتخار  
می کند ، الله در روز عرفات از هر روزی دیگر جهنمیان و  
مستحقین عذاب را از جهنم آزاد می کند .

## حرکت بسوی مزدلفه

در روز عرفات بعد از غروب افتاب تمام حجاج بسوی مزدلفه روانه می شوند ، نماز مغرب نه در عرفات و نه در راه جای دیگری ادا می شود ، بلکه در وقت نماز خفتن در مزدلفه ادا میشود ، حجاج که به مزدلفه برسند و وقت نماز خفتن داخل شود ، اول سه رکعت نماز مغرب را ادا می نمایند ، سپس نماز خفتن را ادا می کنند در بین نماز مغرب و نماز خفتن سنت و نفل ادا نمی شود ، هر دو نماز به یک آذان و دو اقامت ادا میگردد ، پس از ادای نماز ، شب را در داخل حدود مزدلفه هر جا که باشد میگذرانند ، گذراندن این شب در مزدلفه سنت است .

## وقوف مزدلفه

وقوف مزدلفه از واجبات حج است ، بعد از گذشتن شب و قتیکه صبح صادق در افق شرقی نمودار شود نماز صبح بالکل در اول وقت صبح وقت تر ادا می شود ، بعد از نماز تا و قتیکه افتاب طلوع نکرده باشد وقت وقوف مزدلفه است .

پس از نماز صبح تمام حجاج بر جبل قزح یعنی مشعر حرام که فعلا مسجد مزدلفه است و یا جای دیگری در مزدلفه ، دست بدعا استاده می شوند ، تکبیر ، تحمید ، توحید ، تلبیه و اذکار دیگری را می خوانند ، همین هم وقت و جای قبول دعا و توبه است ، هر دو دست به شکل دعا دراز کند ، به گریه و فریاد هر حاجتی که داشته باشد از



ارحم الراحمین بطلبد ، مهمتر از همه طلب رضای رب العالمین و دخول جنة الفردوس و همچنان نجات از آتش جهنم است .

### حرکت بسوی منی

وقوف مزدلفه در صبح روز اول عید قربان از واجبات حج است ، پس از نماز صبح تا وقتیکه روشنی صبح زیاد میشود وقوف ادامه می یابد ، وقتیکه روشنی زیاد شود پیش از طلوع افتاب تمام حجاج به طرف منی میروند ، از وادی محسر اگر توان داشته باشد بزودی خارج می شود ، وادی محسر حد فاصل بین منی و مزدلفه است ، البته بنا بر قول راجح از بخش منی شمرده می شود .

حجاج می توانند از مزدلفه یا از جای دیگری سنگ ریزه ها را برای جمرات باخود بگیرند ، البته سنگریزه های که یکبار در جمرات استعمال کرده اند بار دیگر استعمال نکنند ، در روز اول به هفت سنگریزه ضرورت میباشد و در باقی ایام برای هر روز به بیست و یک سنگریزه ضرورت پیدا میشود .

### جَمْرَة عَقَبَة

منی بین کوهها یک دره دور و دراز است ، به شرق و غرب طول



کشیده است ، به طرف شرق به مزدلفه وصل شده است ، به طرف غرب با مکه مکرمه پیوست است ، در طرف غربی اش بعد از مسجد خیف سه نشان های

زمینی بشکل میل ها یکی پی دیگر ایستاده است ، این میل ها را جمرات گفته میشود .

اکنون به سبب ازدحام حجاج جمرات را به چند منزل بلند نموده اند ، در منزل بالا شکل جمرات همین طور است که در تصویر مشاهده می کنید .

از طرف مسجد خیف به سوی قبله نشان اول را جمره صغری ، دوم را جمره وسطی و سوم را جمره عقبه می گوید ، جمره عقبه حد فاصل بین منی و مکه مکرمه است ، بعضی آن را در بخش منی و بعضی دیگر آن را در ساحه مکه مکرمه می شمارد ، حجاج در روز اول عید بعد از برآمدن افتاب تنها جمره عقبه را به هفت سنگریزه ها یکی پی دیگری سنگسار می کنند .

حجاج که از مزدلفه به منی بازگشتند اول چیزیکه انجام می دهند سنگسار کردن جمره عقبه است ، هر سنگ به گفتن الله اکبر بسوی جمره پرتاب می شود ، و با پرتاب سنگ اول به سوی جمره تلبیه به پایان می رسد ، ازین به بعد تلبیه گفته نمی شود .

### موی سر تراشیدن

حاجی مفرد پس از سنگسار کردن جمره عقبه موی سر را می تراشد و یا کوتاه می کند ، البته زن حلق کرده نمی تواند ، بلکه به اندازه بند سر انگشت موی سر را از تمام سر خویش قیچی می کند و یا کم از کم از چهارم قسمت سر موی را کوتاه و قیچی می کند .

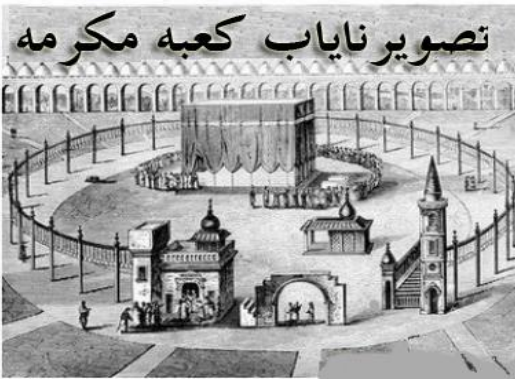
حاجی مفرد اگر می خواست که قربانی کند ، اول قربانی را ذبح کند پس حلق یا قصر کند ، هر حیوانیکه در اضحیه ذبح آن جواز داشته باشد همان حیوان در هدی یعنی قربانی حج هم جواز دارد .

حاجی مفرد که موی سر را بتراشد و یا کوتاه کرد از تمام پابندی های که از جهت احرام بر وی عاید شده بود آزاد می شود ، بعد از حلق کالای عادی خویش را پوشیده می تواند ، ناخن گرفته می تواند ، استعمال عطر و خوشبویی برایش جایز می شود ، البته یک پابندی بجای خویش باقی می ماند ، آن جماع و یا به لذت بوسه و لمس کردن شوهر و همسرش در بین خود است ، هر وقت که طواف زیارت را ادا کرد این پابندی هم از بین می رود .

### طواف زیارت

در حج عده از طواف ها ادا می شود ، ازین جمله یک طواف قدوم است ، حاجی مفرد بمجردیکه به مکه مکرمه برسد طواف قدوم را بجا می آورد ، طواف قدوم سنت است چنانچه قبلا ذکر شد .

طواف دوم که حاجی مفرد در جمله مناسک حج بجا می آرد طواف زیارت است ، طواف زیارت فرض است و بعد از عرفات رکن دوم



حج است ، طواف زیارت در روز اول عید قربان بعد از جمره عقبه و تراشیدن سر ادا می شود ، طواف زیارت به روز دوم و سوم هم بغیر کدام جرمانه بالاتفاق ادا می

شود ، و همچنان در ساعات شب و روز درین ایام فرق ندارد .

طواف زیارت هم مثل طواف قدوم و دیگر طواف های نفلی هر شوطش به استلام حجر اسود شروع می شود و به استلام حجر اسود اختتام می یابد ، بعد از طواف زیارت دو رکعت نماز طواف ادا می شود ، سپس اب زمزم اشامیده می شود .

پیشتر خوانده بودید که در هر طواف که بعد از آن سعی می شود رمل و اضطباع می شود ، مثلیکه در طواف عمره می شود .

لهذا در طواف زیارت هم در سه شوط اولش رمل یعنی دویدن پهلوانی می شود ، شانه را مثل پهلوانان حرکت می دهد و قدم ها را کوتا و برجسته بالا می کند ، برای اینکه بعد از طواف زیارت سعی حج ادا می شود ، البته در طواف زیارت اضطباع نمی شود بخاطر اینکه طواف زیارت در لباس عادی ادا می شود و اضطباع در لباس احرام کرده می تواند .

### سعی

سعی یعنی رفت و آمد بین صفا و مروا در حج واجب است ، حاجی مفرد بعد از طواف زیارت سعی می کند ، سعی به استلام حجر اسود شروع می شود ، اگر بحجر اسود به سبب ازدحام او اذیت مردم رسیده گی نمی توانیست ، از دور روبرو حجر اسود استاده می شود ، هر دو دست را تا شانه یا بالاتر از آن بگفتن بسم الله و الله اکبر بالا می برد ، سپس بطرف حجر اسود پائین می آرد ، از طرف کف آن را می بوسد ، ازین به بعد به طرف صفا می رود ، سعی هفت شوط است ، از صفا به مروا رفتن یک شوط شمرده می

شود ، و از مروا واپس به صفا آمدن شوط دیگر شمرده می شود ،  
باین ترتیب سعی از صفا شروع می شود و بر مروا ختم میگردد .  
هر باریکه به صفا و مروا بالا می شود رو به کعبه استاده می شود  
، الله أكبر ، الله أكبر ، الله أكبر ، لا إله إلا الله وحده ، لا شريك له ،  
له الملك وله الحمد يحيى ويميت ، وهو على كل شيء قدير ، لا إله  
إلا الله وحده ، أنجز وعده ونصر عبده ، وهزم الأحزاب وحده ، گفته  
می شود .

سپس دعای خواسته قلب شان با بلند کردن دستان خویش میطلبد ،  
بعداً دستان خویش را بحالت عادی برمیگرداند ، بار دوم تکبیر و  
توحید یعنی :

الله أكبر ، الله أكبر ، الله أكبر ، لا إله إلا الله وحده لا شريك له له  
الملك وله الحمد يحيى ويميت وهو على كل شيء قدير لا إله إلا الله  
وحده أنجز وعده ونصر عبده وهزم الأحزاب وحده .

می گوید ، بعدا باز دستان را بالا کرده دعا بکند ، پس از دعا بار  
سوم تکبیر و توحید خوانده می شود :

الله أكبر ، الله أكبر ، الله أكبر ، لا إله إلا الله وحده لا شريك له له  
الملك وله الحمد يحيى ويميت وهو على كل شيء قدير لا إله إلا الله  
وحده أنجز وعده ونصر عبده وهزم الأحزاب وحده .

و بعدا بار سوم دستان بدعا بلند کند همین طور سه بار تکبیرات و  
کلمه توحید را گفتن و سپس آن دعا خواندن از رسول الله منقول شده  
است .

در بین صفا و مروا رفتن و آمدن بحالت عادی اجراء میگردد. البته در بین میلیون سبز که ساحه وادی است مرد می شتابد ، در بین صفا و مروا هم هر نوع ذکر درود و دعا خوانده می تواند .



البته از ابن مسعود و ابن عمر در بین صفا و مروا این دعا منقول است : رب اغفر وارحم إنك أنت الأعز الأكرم "

حاجی مفرد سعی حج بعد از طواف قدوم هم کرده می تواند ، اگر پس از طواف قدوم سعی نه کرد و بعد از آن خواست که سعی را قبل از ایام منی بجا آورد ، این کار را هم انجام داده میتواند البته بشرطیکه اول طواف نفلی بکند و بعد از طواف نفلی سعی حج را ادا کند ، برای اینکه سعی وقتی صحت می یابد که بعد از طواف بجا آورده شود .

اگر حاجی مفرد سعی حج را قبل از ایام منی بجا آورده بود در طواف زیارت رمل نمی کند ، بلکه در همه شوط هایش رفتار عادی می کند

## روز دوم عید

حاجی مفرد بعد از طواف زیارت و سعی صفا و مروا به منی بر میگردد ، این شب ها در منی می گزارد ، روز دوم عید بعد از زوال ، جمرات سه گانه را هر یکی به هفت هفت سنگریزه رجم می کند ، نقشه جدید منازل جمرات در تصویر ذیل مشاهده کنید :



در روز دوم ، سوم ، همچنان  
در روز چهارم عید جمرات  
پس از زوال سنگسار می  
شود ، روز دوم پس از زوال  
نخست جمره صغری یعنی  
خورد به هفت سنگریزه رجم  
می شود ، هر سنگ به گفتن  
الله اکبر سوی جمره پرتاب

می شود ، بعد از رجم جمره خورد یک اندازه به سوی قبله پیش می  
رود ، آن جا برای دعا خواستن می ایستد ، دست ها را به دعا بلند  
میکند ، این هم وقت و جای قبولیت دعا است .

بعد از دعا رو بطرف قبله رود جمره وسطی یعنی میانه را به هفت  
سنگریزه رجم می کند ، هر سنگریزه به گفتن الله اکبر به سوی  
جمره پرتاب می نماید ، سپس یک اندازه به جهت قبله پیش می رود  
و می ایستد ، دستان برای دعا بلند میشود .

پس از دعا بسوی قبله پیش می رود به جمره عقبه خود را می  
رساند ، جمره عقبه را هم به هفت سنگریزه رجم می کند ، بعد از  
رجم جمره عقبه برای دعا نمی ایستد ، بلکه واپس به کیمپ و یا  
جای دیگری بر می گردد .

### روز سوم عید

روز سوم عید مثل روز دوم عید بعد از زوال به ترتیب و طریقه  
روز دوم عید هر سه جمرات رجم و سنگسار می شود ، پس از  
جمره صغری و وسطی برای دعا ایستاده می شود ، هر نوع دعا که

یاد داشته باشد ، به هر زبان که باشد ، به دل و زبان در حالت اشک باران از خداوند متعال بطلبد ، البته بعد از جمره العقبة برای دعا ایستاده نمی شود .

قابل ذکر است که روز اول تنها جمره عقبه رجم می شود و وقت مختارش بعد از طلوع افتاب است ، البته بعد از صبح صادق هم جواز دارد ، اگر کسی جمره عقبه را از طرف روز رجم نه کرد در شب آینده هم تا آخر شب رجم کرده می تواند .

روز دوم هر سه جمرات بعد از زوال تا آخر شب رجم می شود ، همچنان روز سوم هر سه جمرات بعد از زوال افتاب تا آخر شب آینده رجم شود .

روزه ، زکات ، حج و دیگر عبادات و احکام شرعی به حساب ماه قمری ادا می شود ، در حساب قمری شب از روز مقدم است یعنی امشب به فردا تعلق دارد ، البته در موسم حج مناسک امروز در شب آینده ادا شده می تواند .

بطور مثال اگر کسی نتوانیست به روز عرفات خود را به عرفات برساند ، این کس اگر پس از غروب افتاب تا آخر شب یکبار به عرفات داخل شود حج اش درست می شود ، حکم جمرات هم همین طور است ، اگر کسی به روز دوم یا سوم عید جمرات سه گانه را از طرف روز رجم نه کرد ، می تواند که جمرات هر روز را در شب آینده قبل از صبح صادق سنگسار کند .



## روز چهارم عید

رجم روز چهارم اختیاری است ، هر کس روز سوم بعد از رجم جمرات اختیار دارد به مکه مکرمه می رود ، یا در منی می ماند ، تا فردا روز چهارم هم هر سه جمرات را رجم کند .



کسیکه که اراده رجم روز چهارم را نه داشته باشد بایستی روز سوم قبل از غروب افتاب از منی خارج شود ، بخاطر اینکه بعد از غروب

افتاب از منی رفتن کراهیت دارد ، اگر کسی شب در منی بگذراند صبح صادق شود ، پس رجم روز چهارم هم بالایش واجب می شود .

رجم روز چهارم عمل تقوا است ، کسانیکه روز چهارم هم در منی می مانند اینان مثل روز دوم و سوم هر سه جمرات را بعد از زوال افتاب سنگسار می کنند ، البته روز چهارم وقت رجم کردن تا غروب افتاب است ، در روز چهارم پس از غروب افتاب وقت رجم ختم می شود ، حتی قضاء آن را هم بجا آورده نمیتواند .

## طواف الصدر

حجاج بعد از رمی جمرات بعضی به روز سوم عید ، بعضی به روز چهارم عید پس به مکه مکرمه برمیگردند ، در میان راه جویبار هموار است بنام محصب نامیده می شود ، رسول الله ﷺ وقتیکه از

منی به مکه برگشت در محصب توقف کرد ، و از آن جا طواف صدر کرد ، پس از طواف الصدر به مدینه منوره برگشت .

لهذا در محصب توقف کردن مستحب است ، البته اکنون از جهت ازدحام و توسعه آبادی شهر توقف محصب مشکل به نظر می رسد .

حجاج پس از ایام منی در مکه مکرمه سکونت می ورزند ، هر وقت که بخواهند طواف نفل کرده می توانند ، از مناسک حج فقط یک طواف الصدر که آن هم از واجبات حج است باقی می ماند ، وقتیکه حاجی به خانه یا شهری دیگر از مکه مکرمه بر می گردد ، یک طواف در لباس عادی خویش به نیت طواف الصدر بجا آرد ، این طواف را طواف الوداع و طواف رخصت هم میگویند .

طواف الصدر تنها بر آفاقی واجب است ، حجاج که از خود مکه مکرمه و یا از مناطق حل مثل جده می باشند بر ایشان طواف الصدر نیست .

بعد از طواف الصدر دو رکعت نماز می شود ، اگر کسی بعد از طواف زیارت طواف نفل کرد و بعدا بغیر طواف الصدر از مکه مکرمه خارج شود ، همان طواف نفل بجای طواف الصدر شمرده می شود ، از زن به سبب حیض و نفاس طواف الصدر ساقط می شود ، یعنی زن اگر به سبب حیض یا نفاس طواف الصدر نتوانست ادا کند و نوبت رفتن اش فرا رسید ، این زن بغیر از طواف الصدر رفته می تواند .

## حج تمتع

در صفحات گذشته خوانده اید ، که حج به سه طریقه ادا می شود ، افراد ، تمتع و قران ، پیشتر که طریقه حج مطالعه نمودید آن طریقه حج افراد بود ، حالا طریقه حج تمتع را بیان می کنیم ، کسیکه حج تمتع را ادا می کند آن شخص را به عربی مُتَمَتِّع می گوید .

تمتع به دو شکل ادا می شود یکی آنکه قربانی همراه خود ببرد ، در عصر حاضر اتفاق یافتن این طریقه از جهت مشکلات ترانسپورته حیوانات نادر است ، لهذا درین کتاب ما شکل دوم تمتع را بیان می کنیم .

پیشتر طریقه عمره و حج افراد را مختصرا بیان نمودیم ، اگر آن را به دقت مطالعه کرده باشید طریقه تمتع را به اسانی یاد کرده می توانید .

به الفاظ مختصر متمتع کسی را می گوید که در موسم حج در احرام عمره به مکه مکرمه می اید ، برای عمره طواف و سعی می کند ، و سپس به حلق یا قصر خود را از احرام حلال می سازد ، بتاریخ هشت ذوالحجه که آن را یوم الترویة می گویند یا قبل از آن احرام حج را از مکه مکرمه می بندد ، مناسک که مفرد بجا می آورد متمتع هم به همین گونه مناسک حج را ادا مینماید .

متمتع در دو جا از مفرد فرق دارد ، یکی اینکه متمتع که احرام حج را ببندد طواف قدوم نمی کند ، دیگر اینکه بر متمتع بعد از رمی جمره العقبه قربانی واجب است .

## بحث مفصل تمتع

برای آگاهی خواننده گان طریقه تمتع را مفصل تر بیان می کنیم ،  
متمتع در موسم حج یعنی در ماه شوال یا ذوالقعدة یا ذوالحجة در  
احرام عمره به مکه مکرمه می آید ، برای عمره طواف می کند ،  
پس از طواف دو رکعت نماز طواف را ادا می کند ، سپس به اراده  
سعی استلام حجر اسود را ادا میکند ، باز به صفا بلند می شود و  
سعی را از صفا شروع می کند ، بعد از سعی موی سر را می  
تراشد یا کوتاه می کند ، تا از احرام عمره خود را حلال کند .

ازین به بعد متمتع در مکه مکرمه سکونت می ورزد ، هر وقت که  
خواست طواف نفل کرده می تواند ، برای پردیس و مسافر از همه  
کارها طواف بهتر است .

لهذا تا تاوان خویش طواف نفل را به کثرت ادا کند ، روز هشتم ماه  
ذوالحجة که یوم الترویة مینامد ، متمتع در خود حرم مکه احرام حج  
را می بندد ، برای متمتع



طواف قدوم نیست ، برای  
اینکه متمتع در جمله باشندگان  
خودی مکه محسوب می گردد

متمتع قبل از یوم الترویة هم  
احرام حج بسته کرده می تواند  
، روز هشتم پس از نماز صبح

متمتع و تمام حجاج به منی روان می شوند ، نماز پیشین را به منی  
ادا می کنند ، شب را در منی می گذرانند ، فردا که یوم عرفه است

پس از ادای نماز صبح هنگامیکه افتاب بر آمد ، از منی به سوی عرفات روانه میگردد .

در عرفات پس از زوال اول نماز پیشین را و عقبش متصلا نماز



عصر را بجماعت ادا می

کنند ، پس از ادای نماز

پیشین و نماز عصر وقت

وقوف عرفات شروع می

شود ، تمام حجاج تا

غروب افتاب در عرفات

می مانند .

تلبیه ، تکبیر ، ادعیه و

اذکار را می خوانند ، پس از غروب افتاب به مزدلفه بر می گردند .

نماز مغرب نه در عرفات و نه در راه جای دیگری ادا میشود ،

وقتیکه به مزدلفه برسند و وقت نماز خفتن داخل شود ، اول نماز

مغرب و پس نماز خفتن ادا می شود ، برای هر نماز اقامت جداگانه

می شود ، البته برای هر دو نماز یک آذان خوانده میشود ، در بین

نماز مغرب و نماز عشاء سنت و دیگر نوافل ادا نمی شود .

شب استراحت می کنند ، فردا بعد از صبح صادق ، نماز صبح

بالکل در وقت اول ادا می شود ، و وقوف مزدلفه که از واجبات حج

است شروع میگردد ، تلبیه ، تکبیر ، دعا و فریاد صورت میگیرد ،

تمام حجاج اندکی قبل از بر آمدن افتاب به طرف منی حرکت می

کنند .

متمتع در منی این روز یعنی روز اول عید سه عملی را یکی پی دیگری بجا می آورد ، اولاً جمرة عقبه را بعد از طلوع افتاب به هفت سنگریزه رجم می کند ، دوم پس از رمی قربانی می کند ، متمتع باید گوسفند یا بز ذبح کند ، یا حد اقل در حصه هفتم گاو یا شتر اشتراک ورزد .

در قربانی حج آن حیوانی پذیرفته می شود که از نگاه سن و تندرستی دارای شرایط اضحیه باشد ، قربانی بالای متمتع واجب است .

سوم پس از قربانی متمتع موی سر را می تراشد یا کوتاه می کند ، زن باندازه بند سر انگشت ، موی تمام سر یا لا اقل از حصه چهارم اش قیچی می کند ، به حلق یا قصر تمام پابندی های احرام برداشته میشود ، البته پابندی جماع و دواعی اش بجا میماند .

پس از حلق یا قصر ناخن میگیرد ، نظافت حاصل میکند ، و لباس عادی خویش میپوشد ، پس به مکه مکرمه میرود طواف زیارت که رکن دوم حج است بجا میآورد .

طواف زیارت هم مثل دیگر طواف ها به استلام حجر اسود شروع و ختم می شود ، در آخرش دو رکعت نماز ادا می شود ، اگر سعی حج را قبل از طواف زیارت بجا نه آورده باشد ، در سه شوط اول طواف زیارت رمل یعنی دویدن پهلوانی میشود ، پس از ادای طواف زیارت پابندی باقی مانده احرام هم برداشته میشود .

بعد از طواف زیارت برای سعی استلام حجر اسود میشود ، از کوه صفا سعی را شروع میکند ، سعی هفت شوط است ، از صفا به

مروا رفتن یک شوط ، از مروا واپس به صفا آمدن شوط دیگر محسوب میشود .

مردمان در بین میل های سبز میدوند ، حجاج هر دفعه بالای صفا و مروا رخ قبله میشوند ، سه بار تکبیرات و کلمه توحید میگویند ، بعد از هر بار تکبیرات و کلمه توحید دست را برای خواندن دعا بلند میکنند .

برای سعی حج وقت مسنون این است که بعد از طواف زیارت بجا آورده شود ، و لاکن پیش از روزهای منی هم ادا می شود .

متمتع اگر صفا و مروا را قبل از ایام منی بجا میآورد ، بعد از بسته کردن احرام حج ، طواف نفل ادا کند و سپس سعی بجا آورد ، برای اینکه سعی موقعی درست میشود که بعد از طواف ادا شود .

متمتع بعد از طواف زیارت و سعی به منی میرود ، شب های عید در منی گزاراندن مسنون است ، فردا یعنی روز دوم عید پس از زوال جمرات سه گانه رجم میشود .

اول جمره خورد به هفت سنگریزه ها رجم می شود ، بعد از رجم کردنش اندکی طرف قبله

میرود دست ها را برای خواندن دعا بلند مینمایند ، پس بهمین طریقه جمره میانه رجم می شود ، و آخر جمره عقبه را رجم می کند ، البته بعد از



رمی آن برای دعا توقف نمی کند .

به روز سوم هم مثل روز دوم جمرات سه گانه بترتیب قبلی پس از زوال سنگسار می شود ، هر سنگ سوی جمره به الله اکبر گفتن پرتاب می شود ، در تصویر ذیل جمرات را که در حالت اعمار بود از چت منزل اول مشاهده می‌توانید :

روز سوم که از رجم جمرات فراغت حاصل شود ، حجاج اختیار دارند به مکه مکرمه میروند ، یا عمل اهل تقوا را اجرا میکنند یعنی روز چهارم هم در منی برای رجم جمرات می مانند ، روز چهارم هم پس از زوال جمرات سه گانه به ترتیب که قبلاً ذکر شد رجم می شود ، البته در روز چهارم وقت آن تا غروب افتاب است .

کسانیکه اراده روز چهارم نداشته باشند آن بایستی روز سوم پیش از غروب افتاب از ساحه منی خارج شوند ، بعد از غروب افتاب از منی بدر رفتن کراهیت دارد ، اگر شب هم در منی بماند صبح صادق شد پس بالایش رمی جمرات روز چهارم هم واجب می شود

متمتع روز سوم یا چهارم از منی به مکه مکرمه میرود ، تمام مناسک حج اش بغیر از طواف الصدر به پایان رسید ، در مکه مکرمه هر وقت که خواسته باشد نفلی طواف کرده می تواند ، هر وقت که از مکه مکرمه میرفت طواف الصدر را بکند ، از کعبه پر نور رخصت شود .

حج تمتع نزد ائمه ما از حج افراد بهتر است ، البته کسانیکه در خود مکه مکرمه یا در مناطق حل سکونت پذیر هستند ایشان حج تمتع و حج قرآن کرده نمی توانند .



## حج قران

قسم سوم حج قران است ، کسی که حج قران می کند آن را قارن میگویند ، حج قران نزد ائمه ما از تمتع هم بهتر است .

در مورد افراد و تمتع در صفحات گذشته تفصیل داده شد ، اینجا به بحث زیادی ضرورتی نیست ، در مورد قران مختصرا عرض میکنیم که در موسم حج از میقات یا پیش از میقات در یک وقت احرام حج و عمره بسته نمودن را قران میگویند .

آداب و طریقه احرام عمره و تمتع و قران یکسان است ، البته تنها در نیت یکی از دیگری متفاوت است .

قارن در دل نیت بجا آوردن عمره و حج را میکند ، و الفاظ نیت بر زبان هم گفته می تواند ، مثلا بگوید : یا الله ! ما اراده و عزم حج و عمره را کرده ایم تو آنها برایم اسان کن و آنها از نزد من بپذیرید .

و سپس آن تلبیه میگوید : **لَبَّيْكَ ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ ، لَبَّيْكَ لَنَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنَّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ ، لَنَا شَرِيكَ لَكَ .**

به نیت و تلبیه گفتن محرم گشت ، قارن که به مکه مکرمه برسد اول برای عمره طواف میکند ، پس از طواف سعی میکند ، به طواف و سعی نمودن عمره اش ادا می شود ، البته قارن پس از ادای عمره موی سر را نمی تراشد و نه کوتاه کرده می تواند ، برای اینکه قارن به یک احرام عمره و حج هر دو را ادا می کند .

قارن پس از طواف و سعی عمره مناسک حج را بجا می آورد ، شروع آنها از طواف قدوم می مینماید ، یعنی پس از ادای عمره یک

طواف به اراده طواف قدوم مینماید ، طواف قدوم برای مفرد و قارن سنت است .

قارن پس از طواف قدوم در مکه مکرمه در حالت احرام می ماند ، هر وقت که خواسته باشد نفلی طواف کرده میتواند ، یوم الترویة یعنی روز هشتم ذوالحجة قارن هم مثل دیگر حجاج به منی میرود ، شب در منی میگذراند ، فردا بعد از بر آمدن آفتاب به عرفات می رود ، پس از غروب آفتاب از عرفات به مزدلفه برمیگردد ، فردا صبح بعد از وقوف مزدلفه به منی باز می گردد ، در منی جمره عقبه را سنگسار می کند ، سپس از آن قربانی می کند ، قربانی بر قارن واجب است ، پس از قربانی حلق یا قصر می کند .

کسی که توانایی قربانی نه داشته باشد ، آن بجای قربانی ده روز روزه بگیرد ، سه روزه قبل از یوم عید بگیرد یعنی روز هفتم ، هشتم و نهم ذوالحجة یا قبل از آن روزه بگیرد ، و هفت روزه بعد از ادای حج بگیرد ، حکم متمتع هم مثل قارن است ، متمتع اگر توانائی قربانی نداشت او هم ده روز روزه بگیرد .

متمتع و قارن اگر پیش از روز اول عید سه روزه را گرفته نبود پس به هر صورت قربانی بالایش لازم می باشد ، قارن که بجای قربانی روزه گرفته باشد آن بعد از رمی جمره عقبه حلق یا قصر می کند .

پس از حلق یا قصر طواف زیارت و سعی می کند ، پس از سعی واپس به منی می رود ، روز دوم ، سوم همچنان اگر می خواست روز چهارم جمرات سه گانه را هر روز بعد از زوال رجم میکند .

پس از ایام منی به مکه مکرمه بر می‌گردد ، هر وقتیکه از مکه می  
رود طواف الصدر می کند ، پس از ادای طواف الصدر مناسک حج  
قارن هم به پایان میرسد .  
تقبل الله منی و منکم صالح الاعمال .

## قسمت دوم همسفر حج

### حجة الوداع

در قسمت دوم همسفر حج کیسه حجة الوداع یعنی آن حج که رسول الله ﷺ در سال دهم هجرت با همراهی تعداد فراوان از صحابه کرام ادا نموده است بیان میشود .

در مورد حجة الوداع امام مسلم رحمته الله علیه از جابر رضی الله عنه حدیث طولانی و مفصل را نقل کرده است ، اینجا همان حدیث را جمله به جمله ترجمه میکنیم ، همچنان برای وضاحت و معلومات اضافی جملات که در دیگر کتب از جابر رضی الله عنه در مورد حجة الوداع روایت شده است در بین قوسین همان جمله با ترجمه و حواله کتاب ذکر میکنیم ، علاوه از این بعضی روایات از دیگر صحابه کرام را هم برای شما نقل میکنیم .

### ( اعلان سفر حج )

حدیث طویل حجة الوداع امام جعفر رحمته الله علیه از پدر خویش محمد الباقر رحمته الله علیه روایت کرده است ، محمد الباقر رحمته الله علیه میگوید : ما با همراهی چند نفر دیگر نزد جابر رضی الله عنه رفتیم ، وی درین زمان بچشم نابینا گشته بود ، از یکی پی دیگر استفسار نمود ، بالآخره نوبت برای من رسید ، وقتیکه خود را برایش معرفی کردم ، که ما محمد بن علی بن حسین هستیم ، مرا گفت :

برادر زاده ام خوش آمدید ! هر چه که میخواهید بپرس ، ما گفتم که کیسه حجة الوداع برایم بیان کنید ، جابر به اشاره نه انگشت نشان

داد و گفتم : إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَكَثَ تِسْعَ سِنِينَ لَمْ يَحُجَّ ثُمَّ أَذِنَ فِي النَّاسِ فِي الْعَاشِرَةِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَاجٌّ

که رسول الله ﷺ نو سال در مدینه بسر برد ، حج را ادا نه کرد ، در سال دهم در بین مردم اعلان کرد ، که رسول الله ﷺ حج میکند

فَقَدِمَ الْمَدِينَةَ بَشْرًا كَثِيرًا كُلُّهُمْ يَلْتَمِسُ أَنْ يَأْتَمَّ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَيَعْمَلَ مِثْلَ عَمَلِهِ

پس به مدینه بسیاری از مردم آمدند ، هر کسی در تلاش آن بود که در ادای حج به رسول الله اقتداء کند ، و مثل عملش عمل بکنند .

( آغاز سفر حج )

فَخَرَجْنَا مَعَهُ حَتَّى أَتَيْنَا ذَا الْحُلَيْفَةِ .

پس ما باهمراهی شان از مدینه به ذوالحلیفه آمدیم .

فَوَلَدَتْ أَسْمَاءُ بِنْتُ عُمَيْسٍ مُحَمَّدَ بْنَ أَبِي بَكْرٍ فَأَرْسَلَتْ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَيْفَ أَصْنَعُ .

محمد پسر ابی بکر از اسماء بنت عمیس تولد یافت ، اسماء به رسول الله ﷺ نفر فرستاد که از آنجناب دریافت کند که ما چه کنیم ؟

قَالَ اغْتَسِلِي وَاسْتَنْفِرِي بِثَوْبٍ وَأَحْرَمِي :

رسول الله ﷺ فرمود : غسل کنید ، و یک تکه برای جلو گیری خون بر خود بپیچانید و احرام را بندید ،

**فَصَلَّى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي الْمَسْجِدِ :**

پس رسول الله ﷺ در مسجد ذوالحلیفه نماز خواند ،

**ثُمَّ رَكِبَ الْقِصْوَاءَ حَتَّى إِذَا اسْتَوَتْ بِهِ نَافِثُهُ عَلَى الْبَيْدَاءِ :**

پس بر شتر خویش که قصوا مینامید سوار شد ، و قتیکه شترش در دشت آنجناب را بالا کرد ،

**نَظَرْتُ إِلَى مَدِّ بَصْرِي بَيْنَ يَدَيْهِ مِنْ رَاكِبٍ وَمَاشٍ وَعَنْ يَمِينِهِ مِثْلَ ذَلِكَ وَعَنْ يَسَارِهِ مِثْلَ ذَلِكَ وَمِنْ خَلْفِهِ مِثْلَ ذَلِكَ :**

تا جایکه نظرم می رسید پیش و پس وی ، راست و چپ وی کسی سوار و کسی پیاده همراه اش بودند

**وَرَسُولُ اللَّهِ ﷺ بَيْنَ أَظْهُرِنَا وَعَلَيْهِ يَنْزِلُ الْقُرْآنُ وَهُوَ يَعْرِفُ تَأْوِيلَهُ وَمَا عَمِلَ بِهِ مِنْ شَيْءٍ عَمَلْنَا بِهِ :**

رسول الله ﷺ در بین ما بود ، و بالایش قرآن نازل میشد ، و مرادش را می فهمید ، رسول الله ﷺ که به چیزی عمل کرده است ما هم به آن عمل میکنیم

**( احرام بستن )**

**فَأَهْلٌ بِالتَّوْحِيدِ :** پس احرام را به توحید یعنی تلبیه ببست ،

**لَبَّيْكَ ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ ، لَبَّيْكَ لَأِ شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنَّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ ، لَأِ شَرِيكَ لَكَ ،**

حاضر هستیم ، یا الله ! حاضر هستیم ، حاضر هستیم ، هیچ شریک  
نه دارید ، حاضر هستیم ، یقیناً که ستایش و نعمت ها از شما است ،  
و همچنان سلطنت از شما است ، شما هیچ شریک ندارید ،  
وَأَهْلَ النَّاسُ بِهَذَا الَّذِي يَهْلُونَ بِهِ :

و بعضی از مردم طوریکه تلبیه میگویند به همان طور تلبیه گفتن  
احرام را ببستند ،

فَلَمْ يَرُدُّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلَيْهِمْ شَيْئًا مِنْهُ :

رسول الله ﷺ از تلبیه ایشان چیزی را هم رد نه کرد ،

وَلَزِمَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ تَلْبِيئَهُ :

و رسول الله ﷺ تلبیه خویش را تا آخر می خواند ،

قَالَ جَابِرٌ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ لَسْنَا نَتَوَى إِلَّا الْحَجَّ :

جابر گفت : ما غیر از حج اراده چیزی دیگر نداشتیم ،

لَسْنَا نَعْرِفُ الْعُمْرَةَ

ما در ایام حج عمره را نمیدانستیم ،

( ورود مکه )

حَتَّى إِذَا أَتَيْنَا الْبَيْتَ مَعَهُ

تا که همراه اش به بیت الله آمدیم ،

( صبح رابعة مضت من ذی الحجة ، مسلم ، ابوداود و غیرهما :

صبح روز چهارم ذوالحلیفه )

( أتى النبي ﷺ باب المسجد فأناخ راحلته ثم دخل المسجد ، ابن خزيمة و الحاكم : نبي صلى الله عليه وسلم به در مسجد حرام آمد و شتر گنده زد ، ایشان از شتر پیاده شد و سپس به مسجد داخل شدند )

### ( آغاز طواف )

اسْتَلَمَ الرُّكْنَ فَرَمَلَ ثَلَاثًا وَمَشَى أَرْبَعًا

رسول الله استلام حجر اسود را ادا کرد و در سه شوط اول طواف رمل نمود ، و در چهار شوط آخر به رفتار عادی گرد کعبه طواف نمود .

( عن عَبْدِ اللَّهِ بْنِ السَّائِبِ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ ﷺ يَقُولُ مَا بَيْنَ الرُّكْنَيْنِ

{ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ } رواه ابوداود )

عبد الله بن السائب میگوید : که ما از رسول الله ﷺ شنیدیم ، که در طواف بین رکن یمانی و حجر اسود : رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ، میگفت )  
ثُمَّ نَفَذَ إِلَى مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَرَأَ :

پس از طواف به مقام ابراهیم رفت و این ایه را تلاوت کرد :

{ وَاتَّخِذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى }

برخی از مقام ابراهیم را جای نماز بگردانید ،



( ورفِعَ صَوْتَهُ يَسْمَعُ النَّاسَ ، النَّسَائِيُّ : و صدا را بلند کرد تا بمردم بشنواند

### فَجَعَلَ الْمَقَامَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْبَيْتِ

مقام ابراهیم را بین خویش و بین کعبه بیآورد ،

فَكَانَ أَبِي يَقُولُ وَلَا أَعْلَمُهُ ذَكَرَهُ إِلَّا عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ  
كَانَ يَقْرَأُ فِي الرَّكْعَتَيْنِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَقُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ :

جعفر میگوید : که پدرم محمد الباقر میگفت ، و باور ما این است که  
از رسول الله حکایت میکرد ، که رسول الله در دو رکعت نماز  
طواف در رکعت اول قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ و در رکعت دوم قُلْ هُوَ  
اللَّهُ أَحَدٌ ، را تلاوت میکرد ،

( ثم ذهب إلى زمزم فشرِبَ مِنْهَا وَصَبَ عَلَى رَأْسِهِ ، أَحْمَدُ ) پس  
بزمزم رفت و از آن آب را اشامید و بالای سر هم ریخت )

### ( آغاز سعی )

ثُمَّ رَجَعَ إِلَى الرُّكْنِ فَاسْتَلَمَهُ :

پس به حجر اسود رفت و استلام آن را ادا کرد

ثُمَّ خَرَجَ مِنَ الْبَابِ إِلَى الصَّفَا فَلَمَّا دَنَا مِنَ الصَّفَا قَرَأَ

پس از در صفا به صفا رفت ، به صفا که نزدیک شد این آیت را  
تلاوت کرد :

{ إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ }

یقیناً صفا و مروا از شعایر یعنی از چیزهای شناخت دین الله است ،

أَبْدَأُ بِمَا بَدَأَ اللَّهُ بِهِ فَبَدَأُ بِالصَّافَا فَرَقِي عَلَيْهِ حَتَّى رَأَى الْبَيْتَ :

از انجا سعی شروع میکنیم که الله نامش در آیت اول ذکر کرده است ، پس به صفا تا حدی بالا شد که کعبه را دید ،

اسْتَقْبَلَ الْقِبْلَةَ فَوَحَّدَ اللَّهَ وَكَبَّرَهُ :

رو به قبله ایستاده شد و کلمه توحید و تکبیر را بگفت ،

( ثلاثا ، النسائی و احمد : سه بار )

و ( حمده ، النسائی و ابن ماجه : و ستایش الله را بگفت )

وَقَالَ : و گفت :

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعْدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ

بغیر از الله هیچ معبود دیگری نیست ، او یکی است ، هیچ شریک ندارد ، سلطنت هم ازو است ، و ستایش تمام هم او را است ، و او بر هر چیز قدرت دارد ، بغیر از الله هیچ معبود دیگری نیست ، او یکی است ، وعده خویش را پوره کرده ، و مدد بنده خویش را بکرد ، و تمام احزاب را با تنهایی شکست داد ،

( یحیی ویمیت ، النسائی و ابن ماجه ) در روایت نسایی و ابن ماجه

پس از و له الحمد ، یحیی ویمیت هم آمده است )

ثُمَّ دَعَا بَيْنَ ذَلِكَ قَالَ مِثْلَ هَذَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ :

پس در بین آن دعا کرد و سه بار همین طور کرد ،

**حَتَّىٰ إِذَا انْصَبَّتْ قَدَمَاهُ فِي بَطْنِ الْوَادِي سَعَىٰ :**

به رفتار عادی طرف مروا پائین آمد وقتیکه در نشیب وادی می گذشت شتابید ،

**حَتَّىٰ إِذَا صَعِدْتَا مَشَىٰ :** تا وقتیکه از وادی بالا رفت پس به رفتار عادی میرفت ،

**حَتَّىٰ أَتَى الْمَرْوَةَ:**

تا به مروا آمد ،

**فَفَعَلَ عَلَى الْمَرْوَةِ كَمَا فَعَلَ عَلَى الصَّفَا**

عملی را که در صفا اجراء کرده بود در مروا هم اجراء کرد .

**حَتَّىٰ إِذَا كَانَ آخِرَ طَوَافِهِ عَلَى الْمَرْوَةِ فَقَالَ :**

سعی کرد تا وقتیکه شوط آخرش بر مروا شد گفت :

**لَوْ أَنِّي اسْتَقْبَلْتُ مِنْ أَمْرِي مَا اسْتَدْبَرْتُ لَمْ أَسْقُ الْهَدْيَ :**

اگر من کار خویش را چنانچه در آخر دانستم در اول می دانیستیم قربانی باخود نمی آوردیم ،

**وَجَعَلْتُهَا عُمْرَةً:**

این طواف و سعی را عمره میگشتانیدیم ، یعنی بخلق یا قصر خود را از احرام حلال مینمودیم

**فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ لَيْسَ مَعَهُ هَدْيٌ فَلْيَحِلِّ وَلْيَجْعَلْهَا عُمْرَةً :**

پس هر کسیکه از شما باخود هدی یعنی قربانی نیاورده باشد آن کس خود را از احرام حلال سازد ، طواف و سعی که کرده است آنرا عمره بگرداند ،

( وفى رواية لمسلم : فقال : أحلوا من إحرامكم فطوفوا بالبيت وبين الصفا والمروة وقصروا وأقيموا جلالا حتى إذا كان يوم التروية فأهلوا بالحج واجعلوا التي قدمتم بها متعة )

در روایت دیگر مسلم آمده است که رسول الله ﷺ فرمود : از احرام خود را حلال کنید ، پس برای حلال کردن برکعبه طواف ادا نمایید ، در بین صفا و مروا سعی کنید ، موی سر را کوتاه نمایید ، و بعدا در مکه حلال یعنی بغیر احرام تا روز هشتم ذوالحجة بمانید ، پس بروز هشتم احرام حج را ببندید ، و به عمره که قبلا آورده اید حج خویش را تمتع بگردانید ،

فَقَامَ سُرَاقَةُ بْنُ مَالِكِ بْنِ جُعْثَمٍ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَلْعَامَنِي هَذَا أَمْ لَأَبَدٍ

پس سُرَاقَةُ بْنُ مَالِكِ بْنِ جُعْثَمٍ بایست و پرسید : یا رسول الله ! این کار فقط امسال برای مایان جواز یافت یا برای همیشه حکم همین طور است ،

فَشَبَّكَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَصَابِعَهُ وَاحِدَةً فِي الْأُخْرَى وَقَالَ.

رسول الله ﷺ انگشت ها را یکی در دیگری بینداخت و گفت :

دَخَلَتْ الْعُمْرَةَ فِي الْحَجِّ مَرَّتَيْنِ لَأَبَدٍ لَأَبَدٍ أَبَدٍ :

در حج عمره کردن نه تنها برای امسال است بلکه برای همیشه داخل شده است ، یعنی عمره در ماهای حج برای افاقی هر وقت جواز یافت

( قال جابر : فأمرنا إذا جئنا أن نهدى ويجتمع النفر منى فى الهدية ، مسلم ، احمد ) جابر رضي الله عنه گفت : که رسول الله مایان را امر کردند که برای حلال شدن قربانی کنیم ، وچند نفر در قربانی شریک شوند ( كل سبعة منى فى بدنة ، احمد : هفت نفر ما در یک شتر شراکت ورزد )

( فمن لم يكن معه هدى فليصم ثلاثة أيام وسبعة إذا رجع إلى أهله : مالك و البيهقي : اگر با کسی توان قربانی نباشد او سه روزه بگیرد ، و هفت روزه را هنگامیکه به خانه برگردد بگیرد )

وَقَدِمَ عَلَىٰ مِنَ الْيَمَنِ بَبْدُنَ النَّبِيِّ ﷺ

و علی رضي الله عنه از یمن هدایا نبی الله را با خود آورد ،

فَوَجَدَ فَاطِمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا مِمَّنْ حَلَّ وَلَبَسَتْ ثِيَابًا صَبِيغًا وَاکْتَحَلَتْ:

فاطمه را در کسانی دید که ایشان خود را حلال ساخته بودند ، همچنان فاطمه لباس رنگ شده را پوشیده و چشم را سرمه کرده بود

أُنْكَرَ ذَلِكَ عَلَيْهَا :

علی رضي الله عنه را این کار نامشروع و ناپسند آمد ،

فَقَالَتْ إِنَّ أَبِي أَمَرَنِي بِهَذَا :

فاطمه برایش گفت : که پدرم به همین کار مرا امر فرموده اند ،

قال : محمد باقر گفت :

فَكَانَ عَلَى يَفُولٍ بِالْعِرَاقِ فَذَهَبَتْ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ  
مُحَرِّشًا عَلَى فَاطِمَةَ لِذِي صَنَعَتْ

علی رضی اللہ عنہ در عراق میگفت : من نزد رسول الله ﷺ رفتم ، تا وی  
را بر ضد فاطمه بر انگیزانم ، بخاطر همین کاریکه فاطمه کرده بود

مُسْتَفْتِيًا لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ فِيمَا ذَكَرْتَ عَنْهُ :

و هم در مورد آنکه فاطمه از رسول پاک یاد میکرد پرسش نمایم .

فَأَخْبَرْتَهُ أَنِّي أَنْكَرْتُ ذَلِكَ عَلَيْهَا

رسول الله ﷺ را خبر کردیم که من حلال شدن فاطمه را کار درست  
نه پنداشتم و آنرا رد کردیم .

فَقَالَ صَدَقْتَ صَدَقْتَ :

رسول الله برایم گفت : فاطمه درست گفته ، درست گفته ،

مَاذَا قُلْتَ حِينَ فَرَضْتَ الْحَجَّ :

رسول الله از من پرسید : شما که احرام می بستید چه گفتید ؟

قَالَ قُلْتُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَهْلٌ بِمَا أَهْلٌ بِهِ رَسُولُكَ :

علی رضی الله عنه گفت : که همین گفتیم : که یا الله ! ما احرام آن  
چیز را بسته می نمایم که رسول شما احرام آن کرده است ،

قَالَ فَإِنَّ مَعِيَ الْهَدْيَ فَلَا تَحِلُّ :

رسول الله گفت : ما همراه خویش قربانی آورده ایم ، پس شما هم خود را از احرام حلال نسازید ،

قَالَ فَكَانَ جَمَاعَةً الْهَدَى الَّذِي قَدِمَ بِهِ عَلَيَّ مِنَ الْيَمَنِ وَالَّذِي أَتَى بِهِ النَّبِيُّ ﷺ مِائَةً :

جابر رضي الله عنه گفت : مجموعه هدایا که علی رضي الله عنه از یمن آورده بود و هم آن قربانی هایکه که رسول الله باخود ( از مدینه ) آورده بودند صد شتر بود ،

قَالَ فَحَلَّ النَّاسُ كُلَّهُمْ وَقَصَرُوا إِلَّا النَّبِيَّ ﷺ وَمَنْ كَانَ مَعَهُ هَدَى :

جابر رضي الله عنه گفت : تمام مردم خود را از احرام حلال کردند ، و موی سر را کوتاه کردند ، بغیر نبی صلی الله علیه و آله و کسانیکه قربانی باخود آورده بودند

( حرکت به سوی منی )

فَلَمَّا كَانَ يَوْمَ التَّرْوِيَةِ :

وقتیکه روز هشتم ذوالحجة فرا رسید ،

( ثم دخل رسول الله صلى الله عليه وسلم على عائشة رضي الله عنها فوجدتها تبكي فقال : ما شأنك ؟ قالت : شأنى أنى قد حضت وقد حل الناس ولم أحل ولم أطف بالبیت والناس يذهبون إلى الحج الآن فقال : إن هذا أمر كتبه الله على بنات آدم فاغتسلى ثم أهلى بالحج ، ابوداود :

(پس رسول الله ﷺ نزد عایشه رفت ، عایشه گریه مینمود ، رسول الله پرسید : چرا گریه میکنید ؟ عایشه گفت : حیض یعنی ماهواری ما بروز کرد ، مردم خود را از احرام حلال ساختند ، و ما خود را تا حال حلال نه کرده ایم ، و نه بر کعبه طواف کرده ایم ، مردم اکنون سوی حج یعنی به عرفات می روند ،

رسول الله ﷺ جواب داد : این کاری است که الله برای تمام دختران آدم لازم کرده است ، پس شما غسل کنید ، سپس احرام حج را ببندید

وَرَكِبَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَصَلَّى بِهَا الظُّهْرَ وَالْعَصْرَ  
وَالْمَغْرِبَ وَالْعِشَاءَ وَالْفَجْرَ:

رسول الله ﷺ بر ناقه خویش سوار شد نماز پیشین ، عصر ، مغرب ، خفتن و فردا صبح را در منی ادا نمود ،

ثُمَّ مَكَثَ قَلِيلًا حَتَّى طَلَعَتِ الشَّمْسُ

پس اندکی انتظار کشید که افتاب برآمد ،

وَأَمَرَ بِقُبَّةٍ مِنْ شَعَرٍ تُضْرَبُ لَهُ بِنَمْرَةٍ

و حکم فرمودند تا خیمه خورد که از پشم بز ساخته شده بود در نمره  
برایش ترتیب نمایند ،

فَسَارَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَلَا تَشْكُ فُرَيْشٌ إِلَّا أَنَّهُ وَقِفٌ  
عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ:



پس رسول الله ﷺ حرکت کرد و قریش باور داشتند که رسول الله در مشعر حرام یعنی مزدلفه وقوف میکند ،  
كَمَا كَانَتْ قُرَيْشٌ تُصْنَعُ فِي الْجَاهِلِيَّةِ :

چنانچه قریش در زمان جاهلیت عادت داشتند یعنی از مزدلفه به عرفات بیرون نمی شدند ،

فَأَجَازَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَتَّى أَتَى عَرَفَةَ:  
رسول الله ﷺ از مزدلفه گذشتند تا به عرفات آمد ،

فَوَجَدَ الْفُبَّةَ قَدْ ضُرِبَتْ لَهُ بِنَمْرَةٍ :

همانجا در نمره خیمه را دریافت نمود که برایش استاده شده بود ،

فَنَزَلَ بِهَا حَتَّى إِذَا زَاغَتِ الشَّمْسُ أَمَرَ بِالْقُصَوَاءِ فَرُحِلَتْ لَهُ

همان جا پائین شد ، وقتیکه افتاب زوال کرد ، حکم کرد که قصوا شترش آماده ساخته شود ،

فَأَتَى بَطْنَ الْوَادِي فَخَطَبَ النَّاسَ وَقَالَ :

پس در میان وادی آمد و به مردم خطبه داد گفت :

إِنَّ دِمَاءَكُمْ وَأَمْوَالَكُمْ حَرَامٌ عَلَيْكُمْ كَحُرْمَةِ يَوْمِكُمْ هَذَا فِي شَهْرِكُمْ هَذَا فِي بَلَدِكُمْ هَذَا :

یقینا که خون و مال شما اینطور قابل احترام است (باید به ناحق غارت و ریخته نشود ) چنانچه همین روز، در همین ماه ، در همین شهر به شما قابل احترام است ،

أَلَا كُلُّ شَيْءٍ مِنْ أَمْرِ الْجَاهِلِيَّةِ تَحْتَ قَدَمِي مَوْضُوعٌ وَدِمَاءُ الْجَاهِلِيَّةِ مَوْضُوعَةٌ :

آگاه باشید ! هر چیزی از کارهای جاهلیت زیر پای من از بین برد  
خون ریخته شده دور جاهلیت هدر گشت مکافات نمی شود .

وَإِنَّ أَوَّلَ دَمٍ أُضْعُ مِنْ دِمَائِنَا دَمُ ابْنِ رَبِيعَةَ بْنِ الْحَارِثِ كَانَ مُسْتَرَضِعًا  
فِي بَنِي سَعْدٍ فَقَتَلْتُهُ هُذَيْلٌ ،

و خون اولیکه که ما از کشته شده گان خویش را هدر میکنیم خون  
پسر رَبِيعَةَ بْنِ الْحَارِثِ است ، پسر ربیعه در قبیله بنوسعد بچه  
شیرخور بود هُذَيْلٌ آن را قتل کردند .

وَرَبَا الْجَاهِلِيَّةِ مَوْضُوعٌ ،

و سود زمان جاهلیت از بین برد .

وَأَوَّلُ رَبًّا أُضْعُ رَبَانَا رَبًّا عَبَّاسُ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ فَإِنَّهُ مَوْضُوعٌ كُلُّهُ :

و سودی اولیکه ما از سودهای قبیله خویش باطل می سازیم ، سود  
عباس بن عبد المطلب است ، بغیر از راس المال تمام سودش باطل  
گشت .

فَاتَّقُوا اللَّهَ فِي النِّسَاءِ فَإِنَّكُمْ أَخَذْتُمُوهُنَّ بِأَمَانِ اللَّهِ وَاسْتَحْلَلْتُمْ فُرُوجَهُنَّ  
بِكَلِمَةِ اللَّهِ :

شما در حق تلفی زنان از الله بترسید ، شما ایشان را بطور امانت  
خداوند متعال گرفته اید ، و عفت ایشان را به حکم الله یعنی به نکاح  
به خود حلال گشتانده اید .

وَلَكُمْ عَلَيْهِنَّ أَنْ لَا يُوْطِنَنَّ فُرُشَكُمْ أَحَدًا تَكْرَهُوْنَهُ:

و شما بالای شان حق دارید ، که فرش شما را به کسانی ناپسندۀ شما پایمال نه کنند ، یعنی بغیر اجازه شما نه مرد و نه زن را در خانۀ شما اجازه دهند .

فَإِنْ فَعَلْنَ ذَلِكَ فَاضْرِبُوهُنَّ ضَرْبًا غَيْرَ مُبْرِحٍ :

و اگر اجازه دادند پس ایشانرا برای تادیب معمولی بزنید .

وَلَهُنَّ عَلَيْكُمْ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ :

و ایشان بالای شما طبق معیار عرف حق خوراک و لباس دارند .

وَقَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ مَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدَهُ إِنْ اعْتَصَمْتُمْ بِهِ كِتَابُ اللَّهِ:

و در بین شما چیزی را ترک کردیم که بعد از آن هیچ وقت هم گمراه نمی شوید ، اگر به آن خود را محکم کنید ، این چیز قرآن است .

وَأَنْتُمْ تُسْأَلُونَ عَنِّي فَمَا أَنْتُمْ قَائِلُونَ:

و شما در مورد من پرسیده می شوید ، پس شما چه جواب می دهید ؟

قَالُوا نَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ وَأَدَّيْتَ وَنَصَحْتَ:

آنان گفتند : ما شاهدهی ادا میکنیم ، که شما پیام الهی را رسانیدید ، و امانت را سپردید ، و خیر خواهی امت را کردید .

فَقَالَ بِإِصْبَعِهِ السَّبَّابَةَ يَرْفَعُهَا إِلَى السَّمَاءِ وَيُنْكِئُهَا إِلَى النَّاسِ:

رسول الله ﷺ انگشت شهادت را سوی آسمان بالا و سپس به مردم پایین میکرد اشاره نموده میگفت .

اللَّهُمَّ اشْهَدْ اللَّهُمَّ اشْهَدْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ :

یا الله ! شما بر اقرار شان شاهد باشید ، سه بار همین طور تکرار کردند .

ثُمَّ أَدْنَى ثُمَّ أَقَامَ فَصَلَّى الظُّهْرَ :

پس از خطبه حکم آذان و اقامت داد نماز پیشین را ادا نمود .

ثُمَّ أَقَامَ فَصَلَّى الْعَصْرَ وَلَمْ يَصَلِّ بَيْنَهُمَا شَيْئًا :

پس از نماز پیشین حکم اقامت نمود ، نماز عصر را ادا کرد ، و در بین نماز پیشین و عصر نماز دیگری نخواند .

ثُمَّ رَكِبَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَتَّى أَتَى الْمَوْقِفَ فَجَعَلَ بَطْنَ نَاقَتِهِ الْقُصُوءَ إِلَى الصَّخْرَاتِ :

پس از نماز بر شتر خویش سوار شد ، بجای وقوف عرفات آمد ، شکم ناقه را جهت سنگ لایخ های کلان که در نزدیک جبل الرحمه است مواجه کرد .

وَجَعَلَ حَبْلَ الْمُشَاةِ بَيْنَ يَدَيْهِ :

و جای تجمع پیاده گان را جلو خویش گشتاند .

وَاسْتَقْبَلَ الْقِبْلَةَ :

و رو برو قبله ایستاد .

فَلَمْ يَزَلْ وَاقْفًا حَتَّى غَرَبَتِ الشَّمْسُ :

تا غروب افتاب همان جا ایستاده بود ، یعنی بالای شتر خویش نشسته بود .

وَدَهَبَتِ الصُّفْرَةُ قَلِيلًا حَتَّى غَابَ الْفُرْصُ :

و زردی کم کم میرفت تا که قرص افتاب غایب گشت .

( و قفت ههنا و عرفة كلها موقف ، ابوداود النسائی، ابن ماجه : گفت :  
ما اینجا استادیم البته تمام عرفات جای وقوف و ایستاده گی است )

وَأَرْدَفَ أُسَامَةَ خَلْفَهُ :

و اسامه رضی الله عنه را در عقب خویش باخود سوار کرد .

وَدَفَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَقَدْ شَنَّقَ لِلْقُصَوَاءِ الزَّمَامَ حَتَّى  
إِنَّ رَأْسَهَا لَيُصِيبُ مَوْرِكَ رَحْلِهِ:

رسول الله صلی الله علیه و آله از عرفات بسوی مزدلفه حرکت نمود ، در حالیکه

مهار شتر را تا حدی کوتاه کرده بود ، که سر شتر به آن ریکابی  
میرسید که بالای کجاوه برای استراحت پای گذاشتن جور شده بود .

وَيَقُولُ بِيَدِهِ الْيَمْنَى أَيُّهَا النَّاسُ السَّكِينَةَ السَّكِينَةَ:

و بدست راست اشاره میکرد ، ای مردم ! اهسته اهسته روید .

كُلَّمَا أَتَى حَبْلًا مِنْ الْجِبَالِ أَرَخَى لَهَا قَلِيلًا حَتَّى تَصْعَدَ:

هر وقت که بر تپه می آمد ، مهار شتر را کم ذره سست میکرد تا  
سر تپه بالا شود .

## ( آمدن مزدلفه )

حَتَّىٰ آتَى الْمُزْدَلِفَةَ فَصَلَّىٰ بِهَا الْمَغْرِبَ وَالْعِشَاءَ بِأَذَانٍ وَاحِدٍ وَإِقَامَتَيْنِ  
وَلَمْ يَسْبَحْ بَيْنَهُمَا شَيْئًا:

تا که به مزدلفه آمدند ، نماز شام و خفتن را در مزدلفه به یک آذان  
و دو اقامت ادا نمود ، و در بین هر دو نماز سنت و نفل ادا نه کرد .  
ثُمَّ اضْطَجَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَتَّى طَلَعَ الْفَجْرُ:  
پس از نماز رسول الله ﷺ پهلو زد بخوابید تا که صبح صادق شد .

وَصَلَّى الْفَجْرَ حِينَ تَبَيَّنَ لَهُ الصُّبْحُ بِأَذَانٍ وَإِقَامَةٍ :

وقتی که روشنی صبح صادق در افق آسمان پدید آمد نماز صبح را به  
یک آذان و اقامت ادا نمود .

ثُمَّ رَكِبَ الْقِصْوَاءَ حَتَّى آتَى الْمَشْعَرَ الْحَرَامَ :

پس بر ناقه قصوای خویش سوار شد تا به مشعر حرام یعنی دامن  
کوه قزح آمد .

فَاسْتَقْبَلَ الْقِبْلَةَ فِدَعَاَهُ وَكَبَّرَهُ وَهَلَّلَهُ وَوَحَّدَهُ:

رو بروی قبله دعا میکرد ، تکبیر و لا اله الا الله و کلمه توحید را  
میخواند .

فَلَمْ يَزَلْ وَاقِفًا حَتَّى أَسْفَرَ جِدًّا

تا وقتی که خوب روشنی شد همانجا ایستاده بود .

(وقفت ههنا والمزدلفة كلها موقف : مسلم ابوداود النسائی ، ابن ماجه:

فرمودند : ما اینجا وقوف کردیم ، و تمام مزدلفه جای وقوف است (   
 قَدَفَ قَبْلَ أَنْ تَطْلُعَ الشَّمْسُ :

پس قبل از طلوع افتاب از مزدلفه حرکت نمود .

وَأَرَدَفَ الْفَضْلَ بْنَ عَبَّاسٍ وَكَانَ رَجُلًا حَسَنَ الشَّعْرِ أَبْيَضَ وَسِيمًا :

و فضل بن عباس را عقب خویش بنشانند ، فضل جوان زیبا و سفید   
 رنگ و دارای موی خوب بود .

فَلَمَّا دَفَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَرَّتَ بِهِ طُعْنٌ يَجْرِيْنَ فَطُوقَ   
 الْفَضْلُ يُنْظَرُ إِلَيْهِنَّ :

پس وقتی که رسول الله ﷺ از مزدلفه حرکت کرد ، زنان با وی می   
 گذشتند ، فضل سوی آنان نظر داشت .

فَوَضَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَدَهُ عَلَى وَجْهِ الْفَضْلِ فَحَوَّلَ   
 الْفَضْلُ وَجْهَهُ إِلَى الشَّقِّ الْآخَرَ يُنْظَرُ :

رسول الله ﷺ دست خویش را بر روی فضل بنهاد ، فضل بسوی   
 دیگری چهره خویش را گشتاند ، و مینگرید .

فَحَوَّلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَدَهُ مِنَ الشَّقِّ الْآخَرَ عَلَى وَجْهِ   
 الْفَضْلِ يَصْرِفُ وَجْهَهُ مِنَ الشَّقِّ الْآخَرَ يُنْظَرُ :

پس رسول الله ﷺ از آن طرف دیگر دست را گشتاند ، و روی   
 فضل را از طرف دیگری که مینگرید میگردانید .

حَتَّى أَتَى بَطْنَ مُحَسَّرٍ فَحَرَكَ قَلِيلًا :

تا اینکه به میان وادی محسر آمد ، شتر را اندکی حرکت داد تا بشتابد.

### ( بازگشت به منی )

ثُمَّ سَلَكَ الطَّرِيقَ الْوُسْطَى الَّتِي تَخْرُجُ عَلَى الْجَمْرَةِ الْكُبْرَى:

پس بر راه در میانه که به جمره عقبه بیرون می‌کشد برفت .

حَتَّى أَتَى الْجَمْرَةَ الَّتِي عِنْدَ الشَّجَرَةِ فَرَمَاهَا بِسَبْعِ حَصِيَّاتٍ :

تا اینکه به جمره که نزدیک درخت است بیامد یعنی جمره کلان و آنرا به هفت سنگریزه ها رجم کرد .

يَكْبُرُ مَعَ كُلِّ حَصَاةٍ مِنْهَا مِثْلَ حَصَى الْخَذْفِ رَمَى مِنْ بَطْنِ الْوَادِي :

هر سنگریزه را که مثل سنگریزه های انگشت اندازی بود که از میان وادی می انداخت تکبیر میگفت .

( وهو على راحلته ، النسائي : رسول الله ﷺ بر شتر خویش سوار

بود که جمره را رجم میکرد )

( يقول لتأخذوا مناسككم فإني لا أدري لعلي لا أحج بعد حجتى هذه ،

مسلم ، ابوداود احمد : رسول الله میگفت : مناسک حج خویش را از من یاد بگرید ، بخاطر اینکه ما نمی دانیم ، شاید از این حج به بعد حج دیگری را ادا نه کنیم .

( ورمى بعد يوم النحر إذا زالت الشمس : مسلم ابوداود الترمذی ،

ابن ماجه : و بعد از روز اول عید ، جمرات را پس از زوال رجم کرد )



### ( قربانی کردن )

ثُمَّ انصَرَفَ إِلَى الْمَنْحَرِ فَنَحَرَ ثَلَاثًا وَسِتِّينَ بِيَدِهِ :

بعد از رمی به مذبح رفت شست سه ( ۶۳ ) شتر بدست خویش ذبح کرد .

ثُمَّ أُعْطِيَ عَلِيًّا فَنَحَرَ مَا غَبَرَ وَأَشْرَكَهُ فِي هَدْيِهِ :

و باقی مانده آن یعنی ( ۳۷ ) به علی رضی الله عنه داد ، او ذبح کرد و علی رضی الله عنه را در هدایا باخود شریک نمود .

ثُمَّ أَمَرَ مِنْ كُلِّ بَدَنَةٍ بِيَضْعَةٍ فَجَعَلَتْ فِي قِدْرٍ فَطَبَخَتْ فَأَكَلَا مِنْ لَحْمِهَا وَشَرَبَا مِنْ مَرَقِهَا :

بعدا امر فرمود که از هر شتری ذبح شده پارچه گوشت بگیرد ، پس آنرا در دیگ پخته شد ، رسول الله صلی الله علیه و آله و علی رضی الله عنه هر دو از گوشت و شوربا آن تناول نمودند .

( وفي رواية لمسلم قال: نحر رسول الله صلی الله علیه و آله عن نسائه بقرة : در

روایت دیگری مسلم آمده است که جابر گفت : رسول الله صلی الله علیه و آله از طرف زنان خویش گاو را ذبح کرد .

### ( پرسش های مردم )

( عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَتَاهُ رَجُلٌ يَوْمَ النَّحْرِ وَهُوَ وَأَقِفٌ عِنْدَ الْجَمْرَةِ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي حَلَقْتُ قَبْلَ أَنْ أُرْمِيَ فَقَالَ أَرْمِ وَلَا حَرَجَ وَأَتَاهُ آخَرُ فَقَالَ إِنِّي دَبَحْتُ قَبْلَ أَنْ أُرْمِيَ قَالَ أَرْمِ وَلَا حَرَجَ وَأَتَاهُ آخَرُ فَقَالَ إِنِّي أَفَضْتُ

إِلَى الْبَيْتِ قَبْلَ أَنْ أُرْمَى قَالَ أَرْمِ وَلَا حَرَجَ قَالَ فَمَا رَأَيْتُهُ سُئِلَ يَوْمَئِذٍ  
عَنْ شَيْءٍ إِلَّا قَالَ أَفْعَلُوا وَلَا حَرَجَ ، مسلم :

از عبد الله بن عمرو روایت شده است که روز اول عید رسول الله ﷺ نزدیک جمره عقبه استاده بود ، یک کسی به حضورش آمد و

پرسید : یا رسول الله ! قبل از رجم جمره سر خود را تراشیدم ، رسول الله جواب داد : که جمره را رجم کنید بجهت تاخیرش کدام حرج و مشکلی نیست .

و دیگری پیشش آمد و گفت : ما قبل از رمی قربانی خویش را ذبح کردیم ، رسول الله جواب داد : که جمره را رجم کنید بجهت تاخیرش کدام حرج و مشکلی نیست .

دیگری آمد و گفت : طواف زیارت را قبل از رمی جمره ادا نمودیم ، رسول الله جواب داد : که جمره را رجم کنید بجهت تاخیرش کدام حرج و مشکلی نیست .

جابر رضی الله عنه گفت که درین روز که در مورد هر چیز از آنجناب پرسان میشد جواب میداد که ادا کنید کدام حرج ندارد (

) ثم قال النبي صلى الله عليه وسلم : قد نحرنا ههنا ومنى كلها منحر : مسلم ، ابوداود ، احمد ، الدارمی : بعدا نبی الله ﷺ ارشاد فرمود

که ما اینجا ذبح کردیم و تمام منی جای ذبح (قربانی) است

(وَكُلُّ فِجَاجِ مَكَّةَ طَرِيقٌ وَمَنْحَرٌ ، ابوداود ) و هر جاده مکه راه عبور عام و هم جای ذبح کردن قربانی است )

## ( طواف زیارت )

ثُمَّ رَكِبَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَأَقَاضَ إِلَى الْبَيْتِ فَصَلَّى بِمَكَّةَ الظُّهْرَ :

پس رسول الله ﷺ بر شتر خویش سوار شد بسوی مکه رفت ، بر بیت الله طواف افاضه یعنی طواف زیارت کرد و نماز پیشین را آن جا در مکه ادا نمود .

فَأَتَى بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ يَسْتَفُونَ عَلَى زَمْزَمَ فَقَالَ:

سپس به بنو عبد المطلب رفت ، آنان مردم را بر چاه زمزم سیراب میکردند و گفت .

أَنْزَعُوا بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ قُلُوبًا أَنْ يَغْلِبَكُمْ النَّاسُ عَلَى سِقَايَتِكُمْ لَنْزَعَتْ مَعَكُمْ : اوو اولاده عبدالمطلب ! آب زمزم را از چاه بکشید ، اگر بیم نمی بود که مردم بر شما در کاری سقایه غالب می آیند ما هر آینه با شما آب زمزم را می کشیدم .

فَنَآوَلُوهُ دَلْوًا فَشَرَبَ مِنْهُ : پس آنان دلو آب زمزم را بداد و از آن رسول الله ﷺ آب زمزم را آشامید .

( قال: رفعت امرأة صبيا لها إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم

فقال: يا رسول الله ألهذا حج ؟ قال : نعم ولك أجر : الترمذی ، ابن ماجه البيهقي :

جابر گفت : یک زنی طفلک خویش را به رسول الله بالا کرد و پرسید ، یا رسول الله ! ایا برای این طفلک حج است ؟ رسول الله گفت : بلی و بشما ثوابش داده میشود .

( وَحَاضَتْ عَائِشَةُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا فَانْسَكَتُ الْمَنَاسِكَ كُلَّهَا غَيْرَ أَنَّهَا لَمْ تَطْفُ بِالْبَيْتِ فَلَمَّا طَهَّرَتْ طَافَتْ بِالْبَيْتِ قَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ تَنْطَلِفُونَ بِحَجَّةٍ وَعُمْرَةٍ وَأَنْطَلِقُ بِحَجٍّ فَأَمَرَ عَبْدَ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ أَنْ يَخْرُجَ مَعَهَا إِلَى التَّنْعِيمِ فَأَعْتَمَرَتْ بَعْدَ الْحَجِّ ، رواه البخاری عن جابر بن عبد الله :

عایشة را عادت ماهواری در پیش آمد ، تمام مناسک حج را بجا آورد لکن طواف کعبه نه کرد ، وقتیکه از حیض پاک گردید طواف کعبه را ادا کرد ، عایشة گفت : یا رسول الله ! شما به مدینه با حج و عمره برمیگردید و ما تنها با حج برمیگردیم ، رسول الله برادر عایشه عبدالرحمن را امر کرد که به تنعیم همراه اش برود ، عایشة بعد از حج از تنعیم عمره ادا کرد .

( وذلك ليلة الحصة : مسلم ، احمد ) و این در شب محصب بود یعنی آن شبیکه بعد از روز چهارم عید می آید )

( وقال جابر : طاف رسول الله صلى الله عليه وسلم بالبيت في حجة الوداع على راحلته يستلم الحجر بمحجنه لأن يراه الناس وليشرف وليسألوه فإن الناس غشوه : مسلم ، ابوداود ، احمد :

جابر گفت : رسول الله ﷺ در حجة الوداع بر شتر خویش سوار بود بر بیت الله طواف میکرد ، و استلام حجر اسود را بعضا میکرد ، تا مردم وی را ببینند ، و وی مردم را دیده بتواند ، و هم مردم که

سوال داشته باشند پرسند ، و اینکه مردم از هر طرف گردش جمع شده بودند .

در روایات جابر رضی الله عنه طواف الصدر ذکر نشده است ، البته عایشه در مورد طواف الصدر چنین حکایت کرده است :

فَقَالَ اخْرُجْ بِأَخْتِكَ مِنَ الْحَرَمِ فَلْتَهَلِّ بِعُمْرَةٍ ثُمَّ لِيُطْفَ بِالْبَيْتِ فَأَيُّ أَنْتَظِرُكُمْ مَا هُنَا قَالَتْ فَخَرَجْنَا فَأَهَلَلْتُ ثُمَّ طُفْتُ بِالْبَيْتِ وَبِالصَّفَا وَالْمَرْوَةِ فَجِئْنَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ فِي مَنْزِلِهِ مِنْ جَوْفِ اللَّيْلِ فَقَالَ هَلْ فَرَعْتِ قُلْتُ نَعَمْ فَأَذَّنَ فِي أَصْحَابِهِ بِالرَّحِيلِ فَخَرَجَ فَمَرَّ بِالْبَيْتِ فَطَافَ بِهِ قَبْلَ صَلَاةِ الصُّبْحِ ثُمَّ خَرَجَ إِلَى الْمَدِينَةِ ، مسلم :

رسول الله صلی الله علیه و آله به عبد الرحمن بن ابی بکر گفت : با خواهر خویش

از حرم بیرون بروید ، از آنجا خواهرت احرام عمره را ببندد ، سپس بر کعبه طواف کند ، من اینجا به هر دو شما منتظر میمانیم ، عایشه گفت : ما از حرم بیرون رفتیم یعنی به تنعیم بر رفتیم ، از آنجا احرام عمره را بندیدیم ، بر بیت الله طواف کردیم ، سعی صفا و مروا را کردیم ، بعد از ادای عمره در نصف شب پیش رسول الله آمدیم ، وی در جای خویش تشریف داشت ، مرا گفت : از عمره فارغ شدی ؟ ما گفتیم : بلی ، پس در بین اصحاب اعلان کوچ کردن نمود ، پس بیرون بر آمد ، بر بیت الله که می گذشت ، بر آن قبل از نماز صبح طواف کرد یعنی طواف الصدر کرد و بعدا به طرف مدینه از مکه خارج شد .

این بود قصه حج که رسول الله صلی الله علیه و آله در سال دهم هجرت ادا نموده است ، و به این حج حجة الوداع به این خاطر میگویند که در بعضی

از مواضع این چنین ابراز داشته که همراهی امت خدا حافظی کند و از ایشان رخصت بیگردد ، و کارهای بسیار مهم را توصیه نمود .  
همین طور شد ، در ماه ذوالحجّة سال دهم هجرت فریضه حج را بجا آورد و بعد از گذشتن ماه محرم و صفر در ماه ربیع الاول سال یازدهم هجرت وفات یافت ، از دار الفنا به دار البقا رحلت نمود ، در مورد حجة الوداع بسیار احادیث دیگر هم از صحابه کرام منقول شده است ولی اینجا همین قدر کفایت می کند .

## قسمت سوم

### آموزش اصول اساسی حج

الحمد لله وكفى و الصلوة والسلام على نبيه المصطفى و بعد :

در قسمت اول همسفر حج طریقه حج و عمره را بترتیب که باید ادا شود مختصراً مطالعه نمودید ، در قسمت دوم همسفر حج قصه حجة الوداع را از روایات صحابه کرام البته عمدتاً از روایت جابر رضی الله عنه با ایراد متون و تراجم مطالعه نمودید .

اکنون به قسمت سوم همسفر حج آغاز می نمایم و در مورد مناسک حج و اماکن مقدسه توضیحات بیشتر و شرح تری طبق تحقیقات و نظریات اجتهادی مجتهدین ارائه میکنیم .

### فرضیت حج

برای فرضیت حج چهار نوع شروط نزد ائمه ما یعنی احناف وجود دارد ، اول : شرایط وجوب ، دوم : شرایط ادا ، سوم شرایط محسوب شدن در فرض ، چهارم شرایط صحت .

شرایط وجوب آن است که اگر کسی واجد این همه شروط شود حج بالایش فرض میشود ، و اگر کسی فاقد یک شرطی از این شروط باشد بالای آن حج فرض نیست .

شرایط وجوب حج چهار است ، قبلاً مطالعه کردید که به نزول ایت ذیل حج فرض شده است :

وَلِلّٰهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ اِلَيْهِ سَبِيْلًا وَمَنْ كَفَرَ فَاِنَّ اللّٰهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِيْنَ ( ۹۷ ال عمران )

ترجمه : بخاطر الله بر مردم یعنی آنانیکه توانایی راه به حج داشته باشند حج کردن فرض است ، و کسیکه کفر ورزد یعنی حج نه کند ( زیانش به او میرسد ) برای اینکه یقینا الله از تمام عالمیان غنی است ( به هیچ کسی هیچ گونه احتیاج نه دارد ) .

در این ایه مبارکه حج بر کسانی لازم شده است که استطاعت سبیل حج داشته باشند ، از رسول الله ﷺ پرسیده شد که مراد از سبیل چه است که به استطاعت آن حج فرض میشود ؟ جواب داد که مراد از سبیل زاد و راحله است ، راحله شتر سواری را میگوید البته اینجا مفهومش عام و وسیع تر است ، وسایط امروزی مثل موتر و طیاره هم در حکم راحله شمرده میشود ، پس از شروط وجوب حج یکی همین استطاعت است .

دیگر اینکه حج موسم خاص دارد که بغیر از آن موسم در اوقات دیگری حج ادا نمی شود ، موسم حج شوال ، ذوالقعدة و ده روز ذوالحجة است ، از این وجه این ماها را اشهر الحج گفته میشود ، لهذا به آن استطاعت حج فرض میشود که کسی آن را در اشهر حج بیابد ، پس شرط دوم وجوب حج ، موسم حج است .

حج هم مثل سایر عبادات دیگر بر کسی فرض میشود که بالغ و عاقل باشد ، بر نابالغ و دیوانه حج فرض نیست ، پس شرط سوم و چهارم وجوب حج ، عقل و بلوغ است .

این چهار چیز یعنی استطاعت ، موسم حج ، عقل و بلوغ به اتفاق علماء از شرایط وجوب حج است ، برای بهتر فهماندن شما در ذیل هر شرط را بطور جداگانه تشریح می کنیم .



## شروط وجوب حج

شرط اول وجوب حج بلوغ است ، نابالغ اگر چه غنی و ثروتمند باشد باز هم حج بر آن فرض نیست برای اینکه مکلف نیست ، شرط دوم وجوب عقل است ، دیوانه و معتوه اگر چه هم به لحاظ مالی و هم به لحاظ بدنی توانایی حج داشته باشند باز هم حج بر سرشان فرض نیست برای اینکه دیوانه هم مثل صغیر مکلف نیست .

معتوه کسی را میگویند که از عدم توازن دماغی کارهای فاسد و ناسنجیده میکند ، و گفتارش خلط میشود ، البته مثل دیوانه زدن نمیکند و نه دشنام میدهد ، معتوه حکم دیوانه را دارد .

شرط سوم وجوب حج استطاعت است ، حج بر کسی فرض می شود که خرچ سفر حج را مناسب حالت خویش داشته باشد ، مثل خوراکه ، کرایه هتل ، پول تکت موتر یا قطار همچنان نفقه عیال خویش تا وقت برگشتن از سفر داشته باشد ، پول این تمام مصارف از قروضیکه که بالای وی میباشد زاید باشد .

داشتن نصاب زکات برای وجوب حج شرط نیست ، بلکه اگر از دیون مردم این قدر مال اضافه داشته باشد که به آن به حج رفته بتواند ، و هم برای نفقه کسانی که نفقه ایشان بر ذمه وی لازم است کفایت بکند حج بالایش فرض میشود ، همسر ، دختران ناعروسی شده ، پسران نابالغ از جمله کسانی هستند که نفقه شان بر کسی لازم می باشد .

بر فقیر حج فرض نیست ، البته فقیر اگر در حالت فقر و مسکنت حج را ادا کند این حج وی در حج فرضی شمرده می شود .

شرط چهارم وجوب حج ، یافتن استطاعت و توانایی حج را در موسم حج است ، ماه شوال ، ذوالقعدة و ده روز ذوالحجة موسم حج است ، کسیکه قبل از ایام موسم حج این قدر پول داشته باشد که به آن حج کرده بتواند ، این کس میتواند که آن پول را در راه های دیگری خرج کند .

ولی اگر در موسم حج این توانایی را دریافت نمود حج بالایش لازم میشود ، پول دست داشته خویش را در راه دیگر خرج کرده نمیتواند ، اگر خرج کند باز هم فریضة حج بر ذمه اش میماند .

اگر کسی در جای سکونت داشته باشد که از آن ملک قافله حجاج قبل از موسم حج بسوی حج روانه می شد ، باشنده گان همچنین شهرها اگر در ایام رفتن حجاج استطاعت بیابد حج بر ایشان لازم می شود .

یاد آوری : چنانچه قبلا ذکر شد که موسم حج از شرایط وجوب حج است یعنی به آن استطاعت مالی حج فرض میشود که در موسم حج بیابد ، اگر کسی قبل از موسم حج خرج سفر حج بیابد حج بالای اش فرض نمی شود ، این قول در مذهب حنفی راجح است ، البته قول دیگری هم وجود دارد که وقت و موسم حج را در جمله شرایط ادا میشمارد .

کسی که واجد شرایط قبلی باشد یعنی عاقل و بالغ باشد و در موسم حج خرج سفر حج در توان داشته باشد حج بالای آن فرض می شود ، اگر کسی بعد از فرض گشتن حج در ادا نمودن آن تاخیر کند ، و سال ها بعد ادا کند کدام گناهی ندارد .

البته اگر آثار مرگ بر وی پدید آمد بایستی وصیت بکند تا از حصه سوم میراث وی کسی دیگری به جای وی حج ادا کند ، و اگر وصیت نه کرد بغیر حج به میرد گناهکار میشود ، و دیگر اینکه اگر کسی واجد شرایط فوق الذکر باشد و لاکن از مریضی متداوم و لا علاج یا مانع دایمی دیگری فریضه حج را ادا کرده نمی توانیست این کس میتواند که کسی دیگری را خرچ دهد تا او بجای وی حج ادا نماید .

### شرایط ادای حج

قسم دوم شرایط حج شرایط ادا کردن آنست ، شرایط ادای حج آن شرایطی را میگوید که در موجودیت آن باید کسی فریضه حج را خود انجام دهد ، او نمی تواند توسط کسی دیگری فریضه حج خویش را بگذارد ، قابل ذکر است که شرایط ادا وقتی اعتبار دارد که شرایط وجوب هم در آن کس موجود باشد .

اگر کسی واجد شرایط وجوب باشد و لاکن شرایط ادای آنرا نداشته باشد یا فاقد یک شرط از شروط ادا باشد برای این کس لازم نیست که حج را بخود ادا کند بلکه توسط شخص دیگر هم حج خویش را ادا کرده می تواند و وصیت هم کرده می تواند که اگر وی نتوانست حج را ادا کند ، از حصه سوم میراثش پس از وفاتش کسی دیگری بجای وی حج را انجام دهد .

خلاصه اینکه شروط وجوب حج و شروط ادا کردن حج اگر در کسی وجود یافت بروی لازم است که فریضه حج را بخود ادا کند ، کسی دیگری بجای او فریضه حج اش بجا آورده نمی تواند .

و اگر کسی واجد شرایط و جوب باشد البته از شرایط ادا یک شرطی کمبود باشد آن کس میتواند که احجاج کند یعنی کسی دیگری را خرچ دهد تا او بجای وی حج را انجام دهد .

قابل یاد آوری است که در شرایط ادا اختلاف وجود دارد بعضی این را از جمله شرایط و جوب می پندارد ، و بعضی دیگری آن را از شرایط ادا می شمارد ، چنانکه اینجا هم این شرایط در جمله شرایط ادا ذکر شده است ، نتیجه اختلاف در صفحات بعدی بیان میشود .

شرایط ادای حج پنج است ، یک : تندرستی بدن ، دو : امنیت راه ، سه : عدم حبس و عدم ممانعت سلطان ، چهار : محرم برای زن ، پنج : در عده نه بودن زن .

### تندرستی بدن

تندرستی و سلامتی بدن یکی از جمله شرایط ادای حج است ، کسی که مریض باشد ، نه امید صحت یابی داشته باشد ، و نه در حالت مریضی از لحاظ جسمانی توان ادا کردن حج را داشته باشد .

مثلا به هر دو پا لنگ باشد ، یا نابینا باشد ، یا فلج باشد توان رفتن نداشته باشد ، این گونه اشخاص اگر بالغان و عاقلان باشند ، و در موسم حج استطاعت مالی حج را بیابند ، حج بالای ایشان فرض می شود البته به سبب نداشتن تندرستی بدن احجاج و یا وصیت بالای شان لازم میشود .

احجاج این را میگوید که کسی دیگری را خرچ دهد تا او بجای وی حج بکند ، و یا توصیه کند که اگر او نتوانیست حج را ادا کند پس از وفاتش کسی دیگری بجای او البته از حصه سوم میراث وی حج

را بکند .

کسانیکه تندرستی بدن را هم از شرایط و جوب حج می پندارد بنزد آنان بر نابینا ، بر دو پا لنگ ، بر مفلوج ، بر پیر سال خورده و یا مبتلا به دیگر امراض صعب العلاج که نه در حالت مرضی حج کرده می تواند ، و نه امید و توقع صحت یابی داشته باشد به دریافتن توان مالی حج بالای شان فرض نمی شود .

اگر چه این گونه اشخاص در موسم حج خرچ حج داشته هم باشد ، پس بالای ایشان نه وصیت لازم می شود ، و نه احجاج لازم میشود یعنی بالای اش لازم نیست که توسط کسی دیگری فریضة حج خویش را بجای آرد .

حدیثیکه در سطور بعدی ذکر میشود موقف کسانی را تایید می کند که تندرستی بدن را از شرایط ادای حج می پندارند :

عبد الله بن عباس رضی الله عنهما میگوید که در حجة الوداع یک زنی از رسول الله صلی الله علیه و آله پرسید :

يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ فَرِيضَةَ اللَّهِ عَلَى عِبَادِهِ فِي الْحَجِّ أَدْرَكْتُ أَبِي شَيْخًا كَبِيرًا لَا يَثْبُتُ عَلَى الرَّاحِلَةِ أَفَأَحُجُّ عَنْهُ قَالَ نَعَمْ . (متفق عليه )

ترجمه : یا رسول الله ! فریضة ادای حج که الله بر بندگان خویش فرض گردانیده در حالی بر پدرم لازم گشته است که او پیر مرد سالخورده بوده و بر شتر خود را محکم کرده نمی تواند ، آیا من از طرف پدر خویش حج را ادا کنیم ؟ رسول الله پاسخ داد : بلی ، یعنی بجای پدر خویش حج را بجا آورید .

شرط دوم ادای حج ، امنیت راه است ، اگر در وقت رفتن به حج در راه امنیت وجود نداشته باشد ، از ظالمان و غارتگران یا دزدها به گمان غالب بیم و خوف وجود داشته باشد که مال های حجاج را غارت کنند ، و یا ایشان را لت و کوپ و یا قتل کند ، و یا به یک کسی مشخص به سبب عداوت شخصی راه رفتن حج به گمان غالب برایش ناامن باشد ، این گونه اشخاص اگر در موسم حج استطاعت مالی حج را بیابند حج بالای آنان فرض می شود ، البته بخاطر ناامنی راه ایشان حالا به حج رفته نمی توانند .

لهذا اگر آثار مرگ بر ایشان پدید آید باید وصیت حج را بکنند ، و اگر ناامنی راه سالها طول می کشید پس این گونه اشخاص می توانند که احجاج کنند یعنی کسی دیگری برای بجا آوردن فریضه حج بفرستند ، به یاد داشته باشید که اگر اینگونه اشخاص کسی دیگری را خرچ دهد و او بجایشان حج را ادا کند ، پس مانعی که به سبب آن خود حج بجا آورده نمی توانیست از راه دور شود باید دوباره حج کند ، حج وکیل جایگزین حج فرضی وی نمی گردد .

اگر حجاج بغیر تادیه کردن تکس حکومتی که آنرا اخذ میکند رفته نمی توانست ، و یا سر راه حجاج مردان مسلح سالاران سلطه داشت و حجاج را بغیر پرداختن غرامت نمی گذاشتند ، بنا بر قول صحیح اگر کسی علاوه از خرچ سفر توان تادیه این گونه تکس ها و غرامت ها را داشت بالای آنان حج فرض میشود ، و درین گونه موارد مال دهنده گنهارشمرده نمیشود بلکه گناهار کسی است که به ناحق اموال مردم را می گیرند .

امنیت راه را هم بعضی از مشایخ در شرایط وجوب می شمارند ، نزد این مشایخ اگر کسی در موسم حج توان مالی حج داشته باشد و لکن راه ناامن و پرخطر باشد بر شخص مذکور حج فرض نمی شود ، لهذا بر وی نه وصیت لازم می شود و نه احجاج بالایش لازم میگردد .

شرط سوم ادای حج عدم حبس و عدم ممانعت از جهت سلطان است ، اگر کسی در ایام حج توان مالی حج بیابد و لکن در زندان محبوس باشد ، یا حکومت پاسپورت نمی دهد یا ویزه حج برایش اجراء نمیکند بالای وی حج فرض میگردد ، اگر آثار مرگ را مشاهده کند باید وصیت بکند ، و اگر بند و عدم دست رسی به پاسپورت و ویزه طول بکشد باید کسی دیگری را خرچ دهد تا او بجای وی حج بکند .

اگر کسی حبس آبد باشد و در موقع حج توان مالی حج را دریافت ، حج بالایش فرض می شود ، این قیدی اگر کسی دیگری را خرچ داد و او بجای وی حج کرد ، به نایب فریضه حج وی ادا می شود البته به شرطیکه تا آخر حیات محبوس باشد ، و اگر از جیل رها شد باید دوباره حج خودشان ادا کند ، حج نائیش برایشان در نفل شمرده می شود .

همین طور این حکم درباره کسانی هم است که از بیم حاکمان خود را مخفی کرده باشند و در قافله حجاج اشتراک کرده نمی توانند یا پاسپورت و اجازه بیرون رفتن به وی نمی دهند .

هر کسی که توان مالی حج داشته باشد و لکن به سبب یک مانع ، حج ادا کرده نتوانست ، و کسی دیگری را بجای خویش به حج

فرستاد و سپس مانع از بین رفتن به حج نائیش فریضه حجش ادا نمی شود ، باید دو باره به خودشان حج را ادا کند .

شروط سه گانه که قبلاً ذکر شد یعنی تندرستی بدن ، امن طریق و آزاد بودنش در حق مرد و زن شرایط ادا است ، و دو شرطیکه بعداً بیان می شود یعنی شرط چهارم و پنجم تنها به زنان ارتباط دارند .

شرط چهارم ادای حج که تنها برای زنان راجع می شود همراهی شوهر یا محرم است ، محرم زن کسی است که هیچ وقت باو نکاح کرده نمی تواند مثل برادر ، برادر زاده ، کاکا و خواهر زاده ، محرم نسبی هم می باشد و رضاعی هم می باشد ، کسی که به سبب نکاح محرم گشته باشد مثل داماد و خسر او هم محرم است ، زن باهمراهی ایشان هم حج کرده می تواند .

اگر زن در موسم حج توانایی مالی حج را دریافت ، و بین وی و مکه مکرمه راه سفر شرعی<sup>۱</sup> بود یعنی لا اقل هشتاد هشت کیلو متر فاصله باشد این زن را شرعاً اجازه نیست که راه سفر بغیر از همراهی شوهر یا محرم امین خویش طی کند .

به گفته مالک رحمۃ اللہ علیہ زن بغیر شوهر و به غیر محرم باهمراهی صالحان هم سفر حج فرض کرده میتواند ، و به گفته شافعی و هم به یک قول مالک زن میتواند که به همراهی زنان بااعتماد و ثقه حج فرضی را در مسافت سفر هم بغیر محرم خویش ادا نمایند .

<sup>۱</sup> مسافة القصر للمسافر أربعة برد وهي ستة عشر فرسخاً، وتساوي: (٨٨،٧٠٤) كم (كيلومتر)، وعند الحنيفة حوالي ٨٦ كم. وقد رها بعضهم بـ ٨٣ كم. (الفقه الاسلامي و ادلته )



شوهر و محرم زن مجبور نمی شوند که با زن در سفر حج همراه بروند ، و نه بر زن خرچ محرمی که با وی همراه سفر است لازم میگردد ، بلکه خرچ سفر شوهر و محرم به خود اینان تعلق دارد ، بر زن هم لازم نیست که برای دریافت همراه سفر حج با کسی نکاح ببستد .

همراهی شوهر یا محرم در سفر حج با زن به نزد بعضی از مشایخ از جمله شرایط و جوب حج است ، بر مبنای این قول اگر زن در موسم حج توانایی مالی حج بیابد و لاکن شوهر یا محرم دیگر نداشته باشد و یا آن همراه اش سفر نمیکنند حج بر این زن فرض نمی گردد کسانیکه همراهی شوهر یا محرم در جمله شرایط ادا می شمارند به نزد آنان اگر زنی در موسم حج توانایی حج را دریابد و لاکن شوهر و یا محرم نه داشته باشد ، پس بر زن وصیت لازم می شود ، و اگر این بی کسی تا آخر زنده گی وی دوام می یافت پس کسی دیگری را بجای خویشتن به حج روان کرده می تواند .

اگر زن بخاطر نداشتن محرم و شوهر توسط نائب حج را ادا کرد و بعد از آن همراهی شوهر و یا محرم برایش میسر شد حج را دو باره باید خود ادا کند و حج نائبش را برایش در حج نفلی محسوب می گردد .

شرط پنجم ادای حج که آن هم تنها به زنان ارتباط دارد عده نبودن است ، اگر در موسم حج زن توانایی مالی حج را دریافت ولی عده وفات یا طلاق را می گزراند حج بالایش فرض می شود البته به سبب عده در ادای آن تاخیر می آید ، اگر قبل از ادای حج به سبب

مریضی و یا چیزی دیگری زنده گی اش با تهدید مواجه گشت باید وصیت بکند .

### محسوب شدن در فرض

نوعی دیگری از شرایط حج آن شرایطی است که بداشتن آن حج اش در فرض شمرده می شود ، برای اینکه حج اش در فرض شمرده شود دو شرط است یکی بلوغ و دیگری عقل داشتن ، اگر کسی در خورد سالگی حج ادا کند و بعد از بلوغ توان مالی حج را دریافت ، حج بالایش فرض می شود ، و حجیکه در خورد سالگی ادا کرده است در نفل شمرده می شود .

همچنان اگر دیوانه در حالت جنون حج ادا کند و سپس صحت یابد و توان حج را دریافت حج با لایش فرض می شود .

### شرایط صحت حج

قسم چهارم شرایط حج آن شرایطی است که بغیر آن حجش درست نمی شود ، ازین گونه شرایطی یک اسلام است ، کافر اگر در حالت کفر حج را ادا کند و بعد از آن مسلمان شود همان حج که در حالت کفر کرده است درست نمی شود پس از مسلمان گشتن اگر توانایی حج را دریابد باید حج را ادا کند .

### انواع حج

در قسمت اول کتاب خواندید که حج به سه طریق ادا می شود ، افراد ، تمتع و قران ، همچنان ترتیب و طریقه ادا کردن آن را هم مطالعه کردید ، اینجا بر تری یکی بر دیگری را ذکر می کنیم .

نزد ائمه مایان یعنی امامان مذهب ابی حنیفه رحمته الله علیه تمتع از افراد افضل است ، و قرآن از تمتع افضل است .

مالیکیه یعنی پیروان مذهب امام مالک رحمته الله علیه افراد را هم از تمتع و هم از قرآن افضل می دانند .

شوافع یعنی پیروان مذهب شافعی رحمته الله علیه میگویند که افراد و تمتع از قرآن افضل اند ، البته در بین افراد و تمتع که کدام یکی افضل است؟ در این مورد نزد شوافع دو قول است در یک قول افراد را از تمتع افضل دانسته اند و در قول دوم تمتع را از افراد افضل دانسته اند .

و نزد حنابله یعنی پیروان مذهب امام احمد بن حنبل رحمته الله علیه تمتع از قرآن و هم از افراد افضل است .

در بین فقهاء که اختلاف آمده است به سبب اینکه در مورد حج رسول الله صلی الله علیه و آله روایات مختلف نقل شده است ، چنین روایات هم آمده است که رسول الله مفرد بود از این وجه امام مالک افراد را از تمتع و هم از قرآن افضل میدانند ، و بروایت عایشة استدلال می نماید ، عایشة میگوید که مایان با رسول الله صلی الله علیه و آله برای ادای حج برآمدیم ، بعضی از مردم احرام حج را بسته بودند و بعضی دیگری احرام عمره را بسته بودند ، و خودی رسول الله صلی الله علیه و آله احرام حج را بسته بودند .

ابن عبد البر میگوید که در روایات مختلف از جابر حکایت شده است که رسول الله مفرد بود ، و همچنان از ابوبکر ، عمر ، عثمان

، عایشة و جابر رضی الله عنوم نقل شده است که ایشان حج افراد را افضل می دانستند .

کسانی که تمتع را از افراد بهتر میدانند ایشان بروایت ابن عمر استدلال می نمایند ، و میگویند که رسول الله در حجة الوداع تمتع کرد ، با حج خویش عمره را هم ادا کرد و با خود هدایا را هم برده بود ، و مذهب عبد الله بن عمر ، ابن عباس و ابن الزبیر رضی الله عنهم هم همین طور بود که تمتع را از دیگر انواع حج افضل میدانستند ، البته از عایشة در مورد افراد و تمتع که کدام یکی از آن دیگری افضل است اقوال مختلف نقل شده است .

کسانی که میگویند که قرآن از تمتع و هم از افراد افضل است ، آنان هم به روایات مختلف استدلال می کنند ، یکی ازین روایات روایت عمر بن الخطاب است ، وی گفته است که رسول الله فرمودند : در خواب از طرف خداوند متعال کسی نزد آمد و مرا گفت : ازین وادی مبارک احرام را ببند و بگوئید : *عمره فی حجة یعنی عمره را با احرام حج ببستم ، همچنان علی رضی الله عنه احرام حج و عمره را یکجا ببست و گفت که ما به قول دیگران راه مسنون رسول الله را ترک نمی کنیم .*

انس رضی الله عنه گفته که ما از رسول الله شنیدیم که او میگفت : لبیک *عمره و حجة* ، روایات که قبلا از عمر و علی و انس ذکر شده امام بخاری رحمته الله علیه از ایشان نقل کرده است .

مذهب امام ما ابوحنيفة رحمته الله علیه هم همین است که قرآن را هم از افراد و هم از تمتع بهتر میدانند .

امام احمد بن حنبل رحمۃ اللہ علیہ میگوید : که ما در حج قران رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم شک نداریم البته ما که تمتع را از قران بهتر میدانیم به سبب اینکه رسول الله اظهار تمنی کرده که کاریکه در آخر بر ایم معلوم شد اگر آن را از شروع میدانستیم ما هدایا باخود نمی آوردیم ، و احرام حج را برای عمره میگشتاندیم یعنی به ادای طواف و سعی عمره از احرام خود را حلال میکردیم ، و از آن ببعد احرام حج را بسته میکردیم . ( از بدایة المجتهد )

### میقات

رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم بیرون از مکه چهار جای را برای میقات تعیین نموده است و جای پنجم یعنی ذات عرق از طرف عمر رضی اللہ عنہ در دور خلافتش به سبب محاذات آن با قرن منازل برای اهل عراق تعیین گشته است .

در نقشه ذیل مواقع میقات ها و مسافتات آن مشاهده میتوانید :



کسانیکه ازین میقات ها خارج هستند اگر ایشان به حرم مکه می رفتند باید بغیر احرام ازین میقات ها بداخل در نه گزرنند ، نام و حکم این میقات ها در حدیث بعدی ذکر شده است :

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَقَّتَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ دَا الْحُلَيْفَةَ وَلِأَهْلِ الشَّامِ الْجُحْفَةَ وَلِأَهْلِ نَجْدٍ قَرْنَ الْمَنَازِلِ وَلِأَهْلِ الْيَمَنِ يَلْمَمَ هُنَّ لَهُنَّ وَلِمَنْ أَتَى عَلَيْهِنَّ مِنْ غَيْرِهِنَّ مِمَّنْ أَرَادَ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ وَمَنْ كَانَ دُونَ ذَلِكَ فَمِنْ حَيْثُ أَنْشَأَ حَتَّى أَهْلُ مَكَّةَ مِنْ مَكَّةَ . (متفق عليه واللفظ للبخاری)

ترجمه : ابن عباس گفته است که نبی الله ﷺ برای باشندگان مدینه ذوالحلیفه را میقات تعیین کرده است ، و برای باشندگان شام جحفة را تعیین کرده و برای باشندگان نجد قرن منازل و برای باشندگان یمن یلمم را میقات احرام تعیین نموده است .

و گفته است که این میقات ها برای باشندگان این مناطق است و هم برای آنانیکه ازین مناطق نیستند البته ازین مناطق به مکه مکرمه می گزرنند .

برای آنانیکه اراده حج و عمره داشته باشند ، و کسانیکه بداخل میقات ها هستند ایشان از هر جایکه احرام می بندند بسته کرده می توانند حتی که باشندگان مکه از مکه احرام حج می بندند . (پایان ترجمه)

در نقشه گذشته جهات و هم بعد میقات ها از مکه مکرمه به کیلو متر نشان داده شده است .

جحفه در شمال غرب مکه مکرمه تقریباً ( ۱۹۰ ) یکصد و نود کیلو متر دور از مکه مکرمه موقعیت دارد ، برای آنانیکه از شام می آیند جای میقات است البته قریه جحفه خراب گشته است ، مردم اکنون از رابع احرام می بندند ، رابع از مکه مکرمه نسبت به جحفه یک فاصله دور تر موقعیت دارد .

از طرف نجد جای میقات قرن منازل است ، این میقات امروز بنام السیل یاد می شود ، قرن منازل منطقه کوهستانی است و به فاصله ( ۹۰ ) کیلو متری در سمت شرقی مکه مکرمه موقعیت دارد ، برای مردم نجد و هم آنانیکه از طرف نجد داخل مکه مکرمه می شوند جای میقات است .



میقات اهل مدینه  
ذوالحلیفة  
است، ذوالحلیفة در  
شمال مکه مکرمه  
واقع است و تقریباً  
( ۴۵۰ ) چهارصد و  
پنجاه کیلو متر از مکه  
فاصله دارد ،  
ذوالحلیفة تقریباً (۹)

کیلو متر دور در سمت جنوب مدینه موقعیت دارد ، و در عوام بنام ابیار علی هم شهرت یافته است ، ذوالحلیفة میقات اهل مدینه است و هم آنانیکه از طریق مدینه وارد حرم مکی میشوند .

یللم منطقه کوهستانی است ، در شرق مکه مکرمه در فاصله (۵۰) ( پنجاه کیلو متری قرار دارد ، یلملم میقات اهل یمن است و هم میقات کسانی است که از طریق بحر از ممالک چین ، جاپان هندوستان و پاکستان در کشتی می آیند .



ذات عرق طرف شمال شرق مکه معظمه در فاصله ( ۸۵ ) هشتاد و پنج کیلو متری موقعیت دارد ، ذات عرق میقات ایران و عراق است و هم برای آنانیکه از این جهات وارد مکه مکرمه میشوند .

آفاقی کسی را میگویند که از میقات بیرون سکونت می کند ، آفاقی از خانه و وطن خویش احرام حج و عمره را بسته کرده می تواند ، و جای آخرش برای احرام بستن میقات است ، آفاقی که برای هر مقصد به حرم مکه میرود باید از میقات خویش بغیر احرام در نگذرد .

کسانی که از این میقات ها چپ از راه دیگری بداخل مکه میروند ایشان باید از محاذات و برابری میقات که در آن جهت واقع است بغیر احرام در نگذرند ، ایشان باید حد اقل آن قدر فاصله دور از مکه مکرمه احرام ببنند که میقات آن جهت از مکه فاصله دارد .

رسول الله ﷺ برای اهل عراق میقات تعیین نه نموده است ، در دوری خلافت عمر رضی الله عنه که عراق فتح شد ، مردم آن منطقه به عمر



آمدند و گفتند که رسول الله ﷺ برای اهل نجد قرن منازل را میقات تعیین کرده است ، و قرن منازل از راه ما چپ است ، ما اگر به قرن منازل میرویم برای میان دشوار و مشکل میشود ، عمر رضی الله عنه بایشان گفت : فَأَنْظِرُوا حُدُوثَهَا مِنْ طَرِيقِكُمْ فَحَدَّ لَهُمْ ذَاتَ عَرَقٍ (بخاری)

پس شما در راه خویش جای برابر قرن منازل را معلوم کنید ، پس عمر رضی الله عنه برای ایشان ذات عرق را برای میقات تعیین نمود .

کسانیکه از طریق دریا و هوا به حج یا عمره میروند ایشان که به محاذات میقاتی که در قرب آن راه واقع است برسند باید احرام را ببندند ، و از آنجا به داخل حرم بغیر احرام نگذرند .

الآن قبل از آنکه کشتی و طیاره بمحاذات میقات میرسد کارمندان کشتی و طیاره اعلان میکنند تا کسانیکه احرام تا این وقت بسته نکرده است ایشان احرام خویش را ببندند .

### حرم

مسجدی که اطراف کعبه معظمه است مسجد حرام میگویند ، و احیاناً مسجد حرام ذکر میشود و مراد آن تمام ساحه حرم می باشد ، به قسمت زیادی از مکه مکرمه حرم گفته میشود ، آن بخشی مکه مکرمه که حرم نامیده میشوند به سبب کعبه احکام خاصی دارد ، و بخاطر کعبه معظمه قابل احترام است ، احکام خصوصی حرم را بعد از حدود حرم بیان میکنیم .

میقات های که قبلاً ذکر شده آن حدود حرم را تشکیل نمی دهند بلکه آن حد فاصل بین آفاق و حل است .

حرم از خود حدود جداگانه دارد ، حدود حرم از زمان ابراهیم □ بحکم الهی تعیین شده است ، و رسول الله ﷺ به اخبار جبریل آن را دو باره تعیین کرده است ، و از آن به بعد برای شناخت آن نشانها برپا گردیده است ، و آن نشانها را نگهداری می شود .  
 به طرف شمال حد نهایی حرم تنعیم است ، در بین مکه مکرمه و تنعیم تقریباً (۶) شش کیلو متر فاصله وجود دارد .



به طرف جنوب حد آخری حرم اضاه است ، در بین اضاه و مکه (۱۲) دوازده کیلو متر فاصله وجود دارد .



به طرف شرق حدی نهایی حرم جعرانه است ، در بین جعرانه و مکه تقریباً (۱۶) شانزده کیلو متر فاصله وجود دارد ، به طرف شمال شرقی حد آخری حرم وادی نخله است ، از وادی نخله تا مکه تقریباً (۱۴) چهارده کیلو متر

فاصله است ، به جهت غرب نهایی حد حرم حدیبیه است ، حدیبیه درین روزها به نام الشفیسى هم یاد می شود ، در بین الشفیسى و مکه تقریباً ( ۱۵ ) پانزده کیلو متر فاصله وجود دارد .

چنانچه پیشتر گفتیم حدود حرم از زمان ابراهیم تعیین شده است ، و نشانهای آن نگاه داشته می شود ، ازین نشانها یک نشان جدید عصر



حاضر در تصویر مشاهده می کنید ، بالای این شیشک نوشته شده نهایت حد الحرم یعنی آخری حد حرم ، منی و مزدلفه به طرف شرق مکه مکرمه موقعیت دارد و هر دو در ساحه حرم داخل است .

البته به طرف شرق مزدلفه متصل آن وادی عرنة است و به طرف شرق وادی عرنة عرفات است ، وادی عرنة و عرفات از ساحه حرم بیرون می باشد ، عرفات در منطقه حل می آید .

## حل

از میقات تا حدود حرم که کدام ساحه است آن را حل میگویند ، از ذوالحلیفة که میقات مدینه است تا شروع حد حرم تمام منطقه ساحه حل است ، حل هم به سبب حرم احکام خاصی دارد که در سطور بعدی بیان می شود .

## احکام حل و حرم

باشنده گان حرم هر وقت میتوانند به حل بروند و سپس به غیر از بستن احرام به خانه های خویش برگردند .

همین طور باشنده گان ساحه حل اگر اراده حج و عمره داشتند ، ایشان هم هر وقت میتوانند که به غیر احرام به حرم داخل شوند ،

بطور مثال جده از مناطق حل است ، باشندگان جده هر وقت میتوانند که به غیر احرام به حرم مکه بروند ، البته در حالیکه اراده حج و عمره نداشته باشند .

همچنان باشندگان حل می توانند که از میقات بیرون آیند و سپس به غیر بستن احرام به خانه های شان برگردند ، مثلا ساکنین جده میتوانند به مدینه منوره بروند و از مدینه بغیر احرام به جده برگردند آفاقی یعنی کسانی که از میقات خارج هستند هر وقت میتوانند که به ساحه حل بغیر احرام بروند البته این هم در وقتیکه اراده حج و عمره نداشته باشند .

مثلا ساکنین مدینه میتوانند که بغیر احرام به جده بروند ، بخاطر اینکه جده در منطقه حل است و مدینه از جمله آفاق است .

همچنان حجاج افغانستان که در طیاره به جده میروند ، و از جده به مکه نمیروند بلکه از جده به مدینه منوره میروند ، این کسان میتوانند بغیر از احرام به جده و از جده به مدینه منوره سفر نمایند .

برای اینکه آفاقی اگر قصد حرم نداشت به حل بغیر احرام رفت و آمد کرده میتواند .

آفاقی اگر به اراده حل به منطقه حل رفت ، و اراده نداشت که از حل به حرم برود ، و بعد از آنکه به حل رفت تصمیم گرفت که به حرم برگردد پس این آفاقی می تواند که بغیر احرام به حرم برگردد چرا آفاقی که به حل رفت در حکم باشندگان حل می آید ، و وی هم مثل اهل حل بغیر احرام به حرم رفت و آمد کرده میتواند .

آفاقی اگر به حرم می رفت پس از میقات به آن طرف داخل حل به غیر احرام رفته نمی تواند ، مثلا باشندۀ مدینه منوره اگر از طرف جده به حرم مکه وارد میشد از ذوالحلیفه به آن سو به غیر احرام رفته نمی تواند ، این کس باید در ذوالحلیفه احرام عمره را ببندد و سپس به جده برگردد و از جده به حرم مکه سفر نماید ، و آن جا اول عمره را ادا کند و بعد از آن در پی کاری که آمده است آن را انجام دهد .

حجاج که از افغانستان به جده سفرمینمایند و از جده به مکه برمیکردند ایشان باید احرام حج یا عمره را در وطن خویش ببندند ، در داخل طیاره وقتیکه به محاذات میقات در فضا برسند هم احرام بسته کرده می توانند ، البته این حجاج از میقات به آن طرف حل به غیر احرام رفته نمی توانند ، جده هم در ساحه حل است .

مردم حرم اگر از میقات به آفاق بیرون بروند ، ایشان باید به قول ائمه ما در بازگشت از میقات یا قبل از میقات احرام حج یا عمره را ببندند ، مردم حرم اگر از میقات خارج شوند سپس بغیر احرام حج یا عمره به حرم برگشته نمی توانند .

نزد امام شافعی رحمته علیہ مردم حرم اگر از ساحه میقات خارج شوند اگر در بازگشت اراده حج یا عمره داشتند ایشان باید از میقات و یا پیش از میقات احرام حج یا عمره را ببندند ، ایشان به غیر احرام از میقات نمی گزرنند ، و اگر اراده حج یا عمره نداشتند پس ایشان می توانند که به غیر احرام به حرم برگردند .

بنا برین اختلاف نزد امام شافعی رحمته علیہ از مردم حرم کسانی که در بین مکه و مدینه موتر رانی میکنند این دریوران که به مدینه رسیدند

اگر در بازگشت اراده عمره نداشتند به غیر احرام به خانه های خویش برگشته میتوانند و اگر اراده عمره یا حج داشتند باید از ذوالحلیفه احرام ببندند ، و نزد ایمة ما این دریوران باید در هر دو حالت به غیر احرام از ذوالحلیفه عبور نه کنند بلکه در احرام حج یا عمره به خانه های خویش برگردند .

### میقات باشنده گان حرم

باشنده گان حرم احرام حج را از خود حرم می بندند ، آفاقی که حج تمتع را ادا می کند در احرام عمره به مکه مکرمه می رود ، بعد از ادای عمره به حلق یا تقصیر خود را از احرام حلال می سازد ، سپس تا یوم الترویة یعنی هشتم ذوالحجه در مکه انتظار میکشد ، این آفاقی هم در جمله باشنده گان حرم شمرده می شود ، میقات حج وی خود حرم است .

باشنده گان حرم همچنان کسانی که حکم باشنده گان حرم را دارند احرام عمره را در خود حرم بسته کرده نمیتوانند ، بلکه ایشان باید از منطقه حرم به حل خارج شوند ، از حل احرام عمره را ببندند .

در حجة الوداع ازواج مطهرات هم با رسول الله ﷺ همراه بودند ،

عایشة به سبب حیض یعنی عادت ماهواری خویش نتوانست که

عمره را قبل از حج بجا آورد چنانچه دیگران آوردند ، بعد از

فراغت مناسک حج عایشة به رسول الله ﷺ شکایت کرد که همه

شما حج و عمره را ادا کرده اید به مدینه بر می گردید ، و ما فقط

حج را ادا کرده ایم .

رسول الله ﷺ عبد الرحمن بن ابی بکر را حکم فرمودند تا عایشه را به تنعیم ببرد که از آنجا احرام عمره را ببندد ، تنعیم بیرون حرم در ساحه حل است ، عبد الرحمن رضی الله عنه برادر عایشه چنان کاری را انجام داد ، همان جایکه عایشه از آنجا احرام عمره را بسته اند در آنجا مسجد اعمار شده است که به مسجد تنعیم و همچنان به مسجد عایشه هم نامیده می شود .

اهل حرم اگر احرام حج را از حل ببندند یا احرام عمره را در حرم ببندند بالای ایشان دم لازم می شود ، باید گوسفند یا بز یا لا اقل در حصه هفتم گاو یا شتر اشتراک ورزد ، برای تفصیل به قسمت چهارم همسفر حج مراجعه کنید .

### میقات اهل حل

باشنده گان حل احرام حج و عمره را از خانه های خویش و همچنان از جای دیگری در حل می بندند ، مردم که در حل سکونت می کنند و یا در حکم باشنده گان حل شمرده می شوند ایشان اگر حج یا عمره را بجا می آوردند باید به حرم به غیر احرام داخل نه شوند ، بلکه در حل احرام را ببندند ،

پس به حرم بروند ، باشنده گان حل اگر احرام حج یا عمره را در حرم ببندند بالای ایشان دم لازم می گردد .



میقات افاقی یعنی مردم که از میقات بیرون سکونت دارند قبلاً بیان شده است ، افاقی اگر از میقات به غیر احرام در گزرد بالایش دم لازم می شود و اگر پس به میقات برود و از انجا احرام ببندد دم از ذمه اش ساقط می شود .

باشنده گان حل هم همین حکم دارند اگر ایشان برای حج یا عمره بغیر احرام به حرم داخل شوند بالای ایشان دم لازم می شود ، اگر پس به حل برگردند و از حل احرام را ببندد دم از ذمه شان ساقط می شود .

افاقی اگر از میقات به غیر احرام عبور کرد و در حل احرام را بسته نمود درین صورت هم اگر به میقات برگردد و آنجا تلبیه به نیت تجدید احرام بگوید دم از ذمه اش ساقط می شود .

باشنده حل اگر احرام را در حرم بسته کرد ، پس به حل آمد و به نیت تجدید نمودن احرام در حل تلبیه بگوید دم از ذمه اش ساقط می شود .

### حرمت حرم

الله جل جلاله منطقه حرم را بر دیگر مناطق حرمتی خاصی داده است ، لهذا منطقه حرم احکام خاصی دارد که چند احکام آن در ذیل تحریر می یابد :

اول : در ساحة حرم پرانیدن و برانگیختن پرنده گان وحشی و همچنان دیگر حیوانات وحشی و هم شکار اینگونه پرنده ها و حیوانات ممنوع است .



اگر کسی در حرم پرندۀ وحشی ، یا حیوان وحشی را ذبح کند گوشت آن خورده نمی شود بلکه حرام است ، پرندۀ وحشی و حیوان وحشی اگر تربیه شود و با مردم انس و الفت یابد باز هم در حکم وحشی شمرده می شود در ساحة حرم ذبح آن ناجایز است ، و به ذبح نمودن مردار می شود .

البته پرندۀ گان و حیواناتی که در طبیعت خانه گی می باشد و با مردم عادت دارد مثل ماکیان ، خروس ، مرغابی خانه گی ، شتر ، گاو ، بز و گوسفند خانه گی ذبح اینگونه پرندۀ گان و حیوانات در حرم هم برای حلال و هم برای محرم جایز است برای اینکه این گونه حیوانات و پرندۀ گان در حکم صید نمی آید .

دوم : قطع نمودن درخت ها و گیاهان خود رو و جنگلی در ساحة حرم ممنوع است البته قطع نمودن اذخر که گیاه خاصی است و در چت های خانه و لحد قبور از آن استفاده می شود جایز است ، و همچنان قطع نمودن گیاه و درختان خشک هم جواز دارد .

درختان و گیاهان که مردم آن را غرس میکنند و کشت می کنند مثل درخت خرما ، انگور انار ، گندم جو و غیره قطع نمودن اینگونه درختان و گیاهان در ساحة حرم جواز دارد .

## احرام

در قسمت اول همسفر حج در مورد احرام یک اندازه معلومات داده شده بود اینجا بحث را درین مورد مفصل تر می سازیم ، احرام هم برای حج و هم برای عمره شرط است .



همسفر حج



منظر روضه بين منبر و خانه



مشعر الحرام



جبل نور



كوه اُحد



عرفات



جبل ثور

چنانچه نماز بغیر طهارت قابل پذیرش نیست و نه درست می شود همین طور حج و عمره هم به غیر احرام درست نمی شود ، قبل از احرام غسل کردن از وضوء بهتر است ، و این غسل برای نظافت است لهذا زنائیکه در حالت حیض یا نفاس احرام می بندند ایشان اگر چه نماز نمی خوانند باز هم برای ایشان بهتر است که غسل بکنند .

احرام کننده بعد از غسل یا وضوء اگر وقت ادای نماز نفل بود دو رکعت نماز ادا نماید ، پس از نماز از خداوند متعال دعا و کومک بطلبد تا این سفر مهم را برایش آسان کند و توفیق دهد تا به طریقه احسن حج و یا عمره را ادا نماید .

برای احرام عمره در دل اراده و قصد ادا نمودن عمره می شود ، و برای ادای حج افراد در دل اراده و قصد حج می شود ، و برای حج قران در دل اراده و قصد حج و عمره می شود .

اراده حج و عمره را به زبان هم اظهار کرده میتواند ، کسی که عربی یاد داشته باشد به عربی اراده خویش را اظهار کند ، کسی که عربی یاد نه داشته باشد ان کس به هر زبان که باشد اظهار اراده خویش را کرده می تواند ، ادا کننده حج به زبان بگوید :  
اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ الْحَجَّ فَيَسِّرْهُ لِي وَتَقَبَّلْهُ مِنِّي .

یا الله ! من اراده حج را کرده ام تو برابم آسان کن و حج من را بپذیرید ، و پس از نیت تلبیه بگوید :

لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنَّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ ، لَا شَرِيكَ لَكَ .

ترجمه : حاضر هستم یا الله ! حاضر هستم ، حاضر هستم ، شما هیچ شریک ندارید ، حاضر هستم ، یقیناً ستایش و تمام نعمت ها از شما است ، سلطنت از شما است ، شما هیچ شریک ندارید .

پس از نیت و تلبیه محرم می گردد ، این نکته قابل یاد آوری است که احرام عبارت از نیت و تلبیه می باشد ، و نیت اراده و قصد دل را می گوید ، دو تکه جامه نادوخته را که در ایام حج یکی را بکمر میبندند و دیگری را بدوش می اندازند آنرا که احرام میگویند بخاطر اینکه این جامه است که مردم آنرا در حالت احرام میپوشند .

اگر میخواهید که حج شما مبرور و مقبول گردد و الله عَلَّامٌ در عوض حج جنت را عطاء فرماید باید از هر نوع گناه و معصیت اجتناب و دوری نمائید ، از غیبت ، دروغ ، سخن چینی ، به زنان بیگانه و نامحرم التفات و نظر کردن ، برای دیگران مزاحمت نمودن ، به غیر اجازه کفش و پای پوش دیگران را پوشیدن ، در اوقات راحت و خوابیدن در هتل به آواز بلند گفتگو کردن ، اطاق ، هتل و جای وضوء و بیت الخلاء را کثیف نمودن این تمام کارهای ناپسندیده و گناه است بالخصوص در جریان سفر باید ازین گونه اعمال اجتناب و خود داری شود .

الله عَلَّامٌ می فرماید : الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ .... (البقرة ۱۹۷)

ترجمه : وقت ادا نمودن حج ماهای معلوم است پس کسیکه در ماهای حج برای خود حج را فرض گرداند یعنی احرام حج را ببندد پس گفتار بیهوده ، فسق و جدال در حج جواز ندارد . ( پایان ترجمه )

درین ایه حکم شده که محرم باید در حالت احرام نه جماع کند ، و نه بحث و گفتگوی جماع را کند ، و هم از هر نوع فسق و معصیت خود داری و اجتناب کند ، با هیچ کس جدال و جنگ نه کند ، نه با خادم خویش ، نه با همراهان سفر خویش ، نه با دیگران جنگ و جدال کند .

زنان در حالت احرام جامه عادی خویش را می پوشند مثل چادر ، پیراهن ، پای جامه ، کفش و دیگر لباس هائیکه که زنان آنرا عادتاً می پوشند .

البته احرام زنان در چهره است یعنی زنان در حالت احرام روی خود را نقاب پوشیده نمی توانند ، دختران و زنان جوان برای اینکه خود را از بیگانگان مستور بسازند بر چهرهای خویش پاره تکه را اویزان کرده می توانند بشرطیکه نقاب و روی پوش بر چهره پیوسته نه باشد بلکه از چهره دور آویزان باشد .

و وقتیکه مردم در حضور شان نباشد روی را برهنه کنند ، برای اینکه زنان از روی پوش که بر چهره ایشان متصل و پیوست باشد ممنوع هستند .

محرم زیر سایه چت ، خیمه و سایبان نشسته می تواند و هم همیانی را بر کمر خویش بسته میتواند .

مرد در حالت احرام جراب ، کفش و موزه را نمی پوشند بلکه پایپوش عادی که بجلک (شتالنگ) را نمی پوشاند می پوشد .

در حدیث ذکر شده است که اگر محرم پایپوش نداشت موزه ها را تا زیر کعب قطع کند و بپوشد ، اینجا برای احتیاط از کعب آن پاشنه

را بعضی از علماء مراد گرفته اند که بر پشت سر قدم اکثر مردم نمودار می باشد .

محرم پاپیوش عادی را چنانچه در تصویر نشان داده شده است که تمام پشت پا را پنهان نمی سازد به پا کرده می تواند .



مرد و زن در حالت احرام بر کالا و جسم خویش عطر را استعمال نمی توانند ، و نه به روغن های خوشبو موی و بدن خویش را مالش کرده می توانند .

محرم اگر قبل از احرام کالا را به چنان عطر معطر و خوشبو بسازد که جسم و صورت میداشت و در حالت احرام آن جامه خوشبو بود کالا را باید بکشد .

و اگر عطر صورت و رنگ نه داشت فقط بوی خوش آن حس می شد پس باکی ندارد .

همچنان محرم اگر قبل از احرام بدن و موی را به عطر خوشبو سازد و در حالت احرام بوی خوش میداد هم زیانی ندارد ، بلکه برای مردم مستحب است که قبل از احرام بدن را معطر سازد برای اینکه رسول الله ﷺ قبل از احرام موی سر را به روغن خوشبو می مالید و آثار آن در حالت احرام هم بر سرش می درخشید .

البته برای زنان که از خانه بیرون می آیند و با بیگانگان گشت و گزار می کنند بدن و کالا را معطر و خوشبو نمودن ناجایز است ،

رسول الله ﷺ آن زن را از جمله زنان بدکار شمرده است که بدن و یا کالا را معطر و خوشبو کرده باشد ، از خانه بیرون با بیگانگان و نامحرم سر راه می‌گذرند .

بو کردن ریحان و عطر برای محرم کراهیت دارد البته موجب سزا نمی باشد .

محرم غسل کرده میتواند البته ریش و موی سر را باید به خطمی نه شوید ، برای اینکه ابوحنيفة رضي الله عنه خطمی را از جمله خوشبویی می شمارد ، اگر محرم سر و ریش را به خطمی بشوید بر آن کس نزد امام صاحب دم لازم می شود .

ابویوسف و محمد خطمی را از جمله خوشبویی نمی پندارند لهذا به استعمال خطمی نزد شان دم لازم نمی شود البته خطمی موی را نرم می سازد و شپشها را می کشد لهذا نزد شان اگر محرم موی را به خطمی بشوید بالایش صدقه باندازهٔ سراسایه یعنی صدقهٔ فطر لازم می شود .

نزد ابوحنيفة و صاحبین محرم اگر بدن و موی را به صابون ، سدر ، اشنان و دیگر چیزی که نه خود خوشبویی داشته باشد و نه به آن خوشبویی خلط شده باشد بشوید کدام زیانی نه دارد و نه کدام سزا بر سرش لازم میگردد .

در عصر حاضر برای ریش و موی سر شامپو استعمال می شود ، ما شامپوی که خوشبوی نمی باشد بر صابون و سدر قیاس کرده می توانیم ، و شامپوی که خوب خوشبویی داشته باشد بر خطمی قیاس



کرده می توانیم برای تفصیل به قسمت چهارم همسفر حج مراجعه نمائید .

محرم دست و پای خود را به حنا رنگ کرده نمی تواند برای اینکه حنا در جمله خوشبویی محسوب می شود ، البته محرم سرمه ساده را که خوشبویی نه داشته باشد استعمال کرده می تواند .

محرم خون خویش را داده می تواند ، هم برای معاینات توسط پیچکاری خون کشیده میتواند و هم هر جای بدن را حجامت کرده میتواند البته از تراشیدن موی ممنوع گردیده است .

محرم ریش خود را و هم موی سر و جای دیگری را تراشیده نمی تواند ، و نه آن را کوتاه کرده می تواند ، و نه ناخن دست و پا را گرفته می تواند .

محرم از شکار صید زمینی منع شده است ، صید آن پرنده گان و حیوانات را گویند که در طبیعت از انسان دوری و فرار می کنند ، همچنان محرم از هر نوع همکاری کردن با دیگران در شکار کردن صید منع شده است .

شکار ماهی به محرم جایز است ، برای اینکه که ماهی از جمله صید بحری است ، و محرم از شکار صید زمینی منع شده است ، محرم از شکستن تخم پرنده گان وحشی منع گردیده است البته تخم ماکیان و مرغابی اهلی را شکسته و خورده میتواند .

## رفع پابندی احرام

پابندی های احرام هنگامی از محرم برداشته و دور می شود که به احرام خویش حج یا عمره را ادا نماید ، محرم تا وقتی که حج یا عمره را بجا نه آورده باشد تمام پابندی های احرام را باید رعایت کند .

البته مُحَصَّر ازین حکم مستثنا است ، مُحَصَّر به کسی گفته میشود که احرام حج یا عمره را ببندد و بعد از سوی دشمن یا مریضی راه اش مسدود گردد ، برای ادای عمره و حج به مکه مکرمه و عرفات رفته نتواند این کس را مُحَصَّر میگویند .

به امر مُحَصَّر از سوی وی در حرم قربانی میشود و بعد از آن مُحَصَّر موی سر را می تراشد یا کوتاه می کند و باین عمل از احرام حلال می شود و سال دیگر قضای حج و عمره را بجا می آورد ، احکام مُحَصَّر بعدا در فصل جداگانه درین قسمت چهارم بیان میگردد .

به خاطر داشته باشید که تراشیدن و یا کم کردن موی سر وقتی حلال میشود که بعد از ادای حج و عمره حلق یا تقصیر کند ، اگر پس از طواف و سعی عمره موی سر را بتراشد یا کوتاه کند از احرام حلال می گردد و تمام پابندی های احرام از وی بر طرف میگردد .

و اگر پیش از طواف سر را بتراشد از احرام حلال نمی شود بلکه پیش از طواف سر تراشیدن خود یک جنایت می باشد .

اگر از کسی عمره یا حج فاسد شود باز هم باید مناسک آن را بجا بیاورد تا از پابندی های احرام رها گردد ، بطور مثال اگر حاجی

قبل از وقوف عرفات با زن خویش جماع کرد حج اش فاسد میشود ، ولی باز هم باید مناسک حج را بجا آورد تا از احرام خود را حلال کند .

اگر زن حج تمتع را می کرد ، و احرام عمره را ببست و پیش از ادای عمره حیض یعنی مریضی ماهواریش در پیش آمد ، این زن باید در مکه مکرمه انتظار کشد تا از حیض پاک شود ، پس از آن عمره را بجا آورد .

زن در حالت حیض و نفاس عمره کرده نمی تواند ، برای اینکه درین حالت زن از دخول مسجد منع شده است و طواف کعبه در داخل مسجد حرام ادا میشود .

اگر ماهواری این زن تا یوم عرفات طول کشد ، این زن باید احرام عمره را بشکند یعنی به اراده ترک نمودن عمره نیت احرام حج را بکند و تلبیه بگوید ، پس به عرفات رود و مناسک حج را ادا کند ، هنگامیکه مناسک حج را بجا آورد به کوتا کردن موی سر از احرام حج حلال میشود ، البته قضای عمره را باید ادا نماید .

اگر کسی احرام حج ببندد و سپس حج از وی فوت شود مثلا به سبب تاخیر پرواز طیاره یا وجه دیگری به تاریخ نوم ذوالحجة که روز وقوف عرفات است به عرفات نه رسد ،

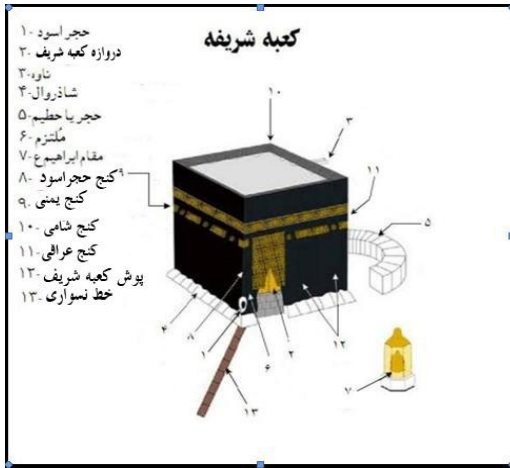
همچنان در شبی که بعد از روز عرفات می آید قبل از صبح صادق به عرفات نه رفت حج شخص مذکور فوت میگردد ، بخاطر اینکه وقوف عرفات رکن اهم حج است ، و وقت عرفات هم محدود است .

شخص مذکور برای اینکه از احرام حج خود را حلال کند باید عمره را بجا آورد و بعد از ادای عمره موی سر را بتراشد یا کوتاه کند ، تا پابندی های احرام حج از وی برداشته شود .

اگر عمره ادا نه کند از احرام حج به حلق و تقصیر حلال نمی شود ، بخاطریکه به حلق و تقصیر هنگامی محرم از احرام حلال میشود که پس از ادای مناسک حج یا عمره موی سر خویش را بتراشد و یا کوتاه کند .

## طواف

دور کعبه یکبار گشتن را بنام شوط یاد میکنند ، هفت شوط یک



طواف میشود ، حطیم هم به داخل طواف می آید .

این تصویر را بدقت مطالعه نمائید ، درین تصویر تمام قسمت های کعبه به شماره نشان داده شده است ، طرف شمال کعبه که دیوار مدور نشان داده شده است این حصه را حطیم یا حجر میگویند .

استلام : هر طواف به استلام حجر اسود آغاز میشود ، در تصویر بالا شماره اول جای حجر اسود را نشان میدهد .

استلام حجر اسود این است که هر دو دست را بر آن بگذارد و حجر اسود را بوسه نماید ، اگر به سبب ازدحام مردم حجر اسود را بوسه کرده نمی توانست ، پس بدست یا عصا حجر اسود را مسح کند ، و اگر این طور استلام هم به سبب اذیت و ازدحام مردم کرده نمی توانست ، پس از دور از جایکه بتواند روبرو حجر اسود بایستد و هر دو دست را تا شانه یا بالاتر از آن بگفتن بسم الله اکبر بالا نماید ، پس بسوی حجر اسود پایین کند و کف دست خود را ببوسد .

زنان باید در ازدحام مردم به حجر اسود نزدیک نروند ، بلکه از دور استلام حجر اسود را بکنند ، همچنان مردان هم باید در وقت استلام حجر اسود دیگران را نه رنجانند ، و نه در ازدحام شدید خود را به حجر اسود برسانند ، اذیت و رنجانیدن مسلمان حرام است و استلام حجر اسود سنت است ، این سنت به سبب ازدحام از ساحه دور هم به اشاره کردن بجا آورده میشود .

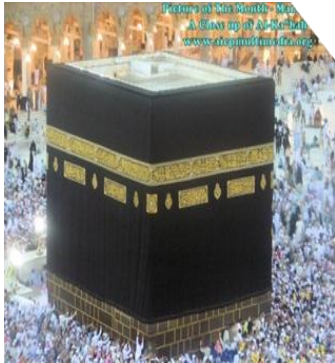
در تصویر گذشته شماره سیزدهم خط زمینی را که در محاذات و برابری حجر اسود کشیده شده است نشان میدهد ، البته این خط زمینی الآن وجود ندارد ، برای استلام روبرو حجر اسود ایستاده می شود ، هر دو دست ها تا شانه یا بالاتر از آن بگفتن بسم الله ، الله اکبر بالا میشود و طواف را آغاز میکند ، در طواف کعبه بدست چپ می آید .

نیت طواف : برای طواف نیت ضروری است ، اگر کسی نیت طواف نداشته باشد مثلا کسی رفیق خود را دید که طواف می کرد ، و وی در تلاش رفیق خویش هفت بار گرد کعبه دور خورد این گردش در طواف شمرده نمیشود .

البته نیت طواف به زبان گفته نمیشود بلکه برای نیت طواف همین کفایت می کند که وی به اراده آغاز نمودن طواف به استلام حجر اسود می رود ، و در هر عبادت و عملی که نیت فرض شده است مراد از آن قصد و اراده دل است .

هر طواف به استلام حجر اسود آغاز میگیرد و هم در هر شوط استلام حجر اسود صورت میگیرد ، همچنان طواف به استلام حجر اسود به پایان می رسد .

کسیکه روبرو حجر اسود ایستاده شود کنج کعبه که بدست چپ اش می آید آن کنج را رکن یمانی میگوید ، طواف کننده اگر رکن یمانی را بدست مسح کرده میتواندست در هر شوط طواف آن را مسح میکند ، و اگر دستش به آن نمی رسد از دور استلام رکن یمانی نمی شود .



هر طواف خواه طواف فرضی باشد یا طواف واجب و نفلی باشد اگر پس از طواف سعی صفا و مروا صورت نمیگرفت آن طواف به رفتار عادی اجرا میگردد ، در آن اضطباع و رمل نمی شوند ، و طوافیکه بعد از آن سعی صفا

و مروا میشود مثل طواف عمره در آن طواف اضطباع هم میشود یعنی در تمام طواف شانه راست برهنه می شود ، و هم در سه شوط اول آن رمل میشود ، رمل دیدن پهلوانی را میگوید ، چنانچه پهلوانان هر دو شانه را می جنبانند و قدم های کوتا و برجسته را بالا کرده در میدان مبارزه اظهار قوت میکنند .

رسول الله ﷺ در سال ششم هجرت با همراهی صحابه کرام برای ادا نمودن عمره عازم مکه شد ، نزدیک مکه در حدیبیه کفار راه ایشان را مسدود کردند ، اجازه نمی دادند تا عمره را بجا آورد ، بالآخره با کفار مکه مصالحه نمود .

یک بند مصالحه این بود که سال آینده فقط برای سه روز رسول الله ﷺ به مکه مکرمه برای ادای عمره آمده می تواند ، قرار این مصالحه در سال هفتم هجرت رسول الله ﷺ برای عمره به مکه آمد ، کفار به کوه بالا شدند و می گفتند که هوای وبایی مدینه مهاجرین را ضعیف ساخته است .

رسول الله ﷺ صحابه کرام را امر فرمود تا به کفار مکه قوت و طاقت خویش را اظهار نمایند ، و در سه شوط اول طواف مثل پهلوانان و قهرمانان دور خورند تا کفار را نشان دهند که ایشان در قوت و طاقت هستند و توان هر نوع مبارزه دارند ، این سنت در حجة الوداع هم انجام شده است و هر وقتی دیگری هم بجا آورده میشود .

رسول الله ﷺ در طواف در بین رکن یمانی و حجر اسود این دعا میکرد : رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (ابوداود)

ترجمه : ای پروردگار ما ! ما را در دنیا زنده گی خوبی را بدهید ، و در آخرت زنده گی خوبی را بدهید ، و مرا از عذاب آتش جهنم نجات دهید . (پایان ترجمه)

در طواف علاوه ازین دعا کدام دعای دیگری از رسول الله ﷺ

منقول نه شده است ، لهذا طواف دعا خاصی ندارد بلکه هرکس هر نوع دعا در هر شوط طواف کرده میتواند .

نزد امام محمد در مناسک حج برای هیچ جا دعا خاصی متعین نمی شود بلکه در هر جا هر دعای که بخواهد و رغبت آن داشته باشد و مناسب حالش باشد کرده میتواند ، بگفته امام محمد تعیین نمودن دعای خاصی دل را سخت می کند و به ذوق و رغبت دعا کرده نمیتواند .

بر مبنای این قول در طواف هم بغیر رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ دعای دیگری متعین نمی شود ، بخاطر اینکه دیگر دعاها از رسول الله ﷺ منقول نشده است بلکه در طواف هر نوع دعا به هر زبان که باشد ادا شده میتواند .

در طواف تلاوت قرآن کریم و هم دیگر اذکار مثل سبحان الله یا الحمد لله یا لا اله الا الله یا الله اکبر خوانده میشود ، همچنان به خاموشی هم طواف میشود .

در طواف بر کعبه و حطیم هر دو دور خورده میشود ، به سبب اینکه رسول الله ﷺ فرموده است که هفت ذراع یعنی سه و نیم متر ساحة حطیم که به شمال کعبه متصل است از خودی کعبه است .

قریش هنگامیکه کعبه را اعمار می کردند ، پول حلالیکه برای اعمار کعبه جمع کرده بودند به آن پول نمی توانستند که کعبه را دو باره بر بنیادهای ابراهیمی کاملاً اعمار کنند .



لهذا از کمبودی پول حلال هفت ذراع کعبه یعنی تقریباً سه و نیم گز ساحه کعبه به طرف شمال بیرون ماند ، البته اگر کسی در نماز فقط بسوی حطیم استاده شود نمازش درست نمی شود برای اینکه استقبال قبله بدلیل قطعی ثابت شده است و اینکه یک اندازه حطیم از کعبه است بدلیل ظنی ثابت شده است .

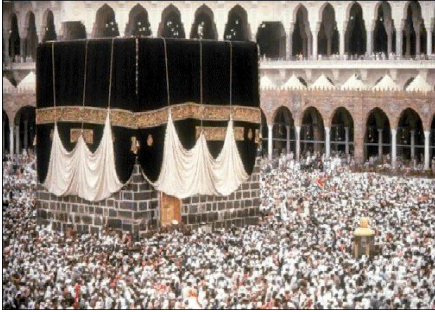
### طواف پیاده میشود

طواف با وضوء و در جامه پاک پیاده ادا میگردد ، اگر کسی بی وضوء یا در حالت جنابت طواف کند و پس با وضوء و در حالت طهارت آن طواف را اعاده نمود کدام جریمه بالایش نمی آید .

و اگر در حالت طهارت آن را دوباره بجا نه آورد بالایش جریمه می آید ، جریمه این گونه طواف ها در قسمت چهارم شناسایی جنایات ذکر شده است همان جا مطالعه نمائید .

اگر کسی به سبب مریضی و یا بزرگسالی طواف را پیاده به پای خویش کرده نمی توانست او طواف را در ویل چیر یعنی چوکی دوچرخ مریض ها و یا بدوش دیگران و یا در کجاوه هم ادا کرده میتواند .

هفت بار که گرد کعبه دور خورد طواف تکمیل میشود ، و پس از طواف نزدیک مقام ابراهیم دو رکعت نماز واجب طواف ادا میشود ، اگر در مقام ابراهیم ازدحام باشد و یا دوران طواف کننده گان تا آنجا می رسید پس نماز طواف جای دیگری ادا کند ، نماز طواف از مسجد حرام بیرون هم درست میشود .



رسول الله ﷺ پس از طواف بمقام ابراهیم رفت و این ایه مبارکه را تلاوت نمود: **وَأَخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى** .

ترجمه: یک حصه گرد مقام ابراهیم را جای نماز طواف بگردانید . ( پایان ترجمه )

مقام ابراهیم را در بین کعبه و بین خویش بیآورد ، دو رکعت نماز را ادا کرد ، در رکعت اول سوره **قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ** و در رکعت دوم سوره **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** را تلاوت نمود .

رسول الله ﷺ پس از طواف زیارت به چاه زمزم رفت و از آب زمزم خود را سیراب نمود و هم یک اندازه آب زمزم را بالای سر خویش ریختاند .

لهذا پس از طواف آب زمزم نوشیده می شود و هم یک اندازه آن بالای سر ریختانده می شود .

اکنون چاه زمزم زیر مطاف در سرداب یعنی زیر زمینی است و سر آن ماشین و اترپمپ نصب شده است توسط آن و اترپمپ آب زمزم کشیده می شود ، و در زیر زمینی برای نوشیدن آب زمزم نل های نصب شده است البته اکنون برای وسعت مطاف راه زیر زمینی از جهت مطاف مسدود گردانیده اند ، جای زینه را هم در مطاف داخل گشتانده اند .

در ذیل تصویر سابقه راه زمزم را مشاهده می‌توانید .



تاریخچه کوتاه زمزم : ابراهیم صلی الله علیه و آله بحکم خداوند متعال خانم خویش

هاجر و بچه شیرخور خویش اسماعیل را از شام بمکه آوردند ،  
درین زمان در مکه هیچ کسی سکونت نداشت و نه آب آنجا وجود  
داشت ، نزدیک جای کعبه ایشان را گذاشتند و به شام برگشتند .

آبیکه با هاجر بود خلاص شد ، هاجر بخاطر پسرش نا آرام بود و به  
کوه صفا بالا شد و هیچ کسی را نه دید ، از صفا به سوی مروا  
پایین آمد و در وادی بشتابید و سپس به مروا بالا شد ، انجا هم کسی  
را ندید ، پس به صفا آمد همینطور در بین صفا و مروا رفت و آمد  
نمود بار چهارم که بر مروا بلند شد آواز بگوشش آمد .

نزد بچه خویش آمد و این آواز جبریل بود ، جبریل هاجر را تسلی و  
اطمنان داد و به جای کعبه اشاره نمود که اینجا پسر شما اسماعیل و  
پدرش ابراهیم خانه کعبه را بحکم خداوند متعال بنا می کنند .

جبریل زمین را به پایا به پر زد ، در آنجا چشمه زمزم جریان پیدا کرد ، این همان معجزه ابراهیمی است که اکنون هم مردم آن را می بینند ، از یمن چند خانواده از قبیله جرهم آمدند به اجازه هاجر ایشان هم همین جا سکونت اختیار کردند ، بیشتر مناسک حج طبق سنت ابراهیمی ادا می شود .

### سعی

در حج و عمره یک یک بار سعی واجب است ، بین صفا و مروا رفت و آمد را سعی گفته میشود ، البته بر قارن دو سعی واجب است برای اینکه قارن به یک احرام هم عمره و هم حج را ادا میکند پس قارن یک سعی برای عمره بجا می آورد و سعی دیگری را برای حج بجا می آورد ، ترتیب حج قران پیشتر بیان شده است . سعی باید پس از طواف بجا آورده شود ، و اگر کسی طواف نه کند فقط سعی کند آن سعی را اعتبار نیست ، سعی عمره پس از طواف عمره بجا آورده میشود ، و سعی حج در روزهای عید بعد از طواف زیارت ادا میشود ، و اگر کسی سعی حج را به سبب ازدحام یا وجه دیگری پیش از روزهای منی بجا می آورد هم ادا کرده میتواند ، کدام کراهیت ندارد .

البته پیش از سعی طواف ضروری است ، مفرد و همچنان قارن پس از طواف قدوم سعی کرده میتوانند ، مفرد اگر پس از طواف قدوم سعی نه کرد ولی پس دلش خواست که پیش از اینکه به منی برود سعی کند باید اول طواف نفلی کند و پس از آن سعی را بجا آورد . متمتع هم قبل از منی سعی حج را کرده میتواند ، متمتع اگر پیش

از منی سعی حج را ادا می نمود او باید پس از احرام حج طواف نفلی ادا نماید و بعد از طواف نفلی سعی حج را ادا کند .

هر طوافیکه بعد از آن سعی میشود اگر در لباس احرام باشد در آن طواف اضطباع و رمل میشود ، یعنی مردمان شانه راست را برهنه می کنند و در سه شوط اول طواف رمل میشود یعنی مردم شانه ها را می جنبانند و به قوت می شتابد .

سعی هم از استلام حجر اسود آغاز می شود ، قسمیکه که در آغاز طواف استلام حجر اسود میشود همان طور استلام حجر اسود در آغاز سعی هم میشود .

رسول الله ﷺ که سعی را شروع میکردند بعد از استلام حجر اسود

به سوی صفا رفتند ، به

صفا که نزدیک شدند این

آیت را تلاوت نمودند : إِنَّ

الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ

اللَّهِ .

ترجمه : بدرستیکه صفا و

مروا از نشانههای شناسایی

دین الله است . ( پایان ترجمه )



و گفتند : از آنجا آغاز میکنیم که الله ﷻ نام آن را در ایه اول یاد

کرده است ، یعنی در ایه مبارکه اول صفا ذکر شده است ما هم سعی

را از صفا شروع میکنیم .

پس به صفا تا جایکه نظرش بر کعبه می افتید بلند شد ، تکبیر و توحید گفتند :

اللّٰهُ اَكْبَرُ اللّٰهُ اَكْبَرُ اللّٰهُ اَكْبَرُ الْحَمْدُ لِلّٰهِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ،  
لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ، لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ ،  
اُنْجَزَ وَعَدَهُ ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ ، وَهَزَمَ الْاَحْزَابَ وَحْدَهُ .

ترجمه : الله از هر چیز بزرگتر است ، الله از هر چیز بزرگتر است ،  
الله از هر چیز بزرگتر است ، تمام ستایش مر الله را است ، به  
غیر از الله معبودی بر حق وجود ندارد ، او یکی است ، هیچ  
شریک ندارد ، سلطنت مر از او است ، و ستایش مر او را است ،  
و او بر هر چیزی قدرت دارد ، به غیر از الله معبودی بر حق وجود  
ندارد ، او یکی است ، وعده خویش را پوره کردند ، و مدد بنده  
خویش را نمودند ، و تمام احزاب کفار را به تنهایی شکست دادند .  
پس از تکبیر و توحید دست ها را بالا کردند دعا نمودند ، پس از  
دعا بار دوم تکبیر و توحید گفتند :

اللّٰهُ اَكْبَرُ اللّٰهُ اَكْبَرُ اللّٰهُ اَكْبَرُ الْحَمْدُ لِلّٰهِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ،  
لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ، لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ ،  
اُنْجَزَ وَعَدَهُ ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ ،  
وَهَزَمَ الْاَحْزَابَ وَحْدَهُ .



بعدا باز هر دو دست را بالا  
کرده دعا کردند ، پس از  
دعا بار سوم تکبیر و توحید  
گفتند :

اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ الْحَمْدُ لِلَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ،  
لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ ،  
أُنْجَزَ وَعَدَهُ ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ ، وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ .

پس از تکبیر برای بار سوم دست ها را بالا کردند دعا نمودند ، و  
بعد از دعا بسوی مروا پایین آمدند ، بر مروا که بالا شد هم همین  
طور رو به کعبه استاده شد تکبیر و توحید گفتند ، پس از آن دعا  
کردند ، تکبیر و دعا را سه بار تکرار نمودند ، چنانچه بالای صفا  
کرده بودند .

در سعی حج و عمره هنگامیکه به صفا و مروا بالا شود در هر  
شوط مطابق این طریقه مسنونه پیامبر پاک دعا و تکبیر گفته میشود  
، برای یاد نمودن دعاهای قرآنی و مسنون قسمت پنجم همسفر حج  
را مطالعه نمائید .

پس از تکبیر و دعا به رفتار عادی در حالت وقار به سوی مروا  
پایین می آید ، و شوط اول سعی را بجا میآورد ، در وادی یعنی جر  
سیلاب که بین صفا و مروا البته نزدیک صفا می باشد مردمان می  
شتابند ، حالا جر سیلاب آن جا به نظر نمی رسد البته جای جر  
سیلاب و وادی به میل های سبز رنگ نشانی گشته اند .

زنان در وادی هم به رفتار عادی سعی را بجا می آورند ، در بین  
صفا و مروا هر قسم دعا و ذکر خوانده میشود البته از ابن مسعود و  
ابن عمر این دعا منقول شده است : رب اغفر و ارحم انک انت الا  
عز الا کریم .

ترجمه : ای پروردگار من ! مغفرت فرماید و رحم نمائید ،  
 بدرستی که شما از هر کس غالبتر و قویتر هستید و هم از هر کس  
 کریم تر هستید . ( پایان ترجمه )

به مروا که بالا شود رو بروی کعبه استاده شود تکبیر و توحید  
 بگوید :

الله اکبر ، الله اکبر ، الله اکبر ، الحمد لله لا إله إلا الله وَحْدَهُ لا شَرِيكَ  
 لَهُ ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ، لا إله إلا الله وَحْدَهُ  
 ، أَنْجَزَ وَعَدَهُ ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ ، وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ .

پس هر دو دستان را بالا کرده دعای دلخواه خویش را به گریه و  
 فریاد و خلوص دل از خداوند متعال بخواهد ، پس از دعا باز تکبیر  
 و کلمه توحید بخواند :

الله اکبر ، الله اکبر ، الله اکبر ، الحمد لله لا إله إلا الله وَحْدَهُ لا شَرِيكَ  
 لَهُ ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ، لا إله إلا الله وَحْدَهُ  
 ، أَنْجَزَ وَعَدَهُ ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ ، وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ .

باز بدستهای بالا دعا کند پس از دعا باز تکبیر و کلمه توحید بخواند  
 :  
 الله اکبر ، الله اکبر ، الله اکبر ، الحمد لله لا إله إلا الله وَحْدَهُ لا  
 شَرِيكَ لَهُ ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ، لا إله إلا الله  
 وَحْدَهُ ، أَنْجَزَ وَعَدَهُ ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ ، وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ .

باز بدستهای بالا دعا بطلبد ، پس از دعا به صفا برگردد ، به رفتار  
 عادی سوی مروا روانه شود ، در بین میل های سبز رنگ مردان  
 شتابند و سپس به صفا بالا شود ، از صفا به مروا رفتن یک شوط  
 شمرده می شود ، از مروا پس به صفا آمدن شوط دیگری محسوب



می شود ، باین ترتیب که هفت شوط را بجا آورد ، سعی مکمل میشود .

در بین صفا و مروا سعی نمودن از واجبات حج است ، و آن هم باین ترتیب که در تمام ساحهٔ بین کوه صفا و مروا رفت و آمد کند و باندازهٔ یک قدم جای را هم نماند .

البته بالای صفا و مروا بالا شدن واجب نیست بلکه کاری مستحب است ، بنا برین در منزل بالا سعی صفا و مروا هم جواز دارد برای اینکه آن رفت و آمد هم در بین صفا و مروا واقع میشود .

در بین صفا و مروا اضطباع یعنی شانهٔ راست برهنه نمی شود ، اگر کسی سعی میکرد یا طواف میکرد و درین وقت اقامت نماز آغاز شد سعی و طواف را در آنجا ترک نماید ، نماز را با جماعت ادا کند ، و پس از نماز سعی و طواف را از همان جای که ترک کرده بود پوره کند.

کسانی که به سبب بیماری و یا کلان سالی بر پای خویش توانایی طواف و سعی نداشته باشند ایشان سعی و طواف را در ویل چیر یعنی چوکی دو چرخ کرده میتوانند ، و همچنان بدوش دیگران و یا در کجاوه هم کرده می توانند .

## عرفات

تمام حجاج به یوم الترویبه یعنی هشتم ذوالحجه پس از نماز صبح به منی می روند ، نماز پیشین را به منی می رسانند ، نماز پیشین ، عصر ، مغرب ، خفتن را و نماز فجر فردا صبح را در منی ادا



مینمایند ، فردا صبح بعد از طلوع آفتاب تمام حجاج از منی به عرفات می روند .

جهت شرق منی مزدلفه موقعیت دارد و طرف شرق مزدلفه عرفات واقع

است ، درین نقشه راه و موقعیت عرفات نشان داده شده است .

در بین منی و مزدلفه بنام محسر وادی و جر سیلاب است ، این وادی در بین منی و مزدلفه حد فاصل است و خود محسر به قول راجح از ساحة منی است .

طرف شرق مزدلفه وادی دیگری بنام عرنة است ، وادی عرنة در بین مزدلفه و عرفات حد فاصل است ، مزدلفه داخل حدود حرم است ، عرفات از حدود حرم بیرون در ساحة حل می باشد ، وادی عرنة حصه عرفات نیست لهذا از وادی عرنة به آن سوی عرفات باید حاجی داخل شود ، در کناره غربی عرفات مسجد نمره است ، یک بخش مسجد نمره در وادی عرنة می آید .

حج دارای دو رکن است یک وقوف عرفات است و دیگر طواف زیارت است ، وقوف عرفات وقتی خاصی و متعین دارد ، که نه از آن وقت پیشتر و نه از آن وقت بعدتر وقوف عرفات درست می شود ، بتاریخ نو ذوالحجۀ پس از زوال آفتاب وقت وقوف عرفات آغاز میشود .

آخر وقت وقوف عرفات تا آخر شب آینده طول میکشد ، با طلوع صبح صادق روز دهم ذوالحجۀ وقت وقوف عرفات به پایان میرسد ، اگر حاجی درین وقت متعین به ساحة عرفات داخل نه شود حج از



وی فوت میشود ، این کس باید به ادا نمودن عمره خود را از احرام حج حلال بسازد ، یعنی طواف و سعی کند و از آن بعد حلق یا تقصیر کند ، و سال دیگری قضای حج را بجا آورد .

حاجی که از طرف روز به عرفات داخل شود بر او واجب است تا غروب آفتاب در عرفات بماند ، اگر کسی پیش از غروب آفتاب از عرفات بیرون آید دم بالایش لازم میشود البته اگر پیش از غروب آفتاب پس به عرفات برگردد دم از ذمه اش ساقط میشود .

حجاج که از منی در وقت چاشت به عرفات بیایند در عرفات خود را جا بجا میکنند تا که وقت زوال داخل شود ، برای وقوف عرفات غسل از وضوء بهتر است .

زنان در حالت حیض و نفاس هم به عرفات میروند ، برای اینکه زنان در حالت حیض و نفاس به غیر از طواف دیگر تمام مناسک حج را ادا کرده میتوانند .

اگر کسی به مسجد نمره رفته بتواند برای ادا نمودن نماز پیشین و عصر آنجا برود ، پس از زوال به یک آذان و دو اقامت نماز پیشین و عصر ادا میشود ، پیش از نماز پیشین خطبه خوانده میشود .

البته این خطبه نزد همه ائمه برای نماز شرط نیست لهذا به غیر خطبه هم نماز درست میشود ، هر دو نماز یکی پی دیگری ادا میشود ، در بین آن سنت و نفل ادا نمیشود ، و در هر دو نماز قرائت آهسته خوانده میشود .

مسئله قصر در بین ائمه اختلافی است ، نزد امام مالک ، امام اوزاعی و بعضی دیگری در منی و عرفات که چهار رکعت نماز دو رکعت ادا میشود آن به سبب منایسک حج ادا میشود .

لهذا نزد شان هر حاجی خواه مقیم باشد و خواه مسافر باید در عرفات و منی قصر کند .

نزد امام ابوحنیفه ، امام شافعی ، سفیان ثوری این قصر به سبب سفر میشود ، پس امام اگر مقیم باشد نماز پیشین و نماز عصر را در عرفات چهار رکعت ادا میکند ، و مقتدیان که مسافر هستند ایشان هم به متابعت امام چهار رکعت میکنند .

اگر امام مسافر باشد پس هر دو نماز را سفرانه یعنی دو دو رکعت ادا میکند ، و مقتدیان که مقیم هستند ایشان نماز خویش را چهار رکعت پوره میکنند .

اگر کسی هنگامی بمکه برسد که تا روز هشتم ذوالحجه از پانزده روز وقتی کمتری مانده باشد ، و در مکه نیت اقامت را بکند ، باین نیت مقیم شمرده نمی شود ، زیرا که يوم الترویة یعنی هشتم ذوالحجة ناچار به منی می رود ، منی و مکه جایهای جداگانه است ، و به اقامت کمتر از پانزده روز کسی مقیم نمیگردد .

اگر کسی در مکه نیت اقامت نمود ، پانزده روز یا بیشتر از پانزده روز به غیر از روزهای منی اقامت وی در مکه پوره میشد باز مقیم میگردد ، مثلا کسی اراده اقامت کرد ، ده روز پیش از منی در مکه میگذارد و پنج روز پس در بازگشت از منی در مکه میگذارد ، درین صورت نیت اقامت اش درست میشود ، چرا برای اقامت ضروری نیست که پانزده روز مسلسل و یکجایی در جای اقامت بگذارند . (از مناسک ملا علی قاری)

قابل یاد آوری است فقهاء کرام که مسئله اقامت مکه و منی را این چنین مطرح و ذکر کرده اند آن هنگامی بود که منی از شهر مکه بیرون جای جداگانه بود ، به آبادی شهر متصل نه بود .

درین روزها شهر مکه وسعت یافته است ، آبادی و تعمیرات شهری به مناطقی رسیده است که در گذشته از مناطق داخل شهر مکه شمرده نمیشد .

اکنون بسیاری از مناطقی وجود دارد که اگر کسی در زمان گذشته به اراده سفر از شهر مکه به آن جا می رسید حکم مسافر برایش ثابت میشد ، نماز چهار رکعتی را دو رکعت ادا میکرد و لکن اکنون آن مناطق در جمله آبادی شهر مکه شمرده میشود ، اگر کسی

به اراده سفر از خانه بر آید و بآن جا برسد باز هم نماز را قصر کرده نمیتواند برای اینکه آن جایها از خود شهر مکه پنداشته میشود

اگر آبادی و تعمیرات شهری مکه به منی آنچنان وصل شده باشد چنانچه به اطراف دیگری شهر مکه توسیع یافته است پس به نزد منی بایستی منی هم در جمله آبادی شهر مکه شمرده شود ، اگر کسی در مکه بشمول روزهای منی اراده پانزده روز اقامت نمود به این گونه اقامت مقیم گردد و الله اعلم .

حجاج روز عرفات پس از نماز صبح تکبیرات تشریق را آغاز می کنند پس از هر نماز فرض یکبار :

اللَّهُ أَكْبَرُ ، اللَّهُ أَكْبَرُ ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ ، اللَّهُ أَكْبَرُ ، وَلِلَّهِ الْحَمْدُ میگویند ، این تکبیرات تشریق تا نماز عصر روز چهارم عید خوانده میشود ، بخاطر اینکه در مورد تکبیرات تشریق فتوا بر قول یاران است .

نزد یاران درین روزها مقیم و مسافر ، زن و مرد همه شان تکبیرات تشریق را پس از هر نماز فرض ، خواه به جماعت ادا شود یا به غیر جماعت ادا شود ، میخوانند البته زنان تکبیرات را آهسته باواز خفیف میخوانند .

حاجی اگر مسافر باشد اضحیه بالایش واجب نیست البته بخوشی خویش کرده میتواند ، حاجی اگر غنی و مقیم باشد یعنی از ساکنین مکه باشد ، یا نیت اقامت را کرده باشد اضحیه بر ذمه اش واجب میشود ، حاجی اضحیه خویش را در حرم هم ذبح کرده میتواند ، و

در وطن خویش توسط وکیل خویش هم ذبح کرده میتواند ، قربانی تمتع و قران در اضحیه محسوب نمیشود .

در عرفات که نماز پیشین و عصر یک جا در وقت ظهر ادا میشود ، نزد امام ابوحنیفه رحمۃ اللہ علیہ این دو نماز را هنگامی یک جا ادا کرده میتواند که هر دو نماز به جماعت ادا شود .

اگر نماز پیشین یا نماز عصر را به جماعت ادا نمیکرد پس نماز عصر باید در وقت عصر ادا کند ، و شرط دوم اینست که امام جماعت باید امیر حج یا نائب وی باشد ، اگر کسی به غیر اجازه امیر حج نماز را به جماعت میداد در آن صورت هم باید نماز عصر در وقت عصر ادا شود .

نزد ابویوسف و امام محمد در عرفات که نماز عصر در وقت ظهر ادا میشود برای آن ، جماعت و امیر حج شرط نیست ، نزد یاران هر حاجی خواه نماز به جماعت ادا میکند و خواه نماز تنها و انفرادی ادا میکند در عرفات پس از زوال نماز ظهر و عصر را در یک وقت ادا مینماید تا برای وقوف عرفات تا غروب افتاب فارغ شود .

پس از زوال که نماز ظهر و عصر را ادا کرد وقوف عرفات آغاز میشود ، در عرفات اذکار مثل الله اکبر ، لا اله الا الله ، سبحان الله ، الحمد لله ، تلبیه ، درود و دیگر اذکار خوانده میشود ، و هم به دستهای بالا ، به عاجزی و فریاد و خلوص دل دعا های که یاد داشته باشد و دلش میخواهد ، به هر زبان که باشد بار بار تکرار میتواند .

برای یاد کردن اذکار و دعا‌های قرآنی و مسنونه قسمت پنج همسفر حج را مطالعه فرمائید .

عرفات میدان وسیع است در هر جای عرفات وقوف میشود ، رسول الله ﷺ فرموده است که ما اینجا وقوف کردیم و هر جای عرفات وقوف میشود .

البته اگر ازدحام نه باشد و بتواند نزدیک جبل الرحمة جایکه سنگ های بسیار بزرگ و سیا رنگ است وقوف کند ، رسول الله ﷺ آنجا وقوف کرده است البته به جبل الرحمة بلند نه شود .

از رسول الله ﷺ روایت شده است که الله جل جلاله در روز عرفات به کسانیکه به عرفات آمده اند به ملایکه فخر میکند و می گوید : ای ملایکه ! بنده گان مرا بنگرید ، از جاهای دور و دراز آمده اند به سبب سفر گرد آلوده وموهایشان پراکنده اند ، شما گواه باشید ما همه گناهان ایشان را بخشیدم ، پس آنچنان از گناه پاک به خانه های خویش بر میگردند مثل آن هنگامیکه از مادران زایده شده بودند

(تحفة الفقهاء)

هچنان از پیامبر اسلام روایت شده است که برای حاجیان در عرفات از همه دعا بهتر آن دعای است که ما و از ما پیشتر دیگر انبیاء در عرفات کرده اند و او اینست :

لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك، وله الحمد، يحيى ويميت ، وهو حي لا يموت بيده الخير، وهو على كل شى قدير . (تحفة الفقهاء)

ترجمه : به غیر از الله دیگر هیچ معبود بر حق وجود ندارد ، او



تنها است ، هیچ شریک ندارد ، سلطنت مر او را است ، و همه ستایش ها او را است ، زنده اشیاء را می آفرد ، جان می دهد ، و هم جان ایشان را می ستاند ، مرده می کند ، او زنده است ، نه میمرد ، تمام خیرات بدست او است ، او بر هر چیز قدرت دارد .

آگاهی : بعضی از واعظین در عرفات پس از ادای نماز در لود اسپیکر به آواز بلند و عظ و بیان میکند ، و عظ اگر چه کاری خوب است و لاکن هر کاری وقت دارد و بطریقه خویش میشود .

پس از ادای نماز در آنجا و عظ کرده نمی شود برای اینکه پس از نماز وقت مناجات ، ذکر ، توبه و دعا است ، در روز عرفات وقت و عظ و نصیحت پیش از نماز است ، قبل از نماز پیشین که دو خطبه گفته میشود همین خطبه ها برای و عظ و رهنمایی حجاج ارائه میشود .

پس از ادای نماز هر کس تنها تنها به ذکر ، تلبیه و درود مشغول میشود و به خلوص دل به واه و فریاد دعا می طلبد و از گناهای خویش تائب میگردد ، گریه و زاری میکند تا تمام گناهان وی را ببخشد ، این وقت وقت منیجات است ، درین روز که نماز عصر در وقت ظهر ادا میشود هویدا و روشن است که حجاج به مناجات رب خویش تا مغرب فارغ شوند

پس کسانی که در عرفات پس از ادای نماز در لود اسپیکرها با سر و صدا و عظ میکند این کار مناسبی نیست بلکه سبب اذیت دیگران میشود و هم مزاحم کسانی میشود که آنان با پروردگار خویش مناجات میکنند .

همان گونه که رسول الله ﷺ حج را با صحابه کرام خویش ادا نموده است هیچ کسی نمیتواند که از آن بهتر حج را ادا کند ، رسول الله ﷺ برای وعظ و رهنمایی در عرفات قبل از نماز ظهر دو خطبه داده است البته پس از نماز هر کس تنها تنها به ذکر و دعا تا غروب افتاب مشغول بودند .

کسی که به میدان عرفات از طرف روز داخل شود پس بر آن کس تا غروب افتاب در عرفات وقوف نمودن واجب میشود ، اگر قبل از فرو رفتن افتاب از عرفات بیرون بر آمد دم بالایش لازم میشود ، و اگر پس به عرفات برگشت و قبل از غروب افتاب داخل عرفات شد دم از ذمه اش ساقط میشود .

کسیکه از طرف شب به عرفات داخل شود بر آن کس در عرفات دیر کردن واجب نیست بلکه اندکی بعد هم از عرفات برآمده میتواند

در روزهای حج مناسک هر روز از طرف شبیکه بعد از آن روز داخل میشود هم ادا میگردد ، برای اینکه در ایام حج شب آینده به امروز تعلق میگیرد ، اگر کسی به روز عرفات به عرفات داخل



نگردد ، پس از غروب افتاب تا طلوع صبح صادق هم در عرفات وقوف کرده میتواند ، اگر شب هم بگذرد ، صبح صادق در افق آسمان نمودار شود پس وقوف عرفات نمی شود .

## مزدلفه

به روز عرفات که افتاب غروب کند ، شام شود ، تمام حجاج از عرفات به سوی مزدلفه به وقار و سنگینی روانه میشوند ، در این روز نماز مغرب نه در عرفات ادا میشود ، و نه در راه و جای دیگری ادا شده میتواند .

بلکه هنگامیکه به مزدلفه برسند ، وقت نماز خفتن داخل شود یک آذان میشود ، پس اقامت میشود و سه رکعت نماز مغرب ادا میشود ، پس اقامت دیگری برای نماز خفتن ادا میگردد و نماز خفتن ادا میشود ، در بین نماز شام و نماز خفتن سنت و نوافل نمی شود . این شب در مزدلفه گزراندن سنت موکد است .

شب که گذشت ، بامداد آنروز که صبح صادق یعنی فجر دوم در افق آسمان آشکار شود ، وقت وقوف مزدلفه آغاز میشود ، وقوف مزدلفه از واجبات حج است ، کسی که درین روز در بین صبح صادق و بر آمدن افتاب به مزدلفه فقط برای یک لحظه هم حاضر شود به آن وقوف مزدلفه ادا میشود .

کسی که معذور نه باشد و در وقت صبح به مزدلفه حاضر نه شود دم بالایش لازم میشود ، زنان و پیرمردان اگر از بیم ازدحام در شب از مزدلفه به منی روند به سبب ترک نمودن وقوف مزدلفه کدام چیز بالای شان لازم نمی گردد ، برای اینکه از این گونه معذورین وقوف مزدلفه ساقط می شود .

این روز در مزدلفه نماز بامداد از هر روز و قتر در تاریکی ادا میشود ، پس برای وقوف مزدلفه به دامن کوه قرح یعنی جایکه

رسول الله ﷺ در آن وقوف کرده بودند میروند ، در آن جا مسجد بنام مشعر الحرام اعمار شده است ، البته مشعر الحرام به تمام مزدلفه هم گفته میشود ، تمام مزدلفه جای وقوف است لهذا در هر جای مزدلفه که حاجی وقوف کند درست است .

در وقوف مزدلفه هم مثل وقوف عرفات تلبیه ، ذکر و درود خوانده میشود ، و بار بار دستهای احتیاج را بامید کرم و رحمت ارحم الراحمین بالا کرده به خلوص دل و فریاد دعا میکند ، این جای و وقت قبولیت دعا و توبه است .

تا هنگامیکه روز روشن میشود به وقوف مزدلفه ادامه داده میتواند ، وقتیکه خوب روشنی شود پیش از بر آمدن افتاب حجاج به منی روانه میشوند ، برای رمی جمرات از مزدلفه و یا در راه از جاهای دیگری سنگریزه ها را با خود گرفته میتواند ، روز اول به هفت سنگریزه ضرورت دارد و برای دیگر روزها برای هر روز به بیست و یک سنگریزه ضرورت دارند .

در بین مزدلفه و منی وادی محسر است ، این وادی در بین مزدلفه و منی تقسیم خط را تشکیل مینماید ، البته خود محسر بنا بر قول قوی از ساحه منی شمرده میشود ، از وادی محسر به شتاب میگذرند .

### منی

حجاج روز اول عید پیش از طلوع افتاب از مزدلفه به منی میروند ، و این روز در منی سه کار یکی پی دیگری را انجام می دهند ، این سه کار از واجبات حج است .

اول : در وقت چاشت جمره عقبه را به هفت سنگریزه رجم میکنند ، هر سنگریزه به گفتن الله اکبر سوی جمره پرتاب می نماید ، به انداختن سنگریزه اول تلبیه به پایان می رسد ، حاجی پس ازین تلبیه نمی خواند .

دوم : پس از رمی جمره عقبه قربانی ادا میگردد ، قربانی بر ممتع و قارن واجب است ، البته بر مفرد قربانی واجب نیست .

سوم حلق یا قصر میکند ، مفرد اگر قربانی نمی نمود پس از رمی جمره عقبه حلق یا قصر میکند ، قارن و ممتع پس از رمی باید قربانی کنند و بعد از قربانی حلق یا قصر کرده می توانند ، قارن و ممتع اگر توان قربانی نداشتند ، و پیش از روز عید سه روزه را گرفته بودند ، ایشان هم بعد از رمی جمره عقبه حلق یا قصر کرده میتوانند ، در ذیل برای هر یکی ازین سه موارد بحث جداگانه می کنیم .

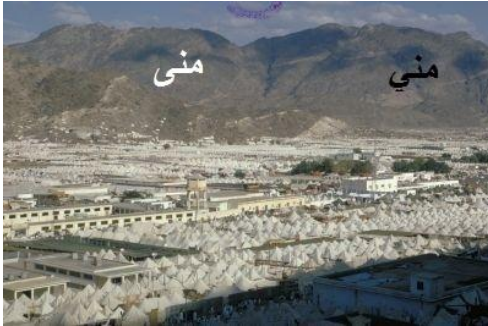
### رمی جمرات

در منی سه جمرات است ، رمی و سنگسار کردن این جمرات از واجبات حج است ، جمره اولیکه بداخل منی نزدیک مسجد خیف است آنرا جمره صغری میگویند ، و جمره دیگری را که جهت قبله می آید جمره وسطی میگویند ، و از آن بیعد در آخر منی که جمره

است به آن جمره کبری یا جمره عقبه میگویند ، جمره عقبه بالکل در آخر منی واقع است از آن بیعد حدود مکه مکرمه آغاز میشود .



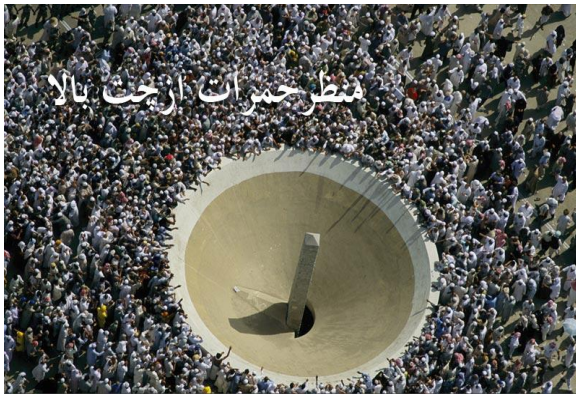
روز اول عید بعد از برآمدن افتاب در وقت چاشت تنها جمره عقبه رجم میشود ، روز اول رمی جمره عقبه بعد از صبح صادق هم جواز دارد البته بهتر اینست که بعد از طلوع افتاب رجم شود.



اگر کسی جمره عقبه را روز اول رجم نکرد در شب آینده هم آنرا رجم کرده میتواند ، اگر در شب هم رجم نه کرد ،

شب بگذرد صبح صادق روز دوم طلوع یابد پس قضای آن باید آورده شود ، البته نزد ابوحنیفه رحمۃ اللہ علیہ به سبب تاخیر دم بالایش لازم میشود ، و نزد ابویوسف و امام محمد به سبب تاخیر دم لازم نمیشود .

اگر کسی جمرات روز دوم را ترک کند و روز سوم هم قضای روز گذشته را بجا آورد و هم برای روز سوم جمرات را رجم کند نزد یاران به سبب تاخیر دم لازم نمیگردد .



اگر کسی رمی جمرات روز اول ، دوم و سوم را تا روز چهارم تاخیر دهد ، و روز چهارم پیش از غروب افتاب قضای روزهای گذشته را هم بجا آورد و برای روز چهارم هم جمرات

را سنگسار کند درین صورت هم نزد یاران دم لازم نمیشود البته نزد ابوحنیفه رحمۃ اللہ علیہ به سبب تاخیر دم لازم میشود .

روز دوم عید جمرات سه گانه پس از زوال رجم میشود ، اول جمره که به مسجد خیف نزدیک



است و آن را جمره صغری میگویند به هفت سنگریزه رجم میشود ، هر سنگریزه به گفتن تکبیر پرتاب میشود ، پس از رمی یک اندازه

سوی قبله پیش میرود و برای دعا استاده می شود ، به دستهای بالا دعا میشود ، این هم وقت و جای پذیرش دعا است .

پس از دعا به جمره وسطی یعنی میانه میرود ، و آن را هم به هفت سنگریزه رجم می کند و هر سنگریزه را به گفتن الله اکبر پرتاب میکند ، پس از رمی جمره وسطی یک اندازه پیش میرود و رو به قبله برای دعا استاده می شود دعای دلخوا خویش را به خلوص و فریاد از خداوند متعال میطلبد .

پس از دعا به جمره عقبه میرود و آن را هم به هفت سنگریزه سنگسار میکند ، پس از رمی آن بر میگردد و برای دعا استاده نمی شود ، اگر کسی از طرف روز جمرات را رجم نه کرد ، در شب بعدی هم آن را رجم کرده میتواند .

روز سوم هم بلکل مثل روز دوم هر سه جمرات رجم میشود ، اگر کسی اراده روز چهارم نداشت بایستی روز سوم پیش از غروب

افتاب از منی بیرون برآید ، برای اینکه پس از فرو رفتن افتاب از منی بیرون رفتن کراهیت دارد .

اگر شب هم بگذرد و وی در منی باشد صبح صادق برآید پس رمی روز چهارم هم بالایش واجب میشود ، روز چهارم هم هر سه جمرات پس از زوال رجم میشود .

البته در روز چهارم وقت رمی جمرات با غروب افتاب به پایان میرسد ، اگر بر ذمه کسی رمی یک روز باقی باشد ، در روز چهارم قضای آن پس از غروب افتاب آورده نمیتواند ، بلکه به دم جبران میشود .

اگر کسی توان رمی جمرات میداشت بر او لازم است که جمرات را خود رجم کند ، و اگر کسی معذور بود توان رجم کردن جمرات نداشت مثلا دیوانه باشد یا طفل خورد سال باشد کسی دیگری بجای او جمرات را سنگسار کرده میتواند .

مریضی که به سبب مریضی جمرات را رجم کرده نمیتواند کسی دیگری را مؤظف کرده میتواند که بجای او جمرات را رجم کند ، اگر کسی این چنین مریض باشد که نماز را استاده ادا کرده نمی توانست او میتواند که کسی دیگری را وظیفه دهد تا بجای او جمرات را رجم کند .

## ذبح

حیوانات که برای تقرب و حصول ثواب به حرم فرستاده میشود تا آن جا ذبح آن صورت گیرد آن را هدایا میگویند و یک قربانی آن را



هدی میگوید ، همان سن و تندرستی که برای حیوان اضحیه لازم میباشد آن سن و تندرستی برای هدایا هم لازم است .

در هدایا هم مثل اضحیه فقط شتر ، گاو ، بز و گوسفند پذیرفته میشود البته نر و ماده شان بی تفاوت است .

شتر باید از پنج سال کمتر نه باشد ، گاو باید از دوسال کمتر نه باشد ، بز باید از یک سال کمتر نباشد ، البته گوسفند شش ماهه در هدایا هم پذیرفته میشود .

همچنان در هدایا شتر و گاو تا هفت نفر اشتراک کرده میتوانند ، هر حیوان که به سبب عیب در اضحیه پذیرفته نمی شود آن حیوان در هدایا هم پذیرفته نمی شود .

برای قصاب طور اجوره پوست ، گوشت و چیزی دیگری را از هدایا داده نمی شود بلکه در اجوره قصاب پول نقد یا چیزی دیگری داده میشود .

در مناسک حج و عمره که هر جا دم ذکر میشود مراد از آن گوسفند یا بز و یا هفتمین حصه گاو یا شتر می باشد ، البته دو جای است که آن جا فقهاء دم ذکر میکنند و مراد ایشان شتر یا گاو میباشد .

یکی آنکه اگر کسی پس از عرفات با زن خویش جماع کند دم بالایش لازم میشود ، و دوم آنکه طواف زیارت را در حالت جنابت ادا کند ، پس آن را در حالت طهارت اعاده هم نه کند دم بالایش لازم میشود ، درین دو موقع هم دم ذکر میشود ولی مراد از آن ذبح نمودن شتر یا گاو می باشد .

هدایا بصورت عموم دو گونه است ، یکی آن هدایا است که کسی باختیار خویش ذبح میکند یا به سبب شکرانه لازم شده باشد مثل قربانی تمتع و قران ، و دیگری آنکه به سبب احصار ، جنایت یا نذر لازم شده باشد .

حکم گوشت هدایا قسم اول مثل اضحیه میباشد خود هم از گوشت آن خورده میتواند و دیگران را خواه مالدار و غنی باشند و یا فقیر و نادار باشند هم داده میتواند .

گوشت هدایا قسم دوم نه خود خورده میتواند و نه مالداران را داده میتواند بلکه گوشت اینگونه هدایا بر مساکین و فقراء تقسیم میشود . تمام هدایا حج ، خواه قربانی تمتع و قران باشد و خواه کفاره جنایات و یا هدی احصار باشد در منی یا جای دیگری که از مناطق حرم باشد ذبح میشود .

## قسمت چهارم

### شناسایی جنایات

حاجی و عمره کننده اگر از پابندی های احرام یک پابندی را ترک کند و یا از واجبات حج و عمره یک واجبی را ترک کند ، و یا کاری را بکند که حج و عمره را فاسد کند این همه را در مناسک حج جنایات میگوید .

محرم اگر قصدا به غیر عذر یک جنایتی را انجام دهد هم گناهکار میگردد و هم بر سر شان کفاره لازم میشود ، و اگر در خطاء ، فراموشی یا خواب یک جنایتی را انجام دهد تنها کفاره بر ذمه اش لازم میشود البته در آخرت سزا آن داده نمی شود .

محرم اگر به سبب عذر یک پابندی احرام را ترک کند نه گناهکار میشود و نه در آخرت سزا آن داده میشود البته کفاره آن بالایش لازم میشود .

مختصرا گفته میتوانیم که به سبب جنایت در هر حالت کفاره لازم میشود البته در حالت خواب ، خطا ، فراموشی ، اکراه و عذر گناهکار نمی شود ، و اگر عذر نداشته باشد و قصدا مرتکب جنایتی شود گناهکار هم میشود .

### معدور

اگر کسی به سبب عذر آنچنان جامه را بپوشد که در حالت احرام از پوشیدن آن ممنوع باشد ، درین جمله پنهان کردن سر و روی شامل اند ، و یا به سبب عذر موی سر را بتراشد ، درین جمله تراشیدن

جای دیگری از بدن هم شامل است ، و یا به سبب عذر ناخن را بگیرد ، گناهکار نمی شود البته کفاره بالایش لازم میشود .

معذور در کفاره اختیار دارد ، قربانی می کند هم اختیار دارد ، یا سه روز روزه میگیرد یا صدقه میدهد هم اختیار دارد ، بر معذور که صدقه لازم میشود مقدار آن سه پیمانہ گندم یا شش پیمانہ جو و خرما میباشد ، یعنی صدقه که بمقدار سرسایه شش نفر مساوی میباشد ، در صدقه قیمت گندم ، جو و یا خرما هم داده میتواند .

اگر کسی ملخ را بکشد یا دو سه دانه شپشها را بکشد یا چند دانه موی را بشکناند و قطع کند ، و یا مدت کم جامه منع شده را بپوشد صدقه بالایش واجب میشود البته مقدار این صدقه از یک صاع هم کم میباشد ، انداره کم خوراک را اگر در خیرات دهد کفایت می کند ، یک دانه خرما از ملخ بهتر است .

### مقدار صدقه

در مناسک حج هر جایکه در سزای یک جنایتی صدقه یاد میشود مقدار آن نیم صاع گندم و یا یک صاع جو و خرما و یا نوع دیگری از مواد خوراکی می باشد ، وزن یک صاع<sup>۱</sup> مساوی سه کیلو و هشتصد گرام می باشد ، البته به غیر از دو گونه صدقه که مقدار آن قبلاً ذکر کرده ایم ، یکی مقداری صدقه که بر معذور لازم میشود و دیگر صدقه که به سبب کشتن ملخ و اشیای دیگری که در سطور

<sup>۱</sup> الصاع الشرعي أو البغدادي: (٤) أمداداً(٥ و ١/٣) رطل، أي أربع حَقَنَات كَبَار، ووزنه: (٦٨٥،٧) درهماً أو (٢،٧٥) لتراً أو (٢١٧٦) غم وهو رأي الشافعي و فقهاء الحجاز و الصاحبين باعتبار أن المد: رطل وثلث بالعراقي، و عند أبي حنيفة و فقهاء العراق: ثمانية أرطال باعتبار أن المد رطلان، فيكون (٣٨٠٠ غم). وفي تقدير آخر هو الشائع أن الصاع (٢٧٥١ غم). (الفقه الاسلامي وادلته)

قبل تذکر یافته است ، ماسیوا ازین دو گونه صدقه دیگر هر جایکه ما از کفاره جنایت ذکر میگردیم مقدار آن به همین اندازه میباشد یعنی صدقه که به فطرانه یک نفر مساوی باشد .

صدقه کفارات به یک مسکین کمتر از سراسایه یک نفر داده نمی شود ، اگر کسی در صدقه کفاره نیم صاع گندم را به دو مسکین تقسیم کند در صدقه کفاره شمرده نمی شود ، و همچنان اگر به یک مسکین از نیم صاع گندم یا یک صاع جو اضافه داده شود مقدار اضافه در صدقه نفلی محسوب میشود .

### شناسایی دم

در مناسک حج که دم ذکر میشود مراد آن قربانی کردن است ، در صفحات گذشته خواندید که هر جایکه دم ذکر میشود مراد از آن قربانی گوسفند یا بز یا هفتمین حصه گاو یا شتر می باشد

البته دو جای است که آن جا فقهاء دم ذکر میکنند و مراد ایشان قربانی شتر یا گاو میباشد ، یکی آنکه اگر کسی پس از عرفات با زن خویش جماع کند دم بالایش لازم میشود ، و دوم آنکه طواف زیارت را در حالت جنابت ادا کند و پس آن را در حالت طهارت اعاده هم نه کند دم بالایش لازم میشود ، درین دو جا که دم ذکر شده است مراد از آن ذبح کردن شتر یا گاو می باشد .

در قربانی نر و ماده هر دو پذیرفته میشود البته ذبح آن در حرم یعنی منی و یا جای دیگر بداخل حرم ضروری میباشد .

قربانی حرم را هدایا میگویند ، هدایا از نگاه سن و تندرستی باید مثل

اضحیه باشد ، هر حیوانکه در اضحیه پذیرفته نمی شود همان حیوان در هدی هم پذیرفته نمی شود .

گوشت قربانی تطوع همچنان گوشت قربانی تمتع و قران خود شان هم خورده میتواند ، به اغنیاء هم داده میتواند ، و گوشت قربانی کفارات ، احصار و نذر به مساکین داده میشود ، قربانی کننده و مالداران از آن خورده نمیتوانند .

### جنایات

( از میقات به غیر احرام عبور کردن )

آفاقی اگر به حرم مکه میرفت باید از میقات به غیر احرام حج و یا عمره نه گذرد ، و اگر به غیر احرام از میقات بگذرد دم بالای اش لازم میشود ، اگر به میقات برگردد و آنجا احرام را بندد دم از ذمه اش ساقط میشود .

اگر کسی از میقات به غیر احرام عبور کند و از آن بیعد احرام را بسته نمود درین صورت هم اگر به میقات برگردد و آنجا به نیت تجدید احرام تلبیه بگوید دم از ذمه اش ساقط میشود .

باشنده گان حل اگر برای ادای حج یا عمره به غیر احرام به حرم بروند و آنجا احرام را بندند دم بالای شان لازم میشود ، اگر پس به حل برگردند و احرام را تجدید نمایند یعنی تلبیه به نیت تجدید نمودن احرام خواندند دم از ذمه ایشان ساقط میگردد .

## پوشیدن جامه ممنوعه

از پابندی های احرام یکی این است که مردان در حالت احرام جامه های دوخته شده مثل پیراهن ، تنبان ، زیرپراهنی و واسکت پوشیده نمی توانند ، همچنان از پنهان کردن سر و روی هم منع شده اند .

اگر کسی یک روزمکمل و یا یک شب مکمل جامه دوخته شده را پوشد دم بالایش لازم میشود ، قابل یاد آوری است که از روز و شب مقدار آن در ایام معتدل یعنی دوازده ساعت نجومی مراد میباشد .

اگر کسی کمتر از یک روز کالای ممنوع شده را پوشد بالایش صدقه لازم میشود یعنی بمقدار فطرانه گندم یا مواد دیگری خوراکی را خیرات کند ، قیمت آن هم داده میتواند .

مدت یک ساعت نجومی هم همین حکم دارد ، و اگر کسی کمتر از یک ساعت نجومی جامه دوخته شده را پوشد ، او یک اندازه گندم یا جو یا خرما را خیرات کند یک مشت گندم یا دو مشت جو هم کفایت میکند .

## روی و سر را پنهان کردن

مرد روی و سر را در حالت احرام پوشانده نمیتوانند ، و احرام زنان در چهره ها است یعنی زن باید در حالت احرام روی نپوشاند ، حکم پنهان کردن روی و سر هم مثل پوشیدن جامه دوخته شده میباشد ، مرد اگر سر یا روی را و یا حصه چهارم آن را پوره یک روز یا پوره یک شب پوشاند دم بالایش لازم میشود .

مراد از روز مدت آن یعنی دوازده ساعت نجومی می باشد ، اگر کسی کمتر از یک روز سر یا روی را پوشاند باندازه صدقه فطر

صدقه بالایش لازم میشود ، تا یک ساعت نجومی هم همین جزا دارد ، و اگر از یک ساعت نجومی کمتر سر یا روی خود را پوشاند پس یک اندازه خیرات کند .

احرام زنان در چهره است ، زنان اگر روی خویش را پوشانند حکم آن مثل حکم روی پوشاندن مردمان است .

ابویوسف رحمۃ اللہ علیہ در پوشاندن سر و روی اکثریت آن را اعتبار میدهد ، نزد وی اگر کمتر از نصف حصه روی و یا سر را پوشاند هیچ جزا بالایش لازم نمی آید .

### موزه پوشیدن

مرد در حالت احرام موزه را به پا کرده نمی تواند ، اگر در حالت احرام موزه را به پا کند حکم آن مثل حکم جامه می باشد ، اگر کسی برای مدت یک روز موزه را به پا کند دم بالایش لازم میشود ، اگر از مدت روز کمتر باشد تا یک ساعت نجومی بمقدار یک پیمانه جو یا خرما و یا نیم پیمانه گندم صدقه بالایش لازم میشود ، و کمتر از یک ساعت نجومی مقداری اندکی از صدقه بالایش لازم میشود .

قابل یاد آوری است که امروز از ممالک دور افتاده هم کسی میتواند که در مدت چهار یا پنج ساعت عمره را بجا آورد ، درین صورت اگر کسی از آغاز احرام تا وقت سر تراشیدن جامه دوخته شده را پوشد و یا موزه را به پا کند ایبا بالای این کس دم لازم میشود و یا صدقه لازم میشود ؟

اینجا اگر به وقت اعتبار داده شود بایستی صدقه لازم شود چنانچه پیشتر ذکر شده که کمتر از یک روز صدقه را لازم میگرداند ، و



اگر از سوی دیگر نگاه شود در تمام مدت احرام پابندی احرام را  
نقض و زیر پا کرده است بایستی که دم لازم گردد .

ازین وجه درین مسئله بعضی از فقهاء تردد نموده اند ، بعضی از  
ایشان وقت را اعتبار میدهند و بموجب آن صدقه را لازم می دانند ،  
و بعضی تمام مدت احرام را اعتباره داده اند دم را لازم میدانند .

### استعمال خوشبویی

محرم بدن و کالا را به عطر و خوشبویی آلوده نمی تواند ، برای  
اینکه مرد و زن در حالت احرام از طیب منع است ، طیب هر آن  
چیز را میگوید که بوی خوب داشته باشد و برای خوشبویی و معطر  
ساختن بدن و کالا استعمال میشود .

البته اگر محرم به دکان عطار و یا جای دیگری خوشبو شده رود و  
بدن و جامه اش خوشبوی گردد باکی ندارد ، همچنان محرم در  
حالت احرام ریحان و میوه را بوی کرده میتواند بخاطر اینکه محرم  
که از طیب منع شده است مقصد آن این است که بدن و جامه را باید  
به عطر آلوده نه سازد ، البته قصدا بوی کردن این گونه اشیاء  
کراهیت دارد .

محرم اگر عطری زیادی را استعمال کند دم بالایش لازم میشود ، و  
اگر عطر کمی را استعمال کند صدقه بالایش لازم میشود ، البته اینکه  
اندازه زیاد و کم چه قدر است ؟

در این مسئله اختلاف است بعضی میگوید اگر اندام کلان بدن را  
مثل سر ، روی یا ساق را پوره و کامل خوشبو کند آن زیاد پنداشته

میشود ، دم را لازم میگرداند ، و اگر از این کمتر باشد آن کم پنداشته میشود صدقه را لازم میگرداند .

بعضی از مشایخ قسمت چهارم این گونه اندام ها را معطر ساختن هم زیاد می پندارند و موجب دم میگردانند ، و اگر کمتر از حصه چهارم این گونه اندام ها را معطر سازد آن را کم می پندارند و موجب لزوم صدقه می گردانند .

فقیه ابو جعفر الهمدوانی رحمته الله علیه عطر و خوشبویی را اعتبار میدهد ، اگر بدن و جامه را بآن قدر عطر آلوده ساخت که مردم آن را زیاد می پنداشتند دم بالایش لازم میگرداند ، و اگر مردم آن را کم می پنداشتند پس صدقه را لازم میگرداند ، عطریکه در عصر حاضر وجود دارد نظریه ابو جعفر به آن خیلی مناسب بنظر میرسد ، برای اینکه امروز هیچ کسی هم تمام اندام را به عطر نمی مالند بلکه چند قطره عطر را بر بدن می مالند و آن چند قطره برای زیاد وقت دور و دراز بوی خوب میدهد .

### استعمال سرمه

محرم اگر بنا بر ضرورت سرمه را در چشم استعمال کند باکی ندارد و لکن برای زینت و زیبایی کراهیت دارد ، البته استعمال سرمه معطر و خوشبو برایش ممنوع است ، پس محرم اگر یک یا دو بار چشم خویش را ب سرمه معطر سیاه کند صدقه بالایش لازم میگردد ، و اگر سرمه خوشبو شده را بارها استعمال کند دم بالایش لازم میگردد .

## صابون و خطمی

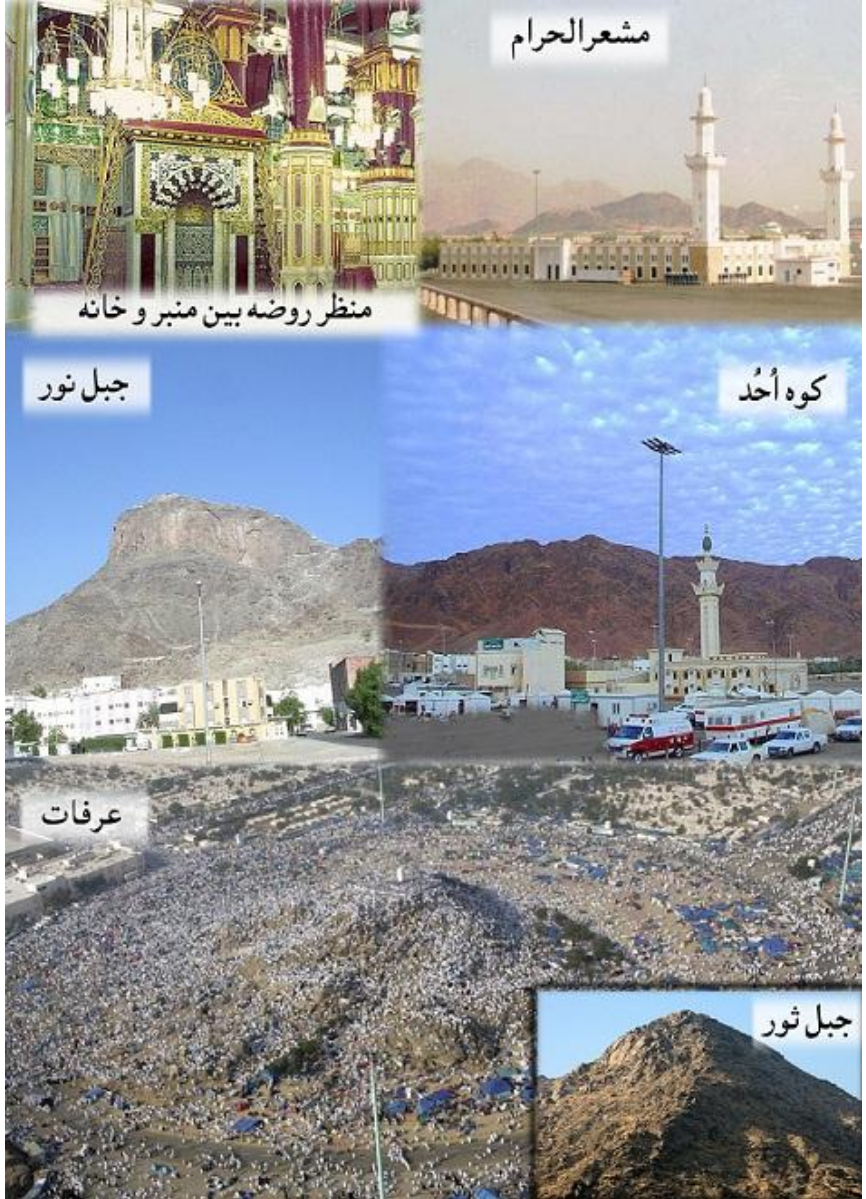
در حالت احرام اینچنین چیز را استعمال نمودن که چرک بدن را دور کند فقهاء جایز میدانند بشرطیکه خوشبو نباشد و نه خوشبویی بآن خلط شده باشد .

لهذا اگر کسی سر و بدن را به صابون ساده ، سدر ، اشنان و یا چیزی دیگری که نه خود بوی خوش داشته باشد و نه بآن خوشبویی خلط شده باشد بشوید کدام سزا بر سر شان لازم نمیگردد .

خطمی یک قسمی گیاه است که سر و ریش بآن شسته میشود ، و خطمی بعضی از مناطق بوی خوش هم دارد ، نزد ابو حنیفه رحمۃ اللہ علیہ اگر محرم سر و ریش را بخطمی بشوید دم بالایش لازم میشود ، برای اینکه خطمی نزد وی در جمله خوشبویی شمرده میشود .

ابویوسف و محمد رحمۃ اللہ علیہ خطمی را در خوشبویی نمی شمارند پس بنزد ایشان اگر محرم سر و ریش را بخطمی بشوید صدقه بالایش لازم میشود و آن هم به سبب اینکه خطمی شپش ها را میکشد و موی را نرم میسازد .

اشنان هم یک نوع نبات است که بدن و کالا بآن شسته میشود ، اگر محرم بدن را به اشنانی بشوید که بآن خوشبویی خلط شده باشد ، اگر کسی بر وی گمان میکرد که عطر و خوشبویی را استعمال کرده است آن را به سبب غلبه خوشبویی حکم طیب داده میشود و دم بالایش لازم میگردد ، و اگر کسی بالای وی اینچنین گمان نمی کرد که وی خوشبویی استعمال کرده است پس دم لازم نمی گردد بلکه صدقه را بر سر شان لازم می گردد .





مردم در عصر حاضر برای شستن موی سر و ریش شامپو را استعمال مینمایند ، ما شامپوی که بوی خوش نداشته باشد بر صابون ساده و سدر قیاس کرده میتوانیم و شامپوی که بوی خوشی داشته باشد بر اشنانی که با آن خوشبو خلط شده باشد قیاس کرده میتوانیم . همچنان صابون خوشبویی را بر اشنانی قیاس کرده میتوانیم که بآن خوشبو خلط شده باشد ، و حکم این گونه اشنان این بود که اگر کسی استعمال کننده آن را چنان گمان میکرد که خود را معطر ساخته است آن از جمله طیب پنداشته میشود موجب دم میگردد ، و اگر کسی استعمال کننده آن را چنین گمان نمیکرد پس استعمال آن گونه صابون موجب صدقه میگردد و الله اعلم .

شوافع و حنابله یعنی پیروان مذهب شافعی و احمد حنبل استعمال صابون خوشبویی را هم برای محرم جایز می پندارند و میگویند که استعمال صابون خوشبویی اصلا برای تطیب یعنی خوشبو کردن بدن نیست بلکه مقصد از استعمال آن تنظیف و پاک کردن بدن است ، و به سبب تنظیف بدن دم و صدقه لازم نمیگردد .

### تراشیدن سر

محرم در حالت احرام از تراشیدن و یا کوتاه کردن موی سر ، ریش و جای دیگری از بدن منع شده است ، محرم اگر تمام سر را بتراشد و یا حصه چهارم آن را بتراشد دم بالایش لازم میشود ، و اگر کمتر از حصه چهارم را بتراشد صدقه بالایش لازم میگردد ، حکم ریش هم همین طور است ، اگر تمام ریش را یا حصه چهارم آن را بتراشد و یا کوتاه کند دم بالایش لازم میگردد و اگر از ربع کمتر باشد صدقه بالایش لازم میگردد ، محرم اگر تمام بروت و یا یک

برخی از آن را بتراشد و یا کوتاه کند صدقه بالایش لازم میشود .  
محرم اگر هردو زیر بغل را یا یکی از آن را بتراشد دم بالایش لازم  
می آید و اگر از یک زیر بغل کمتر باشد پس صدقه لازم میشود .

زن اگر از تمام سر یا از حصه چهارم آن به اندازه بند انگشت کوتاه  
کند دم بالایش لازم میگردد و اگر از چهارم حصه کمتر باشد پس  
صدقه بالایش لازم می آید .

اگر از سر محرم و یا جای دیگری از بدن وی موی خود بخود  
بریزد کدام چیزی لازم نمیشود و اگر بخراشیدن دو سه موی را از  
بیخ بکشند پس برای یک موی صدقه یک لقمه نان و یا یک دانه  
خرما هم بس است .

### سر دیگران را تراشیدن

حجاج وقتیکه از سنگسار کردن جمره و قربانی فارغ شوند و آن  
وقت فرا رسد که از احرام خود را به حلق یا تقصیر حلال نمایند  
درین وقت محرم سر خویش و همچنان سر محرم دیگری را تراشیده  
میتواند .

البته محرم اگر قبل از فرا رسیدن وقت حلق و تقصیر سر محرم  
دیگری را بتراشد بر حالق یعنی سر تراشنده صدقه لازم میگردد ، و  
بر مخلوق یعنی کسی که سرش تراشیده شده است دم لازم میگردد ،  
محرم اگر سر حلال را بتراشد یک اندازه خیرات کند یعنی چند دانه  
خرما را بمسکین دهد .

## گرفتن ناخن

محرم اگر ناخن دست و پا را یکجا گرفت و یا ناخن یک دست را گرفت دم بالایش لازم می‌گردد ، محرم اگر ناخن یک دست را در یک جا قیچی نمود و ناخن دست دیگری را در جای دیگری گرفت ، و ناخن پای را در جای دیگری گرفت پس برای هر دست و پا یک یک دم لازم می‌گردد ، محرم اگر کمتر از پنج ناخن را گرفت پس برای هر ناخن صدقه لازم می‌گردد ، یعنی برای هر ناخن به اندازه صدقه فطر خیرات دهد .

آگاهی : پیش مطالعه نمودید که به سبب پوشیدن جامه دوخته شده ، یا عطر زدن و یا حلق کردن یا ناخن گرفتن دم لازم می‌گردد اینها تماما در صورتی است که به غیر عذر این کارها را بکند .

البته اگر کسی بنا بر عذر مثلا مریض شود در حالت احرام جامه دوخته شده را بپوشد ، یا سر را بتراشد آن کس در سه چیز اختیار دارد ، دم میدهد یعنی بز یا گوسفند را خیرات میکند یا سه روزه را می‌گیرد یا شش مسکین را هر یکی را نیم نیم پیمانه گندم یا یک یک پیمانه جو و یا خرما میدهد ، محرم اگر به سبب عذر کاری را بکند که صدقه را لازم می‌گردد پس معذور به سبب عذر اختیار دارد که به اندازه نیم پیمانه گندم را صدقه کند و یا بجای نیم پیمانه گندم یک روز روزه را بگیرد .

محرم اگر سر کسی دیگری را بپوشاند و یا باو جامه را بپوشاند ، و یا بر بدن و کالایش عطر بزند بر محرم که این کارها را کرده اند جزا لازم نمیشود ، البته بر مفعول یعنی کسیکه او را جامه پوشانیده



است یا سر و روی او را پوشانده است اگر محرم باشد جزا لازم می‌گردد .

### جماع کردن

در جنایات احرام جماع بزرگترین جنایت است ، معتمر یعنی عمره کننده اگر پیش از طواف با زن خویش جماع کند عمره اش فاسد میشود البته طواف و سعی را باید بجا آورد تا از احرام عمره خود را حلال کند و پس قضای آن عمره را باید بیاورد .

حاجی اگر قبل از عرفات با زن خویش جماع نمود حجش فاسد میشود ، دم هم بالایش لازم می‌گردد و قضای حج هم بالایش لازم میشود البته مناسک حج را باید ادا کند تا از احرام حج خود را حلال نماید ، و تئیکه مناسک باقی مانده را بجا می‌آورد اگر چه حجش فاسد شده است ولی باز هم باید از آن تمام کارها اجتناب و خود داری کند که حج کننده در حالت احرام آن را کرده نمی تواند .

قارن اگر پیش از طواف عمره با زن خویش جماع کند حج و عمره اش هر دو فاسد میشود البته مناسک عمره و حج را باید بجا آورد تا از احرام خود را حلال نماید ، پس قضای عمره و حج را باید بجا آورد و هم دو دم بالایش لازم می‌گردد .

قارن اگر بعد از عمره جماع کند تنها حجش فاسد میشود ، قضای حج و هم دو دم بالایش لازم می‌گردد .

حاجی اگر بعد از عرفات قبل از طواف زیارت جماع کرد حجش درست است ، فاسد نمی شود البته بدنه یعنی قربانی شتر یا گاو بالایش لازم می‌گردد ، و اگر بعد از طواف زیارت قبل از سر

تراشیدن جماع کرد ، دم یعنی قربانی گوسفند یا بز بالایش لازم میگردد .

### دواعی جماع

محرم در حالت احرام از دواعی جماع هم ممنوع است یعنی کاری که انگیزه جماع را تحریک میکند نمی تواند ، به شهوت زن خویش را لمس کردن یا به شهوت از او بوسه گرفتن از دواعی جماع است ، محرم اگر در حالت احرام زن خویش را به شهوت ببوسد حج اش فاسد نمی شود البته دم بالایش لازم میگردد .

### شکار زمینی

محرم در حالت احرام از شکار صید زمینی یعنی پرنده گان وحشی و حیوانات وحشی منع شده است ، نه خود آن را شکار کرده میتواند و نه دیگران را در شکار کردن آن راه نمایی و همکاری کرده میتواند

صید به آن حیوان و پرنده گفته میشود که انسان را تن نمی دهد و در طبیعت از انسان فرار و خود داری میکند ، اینگونه پرنده یا حیوان اگر چه اهلی شده باشد باز هم حکم صید را دارد .

هر حیوان و مرغی که از جمله صید زمینی باشد شکار کردن آن و یا ذبح کردن آن در حرم مکه برای محرم و هم برای حلال هر دو ممنوع است ، اگر کسی در حرم مکه اینگونه پرنده یا حیوان را ذبح کند گوشت آن مردار شمرده میشود .

اگر محرم صید زمینی را ذبح کند خواه در حرم مکه ذبح کند و یا

در جای دیگری بیرون از حرم مکه گوشت آن پرنده و حیوان هم مردار می‌گردد ، خورده نمیشود .

ماهی اگر چه از جمله صید میباشد باز هم محرم آن را شکار کرده میتواند برای اینکه ماهی ها از جمله صید بحری میباشد و محرم از شکار کردن صید زمینی منع شده است .

پرنده گان و حیوانات خانه گی و اهلی که در اصل طبیعت به انسان انس داشته مثل ماکیان ، خروس ، مرغابی اهلی ، شتر ، گاو ، بز و گوسفند اهلی ، اینگونه پرنده گان و حیوانات در حکم صید نمی آید ، ذبح اینگونه حیوانات و پرنده گان برای هر کس خواه حلال باشد و خواه محرم باشد در حرم مکه و هم در حالت احرام جواز دارد .

محرم اگر صید زمینی را بکشد پیش از کشتن آن هر قدر ارزشی که داشته باشد به همان اندازه ضمان بر محرم می آید یعنی به اندازه ارزش و قیمت آن خیرات کند .

محرم اگر صید زمینی را زخمی کرد در قیمت و ارزش آن که چقدر کاهش به سبب زخمی شدن میآید همان قدر توان آن بر محرم لازم می‌گردد باید آن را خیرات کند .

### شپش و ملخ

ملخ هم در جمله صید زمینی می آید البته یک دانه خرما در کفاره کشتن یک ملخ هم بسیار است ، محرم اگر شپش را بکشد و یا به افتاب به اندازه یک لقمه نان را خیرات دهد ، اگر دو شپش را بکشد یک مشتکی از خوراکه را خیرات کند ، اگر از سه شپش یا بیشتر را هر چند که باشد بکشد نیم پیمانانه از گدَم یا یک پیمانانه از جو یا خرما را صدقه دهد .

## فساد کار

پنج چیز را رسول الله از جمله فواسق یعنی فساد کاران شمرده اند ، حلال و محرم هر کس میتواند آن را در حل و حرم بکشد ، این پنج چیز عبارت از مار ، کژدم ، زاغ ، کل غیچک ( اکک ) و سگ گزنده و دیوانه است ، کشتن این فواسق به سبب ایذا رسانی برای محرم و حلال در حل و حرم جواز دارد .

همچنان هر درنده که بر انسان حمله آور میشد کشتن آن برای محرم و حلال در حل و حرم به سبب دفع ضرر آن جواز دارد ، کشتن آن ضمان نه دارد .

## جنایات در حین طواف

اگر کسی طواف زیارت را در حالت جنابت بجا آورد ، یا زن در حالت حیض و نفاس طواف زیارت را بکند بدنة یعنی شتر بالایش لازم مگردد ، البته تا هنگامیکه در مکه مکرمه باشد باید طواف زیارت را در حالت طهارت از سر نو اعاده کند ، اگر طواف را اعاده نمود قربانی شتر از ذمه اش ساقط میشود .

اگر طواف را تا روز سوم عید قربان اعاده نمود کدام جزای دیگری بالایش نمی آید ، اگر پس از روز سوم عید طوافی را که در حالت جنابت کرده است اعاده نمود نزد ابوحنیفه به سبب تاخیر از ایام عید دم بالایش لازم میگردد ، برای اینکه نزد امام صاحب ادای طواف زیارت در ایام عید واجب میباشد ، و نزد یاران بالایش به سبب تاخیر کدام کفاره لازم نمگردد .

اگر کسی سه شوط طواف زیارت را در حالت جنابت بجا آورد و پس آنرا از سر نو ادا کرد کدام سزا لازم نمی‌گردد ، و اگر اعاده نه نمود برای هر شوط صدقه یعنی نصف پیمانۀ گندم یا یک پیمانه خرما یا جو لازم می‌گردد .

اگر کسی به غیر وضوء طواف زیارت را بجا آورد و سپس آن را با وضوء اعاده نمود کدام جزا لازم نمی‌گردد ، و اگر آن را اعاده نه نمود پس دم یعنی قربانی بز یا گوسفند بالایش لازم می‌آید .

اگر کسی طواف زیارت را به غیر عذر در ویل چیر یعنی در چوکی دو چرخک مریضان بجا آورد ، یا بدوش دیگران و یا در کجاوه طواف کرد دم بالایش لازم می‌آید .

و اگر طواف را پیاده از سر نو ادا نمود دم از ذمه اش ساقط میشود ، البته اگر کسی به سبب مریضی ، کلان سالی و یا بی هوشی و عذر دیگری طواف را بدوش دیگران یا در کجاوه و یا در ویل چیر بجا آورد کدام کفاره بالایش لازم نمی‌گردد .

اگر کسی طواف زیارت را به غیر عذر از روز سوم عید تاخیر دهد نزد ابوحنیفه به سبب تاخیر دم لازم میشود ، البته نزد ابویوسف و محمد به سبب تاخیر آن کدام جزا و کفاره لازم نمی‌گردد .

زنان که به سبب حیض یا نفاس طواف زیارت را بعد از روزهای عید بجا می‌آورند نزد ابوحنیفه و هم دیگر ائمه بالای ایشان کفاره لازم نمی‌گردد .

اگر کسی طواف عمره را در حالت جنابت یا بی وضویی بجا آورد

دم یعنی بز و یا گوسفند بالایش لازم میشود ، ولی اگر پس آن را در حالت طهارت اعاده نمود دم از ذمه اش ساقط میشود .

### طواف الصدر

اگر کسی طواف الصدر را بجا نه آورد دم بالایش لازم میشود برای اینکه طواف الصدر از واجبات حج است ، طواف الصدر را طواف الوداع هم گفته میشود .

اگر کسی طواف الصدر را در حالت جنابت ادا کرد دم بالایش لازم میگردد البته اگر در حالت طهارت آن را اعاده کرد دم از ذمه اش ساقط میشود .

اگر کسی طواف الصدر را بی وضوء بجا آورد برای هر شوط آن صدقه بالایش لازم میگردد ، و اگر دو باره آن را با وضوء ادا کرد صدقه از ذمه اش ساقط میشود .

### طواف قدوم

اگر کسی طواف قدوم را در حالت جنابت ادا کند نزد بعضی از ائمه دم بالایش لازم میشود و نزد بعضی دیگری برای هر شوط صدقه بالایش لازم میشود ، البته اگر در حالت طهارت آن را دوباره ادا نمود دم یا صدقه از ذمه اش ساقط میشود .

اگر کسی طواف قدوم را بی وضوء ادا کند برای هر شوط صدقه بالایش لازم میشود اگر ارزشت صدقه به دم میرسید پس یک اندازه کاهش دهد ، و اگر باوضوء آن را دو باره بجا آورد صدقه ساقط میشود .

اگر کسی طواف قدوم را ترک نمود کدام کفاره ندارد برای اینکه طواف قدوم سنت است و بر ترک نمودن سنت کفاره لازم نمی آید . هر طواف نفلی که بی وضوء یا در حالت جنابت بجا آورده شود حکم آن مثل حکم طواف قدوم میباشد .

### پاکی بدن و جامه

اگر کسی طواف را هر طوافی که باشد در حالتی بجا آورد که بدن اش به نجاست حقیقی مثل خون و پیشاب آلوده باشد و یا جامه اش چتل و ناپاک باشد کدام کفاره بالایش لازم نمی گردد ، البته کراهیت دارد ، بایستی طواف در جامه پاکیزه و بدن پاک بجا آورده شود .

### نماز طواف

پس از هر طواف دو رکعت نماز واجب میشود ، اگر کسی نماز طواف را در حرم ادا نه کرد به وطن خویش بر گردد باز هم نماز از ذمه اش ساقط نمی شود ، هر جا که باشد آنجا ادا نماید البته به غیر عذر تاخیر دادن آن کراهیت دارد .

### سعی

در بین صفا و مروا رفت و آمد کردن را سعی میگویند ، یکبار سعی در عمره و هم در حج واجب است ، و اگر کسی بغیر عذر سعی را ترک کند و یا اکثر شوط های آن را بجا نیآورد حجش درست میشود البته دم بالایش لازم میشود ، و اگر به سبب عذر سعی کرده نتوانست کدام چیز بالایش لازم نمی شود .

نزد امام شافعی سعی در حج و هم در عمره فرض است ازین وجه نزد شان اگر کسی سعی را ترک کند حج و عمره اش درست نمی شود .

اگر کسی دو یا سه شوط سعی را بجا نیآورد برای هر شوط بالاییش صدقه لازم میشود .

اگر کسی به سبب عذر سعی را بر سواری یا بدوش دیگران بجا آورد یا در کجاوه و چوکی دو چرخک مریضان سوار باشد سعی را بجا آورد جواز دارد ، کدام جزا لازم نمی گردد .

اگر کسی سعی را بجا آورد و پیش از آن طواف نکرده باشد این سعی را اعتبار نیست ، اگر سعی را دوباره بجا نه آورد دم بالاییش لازم میشود .

و اگر طواف کرد و پس از آن سعی را اعاده نمود دم ساقط میشود ، برای سعی ضروری است که قبل از آن طواف ادا کرده شود ، سعی پس از هر گونه طواف درست است خواه پس از طواف فرض و واجب بجا آورد و یا بعد از طواف سنت و نفل ادا کند .

اگر کسی به سبب عذر سعی را ترک کند مثلا پایش بی حس باشد و کسی نداشت که در ویل چیر یا بدوش گرفته به او سعی کند بالاییش کدام کفاره نمی آید ، حکم سعی عمره مثل حکم سعی حج است .

اگر کسی در سعی به صفا و مروا بالا نشود کدام کفاره بالاییش لازم نمی شود ، البته کراهیت دارد ، چرا اگر بالا جای را پیدا کرده میتواندست به صفا و مروا بالا شدن مستحب است .

چیزیکه در سعی واجب است آن اینست که در بین صفا و مروا به



اندازه یی یک قدم راه را هم بغیر سعی نماند ، اگر کسی در جریان سعی به صفا و مروا نارسیده بر میگردد دم بالایش لازم میشود .

اگر کسی سعی را از روزهای عید معطل کند کدام کفاره لازم نمیشود البته کار مکروه است .

### عرفات

اگر کسی از طرف روز به عرصه عرفات داخل شود و باز پیش از غروب افتاب از عرفات بیرون آید دم بالایش لازم میشود ، و اگر پیش از فرو رفتن افتاب به عرفات پس گردد دم از ذمه اش ساقط میشود ، کسی که پس از غروب افتاب به عرفات داخل شود آن کس پس از لحظه اندکی از عرفات بیرون رفته میتواند .

### مزدلفه

تمام حجاج پس از غروب افتاب به مزدلفه بر می گردند ، شب همان جا میگذارند ، اگر کسی برخی بیشتر این شب را در مزدلفه نگذارد کدام کفاره بالایش لازم نمی شود ، برای اینکه این شب را در مزدلفه گزراندن سنت است ، بر ترک سنت کفاره لازم نمی آید ، ولی به غیر کدام عذر شب گزراندن مزدلفه را ترک کردن کراهیت دارد .

اگر کسی روز اول عید قربان در بین صبح صادق و بر آمدن افتاب به مزدلفه حاضر نشود دم بالایش لازم میشود ، برای اینکه این وقت وقوف مزدلفه است ، وقوف مزدلفه از واجبات حج است .

پیرمردان و زنان اگر از بیم و هراس ازدحام در شب از مزدلفه به منی بروند و وقوف مزدلفه را ترک کنند کدام کفاره بالایشان لازم

نمی گردد برای اینکه به سبب عذر و قوف مزدلفه را ترک کردن جواز دارد.

## ذبح

اگر کسی قربانی تمتع و قران را ، همچنان قربانی کفارات ، نذر و احصار را از محدوده حرم بیرون ذبح کند پذیرفته نمی شود بلکه لازم است بدل آن را در ساحه حرم ذبح کند ، البته اضحیه و هدایا نفلی را اگر از ساحه حرم بیرون ذبح کند درست است .

اگر قارن و متمتع قربانی تمتع و قران را از روز سوم عید معطل کند نزد ابوحنیفه به سبب تاخیر آن دم دیگری هم لازم میشود ، البته نزد ابویوسف و محمد به سبب تاخیر آن کدام جزا لازم نمیشود .

همچنان نزد ابوحنیفه در مناسک منی ترتیب واجب است ، اول جمره عقبه رجم میشود ، پس قربانی تمتع و قران میشود ، بعدا حلق یا قصر میشود ، اگر قارن یا متمتع در بین این سه چیز ترتیبی را مراعات نکند دم بالایش لازم میشود .

نزد ابویوسف و امام محمد بین رمی و قربانی و حلق ترتیب واجب نیست بلکه سنت است ، اگر قارن یا متمتع پیش از قربانی موی سر را بتراشد ، و یا قربانی را پیش از رمی جمره عقبه ذبح کند نزد شان کدام کفاره بالایش لازم نمی شود .

روز اول عید قربان بر مفرد در منی دو چیز واجب میباشد یکی رمی جمره عقبه و دیگر تراشیدن موی سر ، نزد یاران بر مفرد در بین رمی و حلق ترتیب واجب نیست ، بلکه مراعات کردن آن سنت است .

## ترتیب را تغییر دادن

اگر مفرد ، متمتع و قارن پیش از رمی جمرة عقبه موی سر را بتراشد ، یا قارن و متمتع قبل از ذبح قربانی موی سر را بتراشد ، یا قبل از رمی قربانی کند درین تمام حالات نزد ابوحنیفة دم لازم میشود .

برای اینکه در بین رمی ، ذبح و حلق مراعات کردن ترتیب نزد امام واجب است ، و بر ترک واجب دم لازم میگردد ، این دم علاوه بر آن دم است که بر متمتع و قارن برای شکر لازم است .

نزد ابویوسف و محمد در حالات فوق الذکر دم لازم نمیشود ، برای اینکه نزد ایشان در بین رمی ، ذبح و حلق ترتیب واجب نیست بلکه سنت است ، و بر ترک کردن سنت دم لازم نمیگردد .

ایشان استدلال میکنند که در حجة الوداع که در منی از رسول الله در مورد اینگونه تقدیم و تاخیر سؤال میشد رسول الله در پاسخ میگفت : افعل و لا حرج یعنی مناسک را که از وقت خویش تاخیر داده اید آن را انجام دهید به سبب تاخیر آن کدام مشکل نیست .

البته در بین رمی جمرة عقبه و طواف زیارت نزد ابوحنیفة هم ترتیب واجب نیست ، اگر مفرد ، متمتع یا قارن طواف زیارت را پیش از رمی جمرة عقبه بجا آورد بالایش نزد ابوحنیفة ، ابویوسف و محمد دم لازم نمیشود .

همچنان در بین حلق و طواف زیارت هم نزد هر سه امامان ترتیب واجب نیست بلکه سنت است .

## جمرات

در منی سه جمرات است ، رمی این جمرات در روزهای عید از واجبات حج است ، در روز اول عید قربان تنها جمره عقبه سنگسار میشود ، در روز دوم و سوم رمی هر سه جمرات واجب است .

اگر کسی رمی هر روز را به شب آینده معطل کند ، در شب آینده قبل از صبح صادق آن را رجم کند هم درست است ، به سبب تاخیر آن کدام چیز لازم نمی گردد .

اگر رمی یک روز تا فردا تاخیر یابد ، فردا قضای روز گذشته را هم بجا آورد و رمی آن روز را هم بجا آورد درین صورت نزد ابوحنیفه به سبب تاخیر دم لازم میشود ، بخاطر اینکه نزد امام رمی هر روز را در آن روز یا شب بعد آن روز انجام دادن واجب است ، البته نزد ابویوسف و محمد کدام چیز لازم نمی شود .

اگر رمی یک روز قضا شود قضای آن در روز دوم ، سوم و چهارم آورده میشود ، البته روز چهارم وقت ادا و قضای رمی تا غروب افتاب است ، پس از فرو رفتن افتاب نه رمی روز چهارم بجا آورده می شود ، نه قضای دیگر روزها بجا آورده میتواند بلکه به سبب ترک آن دم لازم میگردد ، اگر کسی رمی تمام روزها را ترک کند پس برای تمام روزها تنها یک دم لازم میگردد .

## معذور

بعضی از واجبات همین طور است که اگر به سبب عذر انرا انجام ندهد کدام کفاره لازم نمی شود ، بطور مثال طواف و سعی را پیاده کردن واجب است ، اگر کسی به سبب مریضی و کلان سالی

آن را در کجاوه یا ویل چیر یا بدوش دیگران بجا آورد کدام کفاره لازم نمی شود.

همچنان وقوف مزدلفه واجب است ، اگر پیرمردان و زنان آن را از بیم و هراس ازدحام ترک کنند ، در شب از مردلفه به منی بروند کدام کفاره بالای شان لازم نمی شود .

طواف الصدر هم از واجبات حج است ، اگر زن به سبب حیض یا نفاس آن را از ایام عید تاخیر دهد ، یا ادا کرده نتوانست به اتفاق علماء کدام کفاره بالایش لازم نمی گردد .

### احصار

اگر کسی احرام حج یا عمره را ببندد و پس به سبب دشمن یا مرض به مکه مکرمه و عرفات رفته نمی توانست ، یا سلطان راه وی را مسدود نمود و نه گذارد تا حج و عمره را ادا کند این کس را در اصطلاح مُحْصَر میگوید .

در صفحات گذشته مطالعه نمودید که محرم هنگامی از احرام حلال میشود که مناسک حج یا عمره را به آن احرام بجا آورد ، و بعد از آن موی سر را بتراشد یا موی آنرا کوتا کند ، اگر کسی پیش از ادا کردن مناسک حج یا عمره سر را بتراشد حلال نمی شود بلکه بی وقت سر تراشیدن خود یک جنایت است .

حکم مُحْصَر اینگونه نیست بلکه مُحْصَر اگر چه مناسک حج و عمره را بجا نه آورده باز هم از احرام حلال میشود .

در سال ششم هجرت پیامبر پاک با همراهی سیزده صد یا پانزده صد صحابه کرام احرام عمره را ببستند ، به حدیبیه که رسیدند ،

حدیبیه در اطراف مکه موقعیت دارد ، مشرکان مکه راه ایشان را مسدود کردند ، اجازه نمی دادند که عمره را بجا آورند .

رسول الله صلی الله علیه و سلم بالأخره با مشرکان مکه پیمان صلح را امضاء نمود ، یک بند مصالحه این بود که امسال رسول الله با همراهانش عمره کرده نمی توانند بلکه در سال آینده و آن هم برای سه روز بمکه مکرمه برای عمره آمده میتوانند .

پس از امضای پیمان رسول الله قربانی را ذبح نمود ، موی سر را تراشید ، صحابه کرام هم همین طور خود را از احرام حلال نمودند نزد ایمه ما یک قسمت از حدیبیه در حدود حرم داخل است .

رسول الله که به سبب مشرکان مکه عمره را ادا نتوانیست این را احصار میگوید ، پس هر محرم که به سبب دشمن حج و عمره را ادا کرده نمی تواند ، آن را مُحْصَر میگوید .

محرم که خود یا به ذریعه وکیل خویش در داخل حدود حرم قربانی کند ، پس از قربانی موی سر را بتراشد و یا کوتاه کند از احرام حلال میشود ، البته قضای این حج و عمره را باید بجا آورد ، رسول الله در سال هفتم هجرت قضای عمره خویش را بجا آوردند .

احصار به سبب مرض و مانعی دیگری هم واقع میشود ، اگر کسی احرام حج یا عمره را بسته نماید و سپس بندی شود ، حج یا عمره را بجا آورده نه تواند ، یا احرام حج و عمره را بسته نماید ، بعدا در پاسپورت و ویزه اش مشکل پیدا شود ، حکومت اجازه نمیداد تا حج و عمره را ادا کند ، و یا با موثر تصادم کرد دست و پایش شکست ، دیگر توان ادا حج و عمره نداشت درین تمام حالات این کس را حکم مُحْصَر ثابت میشود .

## حکم احصار

مُحْصِرَ هنگامی از احرام حج و یا عمره حلال میشود که در داخل حدود حرم قربانی کند یا نماینده وی از سوی وی در داخل حدود حرم قربانی کند ، پس حلق یا قصر کند ، برای قربانی گوسفند و بز هم فرستاده میتواند و در حصه هفتم شتر و گاو اشتراک هم کرده میتواند ، هچمنی میتواند که نماینده وی آنجا قربانی را بخرد و به وکالت وی ذبح کند .

دم احصار باید در منی یا جای دیگری بداخل حرم ذبح شود ، البته نزد امام شافعی در هر جایکه مُحْصِرَ احصار شود اگر چه از حرم بیرون هم باشد دم احصار را ذبح کرده میتواند .

مُحْصِرَ عمره بایستی با وکیل و نماینده خویش وقت ذبح هدی را تعیین کند تا به فرا رسیدن آن وقت مُحْصِرَ سر خود را بتراشد و از احرام خود را حلال سازد .

نزد ابوحنیفه مُحْصِرَ حج هم باید با نماینده خویش وقت ذبح دم احصار را تعیین نماید برای اینکه نزد امام صاحب مُحْصِرَ حج قبل از روزهای عید هم دم احصار را ذبح کرده میتواند تا از احرام خود را حلال سازد .

نزد ابویوسف و محمد مُحْصِرَ حج پیش از روز اول عید دم احصار را ذبح کرده نمی تواند ، نزد شان مُحْصِرَ حج باید تا روز عید در احرام بماند .

روز عید که فرا رسید و باین باور شد که نماینده وی دم احصار را از سوی وی ذبح کرده است پس بهتر است بلکه نزد ابویوسف

واجب است که بنزاشیدن سر یا کوتاه کردن آن خود را از احرام حلال نماید ، گوشت دم احصار به مساکین و فقراء داده میشود .

### قضاء

مُحَصِّر که از احرام عمره خود را حلال کند قضای آن عمره بالایش لازم میشود ، باید وقت دیگر قضای آن عمره را بجا آورد ، بر مُحَصِّر حج که از احرام حج خود را حلال کند قضای حج و عمره لازم میشود .

### فوت شدن حج

اگر کسی احرام حج را ببندد و در وقت عرفات خود را بعرفات نرساند ، وقت عرفات روز نوم ذوالحجه پس از زوال افتاب شروع میشود تا آخر شب آینده طول میکشد ، شب که بگذرد صبح صادق شود وقت عرفات به پایان میرسد .

از کسی که وقوف عرفات فوت شود آن کس را فایت الحج میگویند یعنی ازین کس حج در گذشت ، از فایت حج مناسک حج ساقط میشود ، این کس باید عمره را بجا آورد تا از احرام حج خود را حلال سازد ، قضای حج بالایش لازم میشود ، سال دیگری تنها قضای حج را بجا آورد .

اگر از قارن وقوف عرفات در حالی فوت شود که طواف عمره را بجا آورده باشد عمره اش درست میشود البته برای اینکه از احرام حج خود را حلال سازد باید عمره دیگری را ادا کند یعنی طواف و سعی کند ، پس از آن حلق یا قصر کند ، و سال دیگر تنها قضای حج را بجا آورد .



اگر از قارن و قوف عرفات فوت شود و عمره قران را هم ادا نه کرده باشد این کس باید یکبار برای عمره قران طواف و سعی کند ، پس از آن عمره دیگری را ادا کند تا از احرام حج خود را حلال نماید ، و سال دیگر تنها قضای حج بالایش لازم میشود و دم قران هم از ذمه اش ساقط میشود .

از متمتع اگر حج فوت شود یعنی به عرفات در وقت معین خود را نرساند آن هم از احرام حج به ادا نمودن عمره خود را حلال میسازد و سال دیگر تنها قضای حج بالایش لازم میشود ، و دم تمتع هم از ذمه اش ساقط میشود .

### ایصال ثواب

یک مسلمان میتواند که ثواب اعمال صالحه خویش را به مسلمان دیگری خواه زنده باشد خواه مرده اهدا کند و ببخشد .

اهدا و ایصال ثواب عبادات مالی را مثل صدقات و همچنان حج نزد ابوحنیفه ، مالک شافعی ابویوسف ، محمد و دیگر ائمه جایز و درست است .

در ایصال ثواب عبادات بدنی مثل نماز ، روزه و همچنان عبادات قولی مثل انکار و تلاوت قران کریم ائمه اختلاف دارند ، ابوحنیفه ، ابویوسف و محمد ایصال ثواب عبادات بدنی و قولی را هم جایز و درست می پندارند .

### عوض دیگران عبادت کردن

عبادات بر سه قسم است یک قسم آن عباداتی است که نیابت در آن درست نمی شود یعنی یک کس به جای کسی دیگری آن را هیچگاه

ادا کرده نمی تواند ، قسم دوم آن عباداتی است که هر وقت یک کس به جای کسی دیگری آن را ادا کرده میتواند ، و قسم سوم آن عباداتی است که اگر کسی از ادای آن عاجز گردد شخص دیگری به نیابت و نمایندگی وی بجا آورده میتواند .

عبادات بدنی مثل نماز اگر کسی ادا نه کند ، یا از ادا نمودن آن عاجز گردد کسی دیگری به نیابت و نمایندگی او ادا کرده نمی تواند ، برای اینکه عبادات بدنی هیچگاه به نیابت دیگران ادا نمی شود ، اگر از کسی نماز فوت شود و کسی دیگری بجای او نماز کند نماز او جای نماز فوت شده وی را نمیگیرد .

عبادات مالی هر وقت نیابت می پذیرد ، هر کس میتواند که زکات و صدقات مالی خویش را بدست خویش به مستحقین برساند و یا توسط نایب خویش آن را ادا کند .

حج از جمله عباداتی است که هم به بدن ادا میشود و هم در آن مال خرچ میشود ، و این وجه است که حج نیابت را می پذیرد ، البته در آن وقتیکه کسی خود از ادا کردن آن در طول عمر عاجز گردد .

اگر کسی توان حج را بیابد حج بالایش فرض میشود ، باید فریضه حج را خود بجا آورد ، دیگر کس اگر بجای او حج ادا کند گردن او خلاص نمی شود ، و لکن اگر وی از ادای فریضه حج ما دام العمر عاجز گردد ، پس توسط نایب خویش فریضه حج را ادا کرده میتواند

از ادای فریضه حج عاجز ماندن دو صورت دارد ، یک اینکه حج بالایش فرض شود و حج را ادا نکند پس به مرضی مبتلا شود که امید صحت یابی و زنده ماندن را نداشته باشد ، بر این کس لازم

است که وصیت را بکند تا کسی دیگری بجای او فی الحال یا بعد از وفات وی حج را ادا کند .

صورت دوم اینکه در قبال ادای حج او مانع ایجاد شود که به گمان اغلب به سبب آن در طول حیات حج را ادا کرده نتواند ، مثلا کسی به حبس ابد محکوم شود ، یا به اصطلاح طبیبان به مرض لاعلاج مبتلا شود و در حالت مریضی حج را ادا کرده نتواند ، یا پیرمردی توان ادای حج را نداشته باشد ، درین تمام حالات لازم است که کسی دیگری را وادار سازد تا بجای وی حج را ادا کند .

کسی که به سبب عجز فریضه حج خویش را به نایب ادا کند اگر عجزش تا آخر عمر دوام کرد به حج نایب اش فریضه حج او ادا میشود ، اگر مانعی که به سبب آن خودش حج ادا کرده نمی توانست از بین رفت مثلا مادام العمر قیدی از بند رها شود ، مریض لا علاج صحت و تندرستی یابد پس لازم است که حج خود ادا کند در این صورت به حج نایب اش فریضه وی ادا شده نمیتواند بلکه حج نایب برای وی نفل میگردد .

### وصیت

از ترکه یعنی مالی که از میت میماند پیش از همه تجهیز و تکفین میت میشود ، سپس اگر بر ذمه میت دیون و قروض باشد آن دیون و قروض را ادا کرده میشود ، پس از ادای دیون اگر میت وصیت کرده باشد در ثلث یعنی حصه سوم مال باقی مانده وصیت را بجا آورده میشود ، پس از آن کم بیش چیزی که بماند در بین وارثان تقسیم میشود .

بر ذمه میت دو نوع حقوق می ماند یکی حقوق عباد است و دیگری حقوق الله است .

پیشتر گفتیم که از میراث میت بعد از خرچ گور و کفن دیون مردم ادا میشود ، میت اگر وصیت کند یا وصیت نه کند در هر حالت حقوق عباد یعنی دیون مردم را از ترکه اش ادا میشود .

البته ادای حقوق الله هنگامی بر وارثان لازم و حتمی میشود که میت وصیت آن را کرده باشد ، مثلا اگر بر ذمه میت زکات ، حج ، نذر و یا فدیة روزه باقی مانده باشد ، و میت وصیت ادای آنرا نکرده باشد ، بر وارثان وی ادای این حقوق از میراث میت لازم نمیگردد .

اگر میت وصیت آن را کند ، پس بجا آوردن وصیت را در ثلث یعنی حصه سوم میراث بر وارثان لازم میگردد ، اگر مقدار وصیت از ثلث میراث بیشتر باشد ، در آن مقداری که اضافه از ثلث میشود وارثان اختیار دارند ، هر وارث در حصه خویش اختیار اجرای آن را دارد .

اگر حقوق الله بر ذمه میت باقی باشد و میت وصیت آنرا نه کرده باشد ، ادای این گونه حقوق بر وارثان لازم نمیشود ، وارثان پیش از ادای این حقوق ترکه میت را در بین خویش تقسیم کرده میتوانند ، البته وارثان به خوشی و رضای خویش ادا کرده میتوانند ، در ادای این گونه حقوق هر وارث در حصه خویش اختیار دارد ، از حصه وارث نابالغ و دیوانه و همچنان وارث که موافقه نداشته باشد این حقوق ادا نمی شود .

حج هم از جمله حقوق الله میباشد اگر بر کسی حج فرض شود و پیش از ادای حج وفات شود ، اگر وصیت حج را نه کرده باشد بر وارثان لازم نمی شود که از میراث وی بجای او حج را ادا کند ، البته نزد امام شافعی بر وارث وی لازم میگردد که از میراث میت بجای او حج را ادا کند .

اگر میت وصیت حج را کرده باشد بعد از خرچ گور و کفن و دیون هر اندازه میراث که از میت بماند از ثلث آن وصیت وی را بجا آورده میشود .

### حج بدل

کسی که حج بر ذمه اش فرض نه باشد و حج را ادا نکند بمیرد ، اگر وارث یا کسی دیگری به پول خویش بجای او حج را ادا کند ، یا به نیت خویش حج کند و ثواب آنرا باو اهدا کند و ببخشد ، ثواب آن به میت میرسد .

اگر بر کسی حج فرض شود ، و پیش از ادای حج وفات یافت ، و وصیت حج را هم نه کرد ، بر وارث وی لازم نیست که بجای او حج کند ، اگر وارث وی یا کسی دیگری به مال خویش از طرف او حج را ادا کند ان شاء الله فریضه میت ادا میشود .

این مسئله را فقهاء ازین وجه به ان شاء الله مقید میکنند که درینجا میت به نایب امر نکرده است که بجای او حج را ادا کند ، و برای نیابت امر در کار است ، این مسئله اصلا مسئله ایصال ثواب است ، در ایصال ثواب عبادت از طرف اجرا کننده آن واقع میشود البته ثواب آن به دیگران اهدا و بخشیده میشود .

چنانچه کسی از طرف پدر ، یا مادر ، یا از طرف هر دو والدین به غیر وصیت ایشان بمال خویش حج را ادا کند ، اعمال این حج از طرف پسر واقع میشود البته ثواب آن به والدین میرسد چنانچه بعد از ادای حج ثواب آن به والدین بخشیده میشود .

### شروط حج بدل

کسی که عوض خویش توسط شخصی دیگری حج را ادا میکند صورت های گوناگون دارد ، هر صورتش شروط جداگانه دارد ، درینجا ما چند صورت عام آنرا ذکر میکنیم .

اگر بر کسی تا اکنون حج فرض نشده باشد و کسی دیگری را امر کند تا بجای او حج فرض را ادا کند و نایب وی بجای او حج را ادا کند ، پس از آن بر امر حج فرض شود به آن حج که نایب بجای او ادا کرده است حج فرض وی ادا نمی شود باید خود حج را ادا کند تا فریضه حجتش ادا شود .

اگر بر کسی حج فرض شود و به سبب عذر توسط نایب حج خویش را ادا نماید به حج نایب هنگامی فریضه وی ادا میشود که عذر وی تا آخر عمرش دوام یابد ، اگر مانعی که به سبب آن معذور پنداشته میشد از بین رفت پس لازم است که فریضه حج را خود ادا کند .

البته حج نایبش برای وی در حج نفل شمرده میشود ، بطور مثال کسی به سبب حبس ابد فریضه حج را ادا کرده نمی توانست ، کسی دیگری را پول داد و امر کرد که بجای او حج ادا کند و نایب هم بر جای او حج را ادا کرد ، بعدا این کس از حبس آزاد شود بر او لازم

است که خود حج را ادا کند ، البته حج نایب در حج نفل برایش محسوب میشود .

اگر کسی وصیت حج را کند و شخصی را معین نمود پس صرف همان شخص را که تعیین کرده است بجای او حج کرده میتواند ، اگر کسی دیگری بجای او حج ادا کند فریضه اش ادا نمی شود .

شرط دیگر اینکه نایب باید این حج را در بدل پول و اجوره ادا نه نماید که از خرچ حج علاوه پول بطلبد ، بلکه محض بخاطر الله این کار را انجام دهد ، اگر نایب به اجوره این کار را بکند پس بنا بر قول راجح گردن میت خلاص نمی شود .

شرط دیگر اینکه خرچ حج باید از ثلث میراث وصیت کننده داده شود و یا لا اقل بیشتر آن از ثلث میراث وصیت کننده باشد ، اگر وارث یا کسی دیگری برای وصیت کننده به پول خویش حج را ادا کنند ، فریضه وصیت کننده ادا نمیگردد .

بخاطر اینکه نایب از وصیت میت تخلف ورزید ، قاعده عام است که وکیل اگر از حکم موکل خویش یعنی کسی که وی را کار سپرده است مخالفت نماید همان کار از طرف موکل واقع نمی شود بلکه به وکیل تعلق می یابد .

البته اگر کسی وصیت نه کرده باشد ، وارث یا شخص دیگری بجای او به پول خویش حج را ادا کند امید است که الله سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى آنرا از طرف میت قبول فرماید و این هم بجهت ایصال ثواب درست پنداشته میشود .

این دو مسئله بخاطر این تفاوت دارد ، که وصیت کننده امر و کار سپرده است ، و کسی که بجای او حج را ادا میکند مامور و وکیل است ، مقصد وصیت کننده این است که حج به پول او ادا شود تا ثواب حج را که بمال او شده باشد بدست بیاورد ، پس کسیکه بیپول خویش برای او حج را ادا میکند او در حقیقت از امر وصیت کننده مخالفت می کند ، به سبب این مخالفت فریضه میت ادا نمیشود .

شرط دیگر اینکه اگر به ثلث میراث یعنی حصه سوم میراث حج از وطن میت ادا میشد نایب باید حج را از وطن میت ادا کند ، و اگر حصه سوم میراث ظرفیت و گنجایش آن قدر خرج را نمی داشت پس از جایکه حصه سوم میراث میت ظرفیت آن را داشته باشد ادا نماید .

اگر میت جای دیگری را به غیر از وطن خویش تعیین کرده باشد پس لازم است که نایب از همان جا مطابق امر او حج را ادا کند .

شرط دیگر اینکه نایب باید در وقتیکه احرام می بندد ، پیش از آنکه تلبیه بگوید در دل نیت کند که این حج را من بجای پلان کس ادا میکنم ، نیت خویش به زبان هم گفته میتواند مثلا به زبان هم بگوید : یا الله من از طرف فلان کس حج را ادا میکنم تو این حج را قبول فرمائید ، و برایم اسان نمائید .

اگر کسی احرام از طرف خود بندد پس آنرا بجای دیگر گشتانده نمیتواند البته ثواب آن را برای هر شخص که بخواهد بخشیده می تواند .



## قسمت پنجم همسفر حج

### ادعیه و اذکار

الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على رسوله الكريم و على آله و صحبه اجمعين و بعد :

تمام انسانان و مخلوقات به الله ﷻ محتاج اند ، الله ذات غنی است به هیچ کسی و به هیچ چیزی احتیاج ندارد ، الله صمد است هر کسی که محتاج میشود برای مدد و نصرت بسوی او رجوع و التجاء میکند .

الله ﷻ میفرماید : **يا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ( ۱۵ فاطر )**

ترجمه : ای مردم ! همه شما به الله محتاج هستید ، و الله ﷻ غنی و در هر کاری که میکند قابل ستایش است . ( پایان ترجمه )

هر بنده مومن باید تمام حاجات و ضروریات خویش را از آن ذات عالی شان بطلبد که او غنی و قادر است و هر کار در توان او است ، او ذات عالم است هر کسیکه در هر جا و هر وقت به هر زبان برای کومک و نصرت آواز میکند ، از قلب شان آه و فریاد می بر آید آواز و فریاد او را میشنود ، درد دلش را میداند ، توان مدد و نصرت او را دارد .

دعا مغز عبادت است برای اینکه عبادت آنرا میگوید که بنده عجز و ناتوانی خویش را در حضور قادر لا یزال اظهار نماید ، به بنده گی خویش اعتراف نماید ، در دعا بنده به نهایت عجز و انکسار به ناتوانی خویش اعتراف میکند ، دستهای خالی را به دربار ذات غنی

دراز میکند تا عجز و حاجتمندی خویش را به خداوند متعال اظهار نماید و الله ﷻ حوایج او را پوره کند .

همین وجه است که الله ﷻ همه مردم را حکم کرده است که تمام حاجات خویش را از او بطلبند ، و کسانی که به سبب کبر از الله ﷻ دعا نمی طلبند آنان را تهدید عذاب داده اند

الله ﷻ میفرماید : وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ ( ۶۰ غافر )

ترجمه : و پروردگار شما فرموده است که از من دعا بطلبید ، من دعای شما را قبول می نمایم ، باور کنید که کسانی که از دعا و عبادت من به سبب استکبار خود داری میکند ، بسیار زود آنان در حالت ذلت به جهنم داخل میشوند . ( پایان ترجمه )

در آیه مبارکه فوق الذکر الله ﷻ بر روی همه مردم در دعا را گشاده است ، همه شان را حکم کرده اند ، که هر حاجت که داشته باشید ، به هر اندازه که باشد خواه کم باشد خواه زیاد ، در هر حالت که باشد ، خواه در روز باشد خواه در تاریکی شب ، در هر جای که باشد ، همه گی از من بطلبید ، و هم وعده داده است که دعا شما را قبول میکنیم ، و هم توان آنرا دارد برای اینکه الله ﷻ ذات قادر و عالم است .

بعضی از مردم اگر به یک چیزی اندکی و بی بها احتیاج شوند سؤال آنرا از خداوند متعال نمی کنند ، چنانچه در پشتو میگویند : (که خواست کوی نو د آس دا کوه) یعنی اگر از کسی چیزی را میخواهید پس سؤال آسب را بکن ، این کاری درست نیست چرا

کسی که به چیزی اندکی محتاج میشود و آنرا از خداوند متعال میلطند در آن عجز و حقیقت بنده گی بیشتر اشکارا میشود ، و همچنان رسول الله ﷺ فرموده است : **لَيْسَ أَلْحَدُكُمْ رَبَّهُ حَاجَتُهُ كُلَّهَا حَتَّى يَسْأَلَ شَيْعَ نَعْلِهِ إِذَا انْقَطَعَ** (رواه الترمذی عن أنس)

ترجمه : بایستی هر یکی از شما همه حاجات خویش را از پروردگار خویش بطلبد ، حتی اگر تسمه پایبوش اش بگسلد آنرا هم از الله بطلبد . ( پایان ترجمه )

### انواع قبولیت دعا

هر دعای مسلمان قبول میشود برای اینکه الله جبارکاله و عده قبول نمودن آنرا داده است البته که دعا گناه و قطع صله رحمی نباشد ، اگر کسی دعا میکند که در آن از اقرباء و خویشاوندان دوستی را قطع میکند ، یا بر کاری گناه از خداوند کومک میطلبد این چنین دعا را الله قبول نمی کند ، این هم فضل و کرم خداوند متعال است که با بنده خویش میکند چرا قبولیت این گونه دعا بضرر و نقصان دعا کننده تمام میشود .

رسول الله ﷺ گفته اند : **لَا يَزَالُ يَسْتَجَابُ لِلْعَبْدِ مَا لَمْ يَدْعُ بِإِثْمٍ أَوْ قَطِيعَةٍ رَحِمٍ مَا لَمْ يَسْتَعْجِلْ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا الْإِسْتِعْجَالُ قَالَ يَقُولُ قَدْ دَعَوْتُ وَقَدْ دَعَوْتُ فَلَمْ أَرِ يَسْتَجِيبُ لِي فَيَسْتَحْسِرُ عِنْدَ ذَلِكَ وَيَدْعُ الدُّعَاءَ** (مسلم عن أبي هريرة)

ترجمه : دعای بنده همیشه قبول میشود البته که دعای گناه یا قطع صله رحمی نکند ، تا هنگامی دعای بنده قبول میشود که عجله و شتاب طلبی نکند ، کسی پرسان نمود : یا رسول الله ! عجله و شتاب طلبی چه است ؟ رسول الله فرمود : شتاب طلبی اینست که میگوید :

ما دعا کردیم ، دعا کردیم ، ولی هیچ نه دیدم که دعا ما قبول میشود ، پس درین حالت نا امیدی از طلب دعا خسته میشود و طلب دعا را ترک میکند . ( پایان ترجمه )

یعنی کسی باید هیچگاه خود را ناامید نه سازد که به سبب ناامیدی دعا را ترک کند چرا اگر کسی دعا را ترک کند پس برای قبولیت چیزی نمی ماند .

همینطور الله بفضل و کرم خویش دعایی بد بنده گان را نسبت به دعای خوب که ایشان میطلبند خیلی کم قبول میکند ، رسول الله ﷺ کفار مکه را تهدید عذاب میداد ، کفار تهدید وی را تهدیدی واقعی نمی پنداشتند ، رسول الله ﷺ را بر سبیل استهزاء میگفتند ، که عذابی که شما مرا بآن تهدید میکنید و می ترسانید بالای ما نازل کنید ، در پاسخ این گفتار و استهزاء شان ایت ذیل نازل شد :

وَلَوْ يَعْلُ اللَّهُ لِلنَّاسِ الشَّرَّ اسْتَعْجَالَهُمْ بِالْخَيْرِ لَفُضِيَ إِلَيْهِمْ أَجْلُهُمْ ..

( ۱۱ یونس )

ترجمه : و اگر الله ﷻ مردم را شر آنچنان زود میرساند چنانچه ایشان در خیر شتاب طلبی میکنند پس میعاد زنده گی شان به سبب هلاکت شان پوره میشد . ( پایان ترجمه )

این نکته را هم بخاطر داشته باشید که بعضی اوقات این گونه است که در آن هر دعا قبول میشود خواه کسی طلب دعا خیر را بکند ، خواه طلب دعا بد را بکند ، الله ﷻ آن را می پذیرد ، ازین جهت پیامبر اسلام از خواستن دعا بد منع کرده است و گفته اند : لَا تَدْعُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ وَلَا تَدْعُوا عَلَى أَوْلَادِكُمْ وَلَا تَدْعُوا عَلَى أَمْوَالِكُمْ لَا تُؤَافِقُوا مِنْ اللَّهِ سَاعَةً يَسْأَلُ فِيهَا عَطَاءً فَيَسْتَجِيبُ لَكُمْ . ( مسلم عن ابی اليسر )

ترجمه : شما برای خود دعای بد نکنید و نه اولاد و مالهای خویش را دعا بد کنید ، بخاطر اینکه دعای بد شما در وقت اتفاق نیابد که در آن ساعت خواست هر عطیه پذیرفته می شود پس دعای بد شما هم پذیرفته میشود . ( پایان ترجمه )

### انواع قبول شدن دعا

الله جَبَّارٌ بنده گان را حکم کرده اند که از او تمام حاجات خویش را بطلبند و هم وعده داده است که دعای شما را قبول می نمایم ، قبولیت دعا بر سه گونه است چنانچه در حدیث ذیل بیان شده است :  
ما من مسلم يدعو بدعوة ليس فيها إثم ولا قطيعة رحم إلا أعطاه الله بها إحدى ثلاث : إما أن يعجل له دعوته وإما أن يدخرها له في الآخرة وإما أن يصرف عنه من السوء مثلها " قالوا : إذن نكثر قال :  
" الله أكثر " . (رواه أحمد عن أبي سعيد الخدري )

ترجمه : هر مسلمان که یک دعا را بکند و در آن طلبی گناه و قطع صله رحمی نباشد ، الله در عوض آن حتما یکی از سه چیز را اعطاء میکند ، یا همان چیزی را که طلب آنرا کرده است در دنیا میدهد ، یا ثواب آن را در آخرت برایش ذخیره میکند ، یا به اندازه آن دعا از وی ضرر را رفع میگرداند .

صحابه کرام گفتند : که قبولیت دعا همینطور است پس ما دعا را زیاد میطلبیم ، رسول الله ﷺ فرمود : که خزانه های الله از طلب و خواست شما زیادتر است . ( پایان ترجمه )

درین حدیث مقصد این ایه کریمه : وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ ( ۶۰ غافر )

هم واضح شد که الله جَبَّارٌ كَلِيمٌ که بنده گان را وعده داده است که شما از من دعا بطلبید ما دعای شما را می پذیرم ، مراد آن این نیست که تنها همان چیزی را که بنده میطلبد آن را میدهد بلکه بعضی اوقات ثواب آن را در آخرت میدهد ، یا به سبب آن مصیبت را از ایشان دفع میکند ، این هم بمعنا پذیرش دعا میباشد .

### اسباب رد دعا

بخاطر داشته باشید دعا وقتی قبول میشود که درقبال پذیرش آن مانع موجود نباشد ، نفقه حرام از جمله موانع است که به سبب آن دعا رد میشود .

کسیکه حرام میخورد ، حرام می نوشد ، حرام می پوشد قبولیت دعا او زیر سوال می آید ، چنانچه پیامبر اسلام فرموده : الله طیب است به غیر از مال حلال و پاکیزه صدقه دیگری را نمی پذیرد ، و الله جَبَّارٌ كَلِيمٌ مومنان را بآن کاری امر کرده اند که رسولان خویش را به آن امر کرده اند ، یعنی رسولان را حکم کرده اند که ای رسولان ! شما نفقه حلال را بخورید و عمل صالح را انجام دهید ، و مومنان را هم همین طور امر کرده است که ای مومنان ! شما از نفقه حلال خویش که ما شما را داده ایم بخورید ،

ثُمَّ ذَكَرَ الرَّجُلَ يُطِيلُ السَّفَرَ أَشْعَثَ أَغْبَرَ يَمُدُّ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ يَا رَبِّ يَا رَبِّ وَمَطْعَمُهُ حَرَامٌ وَمَشْرَبُهُ حَرَامٌ وَمَلْبَسُهُ حَرَامٌ وَغَدَى بِالْحَرَامِ فَأَنَّى يُسْتَجَابُ لِذَلِكَ . (رواه مسلم عن ابی هریره)

ترجمه : رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پس ازین یک کسی را یاد کرد ، که سفرهای درازی را مینماید ، به سبب سفر موی سر پیچیده و گرد آلود دستار

را به آسمان دراز کرده دعا میکند ، ای پروردگار ! ای پروردگار !  
دعا میکند ، در حالیکه چیزی را که میخورد یا می نوشد یا میپوشد  
همه از مال حرام است پس کجا دعای او پذیرفته و قبول میشود ؟  
( پایان ترجمه )

برای پذیرش دعا این هم ضروری است که چیزی که به زبان  
میخواهد و خود را محتاج می داند در دل هم طلب آن چیز را داشته  
باشد ، در دل هم خود را محتاج بداند ، کسیکه یک چیزی را به  
زبان میخواهد و در دل بآن هیچ متوجه نباشد آن دعا هم پذیرفته نمی  
شود ، پیامبر اسلام ارشاد نموده است :

ادْعُوا اللَّهَ وَأَنْتُمْ مُوقِنُونَ بِالْإِجَابَةِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَجِيبُ دُعَاءَ مَنْ  
قَلْبٍ غَافِلٍ لَّاهٍ . ( رواه الترمذی عن ابی هريرة )

ترجمه : شما درحالی از الله جَبَّارٌ طلب و استدعا کنید که از پذیرش  
و قبولیت آن در دل باور داشته باشید ، و شما بدانید که در حقیقت  
جَبَّارٌ دعای دل غافل و مشغول را نمی پذیرد . ( پایان ترجمه )

از حدیث گذشته معلوم شد که اگر کسی به زبان الفاظ دعا را می  
خواند و در قلب راجع به چیزهای دیگری فکر می کند ، این گونه  
دعا قبول نمی شود ، بلکه دعای قبول میشود که از ته دل و زبان  
باشد .

برای پذیرش دعا این هم ضروری است که در آغاز آن حمد و ثنا  
گفته شود و هم درود بر پیامبر اسلام خوانده شود .

فَضَالَةَ بَنِ عَبِيدٍ مِیگوید :

بَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَاعِدٌ إِذْ دَخَلَ رَجُلٌ فَصَلَّى فَقَالَ  
 اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَجِلْتَ  
 أَيُّهَا الْمُصَلِّي إِذَا صَلَّيْتَ فَفَعَدْتَ فَاحْمَدَ اللَّهَ بِمَا هُوَ أَهْلُهُ وَصَلَّ عَلَيَّ ثُمَّ  
 ادْعُهُ قَالَ ثُمَّ صَلَّى رَجُلٌ آخَرُ بَعْدَ ذَلِكَ فَحَمِدَ اللَّهَ وَصَلَّى عَلَى النَّبِيِّ  
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَيُّهَا الْمُصَلِّي ادْعُ  
 نُجَبَ (الترمذي)

ترجمه : هنگامیکه رسول الله تشریف فرما بود یک کسی بداخل آمد  
 نماز خواند پس اینچنین دعا کرد : اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي ، ای الله !  
 مرا مغفرت کن و هم بر من رحم فرمائید ، رسول الله وی را  
 فرمودند : شتاب طلبی کردی ای نماز کننده ! وقتیکه نماز را ادا می  
 کنی و نشستی اول ستایش الله را به آن چه او اهلش است بکن و هم  
 بر من درود بفرستید پس از آن دعا طلب کنید .

بعد از او کسی دیگری نماز را ادا کرد پس از آن ستایش الله را کرد  
 و بر پیامبر اسلام درود خواند ، رسول الله وی را فرمود : ای نماز  
 کننده ! دعا را طلب کن قبول میگردد . (پایان ترجمه)

در حدیث فوق الذکر تذکر یافته که برای پذیرش دعا در کار است  
 که اول حمد و ثنا و درود بر مصطفی خوانده شود پس از آن از  
 خداوند متعال طلب و استدعا شود .

وقت دعای که در حدیث فوق الذکر وارد شده دو احتمال دارد یکی  
 اینکه ایشان در قعه آخر اینچنین کرده باشند ، احتمال دیگر اینکه  
 پس از ادای نماز کرده باشند ، رسول الله ایشان را مطلع ساختند که  
 برای پذیرش دعا بایستی در شروع آن حمد و درود خوانده شود .



همین وجه است که در قعه آخر اول التحیات که ستایش الله است خوانده میشود پس از آن درود خوانده میشود و پس از آن دعا طلب میشود ، و خارج از نماز هم در شروع دعا حمد و درود خوانده میشود .

برای پذیرش دعا بایستی از آن اوقات و جای ها هم بهره گرفته شود که دعا در آن ساعات و جای ها پذیرفته میشود ، در اثنای مناسک حج در تمام اماکن مقدسه دعا قبول میشود ، حجاج باید تا توان خویش کوشش نمایند که در جای های مقدسه و اوقات پذیرش دعا خود را بهره مند سازند ، و نویسنده این سطور را هم از دعا فراموش نه نمایند .

دین اسلام دین کامل است در هر بخش زنده گی راه نمایی کرده است تا حدیکه طریقه قضای حاجت انسانی را هم تعلیم داده است ، کسی برای حاجت انسانی می نشیند ، باید نه رو به قبله نشند و نه پشت به قبله نشند ، و نه دست راست را برای استتجا و کارهای ناکاره استعمال کند بلکه بدست چپ خود را پاک سازد .

وقتیکه در مورد قضای حاجت انسانی هدیای وجود دارد پس در مورد دعا که آن مغز عبادت است چه فکر میکنید ؟

در مورد دعا بسیار ارشادات قرآنی و نبوی وجود دارد ، حتی در مورد هر گونه حاجات به عبارات مختلف دعاها در قرآن و حدیث بیان شده است ، عقیده و باوری که مومن باید به رب خویش داشته باشد آن هم تماما در دعا های قرآنی و نبوی ذکر شده است .

همچنان اصول و قواعدی که مطابق آن باید بنده گان از پروردگار خویش دعا بطلبند هم در دعاهای قرآنی و مسنونه ذکره شده است کسی که از خود دعا میسازد و یا به زبانهای دیگری دعا میطلبند در آن باید حتما اصول و قواعد ادعیه قرآنی و مسنونه را مراعات گردد .

دعا به هر زبان گفته میشود البته دعاهای که خداوند متعال از همه دعاها آن را خوش دارد که بنده گان بآن الفاظ حاجات خویش را از الله بطلبند و امید و توقع پذیرش آن خیلی زیاد است آن دعاهای قرآنی و مسنونه است .

باین جهت ما درین بخش کتاب چند دعاهای قرآنی و مسنونه مختصر و کوتاه را با ترجمه آن ذکر میکنیم ، تا حجاج کرام در جریان ادای حج و عمره و هم در دیگر اوقات و جای ها حاجات خویش را باین عبارات سلیس و پر مغز از خداوند متعال بطلبند .

### دعای خوشی های دنیا و آخرت

انس رضی الله عنه میگوید : رسول الله صلی الله علیه و آله نزد یک مرد برای عیادت و بیمار پرسی رفت ، آن کس به سبب مریضی مثل چوچه مرغ خورد شده بود ، پیامبر اسلام از وی پرسید ، که شما از الله جبار راجع به کدام چیزی سوال نکرده اید ؟

او پاسخ داد ، بلی ! من از الله این چنین سوال کرده ایم : ای الله ! عذابی که در آخرت مرا میدهد آن عذاب را در دنیا بدهید ، رسول الله فرمود : سبحان الله ! شما توان عذاب الله را ندارید ، چرا اینچنین

دعا نه می کردی ؟ اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ .

ترجمه : ای الله ! مایان را در دنیا خوشی بدهید ، و در آخرت خوشی بدهید ، و مایان را از عذاب آتش نجات دهید . ( پایان ترجمه )  
آن بیمار این دعا را کرد و الله بِحَبْلِ لَآلِهٖ او را صحت و تندرستی عطاء فرمود (مسلم)

در یک روایتی دیگری مسلم رَحِمَهُ اللهُ عَلَيْهِ حکایت کرده است ، که قتاده رَحِمَهُ اللهُ عَلَيْهِ از انس رَضِيَ اللهُ عَنْهُ پرسید که رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ زیادتَر کدام دعا را میخوانید ، انس رَضِيَ اللهُ عَنْهُ گفت که رسول الله دعای اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ .

را زیادتَر میکرد ، انس رَضِيَ اللهُ عَنْهُ هم این دعا را در هر دعا میکرد .

### دعای پذیرش عمل صالح

هر مسلمان می باید پس از هر عمل صالح دعا کند که این عمل صالح و نیک را از وی پذیرفته شود ، انبیاء و رسولان هم همچنین میکردند ابراهیم عليه السلام و اسماعیل عليه السلام که بنیاد و دیوارهای خانه کعبه را اعمار میکردند این دعا را میکردند : رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۱۲۷ البقرة)

ترجمه : ای پروردگار ما ! از ما بپذیرید ، یقیناً که شما شنونده و عالم هستید . ( پایان ترجمه )

یعنی این کار خانه کعبه را از ما قبول فرمائید برای اینکه شما دعا ما را هم می شنوید و به نیت و اخلاص ما هم خبر هستید که این کار

بخاطر خوشنودی شما انجام می‌دهیم ، این دعا بسیار کوتاه است که پس از هر گونه عبادت کرده میشود .

### دعای بخشش و رحمت

رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ (۱۱۸ المومنون)

ترجمه : ای پروردگار من ! ببخشید و رحم کنید ، و شما از همه رحم کننده گان بهتر هستید . ( پایان ترجمه )

### دعای والدین

الله مومنان را حکم کرده اند که با والدین خویش به شفقت و مهربانی برخورد کنند ، و با ایشان گفتار مودبانه و نرم بکنند و همیشه برای والدین خویش انچنین دعا کنند : رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا (۲۴ الاسراء)

ترجمه : ای پروردگار من ! بر پدر و مادر ما رحم کن چنانچه ایشان پرورش مرا وقتیکه خورد بودم بمهربانی کرده اند .

### دعای اصلاح زن و اولاد

رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا (۷۴ الفرقان)

ترجمه : ای پروردگار و خدواند ما ! چشمان ما را به اعمال نیک و صالح زنان و اولاد ما خنک و خورسند نمایید ، و ما را پیشوا و راه نمود متقیان بگردانید .

## دعا مغفرت برای گذشته گان

رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا  
لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ . (۱۰ الحشر)

ترجمه : ای پروردگار و خداوند ما ! ما را و برادران ما را که در ایمان آوردن از ما سبقت نموده اند مغفرت نمائید ، و در دل‌های ما با کسانی که ایمان آورده اند دشمنی میافکن ، یقیناً شما خیلی زیاد مهربان و رحیم هستید .

## دعای زیادت علم

رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا (۱۱۴ طه)

ترجمه : ای پروردگار من ! علم دین مرا زیاد کن .

## دعای آزادی از حبس

یونس علی‌السلام در شب تاریک در بین دریا در شکم ماهی بند و محبوس بود ، دعای ذیل را میکردند الله او را نجات داد ، و الله در قرآن بعد از حکایت دعای یونس فرموده است که چنانچه یونس علی‌السلام را از شکم ماهی و از بین دریا او را پس به زمین آوردیم همینطور مومنان را اگر ایشان این دعا را میکنند نجات میدهیم .

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ (۸۷ الانبیاء)

ترجمه : هیچ کسی به غیر از تو شایسته و لایق عبادت نیست ، شما از هر گونه شریک و عیب منزّه و پاک هستید ، یقیناً من از جمله ظالمان بوده ایم .

## دعای حل مشکلات

اصحاب الکهف از طرف قوم خویش و حکمرانان وقت با تهدیدی جدی و خطرناک روبرو بودند ، به غاری که در کوه بود رفتند ، از خداوند متعال دعای ذیل را طلب نمودند ، الله ایشان را از ظالمان وقت نجات داد :

رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا (۱۰ الکهف)

ترجمه : ای پروردگار ما ! شما از طرف خویش ما را رحمت عطاء فرمائید ، و کارهای ما را اصلاح و طبق هدایت بگردانید .

## دعای کوتاه برای خویشتن و والدین و همه مومنان

رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ (۴۱ ابراهیم)

ترجمه : ای پروردگار ما ! مرا ببخشید ، و والدین ما را و همه مومنان را ببخشید ، به آن روزیکه با همه حساب میشود .

## دعای توبه کشیدن

هنگامیکه آدم علی‌السلام و حوآء از جنت به زمین فرود آمدند ، الله ایشان را برای توبه کشیدن دعای ذیل را اموزانید ، و آنان این دعا را میکردند ، الله توبه ایشان را قبول نمود .

رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ

(۲۳ الاعراف)

ترجمه : ای پروردگار ما ! ما بر خویشتن ظلم کرده ایم ، و اگر شما ما را نبخشید ، و بر ما رحم نکنید ما حتما از جمله خسارت مندان محسوب میشویم .

آگاهی : دعا‌های رسولان و مومنان که الله از ایشان در قرآن پاک حکایت نموده است ، این دعاها را اگر کسی به نیت قرائت تلاوت میکند ضمیرهای متکلم که در آن دعا میباشد به آن کسانی راجع میشود که از ایشان حکایت شده است .

اگر کسی این دعاها را به نیت قرائت تلاوت نمی کند بلکه بطور دعا آنرا میخواند پس ضمیرها متکلم آن بخودی شخصیکه این دعا‌های قرآنی را میخواند راجع میشود ، مثلاً الله در قرآن کریم از یونس علیه السلام حکایت کرده است که یونس در شکم ماهی این ذکر یا دعا را میکرد : *لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ* (۸۷ الانبیاء)

این گفتار یونس است پس ضمیری متکلم که در (انی کنت) می آید او به یونس وقتی که این دعا را میکرد راجع میشود ، و اگر کسی این آیه مبارکه را به نیت دعا میخواند درین حالت ضمیر بآن کسی راجع میشود که این دعا را میخواند ، اگر احمد این دعا را میخواند به احمد راجع میشود اگر محمود این دعا را میخواند در (انی کنت) که ضمیر واحد متکلم است او به محمود خواننده این دعا راجع میشود ، و درین حالت گفتن این دعا حکم تلاوت قرآن پاک ندارد ، حتی کسی در حالت جنابت هم این دعاها را به نیت دعا خوانده میتواند .

چنانچه در نماز قرائت تنها در قیام جواز دارد ، در رکوع ، سجده و قعدۀ اولی و قعدۀ اخیر قرائت تلاوت نمی شود ، در قعدۀ اخیر پس از درود دعا خوانده میشود اگر کسی در قعدۀ اخیر به نیت قرائت *ربنا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ* میگوید جواز ندارد برای اینکه در قعدۀ اولی و اخیر قرائت تلاوت نمی شود ولی اگر کسی به نیت دعا *ربنا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً*

وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ میگوید جواز دارد بلکه عموماً مردم همین دعا را در قعه اخیر میخوانند .

### دعای برای مقاومت با دشمنان

رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا دُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَتَبِّتْ أَقْدَامِنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ . (۱۴۷ آل عمران)

ترجمه : ای پروردگار ما ! گناهان ما را ببخشید ، و همچنان اسرافی که در کارهای خویش کرده ایم ببخشید ، و پای ما را در سنگر با دشمن محکم بسازید ، و بر قوم کفار ما را نصرت و یاری دهید .

### دعای صبر در مصیبت و جنگ

لشکری کوچکی از مومنان که همراه طالوت از جوی بطرف دشمن در گذشتند ، و به لشکر بزرگ جالوت در محاذ جنگ روبرو شدند ، از خداوند متعال صبر ، و ثابت قدمی و نصرت را بدعا ذیل طلب نمودند الله دعای ایشان را قبول نمود ، ایشان را بر دشمن غلبه داد .

رَبَّنَا أفرغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ . (۲۵۰ البقرة)

ترجمه : ای پروردگار ما ! برای ما صبر اعطا فرمائید یعنی دلها ما را از صبر لبریز نمائید ، و پای ما را در سنگر محکم بسازید ، و بر قوم کفار ما را نصرت دهید .

### دعای ابوبکر رضی الله عنه

ابوبکر رضی الله عنه به رسول الله صلی الله علیه و آله گفت : ما را دعای بیاموزانید که در نماز و خانه آنرا ادا نمایم ، رسول الله دعای ذیل را باو ارشاد نمود :



اللَّهُمَّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي ظُلْمًا كَثِيرًا وَلَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ فَاعْفِرْ لِي  
مَعْفِرَةً مِنْ عِنْدِكَ وَارْحَمْنِي إِنَّكَ أَنْتَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ . (مسلم عن ابی بکر)

ترجمه : ای الله ! یقیناً من بر خویشتن ظلم زیادی کرده ایم و به غیر از شما کسی دیگر گناهان را بخشیده نمی تواند ، پس شما مرا به مغفرت بزرگ و لطف خویش ببخشید ، و بر من رحم کنید ، بیشک شما خیلی بخشنده و زیاد مهربان هستید .

### دعای پریشان و غمگین

رسول الله ﷺ در حالت پریشانی و غم این دعا را میخواند .

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَظِيمُ الْحَلِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَرَبُّ  
الْعَرْشِ الْعَظِيمِ (بخاری عن ابن عباس)

ترجمه : هیچ معبود بر حق به غیر از الله عظیم و حلیم وجود ندارد ، هیچ معبود بر حق به غیر از الله وجود ندارد ، آن الله که پروردگار و خداوند آسمانها و زمین است ، و پروردگار و خداوند عرش عظیم است .

### استعاذه و پناه جویی

رسول الله ﷺ از خصال و اشیاء ذیل استعاذه میکرد یعنی از خداوند متعال پناه می طلبید تا وی را ازین خصال و اشیای بدی نجات دهد .

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ وَالْكَسَلِ وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ وَالْهَرَمِ وَأَعُوذُ  
بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ . (بخاری عن أنس بن مالك)

ترجمه : ای الله ! من از عجز ، تمبلی ، بزدلی ، بخیلی و کهنسالی از شما پناه و حفاظت میجویم ، من از عذاب قبر از شما پناه میجویم

و من از فتنه و امتحان زیست و مرگ از شما پناه میجویم .

### دعای بازگشت از سفر

رسول الله ﷺ در بازگشت از سفر حج ، عمره یا غزا بر هر فراز و بلندی که بالا میرفت سه بار الله اکبر میگفت ، سپس کلمات ذیل را میخواند :

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ آيُونَ تَائِبُونَ عَابِدُونَ لِرَبِّنَا حَامِدُونَ صَدَقَ اللَّهُ وَعْدُهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ (بخاری عن عبد الله بن عمر)

ترجمه : به غیر از الله دیگر هیچ معبود بر حق وجود ندارد ، او تنها و یکی است ، هیچ شریک ندارد ، سلطنت مر او را است ، و ستایش هم همه از او است ، و او بر همه چیزها قدرت دارد ، ما بازگشت کننده ایم ، توبه کننده ایم ، پروردگار خویش را عبادت کننده ایم ، ستاینده ایم ، الله وعده خویش را راست نمود ، کومک بنده خویش را کرد ، به تنهایی توده های ائتلافی کفار را شکست دادند .

### دعای شکست دشمن

رسول الله ﷺ به آن توده های کفار را که در بین خود ائتلاف کرده بودند و در مقابل اسلام می جنگیدند دعای ذیل را میخوانید :

اللَّهُمَّ مُنْزِلَ الْكِتَابِ سَرِيعَ الْحِسَابِ اهْزَمْ الْأَحْزَابَ اهْزَمْهُمْ وَزَلْزَلْهُمْ (بخاری عن ابن أبي أوفى)

ترجمه : یا الله ! ای نازل کننده قرآن ! ای زود حساب کننده ! گروه های کفار را شکست بدهید ، ایشان را شکست بدهید ، و ایشان را بلرزانید .

## دعای کوتاه

دعای ذیل پر مغز و بسیار کوتاه است آن معنویات و مادیات را در بر گرفته اند که نجات انسان را تضمین میکند .

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْهُدَىٰ وَالْتَّقَىٰ وَالْعَفَافَ وَالْغِنَىٰ . (مسلم عن عبد الله)

ترجمه : ای الله ! من از شما سوال هدایت ، تقوا ، عفت و غنی را میکنم .

## دعای اصلاح دین و دنیا

اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عِصْمَةُ أَمْرِي وَأَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي فِيهَا مَعَاشِي وَأَصْلِحْ لِي آخِرَتِي الَّتِي فِيهَا مَعَادِي وَأَجْعَلْ الْحَيَاةَ زِيَادَةً لِي فِي كُلِّ خَيْرٍ وَأَجْعَلْ الْمَوْتَ رَاحَةً لِي مِنْ كُلِّ شَرٍّ (مسلم عن أبي هريرة)

ترجمه : ای الله ! دین یعنی دیانت ما را اصلاح کن که همه کارهای ما به وسیله آن محفوظ میگردد ، و دنیای ما را اصلاح کن که در آن معیشت و زندگی ما است ، و آخرت ما را اصلاح کنید که به آن بازگشت من است ، و زندگی ما را در هر کاری خیر سبب زیادت گردانید ، و مرگ ما را از هر گونه شر سبب راحت گردانید .

## دنیا و آخرت در چهارکلمه

یک کسی در خدمت پیامبر اسلام حاضر شد و گفت : ما چطور از پروردگار خویش سوال کنم ؟ رسول الله وی را جواب داد که این چنین بگویند :

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَعَافِنِي وَارْزُقْنِي . (مسلم عن أبي مالك عن أبيه)

ترجمه: یا الله! شما مرا را ببخشید، و بر ما رحم کنید، و مرا عافیت دهید، و مرا رزق دهید.

رسول الله ﷺ به چهار انگشتان دست اشاره نمود که این کلمات خوشنودی دنیا و آخرتی شما را در بر گرفته است.

### دعای نجات جویی از شر

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا عَمِلْتُ وَشَرِّ مَا لَمْ أَعْمَلْ. (مسلم عن عائشة)

ترجمه: ای الله! من از تو از شر عملی که ما کرده ایم پناه میجویم و هم از تو از شر عملی که ما نه کرده ایم پناه میجویم.

### دعای دفع ضرر

یک کسی به حضور پیامبر اسلام آمد و گفت: دیشب مرا گزدم گزند و از درد آن خیلی رنج کشیدم، رسول الله برایش گفت: اگر در آغاز شب این دعا را میخواندید گزدم شما را ضرر و رنج رسانده نمی توانیست: أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ (مسلم عن أبي هريرة)

ترجمه: من به کلمات کامله الله از شر همه اشیا که الله آنرا پیدا کرده است خود را پناه میجویم.

در روایت دیگر مسلم آمده است که رسول الله فرمود که شما در یک جای هنگام سفر برای راحت و شب گذراندن پایین شوید این دعا را بگوید تا آن وقتیکه ازین جا کوچ و رحلت میکنید هیچ چیز به شما ضرر رسانده نمی تواند (مسلم عن خولة بنت حكيم السلمية)

## دعا به دیگران برای خود دعا است

رسول الله ﷺ فرموده است :

مَنْ دَعَا لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ قَالَ الْمَلَكُ الْمُوَكَّلُ بِهِ آمِينَ وَلَكَ بِمِثْلِهِ.  
(مسلم عن أمِّ الدرداء عن زوجها)

ترجمه : کسی که برای برادر مسلمان خویش در غیاب او دعا میکند ، فرشته که به همراهی او توظیف شده است میگوید : آمین و به شما هم همچنان دعا میرسد .

امیدواریم که طبق این ارشاد نبوی نویسنده این کتاب را در دعا فراموش نکنید ، و از خداوند متعال استدعا داریم که برای بنده عاجز که دعای میخواهید از آن بیشتر بشما عطاء فرماید .

## اذکار

### ذکر افضل

رسول الله ﷺ ارشاد نموده است : أَفْضَلُ الذِّكْرِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَفْضَلُ الدُّعَاءِ الْحَمْدُ لِلَّهِ . (الترمذی عن جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ)

ترجمه : از همه اذکار بهتر ذکر لا اله الا الله است و از همه دعا بهتر دعا الحمد لله است .

### ذکر به دست آوردن خزانه های جنت

ابو موسی الأشعری میگوید که رسول الله ﷺ از من پرسید ، ایا چنین ذکر شما را نه آموزانیم که آن از خزانه های جنت یک خزانه

است؟ یعنی خیلی ثواب دارد، رسول الله ﷺ فرمود: این ذکر از خزانة های جنت یک خزانة است:

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ (مسلم)

ترجمه: به غیر از حفاظت الله هیچ کسی هم توان خود داری از گناه را ندارد، و به غیر از توفیق الله هیچ کسی هم توان عبادت کردن را ندارد.

### ذکر دفع شر شیطان

رسول الله ﷺ فرموده است اگر کسی در روز صد بار این کلمه را بگوید:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . (مسلم عن أبي هريرة)

ثواب آزاد کردن ده غلام برایش داده میشود، و صد نیکی برایش نوشته میشود، و صد گناه او محو میشود، و در آن روز تا شام از ضرر و ایذای شیطان محفوظ میگردد، و کسی دیگری از وی عملی خوبتر کرده نمیتواند به غیر از کسی که او همین کلمه را از وی زیاد خوانده باشد.

### ورد صبح و شام

رسول الله ﷺ فرموده است اگر کسی در وقت صبح و هم در وقت شام صد بار سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ را بگوید در روز قیامت از وی کسی دیگری هم با عمل خوبتر نمی آید به غیر از کسی که او هم این کلمه را به اندازه او یا اضافه تر از وی خوانده باشد.

## ذکر عام روزمره

رسول الله ﷺ فرموده است که : **سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ ،** دو کلمه است که گفتن آن بر زبان اسان است ، و در ترازو نیکی وزن زیاد دارد ، و به نزد خداوند رحمن پسندیده است .

(متفق علیه عن ابی هريرة)

## ذکر بیش بها نسبت به تمام دنیا

رسول الله ﷺ فرموده است که من یکبار : **سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ ،** را بگویم این ذکر من را از تمام دنیا که افتاب بر آن طلوع می کند هم پسندیده تر است .

(مسلم عن ابی هريرة)

## دریک روز هزار نیکی

رسول الله ﷺ از صحابه کرام خویش پرسید ، آیا در بین شما کسی است که در یک روز صاحب هزار نیکی گردند ؟ کسی از نشسته گان پرسید : ما چگونه میتوانیم که هر روز هزار نیکی را بدست آوریم ؟

رسول الله فرمود : هر کسی که در روز صد بار **سُبْحَانَ اللَّهِ** را بگوید هزار نیکی برایش نویخته میشود و هم هزار گناه از او محوه میشود . (مسلم عن مُصْعَبِ بْنِ سَعْدٍ عَنْ أَبِيهِ)

## درود

مقام و منزلت محمد ﷺ بسیار عالی و بلند است ، الله جباراً آن قدر مقام بالا او را عطاء کرده اند که الله و هم ملائکه او بر او درود میگویند ، و مومنان را هم حکم کرده است که بر محمد ﷺ درود بگویند ، الله میفرماید : **إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا** (۵۶ الاحزاب)

ترجمه : بدرستی که الله و ملائکه او بر پیامبر یعنی محمد درود میگویند ، او آنانی که ایمان آورده اید ! بر محمد درود بگوید و هم بر وی سلام بخوانید .

### درود افضل

درود به الفاظ و عبارات گوناگون بر محمد ﷺ خوانده میشود البته از همه افضل و خوبتر آن درود است که رسول الله ﷺ صحابه کرام خویش را آموخته است و بر زبان پیامبر خداوند متعال ذکر شده است .

تقاضای محبت هم همین است که آن الفاظ و عبارات که بر زبان محبوب یعنی محمد ﷺ بیان شده است آن را بر زبان بگویند و از آن لذت ببرند ، محب صادق را گفتار و کردار محبوب از گفتار و کردار دیگران محبوب تر میباشد .

هنگامیکه این ایه مبارکه نازل شد : **إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا** (۵۶ الاحزاب)

ترجمه : بدرستی که الله و ملائکه او بر پیامبر یعنی محمد درود میگویند ، او آنانی که ایمان آورده اید ! بر محمد درود بگویند و هم بر وی سلام بخوانید . ( پایان ترجمه )



در ایه مبارکه مؤمنان به دو چیز مامور گشته اند ، یک اینکه بر محمد درود بگویند ، دوم اینکه بر محمد ﷺ سلام بگویند ، صحابه کرام از پیامبر اسلام پرسیدند که ما طریقه سلام گفتن را میدانیم یعنی در تشهد السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته را میگویم البته طریقه درود را نمی دانیم پس بر شما چگونه درود را ادا نماییم ؟ رسول الله ﷺ فرمود که بر من چنین درود بگوئید :

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ .

اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ . (بخاری عن كعب بن عجرة)

ترجمه : ای الله ! بر محمد و خاندان محمد رحمت خاصی را نازل فرمائید ، چنانچه بر ابراهیم و خاندان ابراهیم رحمت خاصی را نازل کرده اید ، یقیناً شما قابل ستایش و خداوند عظمت هستید .

ای الله ! بر محمد و خاندان محمد برکت نازل نمائید چنانچه بر ابراهیم و خاندان ابراهیم برکت نازل کرده اید بدرستی که شما قابل ستایش و خداوند عظمت هستید .

### درود مختصر

پیامبر اسلام ﷺ فرموده است : اگر کسی به این خورسند میشود که درود که بر ما و بر خاندان ما میگوید ثواب آن را پوره و به پیمانمان لبریز حاصل نماید این درود را بگوید : : اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَزْوَاجِهِ أُمَّهَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَدُرِّيَّتِهِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ . (ابوداود عن ابی هریره)

ترجمه : ای الله ! بر محمد و زنان محمد یعنی مادران مومنان و اولاد محمد و اهل خاندان محمد رحمت خاصی را نازل فرمائید ، چنانچه بر خاندان ابراهیم رحمت خاصی را نازل نموده اید ، یقیناً شما قابل ستایش و خداوند عظمت هستید .

### ثواب درود

رسول الله ﷺ فرموده است : مَنْ صَلَّى عَلَيَّ وَآحِدَةً صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ عَشْرًا . (مسلم عن أبي هريرة)

ترجمه : کسی که بر من یکبار درود را بخواند ، الله جباراً بر آن کس ده بار درود را نازل میفرماید . (پایان ترجمه)

درود رحمت خاصی را میگوید ، برای فضیلت درود همین کفایت میکند که کسیکه یکبار بر محمد ﷺ درود میگوید الله بر آن کس ده بار درود میخواند ، یعنی ده رحمت را بر او نازل میکند ، یک رحمت خداوند متعال از همه دنیا و هم از اشیای که در دنیا است بیش بها و قیمتی است پس کسیکه بر محمد ﷺ درود میگوید بر آن کس رحمت های الله میبارد .

### بعضی از آداب دعا و اسباب پذیرش آن قرار ذیل است

- |   |   |
|---|---|
| ۳- باور و یقین پذیرش دعا را داشتن .                           | ۱- دعا را به اخلاص کردن   |
| ۴- دعا را بار بار کردن به گمان عدم پذیرش دعا را ترک نه کردن . | ۲- دعا را بحمد و ثنا و درود آغاز کردن و هم در آخر آن حمد و درود را خواندن |

- ۱۲- دعا را تا سه بار تکرار نمودن .
- ۱۳- رو به قبله دعا را خواستن .
- ۱۴- هر دو دستان را در دعا بالا کردن .
- ۱۵- در دعا از حد خویش تجاوز نکند .
- ۱۶- برای خویشتن از دیگران پیشتر دعا طلب نمودن .
- ۱۷- نفقه حلال را خوردن از جامه حرام و خوراکه حرام خود داری کردن .
- ۱۸- به عاجزی و زاری دعا را خواستن .
- ۱۹- دعا گناه و قطع صله رحمی را نکند .
- ۲۰- از همه گناهان اجتناب و خود داری کردن .

- ۵- در حالت خوشی و فراوانی هم آنچنان دعا را کردن چنانچه در حالت تنگدستی و پریشان حالی میکند .
- ۶- جان ، مال و اولاد خویش را دعای بد نکردن
- ۷- به گناه خویش معترف شدن و از الله جباراً بخشش و معافی آنرا خواستن .
- ۸- به نعمت های خداوند منان اعتراف کردن و شکر آنرا بجا آوردن .
- ۹- دعا را قصداً بر سجع و قافیه نه خواندن .
- ۱۰- دعا را پوره توجه کردن ، چیزیکه بزبان میطلبد در دل هم طلب آن را داشته باشید .
- ۱۱- دعا را فقط و فقط از الله جباراً بطلبد .

- |  |   |
|--|---|
| <p>۲۲- حقوق دیگران را ادا کردن و از همه گناهان توبه کشیدن .</p> <p>۲۳- به اسماء و صفات الله <small>بِحَمْدِ اللَّهِ</small> دعا را طلب نمودن .</p> | <p>۲۱- از رحمت خداوند رحمن امید داشتن و از عذاب رب قهار خوف و بیم داشتن .</p> |
|--|---|

### بعضی از اوقات و جای های قبولیت دعا

- |  |  |
|--|--|
| <p>۹- روز عرفات در میدان عرفات .</p> <p>۱۰- بد دعای مظلوم در حق ظالم یعنی کسی که بر مظلوم ظلم کرده است .</p> <p>۱۱- دعا نیک و بد دعای پدر در حق پسر .</p> <p>۱۲- دعای روزه دار در روزه و هم در وقت افطار</p> <p>۱۳- دعای پریشان حال و غمگین .</p> <p>۱۴- دعای کسیکه به والدین خویش احسان میکند</p> | <p>۱- شب لیلة القدر .</p> <p>۲- آخر شب یعنی بخش سوم در آخر شب .</p> <p>۳- پس از نماز فرض .</p> <p>۴- در بین آذان و اقامت .</p> <p>۵- در وقت باریدن بارش .</p> <p>۶- در ساعت اجابت دعا که در روز جمعة نهفته شده است و آن بر قول راجح در آخر عصر جمعة میباشد .</p> <p>۷- وقت اشامیدن آب زمزم</p> <p>۸- در حالت سجده نماز .</p> |
|--|--|

۱۷- دعای حاجی که در  
مزدلفه در وقت وقوف  
مزدلفه میکند .

۱۵- بعد از رمی جمره اول  
و جمره دوم .  
۱۶- بر صفا و مروا در  
وقت سعی حج یا عمره .

بار دیگر یاد آور میشوم که از همه دعاها بهترین و افضل  
ترین دعاهاى است که در قرآن کریم و احادیث نبوی بیان  
شده است .

دعاهاى که در قرآن کریم از انبیاء و رسولان حکایت شده  
است و یا از مومنان امم سابقه نقل شده است مقصد از آن تنها  
حکایت نیست بلکه تا این امت مرحومه را طریقه دعا را  
بیاموزاند ، و ایشان هم در چنین موارد به عبارات حکایت  
شده از خداوند متعال دع بطلبند ..

ادعیه که از رسول الله ﷺ روایت آن شده است آن هم برای  
تعلیم امت است .

پس هر مومن بنده را درکار است که ادعیه قرآنی و مسنونه  
را یاد کند ، و به این عبارات پر مغز و بابرکت درخواستی  
حاجات خویش در دربار الهی تقدیم نماید .

## قسمت ششم

### سفر مدینه

الحمد لله و كفى و الصلوة و السلام على نبيه المصطفى وبعد :  
قسمت ششم کتاب همسفر حج برای سفر مدینه تخصیص داده شده است .

مقصد ما از سفر مدینه این نیست که ما سفر مدینه را بالفور آغاز کنیم ، بلکه سفر مدینه را از بعثت و هجرت خاتم النبیین آغاز می نمایم تا وفات و هم آداب و مقاصد زیارت را بطور مختصر به پایان میرسانیم .

بیایید که این قصه زیبا و حقیقی را بگوش دل بشنویم اگر الله جباراً بشهر زیبا و مقدس مدینه سفر را نصیب فرمود تا از آن لذت بریم .



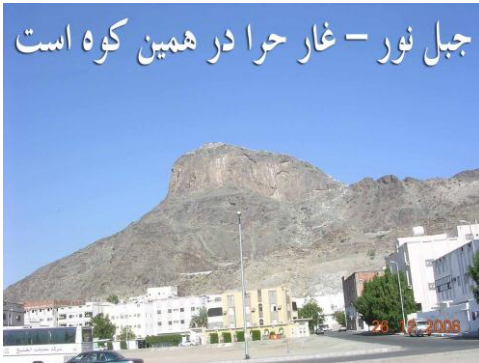
محمد صلی الله علیه و آله پسر عبدالله و نواسه عبد المطلب است ، نام مادرش آمنه است ، در شهر مکه در سال ۵۶۹ میلادی تولد یافته است .

خانه ولادتش بیرون از مسجد حرام نزدیک صفا بر سرک سوق اللیل موقعیت دارد ، اکنون بر زمین آن خانه مکتبه و مدرسه اعمار شده است .

این مکتبه و مدرسه در سوق اللیل تقریباً در فاصله پنج صد متری نزدیک صفا بر آن زمین اعمار شده است که رسول الله ﷺ در آن خانه تولد یافته بود .

عمر مبارک رسول الله ﷺ که به چهل سال رسید به رسالت مبعوث گردید .

در شش ماه اول رسالت در خواب برایش وحی نازل میشد ،



پس الله ﷻ قلبش به خلوت نشینی مایل نمود ، تنهایی مورد پسندش بود ، به غار حراء در جبل نور میرفت ، خوراکه و آب آشامیدن چند روز را با خود میبرد ، و آن جا عبادت الله را میکرد .

هنگامیکه نفقه اش خلاص میشد پس به زوجه مطهره خدیجه رضی الله عنها می آمد و برای چند روز دیگر نفقه را با خود میبرد .

غار حراء در جبل نور موقعیت دارد ، جبل نور (۲۱۰۶) فوت معادل (۶۳۸) متر بلندی دارد ، و (۵) کیلو متر مساحت را اشغال کرده است ، جبل نور دو میل دور از مکه بطرف شرق مکه معظمه در راه منی واقع است .

غار حراء تخمیناً سه و نیم متر طول و یک متر و پنجاه سانتی متر عرض دارد ، در ماه رمضان رسول الله ﷺ در



همین غار بود که جبریل علیه السلام پنج ایه اول سوره العلق را بروی نازل نمود .

این پنج ایه سر آغاز نزول قرآن کریم گردید : اقرأ باسم

رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ (۱)

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ

(۲) اقرأ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ

(۳) الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ (۴) عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ (۵)

ترجمه : بنام پروردگار خویش بخوان ، پروردگاری که تمام کاینات را افریده است ، انسان را از خون منجمد افریده است بخوان ، و پروردگار شما از همه کریم تر است ، آن پروردگاری که به قلم تعلیم داده است ، انسان را آن چیزها اموخته است که برای وی معلوم نه بود . (پایان ترجمه)

رسول الله ﷺ بعد از بعثت سیزده سال در مکه مکرمه مردم را به توحید یعنی به خواندن و پذیرفتن لا اله الا الله دعوت میداد ، مشرکان قریش وی را و هم همراهانش را بخاطر دعوت توحید به انواع گوناگون اذیت و تکلیف میدادند .



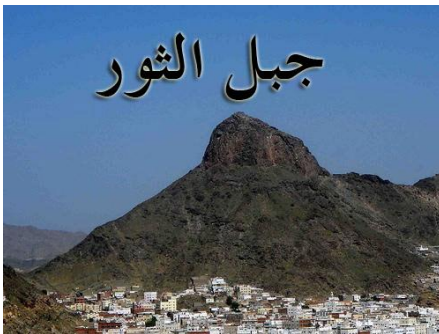
پس از سیزده سال خداوند متعال به پیامبر اسلام اجازه داد تا به مدینه هجرت نماید .

رسول الله ﷺ هر روز در وقت بامداد یا شام به خانه ابوبکر الصدیق رضی الله عنه می رفت ، یک روز در هنگامی گرمی سخت نیمروز برای ابوبکر گفته شد که رسول الله ﷺ بر سر پتو افکنده به خانه شما می آید .

ابوبکر رضی الله عنه گفت که حتماً چیزی مهمی رخ داده است ، برای اینکه روزهای دیگر رسول الله ﷺ در نصف روز به خانه ما تشریف نمی آوردند .

رسول الله ﷺ که بخانه ابوبکر تشریف فرما شد فرمود که خداوند متعال اجازه داد که بسوی مدینه هجرت کنم .

ابوبکر چند ماه پیشتر به انتظار این سفر تاریخی دو شتر را در خانه نگاه کرده بود ، آن دو شتر را به یک کسی راه بلدی که از قبیله بنودیل بود تسلیم داد .



آن کس از جمله مشرکان مکه بود ، ولی ایشان بر وی اعتماد کردند ، و برایش گفتند که صبح روز سوم بغار ثور بیائید تا از آنجا بسوی مدینه سفر هجرت را آغاز نماییم .

رسول الله ﷺ بهمراهی ابوبکر به غار ثور رفتند ، آنجا از مشرکان مکه خود را پنهان نمودند ، مشرکان مکه اعلان نمودند که هر کسیکه محمد ﷺ و یا ابوبکر ﷺ را بکشند ، یا دستگیر کنند بر سر هر یکی صد صد شتر انعام داده میشود ، برای به دست آوردن این جایزه مشرکان مکه در هر گوشه و کنار در تلاش رسول الله و ابوبکر شدند .

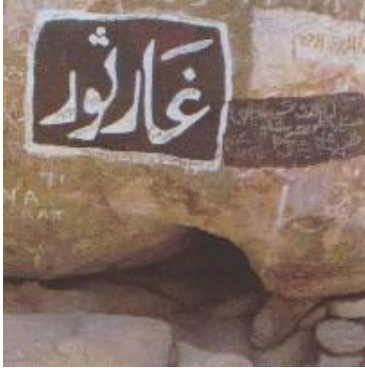
این ابوبکر ﷺ بود که درین حالت سختی و تنهایی با رسول الله در غار ثور همراه بودند ، همین خاندان ابوبکر بود که درین حالت سختی در خدمت پیامبر اسلام حاضر بودند .

اسماء رضی الله عنها دختر ابی بکر خوراکه سفر را برای ایشان تهیه نمود ، عبد الله ﷺ پسر ابوبکر را پور و خبر دسیسه های مشرکان را هر شب برای شان میرساند ، و صبح و قتر به مکه باز میگشت مشرکان فکر میکردند که وی شب را در مکه گزرانده است .

عامر بن فُهَیره رضی الله عنه غلام ابی بکر در شب تاریک رمه گوسفندان را به غار ثور می راند و از شیر آن ایشان را سیراب میکرد .

جبل الثور در جنوب مکه در فاصله (۸) هشت کیلو متر دور از مکه مکرمه موقعیت دارد ، بلندی جبل الثور (۷۷۰) متر معادل ( ۲۵۴۳ ) فت میباشد ، و ( ۱۰ ) کیلو متر مساحت دارد .

در قسمت بالای این کوه سنگ کلان است ، شکم آن سنگ خالی می باشد و این غار را غار ثور می گوید ، ازین غار سفر هجرت آغاز گردید .



این یک قصه واقعی و حیران کننده است ، از یکسو مشرکان قریش در گوشه و کنار مکه در روز و شب در تلاش هستند تا رسول قریشی صلی الله علیه و آله را دستگیر کنند ، یا او را بکشند .

از دیگر سو که به اوس و

خزرج دو قبیله انصار در مدینه منوره خبر رسید که رحمة للعالمین از مکه مکرمه به سوی مدینه سفر هجرت را آغاز نموده است ، جوانان و پیرمردان این قبیله مهمان نواز برای استقبال و خوش آمدید به حره مدینه هر روز با اسلحه مجهز بیرون می آمدند ، تا نصف روز آن جا انتظار میکشیدند تا افتاب رسالت و نبی رحمت را با استقبال پر جوش و شکوهمند تا خانه های خویش بدرگه و همراهی کنند .

روز دوشنبه به تاریخ دوازدهم ربیع الاول ایشان تا نصف نهار انتظار کشیدند ، هوای گرم نصف روز ایشان را بی تاب کردند ، دیگر امید نداشتند که درین وقت او تشریف بیاورد ، به خانه های خویش برگشتند ، یک یهودی برای یک کاری بر سر بام قلعه خویش رفت ، در سراب دشت

چندی اشخاص را دیدند که به سوی مدینه می آمدند .

یهودی باین باور شد که این آن اشخاصی هستند که انصار هر روز برای استقبال ایشان تا نصف روز در گرمی سخت بیرون می آمدند .

یهودی بی اختیار برای انصار به صدای بلند آواز داد که ای اوس و خزرج ! شخصیکه شما به انتظار شان بودید ایشان تشریف آورد ، برای انصار که خبر تشریف آوری رسول الله رسید همه شان پیر و جوان برای استقبال پیامبر اسلام بیرون آمدند .

رسول الله ﷺ که بمدینه تشریف آورد ، چهارده روز در ده قبیله بنو عمرو که از شهر مدینه بیرون موقعیت دارد و به اسم قباء نامیده میشود اقامت ورزید ، درین روز ها اساس

مسجد قباء را هم نهادند ، و در آن نماز ها را ادا کردند .



مسجد قباء آن مسجد است که از روز اول تهداب آن بر اساس تقوا نهاده شده است ، رسول الله ﷺ در

هفته یکبار به روز شنبه در وقت چاشت به مسجد قباء پیاده یا سوار میرفت و در مسجد قباء در وقت چاشت دو رکعت نماز نفل را ادا میکرد .

هر حاجی که در مدینه می باشد برایش بهتر است که این عمل مسنون را انجام دهد ، هر هفته روز شنبه در وقت چاشت به مسجد قباء برای ادای دو رکعت نماز نفل برود .

رسول الله ﷺ پس از چهارده روز به بدرگه و همراهی ماماهاى شان و هم دیگر صحابه کرام از قباء به سوى شهر مدینه رحلت نمود .

در جایکه مسجد نبوی بناء شده است باین جا که رسیدند شتر شان زانو زد ، و از آنجا به سوى دیگری حرکت نمی کرد ، رسول الله ﷺ فرمود که همین جا ان شاء جی است که ما باید بمانیم ، نزدیک اینجا خانه ابویوب انصاری رضی الله عنه بود ، رسول الله در خانه ابویوب انصاری سکونت ورزید ، ابویوب انصاری یکی از ماماهاى رسول الله ﷺ است .

### مسجد نبوی

زمینی که مسجد نبوی بر آن اعمار شده است در ملکیت دو یتیم بنام سهل و سهیل بود ، اسعد بن زُرّاه کفالت این دو یتیم را میکرد .

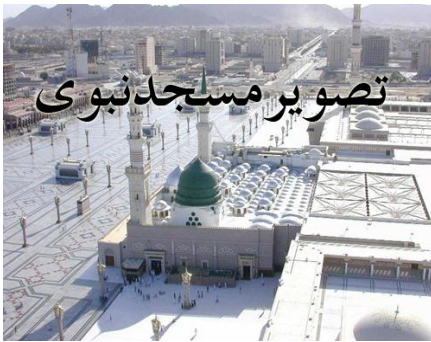


منظر شهر مدینه در پهلوی مسجد نبوی

انصار این زمین را برای اعمار مسجد رایگان و مجانی میدادند ، ولی رسول الله ﷺ آنرا به طور

مجانای نه پذیرفت بلکه قیمت آنرا به ایشان تادیه نمود .  
بعد از خریداری زمین مهاجر و انصار به کار مشترک  
اعمار مسجد نبوی را آغاز نمودند .

خانه های ویران که در این زمین بود آنرا هموار کردند ،  
درخت های خرما را قطع نمودند ، و از قبرهای مشرکین که  
آنجا بود استخوان های مشرکان را کشیدند ، دیوار های



تصویر مسجد نبوی

مسجد را بخش خام اعمار  
کردند ، و میل های دروازه  
را سنگ کاری کردند ، تنه  
های درخت خرما را رو به  
قبله چند قطار ایستاده  
نمودند ، و سقف مسجد را  
به چوب پیوشانیدند .

رسول الله ﷺ هم بایشان خشت را نقل میکرد و این کلمات  
را میخواند :

اللَّهُمَّ إِنَّ الْأَجْرَ الْأَجْرُ الْأَخْرَةَ      فَأَرْحَمَ الْأَنْصَارَ وَالْمُهَاجِرَةَ

ای الله ! اجوره واقعی اجوره آخرت است ، پس بر انصار و  
مهاجر رحم فرمائید .

مسجد نبوی چند بار توسعه یافت ، در تصویر بالا که از  
طرف سقف بیرونی مسجد نبوی اخذ شده است به پهلوی گنبد  
که گنبد های خورد دیده میشود این بر آن ساحه اعمار شده

است که در وقت رسول الله ﷺ مسجد بود .

البته به طرف قبله یعنی جهت جنوب مسجد و همچنان به طرف غرب بر آن ساحه هم شامل است که در وقت خلافت عمر رضی الله عنه و عثمان رضی الله عنه مسجد نبوی را توسعه داده بودند .

### روضه الجنة

در داخل مسجد نبوی آن ساحه که در وقت نبی کریم صلی الله علیه و آله مسجد بود به میل ها نشان داده شده است در بالای میل ها نوشته شد است که این حد مسجد نبوی است یعنی آن ساحه است که در زمانه



بین منبر و خانه قسمتی از روضه

رسول الله صلی الله علیه و آله مسجد بود ، درین برخی از مسجد نبوی از منبر رسول اکرم صلی الله علیه و آله تا حجره های ازواج مطهرات که ساحه است آنرا رسول الله روضه نامیده است

یعنی از باغچه های جنت یک باغچه است ، حالا حصه روضه به قالین های سپید رنگ فرش شده است چنانچه در تصویر مشاهده میشود .

## فضیلت مسجد نبوی

قابل یاد آوری است که هر مقدار توسیعه که در مسجد نبوی آمده است آن هم حکم مسجد نبوی دارد ، چنانچه در مسجد نبوی یک نماز از نمازهای دیگر مساجد باستثناء از مسجد حرام از هزار نماز بهتر است این فضیلت آن نماز را هم حاصل مییابد که در ساحه که بر مسجد نبوی اضافه شده است ادا میشود .

از نگاه تقدس زمین مسجد نبوی را مقام دوم حاصل است چنانچه رسول الله فرموده است :

لَا تُشَدُّ الرَّحَالُ إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَسْجِدِ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَمَسْجِدِ الْأَقْصَى (متفق عليه عن أبي هريرة )

ترجمه : بغیر از سه مساجد یعنی مسجد حرام ، مسجد رسول الله و مسجد بیت المقدس به دیگر مساجد سفر نمی شود .

( پایان ترجمه )

یعنی در روی زمین هر چند مساجدی که موجود است مسجد یک شهر با مسجد شهر دیگر از روی شرف زمین کدام تفاوت ندارد ، تمام برابر است لهذا بخاطر مسجد از یک شهر به دیگر شهر سفر نمی شود البته سه مسجد این طور است که آن بر دیگر مساجد فضیلت و شرف خاصی دارد و به قصد مسجد برای به دست آوردن فضیلت نماز به آن مساجد سفر میشود .



یک نماز فرضیکه در مسجد نبوی ادا شود بر آن نمازهای که در مساجدی دیگری ماسیوا از مسجد حرام ادا شود هزار بار هم بهتر است چنانچه رسول الله فرموده است : **صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِي هَذَا خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ صَلَاةٍ فِيَمَا سِوَاهُ إِلَّا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ .**

(متفق علیه و اللفظ للبخاری عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ)

ترجمه : یک نماز درین مسجد من از مساجد دیگر به غیر از مسجد حرام از هزار نماز هم بهتر است .

یک نماز در مسجد حرام در ثواب با صد هزار نماز مساجد دیگر برابر است .

یک نماز در مسجد اقصی در ثواب با پنجاه نماز مساجد دیگر به غیر از مسجد حرام و مسجد نبوی برابر میباشد .

### قبرستان جنة البقیع

از مسجد نبوی که از در روضه مطهره بطرف شرق بیرون آید در فاصله نزدیک قبرستان مدینه منوره است که بنام جنة البقیع نامیده میشود .



در قبرستان جنة البقیع عثمان رضی الله عنه و عباس رضی الله عنه و ازواج و دختران رسول الله و صحابه کرام رضی الله عنهم بی شماری دیگری مدفون گردیده اند ، البته غیر از

چند نفر قبرها دیگران بطور مشخص معلوم نیست .

در بعضی از نقشه ها جای قبرهای بعضی اشخاص را نشان داده شده است و لاکن بر آن نقشه ها هیچ آثار باور و اعتماد دیده نمی شود پس ما هم به سبب بی اعتمادی بر آن نقشه ها تصویر آنها در کتاب همسفر حج نشان ندادیم .

### طریقه زیارت

عایشة رضی الله عنها میگوید که هر گاه که نوبت شب گذراندن رسول الله با وی میرسید ، رسول الله در آخر شب به قبرستان جنۃ البقیع میرفت و این چنین سلام و دعا میکرد : **السَّلَامُ عَلَیْكُمْ دَارَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ وَأَنْتُمْ مَا تُوعَدُونَ غَدًا مُوجِلُونَ وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِأَهْلِ بَقِيعِ الْعَرَقَدِ** (مسلم)

ترجمه : السلام علیکم ای خداوندان قبرستان قوم مومنان ! بشما آن چیزی که وعده آنها بشما داده میشد فرا رسید ، تا فردا مهلت حساب داده میشود ، و ان شاء الله ما با شما یکجا میشویم ، ای الله ! مردگان قبرستان بقیع را مغفرت نمائید .

در روایت دیگر مسلم از عایشة حکایت شده است که یک شب رسول الله صلی الله علیه و آله به خاموشی از بستر من برخیزت از خانه بیرون رفت ، من وی را تعقیب کردم ، رسول الله به قبرستان جنۃ البقیع رفت ، (فَأَطَالَ الْقِيَامَ ثُمَّ رَفَعَ يَدَيْهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ) بسیار وقت آنجا ایستاد ، باز سه بار هر دو دستن را

بالا کرد ، یعنی سه بار به دست های بالا برای مردگان قبرستان دعا کرد ، پس به سوی خانه برگشت .

ما هم به خانه برگشتیم و پیشتر از رسول پاک خود را بخانه رساندیم ، بر بستر خویش خوابیدم ، قلب من می تپید یعنی از تیز رفتاری تنفس را بزور و فشار میکشیدم ، رسول الله از من پرسید : چه شده که قلب شما می لرزد ؟ من گفتم هیچ چیزی نیست .

رسول الله ﷺ فرمود اگر شما حال خود را بیان نکنید الله مرا خبر می دهد ، من قصه را برایش بیان کردم که من شما را تعقیب میکردم تا بدانم که شما کجا تشریف میبری ، رسول الله ﷺ فرمود که جبریل علیه السلام برایم آمد و گفت که الله شما را امر فرموده اند که به قبرستان بقیع بروید و به ایشان استغفار نمایید .

عایشة میگوید که من پرسیدم ما که آنجا برویم چطور دعا کنیم ؟ رسول الله پاسخ داد که اینطور بگوید : السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ وَيَرْحَمُ اللَّهُ الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنَّا وَالْمُسْتَأْخِرِينَ وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لِلْحَافُونَ . (مسلم)

ترجمه : بر خداوندان قبرستان مومنان و مسلمانان سلام باشد ، الله بر گذشته گان ما و بر پس ماندگان ما رحم کند ، و ما ان شاء الله با شما یکجا شدنی میباشیم .

از این احادیث طریقه مسنونه زیارت را هم دانستیم آن اینکه

کسی که به زیارت یک مومن و مسلمان برود اول بر او سلام بگوید ، سپس برای خویشتن و هم آن مرده را از خداوند متعال مغفرت و رحمت بخواهد ، سوم اینکه از حالت مرده عبرت گیرند که من هم عنقریب به این گونه انجام روبرو میشویم .

اگر کسی به دعای رسول الله بدقت متوجه شود همین سه نکته را در آن اشکارا بنظرش میرسد ، هر کسی که بر رسالت محمد ﷺ باور و یقین دارد او باید در هر چیزی و هر کاری متابعت رسول خویش را بکند .

امام الترمذی رحمۃ اللہ علیہ از ابن عباس رضی اللہ عنہما روایت کرده است که رسول الله با قبرستان مدینه می گذشت ، چهره خود را به سوی قبرستان گردانید و فرمود : **السَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا أَهْلَ الْقُبُورِ یَعْفُورُ اللَّهُ لَنَا وَلَكُمْ أَنْتُمْ سَلَفُنَا وَنَحْنُ بِأَثَرِ.**

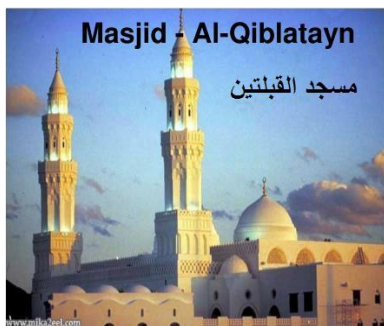
ترجمه : السلام علیکم ای خداوندان قبور ! الله ما را و شما را مغفرت نماید ، شما پیش رفته گان ما هستید و ما در پی شما آمدنی هستیم .

این بود طریقه زیارت کردن .

### مسجد قبلتین

رسول الله ﷺ که به مدینه منوره تشریف آوردند ، شانزده ماه (۱۶) یا هفده ماه (۱۷) به جهت بیت المقدس نماز را ادا

میکرند ، بیت المقدس به طرف شمال مدینه می آید و کعبه به طرف جنوب مدینه می آید .



امام بغوی در معالم السنن گفته است که نمازی اولیه رسول الله در مدینه منوره به جهت کعبه ادا نموده است آن نماز عصر بود ، در ماه رجب دو ماه قبل از غزوه بدر قبله به طرف کعبه گردانیده شد .

رسول الله ﷺ نماز را ادا میکرد که حکم تحویل قبله فرود آمد ، رسول الله با مقتدیان خویش در بین نماز از بیت المقدس رو به کعبه گردانیدند ، و این مسجد را ازین وجه مسجد قبلتین میگوید .

### میدان احد

رسول الله ﷺ که به مدینه هجرت نمود پس حکم جهاد نازل شد ، رسول الله ﷺ در بسیاری از محازات جنگ با کفار جنگیدند ، ازین غزوات یکی غزا احد است ، درین غزوه به مسلمانان زیاد آسیب رسید ، رسول الله و هم بسیاری از صحابه کرام زخمی شدند ، هفتاد نفر بشهادت رسیدند ، در جمله شهداء کاکای رسول الله سیدنا حمزه رضی الله عنه هم بود که رسول الله او را سید الشهداء لقب داده است .

پس از جنگ بعضی از صحابه کرام خواستند که شهداء خویش را به مدینه انتقال کنند ، رسول الله ﷺ حکم کرد که تمام شهداء در دامن احد دفن شوند ، پس تمام شهداء در دامن احد در قبرهای دستجمعی دفن نمودند .



بحث غزوات اگر چه موضوع کتب سیرت است و لاکن ما تصویر کوه احد باین خاطر نگاشتیم که در دامن این کوه شهداء احد دفن شده

اند ، رسول الله در موردش فرموده است : هَذَا جُبَيْلٌ يَحِبُّنَا وَنُحِبُّهُ (بخاری) احد کوهک است که با ما محبت دارد و ما به او محبت داریم .

عُقَبَةُ بْنُ عَامِرٍ رضي الله عنه میگوید :

صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَيَّ قَتْلِي أُحُدٍ بَعْدَ ثَمَانِي سِنِينَ كَالْمَوَدِّعِ لِلْأَحْيَاءِ وَالْأَمْوَاتِ ثُمَّ طَلَعَ الْمِنْبَرَ فَقَالَ إِنِّي بَيْنَ أَيْدِيكُمْ فَرَطٌ وَأَنَا عَلَيْكُمْ شَهِيدٌ وَإِنَّ مَوْعِدَكُمْ الْحَوْضُ وَإِنِّي لَأُنْظَرُ إِلَيْهِ مِنْ مَقَامِي هَذَا وَإِنِّي لَسْتُ أَحْسَى عَلَيْكُمْ أَنْ تُشْرِكُوا وَلَكِنِّي أَحْسَى عَلَيْكُمْ الدُّنْيَا أَنْ تَنَافَسُوهَا قَالَ فَكَانَتْ آخِرَ نَظْرَةٍ نَظَرْتُهَا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ . (بخاری)

ترجمه : رسول الله ﷺ بر شهداء احد پس از هشت سال نماز خواند ( بعضی اینجا صلوة را به معنا دعا ترجمه میکند ) چنانچه زنده گان و مرده گان را رخصت میداد ، پس بر منبر بالا شد و گفت : من در پیش شما فرط هستیم یعنی در میدان محشر انتظام آب شما را میکنیم ، و من بر شما شاهد هستیم ، و جای ملاقات شما با ما حوض کوثر است .

و من ازین جای ایستاده گی خویش آنرا میبینیم ، و من بر شما بیم مشرک شدن را نداریم و لاکن من بر شما از فراوانی دنیا میترسیم که در آن تنافس و رقابت را اختیار نکنید ، عُقْبَةُ بن عَامِرٍ رضی الله عنه گفت که این آخرین نگاه من بود که رسول الله رانگریستم .

### قیصه وفات

رسول الله ﷺ در مدینه منوره ده سال گذرانید ، در سال دهم هجرت پنج روز به ماه ذوالقعدة باقی مانده بود برای ادای حج به مکه مکرمه تشریف برد ، و این حج را حجة الوداع میگویند ، در ماه ذوالحجة پس از ادای فریضه حج به مدینه منوره بازگشت .

این سال دهم هجرت به پایان رسید ، سال یازدهم هجرت که آغاز شد ماه اول و دوم سال یعنی محرم و صفر هم گذشت ، در ماه ربیع الاول به روز دوشنبه رسول الله وفات شد .  
از مورخین در تاریخ وفات رسول الله اقوال مختلف نقل شده

است البته قول که شهرت یافته است آن دوازدهمین تاریخ ماه ربیع الاول است .

سال قمری از ماه محرم آغاز میشود و به ماه ذوالحجة باین ترتیب به پایان میرسد ، محرم ، صفر ، ربیع الاول ، ربیع الثانی ، جمادی الاولى ، جمادی الآخرة ، رجب ، شعبان ، رمضان ، شوال ، ذوالقعدة ، ذوالحجة .

رسول الله ﷺ که از مکه به مدینه هجرت نمود ، به روز دوشنبه در ماه ربیع الاول به مدینه تشریف آورد پس تمام مدت هجرت رسول الله ده سال میشود .

رسول الله ﷺ چهل سال قبل از بعثت در مکه گزراند ، و سیزده سال بعد از بعثت در مکه گزراند ، در سن پنجاه و سه سالگی به مدینه هجرت نمود ، ده سال در حال هجرت در مدینه گزراند وقتیکه عمر مبارکش به شصت و سه سال رسید وفات یافت .

رسول الله ﷺ پیش از وفات مریض شد ، ام حبیبه و ام سلمة رضی الله عنهما که از جمله زنان رسول الله ﷺ و مادران مومنان هستند ، با همراهی شوهران سابقه خویش به حبشة یعنی ایتوپیا هجرت کرده بودند ، ایشان پس از آنکه بیوه شدن ، شوهران شان وفات شدند ، با رسول الله نکاح بستند .

ام حبیبه و ام سلمة رضی الله عنهما یک روز در ایام مریضی رسول الله در حضور رسول اکرم ﷺ زیبایی و نقش و نگار تصاویری



یک معبد نصاری را که او را ماریه میگفتند در بین خود یاد آوری نمودند ، ایشان این کلیسا زیبا را در حبشه یعنی ایتوپیا در وقت هجرت دیده بودند .

رسول الله ﷺ از بستر مریضی سر را بالا کرد و ایشان را فرمود :

أُولَئِكَ إِذَا مَاتَ مِنْهُمْ الرَّجُلُ الصَّالِحُ بَنَوْا عَلَى قَبْرِهِ مَسْجِدًا ثُمَّ صَوَّرُوا فِيهِ تِلْكَ الصُّورَةَ أُولَئِكَ شِرَارُ الْخَلْقِ عِنْدَ اللَّهِ.

(بخاری عَنْ عَائِشَةَ)

ترجمه : آنان وقتیکه یک مرد نیک شان وفات میشد بر قبر او مسجد را جور میکردند ، پس آن تصاویر را در آن می نگاشتند ، آنان نزد الله از همه مردم شریرتر هستند . ( پایان ترجمه )

درین حدیث رسول الله ﷺ امت خویش را آگاه و خبردار نموده است که از عادت یهود و نصارا خود داری نمایند و قبر او را معبد و جای عبادت نه گردانند چنانچه یهود و نصارا قبور صالحان را معبد میگردانیدند ، عکس های صالحان را در آن می نگاشتند در نتیجه آخر آن معبدها جایگاه شرک و بت پرستی گشت .

رسول الله ﷺ این دعا را میکرد :

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ قَبْرِي وَتَنَّا لَعَنَ اللَّهُ قَوْمًا اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ (مسند احمد)

ترجمه : ای الله ! قبر من را بت مه گردانید ، الله بر آن قوم

لعنت کند که ایشان قبرهای انبیاء خویش را مساجد و جایگاه عبادت گشتانده اند . (پایان ترجمه)

برای اینکه نتیجه اینگونه کار بسیار وخیم و خطرناک است ، یهود و نصارا که قبور صالحان را جایگاه عبادت گشتاندند ، و در آن تصاویری صالحان را برای یادگار نقش و نگاشتند ، به مرور زمان آن تصاویر و قبرها شکل بت را اختیار نمود ، نسل های بعدی فکر میکردند که پدران و اجدادشان عبادت این قبرها و عکسها میکردند ، پس ایشان بجای عبادت الله جبرئیل عبادت آن تصاویر و مجسمه ها و قبرها را آغاز کردند و به آن سجده میکردند ، در حالیکه عبادت و سجده تنها و تنها به خداوند متعال که خالق کاینات است میشود .

فَیْسُ بْنُ سَعْدٍ مِیْگُویَد :

أَتَيْتُ الْحَيْرَةَ فَرَأَيْتُهُمْ يَسْجُدُونَ لِمَرْزُبَانَ لَهُمْ فَقُلْتُ رَسُولُ اللَّهِ أَحَقُّ أَنْ يَسْجُدَ لَهُ قَالَ فَأَتَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقُلْتُ إِنِّي أَتَيْتُ الْحَيْرَةَ فَرَأَيْتُهُمْ يَسْجُدُونَ لِمَرْزُبَانَ لَهُمْ فَأَنْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَحَقُّ أَنْ نَسْجُدَ لَكَ قَالَ أَرَأَيْتَ لَوْ مَرَرْتُ بِقَبْرِى أَكُنْتُ نَسْجُدُ لَهُ قَالَ قُلْتُ لِمَا قَالَ فَلَا تَفْعَلُوا لَوْ كُنْتُ أَمِيراً أَحَدًا أَنْ يَسْجُدَ لِأَحَدٍ لَأَمَرْتُ النِّسَاءَ أَنْ يَسْجُدْنَ لِأَزْوَاجِهِنَّ لِمَا جَعَلَ اللَّهُ لَهُمْ عَلَيْهِنَّ مِنَ الْحَقِّ . (ابوداود عَنْ فَيْسِ بْنِ سَعْدٍ)

ترجمه : ما به شهرستان حیره رفتیم ، ایشان را دیدیم که به سرداران و کلانتران خویش سجده میکردند ، ما با خود گفتیم که رسول الله صلی الله علیه و آله از همه شایسته تر است که به او سجده

شود ، پس به رسول الله آمدم و ایشان را گفتم که ما به شهرستان حیره رفته بودم ، ایشان را دیدم که به سرداران و کلان تران خویش سجده میکردند ، و لاکن شما ای رسول الله ! از همه مردم لایق تر و شایسته تر آن هستید که ما به شما سجده کنیم .

رسول الله از من پرسید که اگر شما بالای قبر من میگذرید آیا به قبر من سجده میکنید ؟ ما گفتیم : نه خیر ، به قبر شما سجده نمیکنیم ، رسول الله فرمود : پس بمن هم سجده نکنید ، اگر من کسی را به سجده دیگران به غیر از الله امر میکردم زنان را امر میکردم تا به شوهران خویش سجده میکردند بخاطر آنکه الله بر زنان حق شوهران را لازم کرده است .

( پایان ترجمه )

پس به قصه مرض رسول الله باز میگردم ، رسول الله ﷺ در ایام مرض هم نوبت زنان خویش را رعایت میکرد ، یعنی به نوبت یک شب با یک زن و شب دیگر را با زن دیگر میگزیراند .

مرض اش روز افزون بود ، هنگامیکه مرض اش خیلی زیاد شد ، دیگر یک شب در یک حجره و دیگر شب در حجره دیگری گزراندن برایش دشوار شد ، به فرا رسیدن نوبت عایشة رضی الله عنها عجله داشت و می پرسید :

أَيْنَ أَنَا غَدًا أَيْنَ أَنَا غَدًا . (بخاری)

ترجمه : من فردا کجا میباشم ؟ من فردا کجا میباشم ؟ (پایان ترجمه)

ازواج مطهرات مقصد وی را فهمیدند که به فرارسیدن نوبت عایشه عجله دارد ، ایشان وی را اجازه دادند ، در حجره هر زن که ایام مریضی را میگذراند آن جا سکونت ورزد ، پس رسول الله ایام باقی مانده حیات مبارک خویش را در حجره عایشه گذراند .

هنگامیکه رسول الله ﷺ دیگر توان این نداشت که برای ادای نماز جماعت بمسجد بیرون آید ، ابوبکر را نفر فرستاد که در مسجد نبوی بحیث جانشین وی وظیفه امامت را انجام دهد ، ابوبکر رضی الله عنه همینطور میکرد ، در مسجد نبوی پنج نماز را با جماعت میداد .

سه روز قبل از وفات ، مریضی رسول الله ﷺ اندکی تخفیف یافت ، در وقت پیشین برای ادای نماز به مسجد بیرون آمد ، هر دو دست را بر شانه عباس و علی رضی الله عنهما تکیه نموده بود ، از سبب کمزوری قدم را برجسته بالا کرده نمی توانیست چنانچه عادت رفتن اش بود بلکه پای را بر زمین کشیده میرفت .

ابوبکر که رسول الله را دید از محراب عقب می رفت ، رسول الله وی را اشاره کرد که بر جای خویش بنشینید ، رسول الله بمحراب آمد ، به دست چپ ابوبکر بنشست ، رسول الله نشسته بود نماز میداد ، ابوبکر تکبیرات را به آواز بلند میخواند تا مقتدیان دیگر آن را بشنوند ، بخاطر اینکه

رسول الله به سبب کمزوری به آواز بلند تکبیرات را گفته نمی توانیست .

### یوم وفات

پس ازین نماز رسول الله به مسجد بیرون تشریف نه آوردند ، سه روز پس به روز دوشنبه در وقت نماز صبح ابوبکر پیش امام بود ، نماز به جماعت میداد ، رسول الله ﷺ پرده حجره خویش را بالا کرد ، تبسم نمود ، انس رضی الله عنه میگوید که نزدیک بود که همه ما از بسیار خوشی از نماز سلام بگردانیم .

ابوبکر از محراب عقب میشد باین خیال که رسول الله برای نماز تشریف می آورد ، رسول الله ایشان را اشاره نمود که نماز خویش را ادا نمائید ، پرده حجره را پایین نمود .

در همین حجره عایشة به همین روز دوشنبه در وقت چاشت عایشة رضی الله عنها رسول الله را در آغوش تکیه نموده بود که روح مبارک اش قبض شده وفات یافت .

صحابه کرام را که به سبب وفات رسول الله غم و پریشانی رسید در تمام زندگانی ایشان باین گونه غم و پریشانی روبرو نشده بودند ، تا اندازه که عمر فارق رضی الله عنه هم ازین غم آن قدر زیر تاثیر آمد که نه می فهمید چه طور امت مسلمه را در این آسیب تسلی و اطمنان دهد ، منافقین را تهدید میداد ، که با خبر به شرارت و فتنه انگیزی دست نه زنید .

البته کسی که امت مسلمه را درین آسیب بزرگ و صدمه غم

انگیز تسلی داد ، ایشان را به نکته مقصودی رسالت محمد ﷺ درین لحظه حساس متوجه ساختند آن ابوبکر الصدیق بود .

ابوبکر ﷺ آن شخصیت بزرگوار است که رسول الله ﷺ او را بحیث جانشین خویش برای امامت نماز پنجگانه از بین همه صحابه کرام در زنده گی خویش برگزیده بود ، تا امت را بفهماند که برای خلافت نبوت هم همین شخصیت شایسته گی دارد ، نه الله ، و نه مردم به غیر از ابوبکر کسی دیگری را می پذیرند .

ابوبکر پس از ادای نماز صبح روز دوشنبه به خانه خویش به سنح برگشت ، سنح یک قریه از قریه جات عوالی است ، ابوبکر را که خبر وفات رسول الله رسید ، از خانه باز آمد ، در مسجد نبوی تمام صحابه کرام را در حالت غم و پریشانی دیدند ، با هیچ کسی گفتگو نه کرد ، به حجره دختر خویش عایشه رفت ، جنازه رسول الله را سر تا پا با یک چادر پوشیده بود .

ابوبکر از چهره رسول الله چادر را بالا نمود و پیامبر اسلام را بر چهره مبارک ببوسید و گفت :

بأبي أنت وأمي طُبتَ حياً وميتاً والذى نفسى بيده لا يذيقك الله الموتين أبداً (بخاری)

ترجمه : پدر و مادرم فدایت شود ، در حیات و مرگ مبارک

و پاکیزه هستید ، به آن ذات سوگند میخورم که جان من به دست او است ، الله به شما هیچگاه دو مرگ را نمی چکد .

( پایان ترجمه )

یعنی مرگ همین یک مرگ بود ، که تلخی و سختی آنرا برداشتید ، ازین به بعد شما بکدام سختی و دشواری روبرو نمی شوید .

### خطبه ابوبکر

پس ابوبکر الصدیق بمسجد بیرون آمد تا امت را تسلی و اطمینان دهد ، خطبه را بحمد و ثنا آغاز نمود ، درین وقت عمر رضی الله عنه با مردم سخن رانی میکرد ، هنگامیکه خطبه ابوبکر را شنیدن همه شان نزد ابوبکر گرد آمدند .

ابوبکر رضی الله عنه پس از حمد و ثنا گفت : أَلَا مَنْ كَانَ يَعْبُدُ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَإِنَّ مُحَمَّدًا قَدْ مَاتَ وَمَنْ كَانَ يَعْبُدُ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ . (بخاری)

ترجمه : باخبر ! هر کسی که عبادت محمد صلی الله علیه و آله را میکرد ، محمد صلی الله علیه و آله بمرد ، و هر کسی که عبادت الله جبار جلاله را میکرد ، پس یقیناً الله زنده است هیچگاه نه می میرد ، و پس این آیه مبارکه را تلاوت کرد :

{ إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ }

ترجمه : بیشک شما می میرید و یقیناً ایشان هم می میرند .  
و پس این آیه را تلاوت نمود :

{ وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ } . (بخاری)

ترجمه : و محمد ﷺ فقط و فقط رسول است ( یعنی خدا نیست که نمی میرد ) پیش از وی هم رسولان گذشته اند ، پس اگر محمد وفات شود یا کشته شود شما بر پاشنه های خویش از دین اش عقب می روید ؟ و هر کسی که به دین اسلام پشت می گرداند ، او هیچگاه ضرر کدام چیزی را به الله رسانده نمی تواند ، و زود است که الله شکر کننده گان را جزای خوب عطاء فرماید . ( پایان ترجمه )

درین خطبه مختصر ابی بکر بسیار مفاهیم و هدایات بیش بها نهفته است ، تمام امت محمدی را باین خطبه مختصر و کوتاه تسلی داد ، ایشان را متوجه نمودند که محمد خدا و معبود نیست که به او مرگ نمی آید بلکه محمد مثل دیگر رسولان با رسالت و پیام الهی مبعوث شده بود .

رسولان گذشته که رسالت خود را به امت خویش رساندند وفات شدند ، محمد ﷺ مثل آنان برای رساندن پیام و رسالت الهی ارسال شده بود ، تا انسانان را به عبادت الله که الله یکتا و یگانه است دعوت نماید و هم طریقه عبادت را بایشان بیاموزاند ، وقتیکه آن رسالت و امانت را به امت رساندند وی هم مثل رسولان گذشته وفات یافت .



پس تمام امت را در کار است که به طریقه محمد ﷺ عبادت الله را بکنند آن الله که او حی لا یموت است ، و از دین محمد ﷺ رو گردان نشوند ، ولی هر کس که دین محمد را ترک میکند زیان آن بخودی او میرسد ، الله را متضرر کرده نمی تواند .

پس از وفات رسول الله ﷺ از همه کارها مهمتر کاری که در پیش صحابه کرام بود آن انتخاب و گزیدن خلیفه و جانشین رسول الله بود .

ولی اگر خلیفه تعیین نمی شد تکفین و تجهیز رسول الله ﷺ هم چنانچه میباید انجام نمی شد و هم به منافقین موقع شگاف افگنی در بین امت مسلمه به دست می آمد .

به این خاطر پیش از تکفین و تدفین رسول الله ﷺ به اتفاق آراء ابوبکر الصدیق خلیفه اول بلا فصل رسول الله انتخاب گردید .

روز دوشنبه گذشت فردا روز سه شنبه هم گذشت ، در شب چهارشنبه در حجره عایشه رضی الله عنها بر آن جایکه رسول الله وفات شده بود پیامبر اسلام را دفن نمودند ، برای اینکه ابوبکر حدیث رسول پاک را بیان فرمود که الله جبرئیل که رسول خویش را بر یک جای وفات میکند همان جای را برای دفن او پسند دارد .

## وفات ابی بکر

ابوبکر رضی الله عنه در سال سیزدهم هجرت به تاریخ بیست دوم جمادی آخره به شب سه شنبه به عمر شصت و سه ( ۶۳ ) سالگی وفات یافته است .

دور خلافت ابی بکر دو سال و دو ماه و ده روز می باشد .

ابوبکر رضی الله عنه که وفات شد او را هم بطرف شمال در پهلوی قبر رسول الله صلی الله علیه و آله دفن نمودند البته قبر ابوبکر کم ذره پایین مییاشد ، سر ابوبکر رضی الله عنه در برابری جیگر رسول الله صلی الله علیه و آله و یا پایین تر از آن می باشد ، قابل یاد آوری است که در مدینه منوره قبله در جهت جنوب می آید .

## وفات عمر فاروق

ابوبکر رضی الله عنه عمر رضی الله عنه را ولی العهد و جانشین خویش برگزیده بود ، بعد از وفات ابوبکر عمر خلفه گشت ، دور خلافت عمر ده سال و پنج ماه و چند روز بود ، بعضی بیست یک روز و بعضی دیگر پنج روز گفته اند .

یک غلام یهودی که ابو لؤلؤة مینامید در سال بیست سوم هجرت بتاریخ بیست شش ذوالحجه به روز دوشنبه عمر رضی الله عنه را در نماز صبح بخنجر زهر آلود زخمی کرد .

عمر رضی الله عنه پس از سه روز به سن شصت سه ( ۶۳ ) سالگی وفات یافت .

وقتیکه عمر رضی الله عنه زخمی گشت پسر خویش عبد الله بن عمر را به عایشة رضی الله عنها فرستاد ، و وی را پیام داد که عایشة را بگویند ، که عمر سلام میگوید و از شما اجازه میخواهد که وی پس از وفات در حجره شما در پهلوی رسول الله و ابوبکر دفن شود .

عایشة گفتند که من اینجا را برای خویشتن نگاه میداشتم و



لاکن شما را از خود شایسته تر آن میدانم .

عمر رضی الله عنه به این بشارت بسیار خوش گردید ، پس

از شهادت در داخل حجره عایشة به طرف شمال در پهلوی ابوبکر دفن گردید ، البته قبر عمر از قبر ابی بکر پایین تر است ، سر عمر در برابر جیگر ابی بکر می آید ، در پنجره که از طرف قبله بر دیوار روضه نصب شده است مخازن و برابری قبور به سوراخ ها نشان داده شده است .

به داخل حجره جای قبر دیگر هم میباشد که به اساس پیشگویی رسول امین صلی الله علیه و آله در آنجا عیسی بن مریم علیه السلام دفن میشود .

## آداب زیارت

سفر مدینه اگر از یک سو بقصد زیارت مسجد نبوی انجام میشود ، ولی از آن مهم تر بقصد زیارت محمد ﷺ هم انجام میشود ، شهری مدینه شهر پاکیزه و مقدس است ، رسول الله ﷺ آنرا طیبه هم نامیده است ، رسول الله ﷺ که هر گاه از سفر به مدینه باز می آمد ، و از دور بر آبادی شهر نگاه می افتاد از بسیار هوس و محبت سواری خویش را برای شتابیدن حرکت میداد .

بشهر مدینه بایستی هر مسلمان به ادب و سنگینی داخل شود ، پس از آن که سامان خویش را جابجا کند ، و نظافت را حاصل کند به مسجد نبوی برود ، آداب که در مساجد دیگر مراعات میشود آن آداب را اینجا هم مراعات نماید .

پای راست را اول درون کند ، و بسم الله و السلام علی رسول الله بگوید ، پس اللهم افتح لی ابواب رحمتک بگوید ، قبل از همه اگر وقت جواز نماز نفل بود دو رکعت نماز تحية المسجد را ادا کند .

پس برای زیارت خاتم النبیین در داخل مسجد بطرف قبله روضه برود ، و از نزدیک سلام و درود بر رسول پاک بگوید ، پس برای خویشتن و دیگران و همه مومنان از خداوند متعال دعا بطلبند ، و از خداوند متعال استدعا نماید که به روز قیامت از شفاعت رحمة للعالمین وی را بهره مند سازد .

بخاطر داشته باشید که برای هر مسلمان استغفار میشود یعنی از الله جبارکماله طلب مغفرت و بخشش او میشود ، و الله جبارکماله رسول الله را حکم کرده است که برای مومنان از خداوند متعال استغفار و طلب بخشش شان را بکند .

چنانچه در قران کریم فرموده است : **فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُنْقَلَبَكُمْ وَمَثْوَاكُمْ** (۱۹ محمد)

ترجمه : پس شما بدانید که واقعیت همین است که به غیر از الله هیچ معبود دیگری وجود ندارد ، و شما بخشش گناه خویش را بطلبید و هم برای مردان مومنان و زنان مومنان مغفرت بخواهید ، الله تعالی جای گردش شما و جای قرار شما را میداند . (پایان ترجمه)

الله جبارکماله تمام رسولان و انبیاء را از ارتکاب گناه معصوم و نگاه کرده اند ، البته از ایشان کارهای سر زد شده است که آن برای مردم عادی کارهای نیک پنداشته میشود .

و لکن به تقاضای مقام و منزلت بلند شان ایشان را بایستی از آن کارها خود داری میکردند و از آن کارهای اولی و افضل را انجام میدادند ، این گونه خلاف اولی کارهای شان را الله گناه نامیده است و ایشان را حکم کرده اند تا ازین گناهان خویش از خداوند غفار مغفرت و معافی بخواهند .

چنانچه الله جل جلاله در آیه فوق الذکر محمد صلی الله علیه و آله را هم حکم

کرده است : **وَاسْتَغْفِرْ لِدُنْيِكَ** و شما بخشش گناه خویش را بطلبید ، و لکن **اللَّهُ جَبَّارًا** این گونه گناهان را هم بر رسول الله بخشیده است چنانچه الله میفرماید : **إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا (۱) لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيَتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا . (۲ الفتح)**

ترجمه : یقینا ما شما را فتح اشکارا دادیم ، تا الله شما را گناهان گذشته و آینده شما را ببخشد ، و نعمت های خویش را به شما بطور کامل دهد ، و شما را بر راه مستقیم نگاه دارد . این آیات که فرود آمدند صحابه کرام رسول الله را مبارک باد میگفتند که الله همه لغزش های شما را بخشید .

و با این همه رسول الله در عبادت خداوند متعال خیلی زیاد محنت میکشید ، در شب آن قدر نماز طولانی را ادا میکرد که از بسیار ایستاده گی پایش می آماسید یعنی ورم میکرد ، یک کسی پرسید : ای رسول الله ! **اللَّهُ جَبَّارًا** شما را همه گناهان بخشیده است پس شما چرا در عبادت خود را این قدر زیاد خسته میکنید که پای شما می پندد ؟

رسول الله پاسخ داد : **أَفَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا . (بخاری)**

ترجمه : پس در مقابل این امتنان و نعمت بزرگی ، بنده زیاد شکر گزارنده نه شویم ؟

همین وجه است که برای رسول الله ﷺ استغفار نمی شود ، یعنی در وقت زیارت کردن و هم در دیگر وقت ها این چنین

گفته نمی میشود که ای الله! به محمد ﷺ مغفرت نمائید ،  
برای اینکه الله جباراً وى را مغفرت نموده است .

دیگر اینکه اگر امت برای رسول از خداوند متعال مغفرت  
میطلبند درین صورت تفوق و بالاتری امت برسول می آید .

البته محمد ﷺ که برای خویشتن استغفار میکرد ، حتی در  
جریان یک مجلس صد بار هم برای خویشتن استغفار میکرد  
، این استغفار برای تعلیم امت و اظهار بنده گی بود .

امت را در کار است که برای رسول الله ﷺ از خداوند  
متعال استدعا و طلب مقام محمود و وسیله را بکنند ، وسیله  
در جنت نام یک جای است که از آن بلندتر و عالیتر جای در  
جنت نیست ، دعای وسیله و مقام محمود پس از آذان هم  
میشود و در دیگر اوقات هم میشود .

همچنان بر رسول الله از دور و نزدیک درود و سلام گفته  
میشود و هم برایش دعای رحمت و برکت میشود چنانچه در  
تشهد گفته میشود : السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و  
برکاته .

و در آخر نماز بالایش درود گفته میشود :

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ  
وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ .

اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ  
وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ (بخاری)

بیرون از نماز هم هر وقت درود و سلام بر محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گفته میشود چنانچه الله حکم آنرا کرده است : إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا . (۵۶ الاحزاب)

ترجمه : یقینا الله و ملائیکه الله بر نبی یعنی محمد درود میگویند ، ای آنانیکه ایمان آورده اید ! بر محمد درود گویند و هم سلام گویند . (پایان ترجمه)

هر کسی که بر روی زمین و در فضا هر جای بر محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درود و سلام میگوید آنرا ملائیکه خاصی که برای این کار گماشته شده اند به رسول الله میرسانند .

رسول الله فرموده است :

إِنَّ لِلَّهِ مَلَائِكَةً سَيَّاحِينَ فِي الْأَرْضِ يَبْلَغُونِي مِنْ أُمَّتِي السَّلَامَ

(النسائی و احمد عن عبد الله)

ترجمه : باور کنید که الله را ملائیکه هستند که در زمین گشت کننده و سیاحت کننده هستند مرا از امت خویش سلام میرسانند .

در روایت دیگر از رسول الله این چنین روایت شده است :

أَكْثَرُوا الصَّلَاةَ عَلَى يَوْمِ الْجُمُعَةِ ، فَإِنَّهُ مَشْهُودٌ تَشْهَدُهُ الْمَلَائِكَةُ وَإِنْ أَحَدًا لَنْ يَصَلِّيَ عَلَيَّ إِلَّا عَرَضَتْ عَلَيَّ صَلَاتُهُ حَتَّى يَفْرُغَ مِنْهَا قَالَ قُلْتُ وَبَعْدَ الْمَوْتِ قَالَ وَبَعْدَ الْمَوْتِ إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ عَلَيَّ الْأَرْضَ أَنْ تَأْكُلَ أَجْسَادَ الْأَنْبِيَاءِ فَنَبِي اللَّهِ حَى يَرْزُقُ .



(ابن ماجه عن ابي الدرداء)

ترجمه : به روز جمعه درود بر من زیاد بخوانید ، برای اینکه در حقیقت روز جمعه روز حاضر شدن است ، ملائکه درین روز حاضر میشوند ، هر کسی که هر گاه بر من درود بگوید ، درود او پیش از آنکه از او فارغ میشود بر من عرض و تقدیم میشود ، ابو الدرداء میگوید که من گفتم : پس از مرگ هم درود امت بر شما عرض میشود ؟ رسول الله فرمود : بلی ! پس از مرگ هم درود هر کسی از امت من بر من عرض میشود ، برای اینکه در حقیقت الله بر زمین حرام گشته است که او بدن های انبیاء را به خاک بدل نماید ، پس نبی الله در قبر زنده میباشد و به او رزق داده میشود .

### به آواز نرم گفتگو کردن

مقام و منزلت رسول الله ﷺ بسیار عالی و بلند است در حضور وی باید به آواز بلند گفتگو نه شود و نه صدا بلند شود برای اینکه الله جبار میفرماید :

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ . (٢ الحجرات)

ترجمه : ای آنانیکه ایمان آورده اید ! شما صداهای خویش را بر صدای نبی بلند نکنید ، و نه با او گفتاری بلند گوئید ، چنانچه بعضی از شما با بعضی دیگر به آواز بلند گفتگو

میکند ، به سبب بیم آنکه اعمال شما حبط و باطل نگردد ، در حالیکه شما به آن خبر و آگاه هم نباشید . ( پایان ترجمه )

هنگامیکه این آیه نازل گردید ابوبکر و عمر رضی الله عنهما با رسول الله به آن قدر آواز نرم و آهسته گفتگو میکردند که بسا اوقات رسول الله صلی الله علیه و آله کلام ایشان را صحیح نمی شنوید و از ایشان می پرسید که شما چه گفتی ؟

در حدیث گذشته رسول الله فرموده بود : **فَنَبِيَّ اللَّهِ حَى يَرْزُقُ**  
(ابن ماجه عن أبي الدرداء)

ترجمه : پس نبی الله در قبر زنده مییابد و به او رزق داده میشود ، همین طور تمام انبیاء زنده هستند و رزق داده میشود ، در مورد شهداء هم الله جباراً در قرآن کریم چنین فرموده است : **وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْزُقُونَ** . ( ۱۶۹ آل عمران )

ترجمه : و شما بر آنانیکه در راه الله کشته شده اند گمان نکنید که ایشان مرده گان اند بلکه ایشان زنده هستند ، به ایشان از طرف پروردگار شان رزق داده میشود .

البته زنده گی انبیاء و شهداء در قبور زنده گی و حیات برزخی است ، ما بر آن ایمان و باور داریم ، ولی کیفیت و چگونه گی آنرا نه بچشمان دیده میتوانیم و نه به عقول قاصر خویش درک کرده میتوانیم .

چنانچه در حیات و زنده گی رسول الله ﷺ در حضور او به آواز بلند گفتگو منع بود ، همچنان پس از وفات او هم در وقت زیارت در نزدیکی و جوار قبر شان به آواز بلند گفتگو کردن و یا درود و سلام را به صدای بلند گفتن ممنوع است ، و بیم آن میرود که به سبب اینگونه بی ادبی اعمال نیک بنده باطل گردد .



پس برای هر مسلمان در کار و لازم است که در وقت زیارت به آواز و سر صدای بلند گفتگو نکند ، و نه درود و سلام را به آن قدر صدای بلند بگوید که مترادف بی ادبی میگردد .

تصویر فوق از آن پنجره است که به طرف قبله روضه مطهره نصب شده است و زیارت کننده گان برای زیارت و سلام گفتن آنجا می آیند .

در وقت زیارت و سلام گفتن روبرو روضه ایستاده میشود البته در آن جای که محاذات و برابری قبر رسول الله را نشان دهی میکند ، در وقت زیارت اول سلام بر رسول ﷺ گفته میشود : السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ ، و سپس دعا میشود .

ابن عمر رضی الله عنهما که زیارت رسول الله ﷺ را میکرد این چنین

سلام میگفت :

السلام عليك يا رسول الله ورحمة الله وبركاته .

السلام عليك يا أبا بكر .

السلام عليك يا عمر .

ابن عمر رضي الله عنهما بر همین سلام در وقت زیارت اکتفاء میکرد و ازین اضافه تر چیزی را نمیگفت ، برای اینکه در التحیات هم همین قدر سلام از رسول الله منقول شده است .

باز هم اگر کسی السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ ، را به تکرار چند بار بگوید ، یا به الفاظ و عبارات دیگری سلام بگوید هم جواز دارد .

برای اینکه در قرآن کریم الله جبرئیل مومنان را امر کرده اند که بر محمد صلی الله علیه و آله درود و سلام بگویند ، و برای درود و سلام الفاظ و عبارات خاص را متعین نه کرده اند و نه وقت و زمان خاص را متعین کرده اند بلکه این چنین حکم عام کرده است : **إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا** . (۵۶ الاحزاب)

ترجمه : یقیناً الله و ملائکه الله بر نبی یعنی محمد درود میگویند ، ای آنانیکه ایمان آورده اید ! بر محمد درود بگویید و هم سلام بگویید .

در احادیث هم فضیلت عام درود و سلام از رسول الله منقول

شده است ، پس چنانچه از دور هر قدریکه به کثرت و اندازه زیادی کسی درود و سلام را میگوید ثواب دارد از نزدیک هم ثواب دارد ، البته در وقت زیارت آداب خاص را باید مراعات شود .

پس اگر چه از همه افضل و بهتر آن درود و سلام است که از رسول الله منقول باشد ولی باز هم به الفاظ و عبارات خویش درود و سلام گفتن جواز دارد .

بنا بر این اگر کسی در وقت زیارت ، سلام را در عبارات ذیل میگوید جواز دارد :

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ !

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ !

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيلَ اللَّهِ !

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَ خَلْقِ اللَّهِ !

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْمُرْسَلِينَ !

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمُتَّقِينَ !

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَفِيعَ الْمُذْنِبِينَ !

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاتَمَ النَّبِيِّينَ !

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى آلِكَ وَ أَهْلِ بَيْتِكَ وَ اصْحَابِكَ اِجْمَعِينَ وَ سَائِرِ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ ، جَزَاكَ اللَّهُ عَنَا أَفْضَلَ وَ أَكْمَلَ مَا

جزی الله به رسولا عن امته و نبیا عن قومه ، اشهد أنك بلغت الرسالة ، و ادیت الامانة و نصحت الامة ، اللهم آتہ الوسيلة و الفضيلة و ابعثه مقاما محمودا الذی وعدته و صلی الله علیه و سلم تسلیما .

این یک نمونه آن سلام ها است که کسی از خود جور کرده میتواند .

البته باین شرط که آنرا طریقه لازمی سلام گفتن را نه پندارد ولی اگر کسی سلام های خویش ساخته را طریقه لازمی سلام گفتن بداند و خیال میکند که بس بر همین طریقه سلام گفتن ثواب دارد ، به خاطر این خیال عملش بدعت شمرده میشود .

دیگر شرط اینکه برای آن از نزد خویش ثواب خاصی را هم تعیین نکند ، چرا اگر کسی درود و سلام را که از رسول الله منقول نه باشد طریقه لازمی بداند و یا آنرا ثواب خاصی تعیین نماید پس آن از جمله بدعت شمرده میشود .

هر کاری نیک که شکل بدعت را اختیار کند بر آن ثواب داده نمی شود ، چرا هر بدعت را رسول الله ضلالت گفته است ، و اشکارا است که بر کاری ضلالت ثواب حاصل نمی شود .

پس از آن که بر رسول الله سلام بگوید و خویشتن و دیگر مومنان را از خداوند متعال طلب دعا کند ، دو قدم پیش برود بر ابوبکر سلام بگوید و پس از آن یک قدم پیش برود بر عمر سلام بگوید .

بر ایشان یکبار هم سلام گفته میشود چنانچه ابن عمر میگفت : السلام عليك يا ابا بكر الصديق ! السلام عليك يا عمر ! و چند بار هم سلام گفته میشود و هم ایشان به آن صفاتی که ایشان متصف و دارای آن بودند نامیده میشوند .

مثلا ابوبکر را این چنین سلام بگوید : السلام عليك يا ابا بكر الصديق ! السلام عليك يا خليفة رسول الله ! السلام عليك يا صاحب رسول الله ! السلام عليك و رحمة الله و برکاته ، جزاک الله عن رسوله و عن الاسلام و اهله خیر الجزاء و رضی الله عنک احسن الرضى .

و عمر رضی الله عنه را هم این چنین سلام گفته میشود : السلام عليك يا عمر الفاروق ! السلام عليك يا امير المومنين ! السلام عليك يا من اظهر الله به الدين ، السلام عليك و رحمة الله و برکاته جزاک الله عن رسوله و عن الاسلام و اهله خیر الجزاء و رضی الله عنک احسن الرضى .

این هم یک امر لازمی است که باید هر مومن تا اندازه که بتواند متابعت سنت نبوی را بکند ، و خویشتن را به اخلاق و کردار خاتم النبیین آراسته و زیبا کند ، حسن و زیبایی حقیقی انسان نه بشکل و صورت است و نه به لباس و زینت است . بلکه حسین و جمیل در حقیقت ان کسی است که به عبادت و بنده گی پروردگار خویش خود را تا توان خویش پایند نماید ، و عبادت را هم بر طریقه پیامبر خداوند متعال ادا نماید ، و هم به اخلاق و کردار محمد مصطفی خود را متصف و زیبا

نماید .

هر کسی که عادت و خصلت رسول الله ﷺ را زنده نگاه میدارد همان کس در حقیقت با رسول الله ﷺ محبت دارد ، کسی که با رسول الله محبت داشته باشد آنرا همراهی رسول الله در جنت نصیب میشود .

أَنْسُ بْنُ مَالِكٍ رضي الله عنه میگوید :

رَسُولُ اللَّهِ كَفَّتْ : يَا بُنَيَّ إِنَّ قَدْرَتَ أَنْ تُصْبِحَ وَتُمْسِيَ لَيْسَ فِي قَلْبِكَ غَشٌّ لِأَحَدٍ فَا فَعَلْتُ ثُمَّ قَالَ لِي يَا بُنَيَّ وَذَلِكَ مِنْ سُنَّتِي وَمَنْ أَحْيَا سُنَّتِي فَقَدْ أَحَبَّنِي وَمَنْ أَحَبَّنِي كَانَ مَعِيَ فِي الْجَنَّةِ  
(الترمذی)

ترجمه : ای پسرک من ! اگر بتوانید که صبح و شام به هیچ کسی در دل دشمنی و خیانت نداشته باشید همین طور بکنید .

انس میگوید که پس مرا گفت : ای پسرک من ! این یعنی با همه مردم دل صفا داشتن از عادت من است ، و کسی که عادت و طریقه من را زنده نگاه میدارد او در حقیقت با من محبت دارد ، و کسی که با من محبت داشته باشد او در جنت همراه من میباشد .

### نماز جماعت

نماز پنجگانه را با جماعت ادا نمودن بر قول راجح نزد ائمه ما واجب است ، و دلیل وجوب اینست که رسول الله ﷺ هیچگاه ماسیوا از مرض شدیدی نماز جماعت را ترک نکرده



اند ، و کسانی که به نماز جماعت حاضر نمی شدند و عذر هم نداشتند ایشان را تهدید داده اند ، و آن تهدید را ابوهریره رضی الله عنه چنین نقل کرده است .

إِنَّ أَثْقَلَ صَلَاةٍ عَلَى الْمُنَافِقِينَ صَلَاةُ الْعِشَاءِ وَصَلَاةُ الْفَجْرِ وَلَوْ يَعْلَمُونَ مَا فِيهِمَا لَأَتَوْهُمَا وَلَوْ حَبَوًّا وَلَقَدْ هَمَمْتُ أَنْ أَمُرَ بِالصَّلَاةِ فَتَقَامَ ثُمَّ أَمُرَ رَجُلًا فَيَصَلِّيَ بِالنَّاسِ ثُمَّ أَنْطَلِقَ مَعِيَ بِرِجَالٍ مَعَهُمْ حُزْمٌ مِنْ حَطَبٍ إِلَى قَوْمٍ لَا يَشْهَدُونَ الصَّلَاةَ فَأَحْرَقَ عَلَيْهِمْ بُيُوتَهُمْ بِالنَّارِ . (مسلم عن أبي هريرة)

ترجمه : یقیناً از همه نمازها گرانتر نماز بر منافقین نماز خفتن و صبح است ، و اگر ایشان ثواب که درین دو نماز است میدانستند ، پس به جماعت این دو نماز بر سینه و جیگر می آمدند ، و باور کنید که اراده نموده ایم که یک کسی را به اقامت نماز امر کنیم که اقامت شود ، پس کسی را امر کنیم که به مردم نماز جماعت بدهد ، سپس با همراهی کسانی که دسته های هیزم باخود داشته باشد به خانه های کسانی که به نماز جماعت حاضر نمی شوند برویم و خانه های شان را با آنان به آتش بسوزانیم . (پایان ترجمه)

رسول الله صلی الله علیه و آله بر امت خویش بسیار مهربان و مشفق بود ولی بر کسانی که به غیر کدام عذر شرعی به نماز جماعت حاضر نمی شدند تا این اندازه بقهر و غضب میشد که اراده میداشت که ایشان را در خانه های شان به آتش بسوزاند .

ازین معلوم میشود که نماز باید حتما به جماعت ادا شود و معنای واجب هم همین می باشد .

### ثواب نماز جماعت

ثواب آن نمازی که به جماعت ادا میشود از آن نمازی که به غیر جماعت ادا می شود خیلی زیاد است ، در فضیلت نماز جماعت از رسول الله ﷺ بسیار احادیث نقل شده است که از آن جمله چند احادیث را در ذیل تحریر می نماییم :

صَلَاةُ الْجَمَاعَةِ تَفْضُلُ صَلَاةِ الْفَدِّ سَبْعَ وَعِشْرِينَ دَرَجَةً

(بخاری عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ)

ترجمه : نماز جماعت بر نمازی که تنها و انفرادی ادا میشود بیست و هفت درجه فضیلت دارد . (پایان ترجمه)

امام مالک از ابی بکر بن سلیمان بن ابی حثمه حکایت میکند که عمر بن الخطاب رضی الله عنه سلیمان بن ابی حثمه را در نماز صبح ندید ، به وقت چاشت عمر رضی الله عنه به بازار میرفت خانه سلیمان بن ابی حثمه در بین مسجد نبوی و بازار موقعیت داشت ، عمر رضی الله عنه در راه با مادر سلیمان که شفاء می نامید میگذشت .

مادر سلیمان را گفت که سلیمان را در نماز صبح ندیدم ، مادر سلیمان گفت : او تمام شب نماز میخواند ، در وقت صبح خواب سرش غلبه کرد ازین وجه به نماز صبح حاضر نه شده است ، عمر رضی الله عنه گفت : لأن أشهد صلاة الصبح في

الجماعة أحب إلي من أن أقوم ليلة . (رواه مالك)

ترجمه : برایم اینکه به نماز صبح به جماعت حاضر شوم پسندیده تر از آن است که تمام شب نماز را بکنم .

از پیامبر اسلام هم همچنان روایت شده است :

مَنْ صَلَّى الْعِشَاءَ فِي جَمَاعَةٍ فَكَأَنَّمَا قَامَ نِصْفَ اللَّيْلِ وَمَنْ صَلَّى الصُّبْحَ فِي جَمَاعَةٍ فَكَأَنَّمَا صَلَّى اللَّيْلَ كُلَّهُ . (مسلم عن عثمان بن عفان)

ترجمه : کسی که نماز خفتن را به جماعت ادا کند گویا او نیم شب را قیام اللیل یعنی نماز خواند و کسی که نمازی صبح را هم به جماعت ادا کند گویا او تمام شب را نماز خوانده .

نماز جماعت بالخصوص عشاء و فجر اینقدر زیاد ثواب دارد که کسی که نمازی خفتن را به جماعت ادا نماید آن در ثواب با کسی برابر میباشد که نیم شب را در عبادت سپری کند ، و کسی که نماز خفتن و نماز صبح را به جماعت ادا نماید آن را آنقدر ثواب داده میشود چنانچه تمام شب را قیام اللیل یعنی عبادت کرده باشد .

منافقان به نماز جماعت حاضر نمی شوند ، و نماز را بکسالت و سستی از شرم مردم ادا میکنند ، مومنان مخلص باید نماز پنجگانه را به جماعت ادا نمایند ، حتی تکبیر تحریمه هم از ایشان فوت نه شود .

رسول الله میفرماید :

من صلى الله أربعين يوما في جماعة يدرك التكبيرة الأولى  
كتب له براءتان : براءة من النار وبراءة من النفاق .

(رواه الترمذی عن أنس)

ترجمه : کسی که بخاطر الله چهل روز نمازها را به جماعت  
ادا کند و تکبیر تحریمه آنرا با امام بگیرد آن کس را دو  
برائت نامه نوشته میشود ، یک برائتنامه از آتش جهنم و  
دیگر برائتنامه از نفاق یعنی این کس از مومنان مخلص  
میباشد و خداوند متعال او را از آتش دوزخ نجات میدهد .

### توبه

هر انسان که از کفر ، شرک و دیگر هر گونه گناه توبه  
بکشد الله جَبَّارًا توبه او را می پذیرد ، توبه تا وقتی قبول  
میشود که افتاب از مغرب بر می آید ، یا روح انسان به گلو  
میرسد ، هنگامیکه افتاب از طرف مغرب طلوع شود پس از  
آن توبه هیچ کسی هم پذیرفته نمی شود ، همین طور  
هنگامیکه روح یک انسان به گلو برسد و حالت جان کندن  
اش شود پس از آن توبه همین کس قبول نمی شود .

توبه را سه رکن است اول اینکه بر گناه خویش پشیمان شدن ، دوم  
از آن گناه دیگر دست را برداشتن ، سوم عزم و قصد کردن که در  
آینده آن گناه را نکنند .

بطور مثال ریش کل کردن گناه است ، اگر کسی ازین گناه توبه  
میکشد طریقه توبه این است که در گذشته که ریش را می تراشید  
بر آن پشیمانی کند ، از پروردگار خویش خجالت کشد ، دیگر

ریش کل کردن را ترک کند ، در آینده هم عزم کند که پس ازین هیچگاه هم ریش را نمی تراشد .

البته توبه گناهی که در آن حقوق بنده گان هم تلف شده باشد چهار رکن دارد ، سه همان ارکان است که گذشت یعنی یک : بر گناه پشیمان شدن ، دو : گناه را ترک کردن سه : در آینده عزم و قصد کردن که پس آن گناه را هیچگاه هم نمی کند ، رکن چهارم آن اینست که حق بنده را به او برساند و یا از آن بنده معافی بخواهد .

مثلا دوزدی کردن گناه است ، حق بندگان درین گناه تلف میشود ، اگر کسی از دوزدی توبه میکشد پس اول باید بر دوزدی که کرده است از پروردگار خویش خجالت کشد و پشیمان شود ، دوم دیگر از دوزدی دست بر دارد ، سوم قصد و عزم کند که پس ازین هیچگاه هم دوزدی نمی کند ، چهارم از کسی که دوزدی کرده است مال او را یا ضمان آن مال را به او تادیه نماید و یا از او معافی خواهد اگر او معاف کند یا حق او را به او برساند رکن چهارم توبه هم بجا آورده شد ، این را توبه میگوید الله جَلَّ جَلَالُهُ توبه بندگان را می پذیرد .

الله جَلَّ جَلَالُهُ به توبه بنده گان خویش بسیار خورسند میشود ، یک کسی که در دشت و بیابان دراز و خشک و بی آب بر شتر خویش سفر میکند و زاد سفر یعنی خوراکه و آب را هم بر شتر بار کرده باشد ، و در بین سفر زیر سایه یک درخت بخواهد ، هنگامیکه از خواب برخیزد شترش گریخته باشد ، یک سو و دیگر سو تلاش آن را بکند باز هم شترش بنظر نه

آید ، بالاخر از زنده گی ناامید شود و باخود بگوید که به غیر از آن هم از تشنگی و گرسنگی میمیرم بیائید زیر سایه درخت میخوابیم تا وقتیکه می میرم .

درین حالت از پریشانی چشمانش پت شود ، ناگاه که چشمان را باز کند شترش همان جا ایستاده باشد و همه چیزهای خورد و نوش او بر آن بسته باشد این کس تا چه اندازه خوش و خورسند میشود ؟ **اللّٰهُ جَبَّارًا** به توبه بنده خویش ازین هم زیادتر خوش میشود .

چنانچه رسول الله **ﷺ** میفرماید : **وَاللّٰهُ لَلّٰهُ أَفْرَحُ بِتَوْبَةِ عَبْدِهِ** **مِنْ أَحَدِكُمْ يَجِدُ ضَالَّتَهُ بِالْفَلَاةِ** (مسلم عن ابی هریره)

ترجمه : سوگند به الله میکنم که الله به توبه بنده خویش از آن کسی از شما زیادتر خورسند میشود که شتر گمشده خویش را در بیابان بیابد . (پایان ترجمه)

امام بخاری **رحمته اللّٰهی** و امام مسلم **رحمته اللّٰهی** از ابوسعید الخدری **رضی اللّٰه عنہ** یک حدیث طویل را نقل کرده اند اینجا مضمون آن حدیث را به زبان دری تحریر می نمایم :

رسول الله **ﷺ** گفته است که در بنواسرایل یک کسی بود نود و نه (۹۹) نفر را به ناحق کشته بود ، آخر میخواست که توبه را بکشد ، به یک عابد نصرانی رفت ، او را گفت که ما نود و نه (۹۹) نفر را ناحق قتل کرده ایم آیا توبه ما پذیرفته میشود ؟ عابد پاسخ داد : نه خیر ! یعنی توبه شما پذیرفته نمی

شود ، قاتل که از توبه ناامید گشت ، آن عابد را هم قتل کرد و عدد کشته گان را به صد رساند .

باز هم در فکر توبه بود ، تلاش عالم را میکرد ، یک کسی او را به یک عالم راه نمایی نمود ، پیش آن عالم رفت و از او پرسید که من صد قتل ناحق کرده ایم آیا مرا توبه است ؟ عالم جواب داد : بلی ! توبه شما پذیرفته میشود .

پس این عالم وی را مشوره داد تا وطن خویش را ترک کند برای اینکه این وطن بدی و گناه است ، یک قریه را به او نشان داد تا آنجا برود ، مردم آن قریه مردان نیکان بودند ، تا آنجا با ایشان عبادت و بنده گی پروردگار خویش را بکند .

قاتل هم همین طور کرد ، وطن خود را بقصد آن قریه صالحان ترک کرد ، در نصف راه میعاد اجلش فرا رسید ، برای قبض روح وی ملایکه رحمت و هم ملایکه عذاب حاضر شدند ، در بین شان اختلاف آمد ، ملایکه عذاب میگفتند : ما روح اش قبض میکنیم برای اینکه وی در زنده گی خویش کاری خوب نکرده است .

ملایکه رحمت میگفتند : ما روح اش قبض میکنیم برای اینکه وی از خلوص دل توبه کشیده اینجا آمده است .  
از طرف الله یک ملایکه بشکل انسان به آنجا فرستاده شد ، ملایکه رحمت و ملایکه عذاب آن شخص را در بین خویش

حکم نمودن یعنی فیصله او را بر خود لازم گشتانند ، آن کس که هر گونه فیصله کند هر دو فریق باید آنرا به پذیرند .

آن کس چنین فیصله نمود که فاصله بین او و بین هر دو قریه را اندازه گیرند ، اگر به قریه خویش نزدیک باشد ملایکه عذاب روح او را قبض کنند و اگر به قریه مردان صالحان نزدیک باشد ملایکه رحمت روح وی را قبض کنند .

الله جباراً آن زمین را که در بین او و وطنش بود حکم نمود که دراز شود ، و آن زمین را که در بین او و قریه صالحان بود حکم کرد که باخود نزدیک آیند .

این قاتل تائب در وقت جان کندنی جیگر خویش را بالا کرد و یک اندازه به قریه صالحان خود را نزدیک تر کرد .

هنگامیکه ملایکه رحمت و ملایکه عذاب مساحت هر دو قریه را پیمانه نمودند به اندازه یک شبر به قریه مردان صالحان نزدیک بود پس ملایکه رحمت روح وی را برداشتند و الله جباراً این قاتل را مغفرت نمود . (پایان مضمون حدیث)

در مضمون حدیث یک نکته مهم تذکر یافته است آن اینکه هر کسی که از گناه توبه بکشد اگر میخواهد که بر توبه خویش ثابت بماند بایستی دیگر با بدان نشست و برخاست نکند ، خصوصاً از اختلاط و رفاقت آن کسانی خود داری کند که به همراهی آنان گناهان را میکرد ، برای اینکه همنشین بد باز به سوی گناه دعوت میدهد و



هم به نشست و برخاست آنان وی را عادت گناه یاد می آید و نفس اماره تقاضای آن را قویتر میسازد .

بلکه عوض آنان تلاش همنشینان خوب را بکند ، با نشست و برخاست صالحان عزم توبه روز به روز قویتر میگردد ، همچنان رفاقت و همنشینی صالحان سبب رحمت خداوند متعال میگردد ، در مضمون حدیث خواندید که قاتل صد نفر که باندازه یک شبر به قریه صالحان خود را نزدیک تر کرده بود الله ﷻ او را مغفرت نمود .

برادر مسلمان عزیزم ! وقتیکه قاتل که صد نفر بی گناه را کشته بود توبه کشید و به اندازه یک شبر خود را به قریه صالحان نزدیک کرد ، روح او را ملایکه رحمت قبض نمودند و هم الله ﷻ او را مغفرت نمود .

پس چه فکر میکنید که اگر حاجی پس از ادای حج به شهر مدینه که رسول الله آنرا طیبه هم نامیده است ، و جایگاه دفن رحمة للعالمین است به اخلاص تائب برود آیا آنرا از طرف خداوند متعال معافی خواهد شد ؟ آیا او از رحمت رحمن بهره مند خواهد شد ؟

محمد ﷺ آن شخصیت بزرگوار است که اگر هر کس بر خود ظلم میکرد و پس در خدمت آنحضرت ﷺ حاضر میشد

و از خداوند متعال بخشش میطلبید و محمد ﷺ او را استغفار میکرد الله ﷻ آن ظالم را میبخشید و بر او رحم میکرد چنانچه الله ﷻ در قرآن کریم میفرماید : وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا . (۶۴ النساء)

ترجمه : و اگر ایشان هنگامیکه بر خویشان ظلم کرده باشند به حضور شما بیایند و از الله ﷻ بخشش بطلبند و هم پیامبر الله (یعنی محمد) ﷺ مر ایشان را استغفار نماید هر آینه الله ﷻ توبه قبول کننده و زیاد مهربان می یابند . (پایان ترجمه)

کتاب همسفر حج اینجا به پایان میرسد و در آخر آن ذکر را تحریر میکنم که در آخر مجلس خوانده میشود اگر در آن مجلس کدام گناه کرده باشد آنرا کفاره میگردد و اگر در آخر مجلس خیر و ذکر خوانده شود برای آن ذکر و کار خیر مهر اختتامی پذیرش و قبولیت میگردد :

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ .

(ابوداود عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ)

ترجمه : تقدس و پاکیزه گی شما را ای الله ! با ستایش تو بیان میکنم ، به غیر از شما دیگر هیچ معبود بر حق وجود ندارد از شما بخشش میطلبم و بشما از گناه توبه کشیده باز میآیم .

تبیض کتاب همسفر حج صبح روز یکشنبه بتاریخ ۲ اسد سال ۱۳۹۰ مطابق ۲۲ شعبان سال ۱۴۳۲ بتوفیق خداوند متعال پایان رسید .

ربنا تقبل منا انک انت السميع العليم و صلی الله تعالی و سلم علی خاتم النبیین محمد وآله و صحبه اجمعین .



برای حجاج کرام وهم علاقمندان آموزش حج و عمره

## همسفر حج

تحفۀ بیش بها

از طرف اتصالات بطور رایگان تقدیم می شود

اداره آزاد و شخصی تعلیم الاسلام رادیو کوشش میکند تا در پهلوی نشرات رادیویی کتب معیاری و موثق را حسب ضرورت جامعه تالیف و ترجمه نماید . البته برای توزیع رایگان به همکاری شرکت های تجارتي ضرورت دارد تا هزینه چاپ کتب را بدوش بگیرد ، لهذا هر شرکت تجارتي و یا شخصیکه به این گونه خدمت متعهد باشد لطفاً با تعلیم الاسلام رادیو در تماس شود ، برای سپاس گذاری وهم توغیب دیگران اینگونه شرکت ها و اشخاص به خط زین از اداره تعلیم الاسلام رادیو به جامعه معرفی می شوند .